

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# نقد نامه کتب و متون زبان‌شناسی

به کوشش

جان‌الله کریمی مطهر (استاد دانشگاه تهران)

احمد رضانی (استادیار پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۳

سرشناسه: کریمی مطهر، جان‌الله، ۱۳۴۳ -  
عنوان و نام پدیدآور: نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی/به کوشش جان‌الله کریمی، احمد رضانی.  
مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۳.  
مشخصات ظاهری: ۳۰۹ ص.

شابک: 978-964-426-733-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: کتاب‌های درسی -- ایران -- ارزشیابی

موضوع: زبان‌شناسی -- کتاب‌های نقدشده

موضوع: زبان -- کتاب‌های نقدشده

شناسه افزوده: رضانی، احمد، ۱۳۵۹ -

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ک۴۲ ۹ الف / LB۳۰۴۸

رده بندی دیویی: ۳۷۱/۳۲۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۲۳۱۷۹



## نقد نامه کتب و متون زبان‌شناسی

به کوشش: جان‌الله کریمی مطهر و احمد رضانی

ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیر نشر: ناصر زعفرانچی

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی‌زارع

آماده سازی: عرفان بهار دوست

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: آیتنا کمالی‌ها

طراح روی جلد: مجید اکبری کلی

اجرای جلد: فرزانه صادقیان

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: الغدیر

ردیف انتشار: ۹۳-۱۳

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

ISBN 978-964-426-733-8

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۶-۷۳۳-۸

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۶۴۱۹، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فاکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

## فهرست مطالب

### پیشگفتار

– معرفی اجمالی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی (یادداشت دبیر شورا)..... ۱

### مقدمه

– معرفی گروه کتب و متون زبان‌شناسی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

(یادداشت رئیس گروه) ..... ۱۵

### نقد و بررسی کتب (فهرست عناوین کتب)

– «زبان و مسائل دانش» ..... ۲۱

– «تحول زبان» ..... ۲۵

– «سیر زبان‌شناسی» ..... ۲۹

– «زبان‌شناسی (درآمدی بر زبان و ارتباط)» ..... ۳۳

– «تفکر و زبان» ..... ۳۵

– «زبان‌شناسی: مقدمه‌ای بر زبان و ارتباط» ..... ۳۹

– «زبان و زبان‌شناسی» ..... ۴۱

– «دوره زبان‌شناسی عمومی» ..... ۴۳

– «درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر جلد ۱ و ۲» ..... ۴۷

– «نگاهی به زبان» ..... ۵۱

– «مطالعه زبان» ..... ۶۱

– «کلیات زبان‌شناسی» ..... ۶۵

– «درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر» ..... ۸۳

– «عمومی دیلچلیک (زبان‌شناسی عمومی)» ..... ۱۰۱

– «زبان‌شناسی دکارتی» ..... ۱۰۷

– «زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی» ..... ۱۱۱

– «زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی» ..... ۱۲۱

– «تاریخ مختصر زبان‌شناسی ساختگرا» ..... ۱۳۱

– «تاریخ زبان‌شناسی» ..... ۱۳۵

– «مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب» ..... ۱۴۳

## ب نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- ۱۴۹..... «ساخت زبان فارسی»
- ۱۶۳..... «نحو زبان فارسی بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی»
- ۱۶۹..... «نحو زبان فارسی و انگلیسی در قالب برنامه کمینگی»
- ۱۷۳..... «دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری»
- ۱۷۷..... «دستور جهانی چامسکی»
- ۱۸۵..... «آواشناسی زبان فارسی»
- ۱۹۱..... «واج‌شناسی: نظام آوایی زبان (نظریه و تحلیل)»
- ۱۹۵..... «واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی»
- ۱۹۷..... «آواشناسی زبان عربی (الاصوات اللغویه)»
- ۲۰۱..... «درآمدی بر روان‌شناسی زبان»
- ۲۰۷..... «روان‌شناسی و یادگیری زبان»
- ۲۱۵..... «زبان و ذهن»
- ۲۱۹..... «زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی زبان»
- ۲۲۳..... «مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی»
- ۲۳۱..... «درآمدی بر معناشناسی»
- ۲۳۷..... «منطق در زبان‌شناسی»
- ۲۴۱..... «درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی»
- ۲۴۳..... «در جستجوی نشانه‌ها (نشانه‌شناسی، ادبیات، واسازی)»
- ۲۴۵..... «کاربردشناسی زبان»
- ۲۴۹..... «معناکاو: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی»
- ۲۵۷..... «مبانی زبان‌شناسی متن»
- ۲۵۹..... «زبان روزنامه»
- ۲۷۱..... «مباحثی در دوزبانگی از دیدگاه علوم اجتماعی»
- ۲۷۹..... «ریشه‌شناسی و اشتقاق در زبان فارسی»
- ۲۸۳..... «فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو»
- ۲۹۵..... «زبان‌شناسی عملی (راهنمای بررسی گویش‌ها)»
- ۲۹۹..... فهرست داوران
- ۳۰۱..... نمایه کتب و مؤلفین

## پیشگفتار

معرفی اجمالی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

(یادداشت دبیر شورا)



## بسم الله الرحمن الرحيم

همراهی تفکر بشری با نقد نه یک نیاز تبعی که یک ضرورت انسانی است و از این رو قوه نقادی بالقوه انسان با نخستین قرارگیری دو عنصر اطلاعاتی در کنار یکدیگر (حتی در خام‌ترین صورت آن) آغاز به حرکتی فزاینده می‌کند که بهترین نشانه آن «پرسش» است؛ پرسش از نحوه جای‌گیری مواد اطلاعاتی و جابجایی داده‌ها و احیاناً لذت‌های ذهنی در قراردادن تصورات موزون و ناموزون متفاوت در کنار یکدیگر. اما نقد نه به عنوان یک خطّ کودکانه که شاید تا فلسفه خلقت نیز پیش رود!<sup>۱</sup>

چنانچه حیات اندیشه‌ورزی را به نقد بدانیم، بدون تردید نقطه ثقل یک اندیشه متدیک و نظام‌مند نیز وابسته به مولفه نقد علمی است چرا که بدون آن نه تنها ساختار یک پژوهش علمی ناب شکل نمی‌گیرد که از سویی با نقادی، خلاقیت آن تضمین شده و از سوی دیگر به پویایی بایسته خود دست می‌یابد. پس اگر در حوزه علمی - فردی نقادی را از ویژگی‌های حتمی یک پژوهشگر بدانیم،<sup>۲</sup> در حوزه علمی - اجتماعی نیز می‌توان نقد اجتماعی<sup>۳</sup> را از نشانه‌های پویای یک جامعه آزاد اندیش قلمداد کرد.<sup>۴</sup> استدلال ورزی، گفتمان انتقادی، زبان دیالوگی، روش‌مندی، نظم منطقی، ادبیات تحقیقی و مسأله

- 
۱. اشاره به یادداشتی منتشر نشده از نگارنده در سال ۱۳۷۳ تحت عنوان «بشنواری: نسبت فلسفه نقد و فلسفه خلقت».
  ۲. ر.ک: حسینی، سیدحسین، مقاله نقد و پژوهشگری، نشریه علمی تخصصی کرسی اندیشه، ستاد نهضت تولید علم و کرسی‌های نظریه‌پردازی، شماره ۹، مهر ۱۳۸۹، که در آن مقاله، نبوغ، پرشوری، جدیت، عمق، سلطه‌جویی و نقادی، از ویژگی‌های یک پژوهشگر قلمداد شده است.
  ۳. در خصوص مفهوم نقد اجتماعی (اما نه الزاماً با آنچه در متن مراد شده) و عناوینی چون نظریه نقد، فرهنگ نقد ببینید: والزر، مایکل، تفسیر و نقد اجتماعی، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷.
  ۴. ر.ک: حسینی، سیدحسین، نهضت تولید علم، کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۹۲، ص ۱۳۹ و ۱۴۵ و نیز مقاله نسبت آزاداندیشی و نقد اندیشی، نشریه علمی تخصصی کرسی اندیشه، ستاد نهضت تولید علم و کرسی‌های نظریه‌پردازی، شماره ۸، دی ۱۳۸۸، ص ۷۰

#### ۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

محوری، پاره‌ای از آن نشانه‌هاست<sup>۵</sup> که اندیشه‌اندیشمند و پژوهش‌پژوهشگر و نقادی منتقد را در مدخل فضای بایسته و شایسته خود قرار می‌دهد.

در چنین جایگاهی اگر نقد را در یک معنای کلی «تحلیل امتیازات و کاستی‌های یک دیدگاه»<sup>۶</sup> و در یک فراگرد دیگر و در معنا و مفهومی نزدیک‌تر «بررسی، تحلیل و ارزیابی علمی نقاط قوت و ضعف یک موضوع در ابعاد شکلی و محتوایی آن با توجه به معیارهای علمی مورد نظر» بدانیم<sup>۷</sup>، آنگاه می‌توان در دو «سطح فرهنگ عمومی» و «فرهنگ علمی» از توسعه و ترویج آن در جامعه سخن گفت؛ یعنی هم در لایه‌های تودرتوی جامعه فرهنگی و نیز در دامنه‌های درهم تنیده جامعه علمی. چه این که در سطح نخست، سبب توجه عمیق به عمق مسایل اجتماعی، دوری از ظاهر بینی و سطحی‌نگری‌ها، و پرهیز از تظاهرگرایی و چاپلوسی‌هاست و در سطح دوم، اولاً می‌تواند عامل تولید علم باشد (چه این که بدون نقد دستاوردهای علمی پیشین، ابداع و تولید مکاتب و اندیشه‌های جدید علمی ممکن نیست) و ثانیاً بهترین نیروی محرک آزاداندیشی علمی محسوب می‌گردد چرا که نقد در برابر تقلید است و آزاداندیشی نیز بی‌تحقیق علمی راه به جایی ندارد و البته پژوهش علمی ناب با تقلید صرف و بدون نقد، ایستادن در مرز اندیشه است و نه راه بردن به دروازه‌های دانش.

با این همه، نقد علمی در زمانه ما نیازمند «اصول علمی» و «آداب اخلاقی» است و البته سزاوار است از این فراتر، به «منظومه نقد پژوهی» نیز بیان‌دیشیم. و در آن منظومه متکثر و پیچیده باید به نقشه راهی دست یافت که بتوان ساختار پژوهش پیرامون نقد را به درستی و راستی ترسیم و تنظیم نمود. طرح مسایل و پرسش‌های بایسته در حوزه نقد، تحلیل و تبیین نسبت نقد با قلمرو تخصص‌ها و گرایش‌های گوناگون رشته‌های علوم انسانی، اولویت‌بندی و تقسیم‌بندی آنها، بخشی از کارستری است که هم اکنون پی‌ریزی پایه‌های آن در جامعه علمی ایرانی اسلامی ما، بردوش اندیشمندان علوم انسانی سنگینی

۵. ر.ک: حسینی، سیدحسین، مقاله سامانه پژوهش، کتاب و نقد، خلاصه مقالات همایش تخصصی کتاب، پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، آذر ۱۳۸۸.

۶. ر.ک: حسینی، سیدحسین، مقاله نقد نقد، نشریه علمی تخصصی کرسی اندیشه، ستاد نهضت تولید علم و کرسی‌های نظریه‌پردازی، شماره ۷، آبان ۱۳۸۷، ص ۳۲

۷. ر.ک: CD کارگاه پژوهشی متد نقد کتب در حوزه علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، خرداد ۱۳۹۲.

## پیشگفتار ۵

می‌کند. نخستین انتظار از تنظیم چنین منشوری (که در واقع حکم ثبت یک نظام جامع نقد را دارد) آن است که نحوه قرارگیری یک رشته تخصصی علوم انسانی، یک واحد سازمانی دانشگاهی و یک پژوهشگر را در یک مرحله و در مرحله دیگر، نسبت کل رشته‌ها با یکدیگر (در تبادل و تراپا آنها) و نیز نسبت مراکز آموزشی و پژوهشی دانشگاهی، و همچنین نسبت اعضا هیئت علمی و صاحب‌نظران را در یک مجموعه کلان، روشن خواهد کرد. ترسیم چنین منظومه عظیمی مقدمه دو انقلاب علمی دیگر را فراهم می‌سازد؛ در آغاز می‌تواند زمینه‌ساز تحقق شبکه نقد علمی و اجتماعی شود؛ شبکه‌ای که سامانه نقد پژوهشی را در بستر جامعه علمی کشور پایه‌گذاری کند و در گام پسین، زمینه‌ساز تولید علوم جدید و نظریه‌پردازی‌های علمی و اجتماعی<sup>۸</sup> در قلمروهای گوناگون خواهد شد. گرچه نقد اندیشه و یا نقد یک اثر علمی (اعم از کتاب، مقاله، یادداشت علمی یا طرح پژوهشی) فی‌نفسه موضوعیت داشته و دارای بار علمی و ارزشی خود است و نبایستی صرفاً نقد را امری ابزاری و درجه دوم به حساب آورد اما جدای از این مقصود، در این گام نیز، نقد نظریه‌های موجود (اعم از ایرانی و غیر ایرانی و یا اسلامی و غیراسلامی) می‌تواند زمینه‌ای جهت نظریه‌پردازی‌های نوینی در حوزه بومی و اسلامی قرار گیرد. در این میان و به وزن مباحث نقد مضمونی در نقد آثار هنری، پرسشی بایسته است؛ که آیا باید همانند افرادی چون «ژرژ پوله»، نقد را به غایت، شهودگرایانه دانست به نحوی که کمترین بها را به شکل و فرم دهیم یا این که شکل و محتوا را واقعیت‌های جدایی‌ناپذیر بدانیم؟ در نگاه پوله وی معتقد است برای نیل به هسته اندیشه یک اثر که مقدم بر هر ساخت و شکلی است، باید شکل و ساختارها را کنار زده تا به آن واقعیت انتزاعی مقدم و از پیش موجود غیرمادی دست یافت و لذا نقد وی به دنبال یکی شدن با این آگاهی درونی و شهودی است و درصدد است با پس زدن شکل‌ها و ساختارها، آگاهی آغازین و ناب نویسنده را از هستی درک کند.<sup>۹</sup>

---

۸. ر.ک: حسینی، سیدحسین، مقاله نظریه‌پردازی جمعی، همایش نظریه‌پژوهی، پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، دی ۱۳۸۹ و نیز: نهضت تولید علم، کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی، ص ۱۲۵.

۹. ر.ک: بابک معین، مرتضی، نقد مضمونی، آراء و اندیشه‌ها و روش‌شناسی ژرژ پوله، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱ و ۵.

## ۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

اگر این سخن در حوزه آثار هنری جای طرح داشته باشد، باید دید آیا در حوزه نقد اندیشه‌های علوم انسانی نیز (در همه جایگاهان آن) مسأله به همین صورت تحلیل می‌شود. اولین نکته آن که با همه همدلی منتقد با جهان خالق یک اثر امکان دستیابی به آگاهی ناب و شهودی نویسنده اثر وجود دارد؟ اگر مسأله از سنخ شهود است که جهان شهودی هر فردی مختص خود و متفاوت با هر آن دیگری و البته غیرقابل دسترس خواهد بود. دومین این که در دایره نقد اندیشه در حوزه علوم انسانی، همدلی منتقد با مؤلف نه صرفاً برای رسیدن به حسّ ناب مشترک که به جهت فهم و درک درست نظام اندیشه‌ای و تفکرات یک اندیشمند است. سوم، همان‌گونه که احساس ناب با همه درجه خلوص اش مادام که صورت بیرونی نیابد قابل تشخیص نیست، به طریق اولی چنانچه تفکر انتزاعی ذهنی، شکل و شمایل سخن، کلام و گفتار عینی پیدا نکند، قابلیت مذاکره و گفتگوی علمی، نقد و بررسی، و سنجش و مقایسه صحت و سقم نخواهد یافت و لذا هر اندیشه‌ای باید صورت مکتوب علمی یافته و همراه با «شواهد و استدلال و تحلیل و بررسی» شود تا بتوان پیرامون راستی و ناراستی و درستی و نادرستی آن سخن گفت و به این منظور محتوای علمی یک اندیشه، محتاج شکل و صورت علمی می‌شود تا از زاویه این قالب بتوان به باطن آن محتوا نظاره کرد و ارزیابی دقیقی از آن ارائه داد. بنابراین در یک کلام، نقد محتوایی یک اندیشه با نقد شکلی آن همراه و عجین می‌گردد.

نه تنها براساس این منطق که به ضرورت کاربردهای علمی و عملی دیگر نیز در «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی»، نقد و تحلیل و بررسی کتب و متون علوم انسانی از دو زاویه شکلی و محتوایی مورد نظر قرار گرفته و به همین جهت برای داوری علمی پیرامون یک اثر، مؤلفه‌های گوناگونی در دو بُعد بیرونی - صوری - شکلی و نیز درونی - باطنی - محتوایی مطرح، و هر کتابی بر اساس این شاخصه‌ها به سپهر تحلیل علمی می‌افتد. بر این بنیان «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» با در اختیار داشتن ۱۳ گروه تخصصی<sup>۱۰</sup> در تمامی رشته‌ها و حوزه وسیع علوم انسانی، تنها مجموعه دانشگاهی و علمی

---

۱۰. گروه‌های تخصصی «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» عبارتند از: گروه ۱- علوم سیاسی ۲- علوم اجتماعی ۳- فلسفه و کلام ۴- علوم تربیتی ۵- روانشناسی ۶- روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی ۷- فقه و حقوق ۸- تاریخ، هنر و باستان‌شناسی ۹- زبان و ادبیات فارسی ۱۰- زبان و ادبیات عربی ۱۱- زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی ۱۲- اقتصاد و ۱۳- مدیریت

## پیشگفتار ۷

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی است که با قریب به ۱۸ سال سابقه فعالیت خود در زمینه بررسی، تحلیل، ارزیابی و نقد متون و کتب علوم انسانی و با مشارکت صاحبان نظران و شبکه پویای استادان حوزوی و دانشگاهی سراسر کشور، همچنان پرشتاب، اما نجیبانه به فعالیت تعریف شده خود ادامه می‌دهد.

از جمله سیاست‌های اصلی این شورا کمک به رشد تفکر انتقادی در تولیدات علمی دانشگاهی بود و در آغاز فعالیت خود به این نتیجه رسید که تولید علم در حوزه علوم انسانی بدون توجه به نقد وضعیت موجود و البته نقد محتوای کتب درسی دانشگاهی و منابع علمی موجود، موجب ارتقاء این علوم نخواهد شد. اما افزون بر این، اهداف دیگری نیز دنبال می‌شد مانند: توسعه فرهنگ نقد در جامعه علمی، تقویت جایگاه علوم انسانی در کشور، نسبت‌سنجی سازواری تولیدات علوم انسانی با مبانی فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی، تدوین و اصلاح سرفصل‌ها و برنامه‌های آموزشی علوم انسانی و یا تولید متون دانشگاهی با رویکرد اسلامی - ایرانی.

گرچه در طول این سال‌ها در مسیر فعالیت‌های شورا فراز و نشیب‌های بسیاری وجود داشته اما با همه تنگناها و مشکلات، نیت خیر و صفای صدق بانیان اصلی، انگیزه عالی و هدفمند اعضا، همراهی اندیشمندان استادان و صاحبان نظران حوزه و دانشگاه، همکاری مشفقانه مدیران و یاری مجدانه اعضا دبیرخانه شورا، سبب شده تا این نهاد علمی به دور از هیاهوهای ظاهری کار خود را با اتقان پیش برد و متناسب با شرایط، نقاط قوت و ضعف خود را ارزیابی کند. در این راستا از سال ۱۳۹۰ همزمان با رویکرد جدید مدیریتی که به ساختار شورا و کیفیت و کمیت فعالیت‌ها و برون‌دادهای آن صورت گرفت، مجموعه دستاوردها و کارهای آن شتاب روزافزونی به خود گرفته و شاهد تغییر و تحولات بنیادینی بوده‌ایم. در این ردیف نقد و تحلیل نظریه‌های مطرح و تاثیرگذار جهانی در قالب کتب و متون تراز جهانی در دستور کار گروه‌های تخصصی شورا قرار گرفت تا به این طریق علاوه بر ترویج جریان نقد در مراکز دانشگاهی، نقد علمی، جامع و نظام‌مند نظریات مطرح در گستره علوم انسانی معاصر و به ویژه غربی مورد لحاظ بوده و پیاپی تولید علوم انسانی اسلامی - ایرانی متناسب با مقتضیات جدید جهان علمی راهی به سوی تحقق بیابد. انتخاب متون براساس تقسیم‌بندی ملی و جهانی، در نظر داشتن متون آکادمیک جهانی و نه صرفاً متون ترجمه‌ای، و همچنین ارائه نقدهای نظریه محور و نه صرفاً متن محور، بخشی از آثار این رویکرد جدید است.

## ۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

امیدوارم بتوانیم این تلاش مضاعف را با مدیریت بهینه، ذهنیت خلاق و همیاری مراکز و اندیشمندان علوم انسانی به سمت چنان هدفی پیش ببریم که در آینده‌ای نه چندان دور مراکز علمی و پژوهشی در ایران، به عنوان مراجع نقد علمی آخرین دستاوردهای روز علوم انسانی جهان به حساب آیند.<sup>۱۱</sup>

بی‌گمان هریک از گروه‌های تخصصی شورا براساس اساس‌نامه و آیین‌نامه‌های موجود، وظایف و برنامه‌های خود را در حیطه‌ی عناوین مختلفی تنظیم می‌کنند مانند: برگزاری جلسات گروه، ارائه‌ی نقدنامه‌های تخصصی حاوی داوری و نقد کتب ملی، ارائه‌ی نقدنامه‌های متون در تراز جهانی، ارائه‌ی مقالات علمی پژوهشی نقد متون جهت چاپ در نشریه علمی پژوهشی پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌ریزی درسی، طرح‌های پژوهشی، طرح تألیف کتاب، برگزاری همایش، کارگاه و نشست‌های تخصصی، برگزاری جلسات نقد نظریه‌های علمی، برگزاری جلسات مشترک نقد کتاب با مولفین و ناقدین و...

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های گروه‌های تخصصی، تنظیم و چاپ نقدنامه‌های تخصصی در حوزه‌ی رشته‌ی خاص خود است که محصول یک فرایند طولانی و بسیار پر زحمت می‌باشد. هر نقدنامه حاوی خلاصه‌ی جمع‌بندی نهایی داوری‌های علمی انجام شده در خصوص کتب منتخب در هر گروه خواهد بود؛ گروه‌های تخصصی که متشکل از استادان و صاحب‌نظران مرتبط با رشته تخصصی بوده و غالباً از گرایش‌های گوناگون در آن رشته خاص و با پوشش تمامی دانشگاه‌های کشور برگزیده می‌شوند و از لحاظ ساختار مدیریتی، هر گروه متشکل از رئیس، (به‌عنوان مسئول اصلی و مدیر علمی) و نیز دبیر گروه (به‌عنوان بازوی اجرایی و پی‌گیری امور گروه) و همچنین اعضاء گروه (به‌عنوان بدنه‌ی اصلی علمی مجموعه) است. روند اجمالی بررسی و نقد کتب در گروه‌ها بدین شکل است که کتاب‌ها و متون مورد نظر پس از معرفی از سوی اعضاء گروه و یا مراکز و یا اعضاء هیئت علمی دانشگاه‌ها، در گروه مطرح شده و جهت نقد و بررسی انتخاب می‌شوند و سپس برای حداقل ۲ استاد صاحب‌نظر به همراه فرم‌های مخصوص نقد و داوری ارسال می‌گردند. منتقدین مورد نظر براساس فرم‌های نقد و بررسی که حاوی پرسش‌های متعدد و جامع شکلی و محتوایی است، متن منتخب را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و پاسخ‌های خود را

۱۱. ببینید: شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، شیوه‌نامه نقد و تحلیل آثار و کتب در تراز جهانی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بهمن ۱۳۹۰.

## پیشگفتار ۹

در جداول منعکس می‌کنند. این پاسخها در جلسه تخصصی گروه توسط استادان رشته، مطرح و به بحث گذارده شده و چنانچه نیاز به بازبینی داشته، پس از نظر بازبین تحریر شده و نهایتاً در فرم‌های مخصوص، جمع‌بندی نظرات در قالب ابعاد شکلی و محتوایی و نقاط قوت و ضعف، چکیده‌سازی خواهد شد و به تأیید نهایی گروه می‌رسد تا در فرجام کار (به فراخور حال و نظر گروه) برای مولف، ناشر، گروه علمی، دانشکده، و یا سایت شورا ارسال و منعکس گردد. در نامه‌های ارسالی به مولفین و ناشرین محترم از آنها دعوت می‌شود در جلسه‌ای که به همین مناسبت توسط گروه مربوط منعقد می‌شود شرکت جسته تا نظرات منتقدین و مولفین به بحث و تبادل نظر علمی مشترک گذارده شود. از سوی دیگر از منتقدین کتب و متون درخواست می‌شود مجموعه دیدگاه‌های انتقادی خود را پیرامون متن مورد داوری در قالب یک دستورالعمل پیشنهادی<sup>۱۲</sup> به صورت یک «مقاله نقد» تنظیم کنند تا این امکان نیز فراهم گردد که مقالات پژوهشی منتقدین از طریق نشریات پژوهشی شورا و همچنین وسایل ارتباطی دیگر در اختیار شبکه علمی فرهیختگان کشور قرار گیرد و بدین وسیله چرخه نقد علمی رونق یابد. آنچه می‌تواند این فرایند را تکمیل و بر بالندگی آن بیافزاید امکان تحقق «سامانه نقد نقد» است که در پی هر نقدی، نقدی دیگر؛ پخته‌تر و فربه‌تر، پی در پی درآید تا نبض زنده نقد در سائقه جامعه علمی، پر تفتن در حال حرکت آمده و علاوه بر این، لایه‌های گوناگون مسایل علمی به تحلیل و تبیین لازم درآید، و جامعه نخبگانی نیز از این پیکره پردغدغه بهره‌های علمی لازم را ببرد.

پرواضح است که فرایند نقد متون؛ از برگزاری جلسات گروه تا گزینش متن و ارسال فرم‌ها و جمع‌آوری و جمع‌بندی کار، روندی زمان‌مند است، اما آنچه برای گروه‌های تخصصی شورا اهمیتی دوچندان یافته، دقت در افزایش کیفیت علمی نقدها و کم کردن زمان حصول نتیجه خواهد بود و با وجود این که فرم‌های نقد و بررسی متون، چندین دوره مورد تجدید نظر و بازنویسی قرار گرفته و از این حیث می‌توان اذعان کرد که در موقعیت خود از نصاب بالای ملاک‌های علمی برخوردار است، اما همچنان تا در برداشتن تمامی شرایط مطلوب و جامع، فاصله وجود دارد که امیدواریم قدم به قدم این مرزها کمتر شود.

---

۱۲. رک: شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، فرم نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی (کتب ملی)، ص ۹

## ۱۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

با این توضیحات مجموعه پیش رو تحت عنوان «نقدنامه گروه تخصصی» یکی از دستاوردها و محصولات گروه‌های «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» است که برآمده از یک روند پرتکافو بین سه حلقه «شورای مرکزی»، «گروه تخصصی» و «دبیرخانه شورا» است و بر این پایه، بایسته است خوانندگان فرهیخته به این نکات توجه کنند:

۱- تجربه نقد و بررسی متون علمی به شیوه جاری یک تجربه نو و جدید است و از این رو باید به لوازم و مقتضیات چنین امری آن هم در جامعه‌ای که هنوز فرهنگ نقد جای و گاه ضروری و لازم خود را نستانده، توجه درخور داشت و به ویژه صبوری، آداب دینی و اخلاقی، و الزامات نقادی علمی را مدنظر قرار داد.

۲- یکی از مهم‌ترین اهداف «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» از چاپ و نشر نقدنامه‌های گروه‌های تخصصی، علاوه بر ترویج جریان نقد علمی، دعوت خاضعانه از همه صاحب‌نظران و به خصوص مؤلفین محترم برای شرکت در «سامانه نقد نقد» است تا چرخه «ان قلت علمی» بر مدار یک مسأله پژوهشی بتواند به روشن شدن ابعاد آن و حل و تحلیل مسایل و معضلات روزآمد جامعه (از منظر کارکردهای علوم انسانی) منتهی گردد.

۳- فرهیختگان محترم باید در نظر آورند که مجموعه عملکرد طولانی و دقت نظرهای استادان، نهایتاً در یک یا دو صفحه جمع‌بندی نهایی می‌شود که در واقع چکیده ده‌ها صفحه مطلب و داوری‌های موجود است. اگرچه براساس آیین‌نامه‌های شورا مسئولیت علمی نهایی جمع‌بندی‌ها با رئیس گروه است اما با همه مراقبت‌های گروه، به صورت طبیعی این امکان وجود دارد که در مواردی، مقاصد مؤلفین و یا حتی مطالب منتقدین به‌درستی و با ظرافت منعکس نشده باشد و لذا در این فرض با مراجعه به اصل متن و یا اصل نقد باید به رفع ابهام مبادرت ورزید.

۴- گاه در یک گروه بین نقدهای ارائه شده از جهت تعداد صفحات و یا حتی شیوه ارائه نقد، و گاه بین گروه‌های مختلف شورا، ممکن است وحدت رویه کامل و جامعی در نقد نامه‌ها مشاهده نشود که این امر ریشه در آزادی عمل تشخیص گروه یا تفاوت سبک و رشته‌های تخصصی و یا تفاوت سیاق کتب مورد نقد دارد؛ و گرچه نباید و نمی‌توان سبک و سیاق ۱۳ گروه تخصصی را در دامنه پر پیمانۀ خانواده بزرگ علوم انسانی کاملاً با

## پیشگفتار ۱۱

یکدیگر یکسان‌سازی کرد اما درصدد هستیم با حفظ روحیهٔ خلاقیت گروهها، تفاوت‌های صوری را به حداقل برسانیم.

۵- در مجموعهٔ منشورات پیش روی نقد نامه‌های گروهها در سال ۱۳۹۰، سعی بر آن بوده برای نخستین بار، شکل ارائه و قالب کار همسان باشد تا علاوه بر رفع نسبی اشکال پیش یاد، همهٔ آنچه لازم است یک نقدنامهٔ تخصصی در حوزهٔ علوم انسانی واجد آن بوده، دارا باشد. امیدواریم با همت مثال زدنی رؤسا و دبیران محترم گروهها بتوانیم در منشورات بعدی در جهت کیفی‌سازی لازم حرکت کنیم.

سخن آخر، دعوت از همهٔ اندیشمندان، پژوهشگران و مؤلفین محترمی است که کتب آنها در این مجموعه مورد نقد و بررسی قرار گرفته تا با ارسال نظرات و نقدهای خود ما را مفتخر به یاری رسانند.

لازم است از ریاست محترم «شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی» جناب آقای دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی و همهٔ همکاران ایشان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به پاس حمایت‌های مستمر خود تشکر کرده و به ویژه به دوستان عزیز و اعضاء سخت‌کوش دبیرخانه شورا خانمها: اسماعیلی و محسنی و آقایان: مقیسه، نجف‌پور، نصیری و شهابی، درودی بی‌کران بفرستیم.

همچنین سپاس‌گزاری خالصانهٔ خود را از تلاش‌های ارزشمند استاد گرانمایه جناب آقای دکتر جان‌الله کریمی مطهر رئیس محترم گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی و نیز دبیر گروه جناب آقای دکتر احمد رضانی که توأمان زحمات اصلی تهیه و گردآوری این مجموعه را برعهده داشته‌اند، اعلام کرده و امیدوارم پس از این شاهد به بار نشستن سایر فعالیت‌های چشمگیر این عزیزان باشیم.

سیدحسین حسینی

دبیر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

۱۳۹۲/۵/۵



## مقدمه

معرفی گروه زبان شناسی  
شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی

(یادداشت رئیس گروه)



گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی به صورت رسمی از تاریخ ۷۵/۱۰/۲۰ با حضور ۹ تن از اساتید صاحب نظر شروع به فعالیت کرد. در طول این سال‌های گذشته تلاش شد گروه به عنوان یک مرجع نقد کتب آموزشی و پژوهشی رشته‌های مختلف زبان‌های خارجی در سطح دانشگاه‌های کشور معرفی گردد و به صورت علمی تازه‌های نشر این حوزه را مورد نقد و بررسی قرار دهد. همیشه تلاش گردید این فکر در سطح جامعه علمی و دانشگاهی کشور القاء گردد که مرجعی در سطح کشور وجود دارد که کتاب‌های مختلف حوزه زبان‌شناسی و زبان و ادبیات خارجی را بلافاصله مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

گروه، برای رسیدن به اهداف خود به نقد و بررسی کتاب‌هایی پرداخته که در دانشگاه‌های کشور به عنوان منابع اصلی و فرعی درس‌ها معرفی و تدریس می‌شوند. در این نقد و بررسی‌ها به طور کلی داوران کوشیده‌اند با در نظر داشتن معیارهای مندرج در فرم‌های تهیه شده از سوی شورا، درباره کتاب‌ها اظهار نظر نمایند و در معرفی بهترین منابع برای تدریس در دانشگاه‌ها، برخوردار بودن مآخذ از ملاک‌های زیر را لحاظ کنند و آن‌ها را از مؤلف کتاب انتظار داشته باشند:

۱. تناسب حجم کتاب با تعداد واحد درس معین؛
۲. هماهنگ بودن عناوین کتاب با محتوای آن و رعایت قواعد زبان فارسی و نکات بلاغی و کاربرد صحیح شیوه‌های نقلی، توصیفی، برهانی و تحلیلی در تدوین کتاب و در تناسب با موضوع آن؛
۳. به‌روز بودن و غنای مطالب کتاب و بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری در حوزه مربوطه؛
۴. استفاده از اصطلاحات تخصصی مناسب و معادل‌های مقبول در حوزه تخصصی اثر؛
۵. تناسب محتوایی اثر با تعداد واحدهای درس معین

## ۱۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

۶. استفاده مؤلف از منابع متعدد و معتبر و روزآمد از حیث علمی و رعایت تسلسل و انسجام منطقی مطالب در کل متن؛
۷. مطمح نظر قرار دادن اصول اخلاقی و مغایر نبودن آثار با ارزش‌های اسلامی، ایرانی و بومی؛
۸. رعایت سایر نکات فنی و ویرایشی که از سوی شورای بررسی متون در فرم‌هایی به منظور نظرخواهی از صاحب‌نظران، تدوین شده تا کتاب‌های موجود را نقد و بررسی و بر اساس ضوابط علمی، محاسن و معایب آثار را تدوین کنند.
- بر اساس شیوه‌نامه مصوب شورای بررسی متون، هر کتاب برای داوری برای دو تن از اعضای صاحب‌نظر هیئت علمی دانشگاه‌ها یا مؤسسات طراز اول تحقیقاتی سراسر کشور ارسال می‌شود. برای انتخاب داوران نیز معیارهایی چون صاحب‌نظر بودن در حوزه آن کتاب و تدریس درس در رابطه با کتاب مطمح نظر بوده است. فرم‌های داوری را دو نفر دیگر به عنوان بازبین ملاحظه و نتیجه داوری‌ها را در قالب فرم‌های بازبینی برای طرح در جلسه گروه عرضه می‌کنند. پس از آن گروه تخصصی زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی که متشکل از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی مختلف است نظر خود را به صورت نهایی درباره کتاب اعلام می‌نمایند.
- در طول ۱۶ سال گذشته حدود ۱۰۰ نفر از اساتید برجسته زبان‌های خارجی دانشگاه‌های مختلف کشور به عنوان اعضا و داوران این گروه همکاری داشته‌اند و حاصل این همکاری بررسی و نقد ۱۲۳ کتاب است. همچنین گروه در طول این مدت ۶ عنوان کتاب تألیف و ۱۵ نشست تخصصی برگزار کرده است. جهت استفاده بهتر از دیدگاه‌های داوران محترم گروه مقرر گردید داوری‌های اساتید محترم در قالب نقدنامه‌های تخصصی چاپ و مورد بهره‌برداری گسترده صاحب‌نظران و علاقه‌مندان این حوزه قرار گیرد. مجموعه حاضر حاصل این تعاملات فکری است که ضمن قدردانی از تمام عزیزانی که در راستای برآوردن این هدف گروه را یاری نموده و حاصل اندیشه و تلاش خود را در اختیار علاقه‌مندان اعم از اساتید، دانشجویان و... نهادند، تقدیم می‌شود. همچنین حمایت‌های مستمر جناب آقای دکتر حمید رضا آیت‌اللهی، ریاست محترم شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، درخور تشکر و سپاس فراوان است. از مساعی ارزنده

## یادداشت رئیس گروه ۱۷

دبیر محترم شورای بررسی متون آقای دکتر سید حسن حسینی، و همکاران ایشان به‌ویژه آقای حسین مقیسه مسئول محترم دبیرخانه سپاسگزاریم. در این نقدنامه کتاب‌هایی از رشته زبان‌شناسی در حوزه‌های مختلف (آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، ساخت‌واژه و ...) مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. شایان ذکر است که برخی از کتاب‌های نقد شده در این مجموعه، توسط نویسندگان و مترجمان مورد بازنگری و ویرایش قرار گرفته‌اند. بنابراین حین خواندن متن نقد باید به سال نشر اثر نیز توجه کرد. در حقیقت این اثر به مستندسازی نقدهای انجام شده در سال‌های گذشته پرداخته است. با این حال، در صورتی که مولفان یا مترجمان کتاب‌های مورد نقد و بررسی قرار گرفته توضیح و یا پاسخی در مورد نقدهای چاپ شده داشته باشند، در شماره‌های بعدی نقدنامه‌های گروه به چاپ خواهد رسید. در ضمن گروه آمادگی دارد جلساتی را با حضور مولفان، داوران و علاقمندان این حوزه برگزار نماید. امید است خوانندگان محترم این مجموعه، پس از مطالعه آن، نظر و پیشنهاد خود را جهت پربارتر شدن نقدهای این گروه به نشانی دبیرخانه شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی ارسال فرمایند. گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی مشتاقانه پذیرای نقدها و پیشنهاد‌های همه همکاران و خوانندگان عزیز خواهد بود.

جان‌الله کریمی‌مطهر

گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی  
شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی



نقد و بررسی کتب



## «زبان و مسائل دانش»

مؤلف: نوآم چامسکی

مترجم: علی درزی

ناشر: آگه

سال نشر: ۱۳۷۷

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۴۸

**نقاط قوت:**

**شکلی:**

از نظر حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و سایر ویژگی‌های شکلی قابل قبول است.

**محتوایی:**

منطبق بودن اثر با عنوان و فهرست، ارائه اطلاعاتی نسبتاً مهم در مورد دستور گشتاری، برخورداری از انسجام مناسب، و هم‌چنین مفید بودن مطالب از نقاط قوت اثر هستند.

**نقاط ضعف:**

**شکلی:**

وجود مشکلات ویرایشی، روان و رسا نبودن متن اثر و ترجمه جمله به جمله متن در برخی موارد از نقاط ضعف اثر است. ترجمه مذکور نسبتاً سنگین است.

## ۲۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

### محتوایی:

بخش اندکی از درس دستور گشتاری را پوشش می‌دهد؛ آزمون و تمرین‌های مناسب ندارد؛ مأخذ و منابع مورد استفاده در اثر نیامده است؛ ترجمه به علت لفظ به لفظ بودن آن ملال‌آور است. اصول نگارش زبان فارسی رعایت نشده است؛ منابع متعددی در اصل کتاب وجود دارد که در ترجمه نیامده است. از معادل‌های تخصصی مناسب استفاده نشده است.

### پیشنهادها:

منابع اصلی به‌طور کامل در پایان کتاب درج و کتاب پس از تصحیح، ویرایش شود.

### نقد تفصیلی:

متن ترجمه در مواردی سنگین است و رنگ و بوی ترجمه دارد. البته باید اذعان داشت که اصل اثر نیز سنگین و دشوار است. نگارش اثر متأسفانه روان و رسا نیست برای مثال، در صفحه ۳۰ می‌خوانیم: «این پارامتر ممکن است دارای یک ارزش و یا ارزش دیگر باشد». در این جمله ساخت زبان انگلیسی به ساخت زبان فارسی تحمیل شده است. متأسفانه با وجود آن‌که اثر ترجمه شده ویرایش شده است اما اغلاط و ایرایشی فراوانی وجود دارد. از جمله تکرار حروف اضافه یکسان مانند جمله «روشن است که با این بازی با کلمات به هیچ جا نمی‌رسیم» (ص. ۲۵). یا عبارت «اما لازم نیست پیچیدگی‌ها و حدود و شعور دقیق این مفهوم...» که به نظر می‌رسد «حدود و شعور» درست باشد (ص. ۴۸).

کیفیت اثر از نظر حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و غیره نسبتاً خوب است. کتاب حاضر به عنوان واحد درسی کاربرد ندارد ولی یک کتاب مبنایی محسوب می‌شود. اثر مذکور تنها بخش کوچکی از دستور گشتاری را در بر می‌گیرد و از این‌رو به نظر می‌رسد حجم اثر مناسب باشد.

برخی اصطلاحات به درستی ترجمه نشده‌اند. معادل‌سازی به‌طور کلی اشکالاتی دارد مانند "case assignment" که «اتلاق حالت» ترجمه شده است، در حالی که معادل آن اسناد حالت یا نسبت دادن حالت است. یا "semantic role" به معنای «نقش معنایی» است نه «اتلاق نقش معنایی». "modularity" ترجمه شده است به

## زبان و مسائل دانش ۲۳

«ایدئولوژی بخش بخش بودن» که معادل نامناسبی است. «Clitic» «پی‌بست» است که «پی‌چسب» ترجمه شده است و «agreement» «مطابقت» است نه «تطابق».

اثر از نظر بحث مقدماتی و جمع‌بندی نهایی خوب است اما از تمرین و آزمون و نمودار و جدول در سراسر کتاب چیزی به چشم نمی‌خورد.

این اثر فقط بخش کوچکی از درس دستور گشتاری را در بر می‌گیرد و از این رو به عنوان بحث مقدماتی قابل طرح است. کتاب مبنایی فلسفی از ماهیت زبان را نیز ارائه می‌کند و البته از آن جایی که به قلم یکی از دانشمندان عصر حاضر (چامسکی) نگارش یافته است اثرگذار و مستدل است. کتاب حاضر به طرح فلسفه زبان و ذهن می‌پردازد و کتاب درسی دانشگاهی (به عنوان منبع اصلی تدریس برای واحدی خاص) نیست. اما برای دانشجویان دکتری که به مباحث فلسفی زبان علاقه‌مند هستند می‌تواند مفید باشد.

محتوای اثر کاملاً منطبق با عنوان اثر که «زبان و مسائل دانش» است مطابقت دارد. زیرا نویسنده ابتدا با پرداختن به ساخت زبان در فصل‌های ۲ تا ۴، در فصل ۵ ذهن را مورد بررسی قرار داده است که مربوط به مسأله شناخت و دانش است. از این رو عنوان کاملاً نشان‌دهنده محتوای متن است.

مطالب کتاب مربوط به سخنرانی چامسکی در ماه مارس ۱۹۸۶ است. از آن زمان تاکنون گرچه چارچوب نظری چامسکی چندان تغییر نیافته است اما در جزئیات شاهد تحولات زیادی در زمینه دستور گشتاری و ارائه برنامه تحقیقاتی کمینه‌گرا هستیم. از این نظر کتاب چندان روزآمد نیست و جزو تاریخ نظریات زبان‌شناسی محسوب می‌شود اما کتاب در زمان خود سراسر نوآوری و ابداع است.

نظم منطقی هر فصل بسیار خوب و مطالب منسجم ارائه شده‌اند. در کل اثر نیز ابتدا مباحث مقدماتی و سپس ساخت زبان و ساخت ذهن و سرانجام نتیجه‌گیری آمده است و کاملاً منسجم و منطقی است.

منابع متعددی در کتابنامه دیده می‌شود که متأسفانه در ترجمه فارسی مشاهده نمی‌شود. میزان دقت در استنادات و ارجاعات در اثر اصلی قابل قبول است.

ترجمه حاضر را می‌توان ترجمه جمله به جمله دانست. اگر به جای این کار مترجم محترم از ترجمه آزاد مبتنی بر متن استفاده می‌کرد فرم اثر آسان‌تر و کلام روان‌تر می‌شد. به طور کلی برای فارسی زبان خواندن متن خسته‌کننده و ملال‌آور است و اشکالات ساختی و نگارشی زیادی از نظر زبان فارسی دارد. کیفیت ترجمه چندان خوب

## ۲۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

نیست. مثلاً در صفحه ۴۹ می‌خوانیم: «نتیجه‌ای که بر اساس ملاحظاتی از این است کاملاً متقن می‌نماید این است که برخی از احکام مستقل از هر تجربه‌ای صحیح دانسته می‌شوند.» یا در صفحه ۳۹: «در حال حاضر پی بردن به این که در مواردی از این است مشکل جدی و نسبتاً مرموز سر بر می‌آورد کفایت می‌کند، ...».

معادل‌یابی برخی اصطلاحات بسیار ضعیف است و سعی نشده است از معادل‌های معمول و متداول استفاده شود.

هیچ‌گونه توضیحی از سوی مترجم ارائه نشده است و اصولاً فهم اثر ترجمه بدون مراجعه به اصل انگلیسی امکان‌پذیر نمی‌نماید.

از کلمات تکراری استفاده شده که گاهی مخل اصول نگارش است مانند: «کنون اینک به واسطه درک ما از رابطه آن‌ها با واقعیت‌های فیزیکی ...» (ص. ۲۱).

در حالت کلی می‌توان گفت:

- ۱- ترجمه به طور کلی ضعیف است.
- ۲- برخی نکات فنی توسط مترجم محترم به خوبی درک نشده است و مترجم برای آن‌که ترجمه‌ای ارائه نماید متوسل به ترجمه لفظ به لفظ شده است. در نتیجه جملات کتاب بسیار پیچیده و تو در تو است و بدون مراجعه به کتاب انگلیسی حتی برای اهل فن هم غیر قابل فهم است.
- ۳- اصول نگارش زبان فارسی رعایت نشده است. می‌توان گفت فقط الفاظ کتاب به فارسی است اما ساخت آن کاملاً انگلیسی است و شخص غیر مطلع به انگلیسی کلاً نمی‌تواند از کتاب استفاده کند.
- ۴- اصطلاحات تخصصی خوب ترجمه نشده‌اند. مثلاً برای واژه "los" اسپانیایی آمده است «حرف تعریف جمع معین مذکر»، در حالی که حرف تعریف خودش معین است و دیگر نیازی به واژه «معین» نیست. مشخص‌ها یا حرف معرفه‌اند (یا همان حرف تعریف) و یا حرف نکره‌اند.

## «تحول زبان»

مؤلف: آر. ال. تراسک

مترجم: ارسلان گلغام

ناشر: دانشگاه تهران

سال نشر: ۱۳۸۲

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۱۳۵

### نقاط قوت:

#### شکلی:

۱. کیفیت مطلوب چاپ کتاب؛ ۲. جالب بودن طرح روی جلد و رنگ آمیزی آن؛
  ۳. مطلوبیت کاغذ و صحافی کتاب؛ ۴. روان و رسا بودن نگارش؛ ۵. جامعیت
- صوری اثر از فهرست مطالب تا نمایه.

#### محتوایی:

۱. شایستگی کتاب برای طرح مباحث تحول زبان برای خوانندگان فارسی زبان؛
۲. روان بودن و امانت در ترجمه و توجه به اصول آن؛ ۳. تناسب موضوعی و
- محتوایی اثر با اهداف درس؛ ۴. انطباق با عنوان و فهرست آن؛ ۵. اعتبار
- منابع از جهت علمی؛ ۶. رعایت بی طرفی علمی در تحلیل.

### نقاط ضعف:

#### شکلی:

برخی اشتباهات تایپی در کتاب مشاهده می شود.

## ۲۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

### محتوایی:

به تنهایی منبع مناسبی برای درس زبان‌شناسی تاریخی نیست (کتاب فاقد کتاب‌شناسی است).

### پیشنهادها:

برطرف کردن اشکلات تایپی و ویراستاری.

### نقد تفصیلی:

- این کتاب می‌تواند به عنوان منبع فرعی درس زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی در مقطع کارشناسی‌ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی مورد استفاده قرار گیرد.
- ترجمه اثر روان و رسا است.
- اثر نیاز به ویرایش و بازبینی دارد. برای نمونه می‌توان به مواردی چون پلیوت/ پلی موت (هر دو در صفحه ۸)، نداند (به‌جای ندادند، در صفحه ۹)، خوسا (در ص. ۱۳) اما هاوسا (در ص. ۹۷)، رختشور (به‌جای رختشوی، در ص. ۱۴)، داستان‌های (به‌جای داستان‌های، در ص. ۱۷)، اسپانیایی و اسپانیولی (هر دو ص. ۹۴) و غیره، اشاره کرد.
- کیفیت حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی معمولی است. کیفیت کاغذ استفاده شده و صحافی مطلوب است. طرح روی جلد و رنگ‌آمیزی آن جالب است.
- حجم اثر با توجه به تعداد واحدهای درسی مناسب است.
- لازم است در برخی موارد اسامی محققین و دانشمندان به صورت لاتین در پاورقی آورده شود. در برخی موارد جملات انگلیسی هم به صورت بریده بریده چاپ شده است و مشکل نگارشی دارد.
- اصطلاحات غالباً دقیق ترجمه شده‌اند، مگر چند مورد: مرگ زبانی (به‌جای مرگ زبان، در صفحه ۱۰۶)، فرهنگ گورگان (به‌جای کورگان، در ص. ۹۶)، آلبانی و لیتوانی (به‌جای آلبانیایی و لیتوانیایی، در ص. ۹۶).

## تحول زبان ۲۷

- معادل‌ها غالباً دقیق انتخاب شده‌اند مگر در چند مورد. مثلاً "Old English" همواره «انگلیسی باستان» ترجمه شده است (در صفحه ۱۹، ۵۳، ۶۴، ...). در صورتی که واژه باستان را غالباً برای آن چه به پیش از میلاد مسیح (ع) باز می‌گردد اطلاق می‌کنیم. "Old English" به حدود قرن پنجم میلادی تعلق دارد و بهتر است آن را «انگلیسی کهن» نامید.
- کتاب به لحاظ آموزشی دارای تمرین‌های مناسبی است.
- متأسفانه در این کتاب فقط به تحول زبان انگلیسی پرداخته شده است و به ندرت به زبان‌های دیگر اشاره شده است. از این رو تنها می‌تواند به عنوان کتاب فرعی برای درس «زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی» باشد. در این کتاب به خوبی به جنبه‌های مختلف تحول زبان اشاره شده است، اما تقریباً همه شواهد از زبان انگلیسی است. در درس زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی به مقایسه زبان‌ها، بازسازی زبان مادر، خانواده‌های زبانی و غیره نیز باید پرداخت. به همین دلیل توصیه می‌شود دانشجویان به عنوان کتابی جنبی و برای مطالعه از آن استفاده کنند.
- کتاب برای خوانندگان معمولی به نگارش درآمده است، نه برای متخصصان. از این رو اطلاعات کتاب بسیار کلی است و به مسائل و مباحث روز این رشته چندان پرداخته نشده است. به نظر می‌رسد نویسنده کتاب به خوبی توانسته است اصول اولیه زبان‌شناسی تاریخی یعنی مطالعه عمودی زبان را به نحو مطلوب ارائه نماید و راه را برای مطالعه بیشتر هموار سازد.
- ترتیب فصل‌های کتاب کاملاً منطقی است. معمولاً دگرگونی زبان از واژه شروع می‌شود و با گذر از مطالعات آوایی، دستوری و معنایی به مسائل مربوط به لهجه‌ها و تولد و مرگ زبان‌ها و لهجه‌ها ختم می‌شود. نویسنده کتاب به خوبی چنین نظمی را رعایت نموده است.
- کتاب حاضر بسیار کلی است و مطالب آن را تقریباً در هر کتاب دیگری که در این زمینه نوشته شده است با تغییراتی اندک می‌توان یافت. تنها مزیت این کتاب ارائه شواهد بسیار برای هر یک از تغییرات زبانی است.

## ۲۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- اثر مورد بررسی تقریباً هیچ ارجاعی ندارد. فقط فهرستی از چند منبع برای مطالعه بیشتر در پایان کتاب آمده است. نویسنده محترم در انتهای هر فصل می‌بایست فهرست مناسبی از کتب و آثار زبان‌شناسی تاریخی را معرفی می‌نمود. ظاهراً به جز فصل ۱۴، این امر رعایت نشده است و اصولاً کتاب عاری از کتاب‌شناسی یا مآخذ و منابع است.
- ترجمه به لحاظ نوع کامل است. روان و رسا است، وجود غلط‌هایی چون "I,ve" (=I've) در ص. ۸، "tobacco" (=tobacco) در ص. ۱۲، "attumn" (=autumn) در ص. ۱۲، "southetn" (=southern) در ص. ۱۹، "borrweing" (=borrowing) در ص. ۲۴، «گاتالان» به جای «کاتالان» در ص. ۹۵ و غیره نشان می‌دهد که اثر نیاز به بازبینی و ویرایش دارد.
- در این کتاب به اصول ترجمه توجه شده است اما بهتر بود برای هر نوع تحول زبانی در کنار مثال‌های کتاب (که همه از زبان انگلیسی انتخاب شده‌اند)، مثال‌هایی نیز از زبان فارسی ذکر می‌شد.
- اشکالات فنی کتاب باید برطرف شود. مثلاً در فهرست کتاب (فصل ششم: دگرگونی در خط) نیامده است.

## «سیر زبان‌شناسی»

مؤلف: مهدی مشکوه‌الدینی

ناشر: دانشگاه فردوسی مشهد

سال نشر: ۱۳۷۶

نوبت چاپ: دوم

محل نشر: مشهد

تعداد صفحات: ۳۵۰

- کتاب حاضر با توجه به تسلط نویسنده به زبان مادری و با تجربه‌ای که ایشان در نگارش مطلب دارند روان و رسا است. در قسمت‌هایی که مشخصاً ترجمه شده‌اند ردپای ترجمه چندان مشهود نیست. قواعد ویرایش و نگارش نسبتاً رعایت شده است و از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی مناسب است. در مورد طرح روی جلد باید تجدید نظر شود. از سوی دیگر در بخش کتاب‌نامه منابع انگلیسی ایرادات تایپی وجود دارد که برآزنده کتاب نیست.
- کتاب حاضر با توجه به محتوای آن می‌تواند به عنوان یکی از منابع درس مکاتب زبان‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد در نظر گرفته شود و به نظر می‌رسد حجم آن مناسب است.
- اصطلاحات تخصصی در جای خود و در مفهوم درست خود به کار رفته‌اند. اغلب اصطلاحات قبلاً در کتب زبان‌شناسی آمده‌اند و معادل‌های به‌کار رفته غریب و ناآشنا نیستند.
- اثر از جامعیت خوبی برخوردار است و از ابزارهای لازم برای تفهیم موضوع استفاده شده است.

### ۳۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- مطالعه بخش‌های مختلف کتاب موید انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست مطالب است.
- اگر این کتاب به‌عنوان منبع درسی مکاتب زبان‌شناسی باشد با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی انطباق خوبی خواهد داشت اما برای درس مقدمات زبان‌شناسی چندان مطابقت ندارد.
- مطالب کتاب در زمان تألیف آن جدید و تا حد آخرین دیدگاه‌های نظری پیش آمده است.
- نوآوری کتاب حاضر این است که مطالب اصلی و عمده هر یک از مکاتب مطرح شده با استفاده از زبان فارسی بسیار قابل فهم‌تر از کتب لاتین در همین خصوص برای دانشجویان ایرانی است.
- از آنجایی که مطالب از یک سیر تاریخی برخوردارند، مولف نیز با در نظر گرفتن این نکته و همین‌طور میزان تأثیرگذاری مستقیم یا غیر مستقیم هر یک از مکاتب نظم منطقی خاصی به متن بخشیده است.
- از منابع موجود به قدر کفایت استفاده شده است. عمده کتب زبان‌شناسی که تحولات نظری قرن بیستم را به خواننده معرفی می‌کنند و همین‌طور کتبی که به تاریخ زبان‌شناسی در ادوار گذشته اختصاص دارند و البته موثق و معتبر هستند مورد استفاده قرار گرفته‌اند. البته از سال ۱۳۷۶ تا به حال نیز کتب ارزشمند دیگری نوشته شده که خود به خود از حیطة کتاب حاضر خارج هستند.
- میزان دقت در ارجاعات و استنادات در حد قابل قبولی است و عمده‌ترین دلیل آن ذکر صفحه از منبع مورد استفاده است.
- در این کتاب برخی جریان‌های زبان‌شناسی حاشیه‌ای و تا حدی غیر مهم تلقی شده‌اند. مثلاً چیزی دربارهٔ مکتب نظریه نقشگاهی Tagmemics یا role and relational grammar گفته نشده است. سخنی از relational grammar یا مکاتب نقش‌گرایی فرانسوی بریتانیایی یا آمریکایی (چه تفاوت‌ها و چه تشابهات

### سیر زبان‌شناسی ۳۱

آن‌ها) گفته نشده است. با این وجود، آن‌چه در این کتاب عرضه شده است کاری ستودنی و ارزشمند است.

- شاید بهتر باشد که در بازنگری کتاب از آثار زیر نیز استفاده شود:

Aarsleff, Hans. (1982). *From Locke to Saussure: Essays on the Study of Language and Intellectual History*. Minneapolis: University of Minnesota Press.

De Beaugrande, Robert. (1991). *Linguistic Theory: The Discourse of Fundamental Works*. Longman.

Ivić, Milka. (1965). *Trends in linguistics (2<sup>nd</sup> Edition)*. Issue 42 of *Janua linguarum: Series minor*. Mouton.

Joseph, Earl John. (2002). *From Whitney to Chomsky: Essays in the History of American Linguistics*. John Benjamins Publishing.



## «زبان‌شناسی (درآمدی بر زبان و ارتباط)»

مؤلف: آندرین آکماجین، آریچارد، ان.ک. فارمر

مترجم: خسرو غلامعلی‌زاده

ناشر: دانشگاه رازی کرمانشاه

سال نشر: ۱۳۷۵

نوبت چاپ: اول

محل نشر: کرمانشاه

تعداد صفحات: ۴۴۲

- از آن‌جا که اثر مذکور ترجمه است، معادل‌یابی دقیق در پاره‌ای موارد که تعداد آن‌ها اندک نیست صورت نگرفته است و وجود جمله‌هایی که ساختار انگلیسی را با خود دارد تا حدی خواننده را با مشکل مواجه می‌سازد. در برخی موارد نیز مفاهیم به‌خوبی ترجمه نشده‌اند یا ترجمه نادرست است. با این حال در موارد بسیاری نیز متن به گونه‌ای ساده و روان نگاشته شده است.
- صحافی از کیفیت خوبی برخوردار نیست. صورت کتاب نیز به ویژه محل درج عناوین اشکال دارد و از معیارهای موجود تبعیت نمی‌کند.
- حجم اثر با تعداد واحدهای درسی متناسب نیست. علاوه بر این بسیاری از مباحث اصلاً مطرح نمی‌شوند.
- در اغلب موارد مترجم همان معادل‌های معمول فارسی را به کار گرفته است اما در مواردی نیز معادل‌سازی‌های نامأنوس و گاه نادرست فهم متن را دشوار ساخته است. در مواردی نیز در به‌کارگیری معادل‌های موجود دچار اشتباه گردیده است.
- کتاب تمامی ویژگی‌های یک متن درسی کارآمد را دارد.

### ۳۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- کتاب حاضر ترجمه‌ای است از چاپ قدیمی‌تر کتاب اصلی. مولف در ویرایش بعدی کتاب خود ۴ فصل اضافه کرده است و ترجمه حاضر فاقد آن‌ها است. اثر حاضر حاوی اطلاعات مفیدی است اما نسبت به آثار جدیدتر فاقد بسیاری از مسائل قابل طرح در این سطح است.
- انطباقی دقیق و یک به یک بین عنوان مندرج در فهرست با محتوای متن وجود دارد. به علاوه هر عنوان معرف خوبی برای مفاهیم و مسائلی است که تحت آن ارائه می‌گردد.
- با توجه به نقص کتاب به لحاظ حجم و وسعت مطالب ارائه شده این اثر تنها به عنوان یک اثر فرعی می‌تواند معرفی شود.
- کتاب حاضر اثر منسجمی به نظر می‌آید هم در هر فصل و هم در کل کتاب. اما به نظر می‌رسد فصل‌هایی در اصل اثر انگلیسی وجود دارد که مترجم ترجمه آن‌ها را ضروری ندانسته است (۴ فصل آخر کتاب یعنی کاربرد شناسی، روان‌شناسی زبان، فراگیری زبان کودک، زبان و ذهن).
- اثر حاضر کتاب‌نامه‌ای مفصل دارد و از منابع موجود به قدر کفایت استفاده کرده است. در استنادات و ارجاعات دقت شده است و ارجاعات همگی مستند و معتبر هستند.
- روش مترجم به نظر ترجمه کامل و همراه با امانت‌داری است و ترجمه جدای از اشکالات مربوط به معادل‌یابی و بیان برخی مفاهیم نسبتاً روان است.
- اثر حاضر دارای مقدمه مترجم و پاورقی‌هایی است که وی هر جا لازم دیده در ذیل متن آورده است. گاه نیز برخی مفاهیم را به صورت فارسی آن معرفی نموده است.
- به طور کلی حتی در شکل ایده‌آل این کتاب تنها به عنوان یک منبع فرعی می‌تواند مورد استفاده دانشجویان کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان قرار بگیرد البته نقص‌های کتاب را نیز باید به دانشجویان گوشزد کرد.

## «تفکر و زبان»

مؤلف: سید کامران علوی  
ویراستار: محمد علی احمدوند  
ناشر: دانشگاه پیام نور  
سال نشر: ۱۳۸۹  
نوبت چاپ: یازدهم  
محل نشر: تهران  
تعداد صفحات: ۱۷۰

- طرح روی جلد خوب، مرتبط و جذاب است.
- کیفیت چاپ حروف چندان خوب نیست و در مواردی حروف کم رنگ و ناخوانا است. فونت نازک و کم رنگ است. فاصله بین خطوط و پاراگراف ها یکسان است.
- کتاب دارای فهرست مطالب کلی است.
- به طور کلی قواعد سجاوندی رعایت شده است. با این وجود در مواردی جمله‌ها نیاز به ویرایش دارند. مانند صفحه ۳ پاراگراف یکی مانده به آخر «ما را قادر می‌سازد که آن علامت کلامی را در غیاب تجربه به کار ببریم و در نتیجه، ما می‌توانیم در غیاب آنها مراجعه کنیم و در مورد آن بیندیشیم».
- همچنین در همان پاراگراف خط آخر «و» از قلم افتاده است. استفاده از واژه گرامر در صفحه ۱۷ نیز بهتر است تغییر کند.
- در صفحه ۱۴ «صاحب‌نظرانی چون پیازه اعتقاد دارند که ..... او در تحقیقات خود .....» در واقع تنها درباره پیازه صحبت شده است و بهتر است خط اول نیز تغییر کند.

### ۳۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- بعضی از جمله‌ها خیلی طولانی شده‌اند، برخی به این علت که بجای نقطه از ویرگول استفاده شده است. مانند، صفحه ۲۱ پاراگراف یکی مانده به آخر.
- صفحه ۲۲ پاراگراف یکی مانده به آخر خط دوم «شودکه» باید فاصله این دو واژه بیشتر شود.
- «های جمع» در تمام نمونه‌ها به غیر از موارد غیر ممکن به واژه چسبیده است. در بعضی موارد واژه به لحاظ ظاهری خوش ساخت نیست: مفهوم‌ها، سازمانده‌ی‌ها، یادگیری‌هایی، توانایی‌های.
- صفحه ۲۴ پاراگراف دوم خط اول «در افرادی طبیعی» باید بشود «در افراد طبیعی».
- صفحه ۲۵ پاراگراف سوم «که اگر چنانچه» نیاز به ویرایش دارد.
- صفحه ۲۶ جمله آخر پاراگراف اول «مهارت یاد گرفته شده، به نیمگه دیگر انتقال نمی‌شد.» به لحاظ دستوری و سجاوندی نیاز به ویرایش دارد.
- در صفحه ۲ پاراگراف دوم: در جمله «زبان علامتی و نمادین است» علامتی معادل خوبی نیست.
- عنوان فصل اول طولانی است، اگر فصل به زیر عنوان‌هایی (عنوان از سه بخش تشکیل شده است) تقسیم شود بهتر است.
- دومین ویژگی زبان که در صفحه ۲ ارایه شده است فقط شامل توضیحات است و نام ویژگی ذکر نشده است.
- عنوان فصل دوم بسیار گنگ است «اهمیت برخورد نوروپسیکولوژیست با مسأله»: اصطلاح تخصصی ترجمه نشده است و مسأله مشخص نشده است .
- در صفحه ۲۰ خط اول پاراگراف آغازی فصل اینگونه شروع شده است «یکی از نظریات رایج این است ...» یکی از نظریات رایج در چه زمینه‌ای؟ بهتر است کمی دقیق‌تر بیان شود تا از ابتدا خواننده را جلب کند.

## تفکر و زبان ۳۷

- در کتاب های مختلف زبان شناسی برای زبان کارکردهای مختلفی بیان شده است. دو کارکردی که در این صفحه از سوی نویسنده ارائه شده است برگرفته از چه منبعی است؟
- صفحه ۹ «اكتساب زبان دارای دو وهله است» بهتر است به جای وهله از اصطلاح دیگری استفاده شود.
- بهتر است خود آزمایی‌ها نکات ریزتری را مورد سؤال قرار دهد تا به گونه‌ای به درک و تفسیم بندی مطالب به نکات ریزتر هم به دانشجویان کمک کند.
- پیوستگی میان مطالب بر مبنای فصل بندی و زیر عنوان‌ها و ترتیب فصول مشهود نیست.
- در صفحه ۳۰ عنوان مبحث «کلمات» است و اصلاً انتظار نمی‌رود که این مبحث به زبان آموزی کودک و بیان واژه بپردازد.
- به طور کلی فصل سوم به زبان آموزی کودک اختصاص دارد. حال آن که این موضوع از عنوان فصل و بسیاری از زیرعنوان‌ها مشهود نیست.
- بهتر است درباره هدف‌های کلی و رفتاری فصول تجدید نظر شود. غالباً هدف‌های رفتاری سؤال‌های ریز را در بردارند ولی علامت سؤال ندارند. در عین حال درباره هدف کلی می‌توان به این نکته اشاره کرد که در برخی فصل‌ها مبهم است، به عنوان مثال فصل چهارم با عنوان «زبان و ارتباط است» و در فصلی دیگر «آشنایی با زبان و ارتباط».
- با توجه به این که کتاب خود آموز است در بسیاری موارد اگر معادل اصطلاحات تخصصی در پانوشت بیاید بهتر است.
- در فصل دوم برخی اصطلاحات تخصصی ترجمه نشده‌اند.
- معادل یابی برای واژه‌های تخصصی که به حیطه زبان شناسی مرتبط است بهتر است با مراجعه به منابع موجود ویرایش شود. به عنوان مثال صفحه ۱۶ هیچ‌یک از معادل‌ها مناسب نیستند. (ساختار سطحی، ساختار عمقی، طرح اکتساب زبان).
- صفحه ۲ از راتر و گلینسون نقل قول شده است ولی در منابع موجود نیست. ارجاع صفحه ۳ نیز در منابع موجود نیست.

### ۳۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در صفحه ۳۱ به لوریا (۱۹۸۱) و نلسون (۱۹۷۳) اشاره شده است. در فهرست منابع دو کتاب دیده می‌شود که از برخی جهات به این دو منبع شباهت دارد ولی نه کاملاً. این دو کتاب ترجمه هستند و تنها سال ترجمه آن‌ها در منابع ذکر شده است. بهتر است اگر مراد از این دو کتاب معرفی در منابع همین دو ارجاع است بهتر است با هم هماهنگ شوند تا جای شبهه باقی نماند.
- باز هم در صفحه ۴ پاراگراف دوم ارجاعی داده شده است که در منابع نیست.
- در صفحه ۴ پاراگراف دوم بیشتر اسامی اسم بدون اشاره به آثار این افراد یا حتی سال اثر یا منبع ذکر شده است.
- عنوان لاتین برخی اسامی افراد را به صورت پانویس ارائه داده‌اند ولی برخی دیگر را خیر. بهتر است برای همه اسامی تلفظ لاتین پانویس شود.
- ارجاع‌ها و منابع پر اشکال است. بسیاری از ارجاع‌ها اصلاً در منابع ذکر نشده است. (صفحه ۷۰۵، ۶۰۱، ۱۱، ۳۹) و تقریباً در بیشتر صفحات کتاب همین گونه است.
- در صفحه ۲۳ سه پاراگراف هست که خط اولشان یکسان است. به این دلیل که مطالب از منابع مختلف گرفته شده است ولی بدون توجه به یکسان بودن شروع پاراگراف مطالب تکرار شده است.
- نمایه موضوعی ندارد.
- فهرست نام‌ها ندارد.
- کیفیت تصاویر خوب نیست.
- بهتر بود که فهرست واژه نامه در انتهای کتاب ارائه می‌شد.

## «زبان‌شناسی: مقدمه‌ای بر زبان و ارتباط»<sup>۱</sup>

مؤلف: اکماجیان و همکاران<sup>۲</sup>

ناشر: ام. آی. تی<sup>۳</sup>

سال نشر: ۱۹۹۰

محل نشر: آمریکا

تعداد صفحات: ۵۰۸

- مباحث این کتاب به صورتی مبسوط و با زبانی قابل فهم برای دانشجوی دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد ارائه شده است. توضیحات برای درک مطلب تا حدودی کافی به نظر می‌رسد.
- به‌کارگیری اصطلاحات و واژه‌های تخصصی بسیار خوب است.
- تا حد امکان برای تفهیم مطالب از ابزارهای مختلف استفاده شده است.
- متن افسست شده از نظر کیفیت چاپ نسبتاً مطلوب است.
- این کتاب برای تدریس در دو درس مقدمات زبان‌شناسی ۱ و ۲ در مقطع کارشناسی و همچنین درس ۲ واحدی مقدمات زبان‌شناسی دوره کارشناسی ارشد مناسب است.
- محتوای کتاب با فهرست مطابقت دارد و مطالب هر یک از فصول از جامعیت لازم برخوردار است.
- ترتیب، انسجام و تسلسل منطقی مطالب در هر فصل بسیار خوب است. طبق روال کتاب‌های مقدمات زبان‌شناسی، کتاب از مطالب عمده شروع می‌شود و سپس هر فصل آن جداگانه و با اولویت مطرح می‌گردند.

---

1. Linguistics: An Introduction to language and communication

2. Akmajian, A., Demors, R., Farmer, A., and Harnish, R

3. MIT

#### ۴۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- متن حاضر از جهت استفاده از منابع از کفایت لازم برخوردار است.
- برخی از مطالب کتاب برای تدریس در سطح کارشناسی مناسب نیست مانند  
Types of foot
- مستندات و ارجاعات دقیق هستند.
- کتاب بسیار خوبی برای تدریس است و اصولاً به صورت کتاب درسی تهیه شده است زیرا توضیحات به اندازه کافی است و در پایان هر فصل تمرین گنجانده شده است.
- با توجه به این که زبان‌شناسی پیوسته در حال تحول است و کتاب برای سطح مقدماتی تدوین شده است و از تاریخ انتشار آن چند سالی می‌گذرد نمی‌توان انتظار داشت کتاب حاوی کلیه مطالب به‌روز باشد.
- در حالت کلی می‌توان گفت کتاب *Linguistics: An introduction to language and communication* کتابی بسیار جالب برای استفاده در کلاس‌های مقدمات زبان‌شناسی است. این کتاب کلیه مطالب مقدماتی زبان‌شناسی را از جمله آواشناسی، نحو، معناشناسی، کاربردشناسی، ارتباط و غیره را شامل می‌شود. به‌ویژه تدریس این کتاب به عنوان کتاب درسی مقدمات زبان‌شناسی در دوره کارشناسی ارشد توصیه می‌شود. نیز با حذف برخی از بخش‌های آن می‌توان از کتاب در سطح دوره کارشناسی استفاده کرد. بخش آواشناسی این کتاب مطالب را بهتر از سایر کتاب‌های هم‌تراز خود مطرح کرده است. بخش نحو آن به‌روز و برای یادگیری زبان‌شناسی در سطح مقدماتی کافی است. علاوه بر مطالب زبان‌شناسی همگانی بحث‌های پیرامون سایر رشته‌های مرتبط با زبان‌شناسی در کتاب مطرح شده است. با نگاهی به فهرست مطالب می‌توان دریافت که با مطالعه این کتاب دانشجو قادر خواهد بود تقریباً از کلیه بحث‌های زبان‌شناسی و شاخه‌های مختلف آن در سطح مقدماتی مطلع شود. پس از مطالعه این کتاب، دانشجو قادر خواهد بود کاملاً بفهمد که زبان‌شناسی چیست و بالطبع قادر خواهد بود به مطالعه کتاب‌های سطوح بالاتر بپردازد.

## «زبان و زبان‌شناسی<sup>۱</sup>»

مؤلف: جولیا فالک<sup>۲</sup>

ناشر: رهنما

سال نشر: ۱۳۶۳

نوبت چاپ: دوم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۴۴۸

- کتاب زبان‌شناسی و زبان نوشته جولیا فالک به زبانی ساده و روان نوشته شده است. به غیر از فصل‌های ۷ تا ۱۰ (بخش سوم) که در واقع مخاطب را گم می‌کند، برای سطوح کارشناسی مناسب‌تر است.
- برای تفهیم مطالب از فنون و ابزارهای لازم استفاده شده است.
- کیفیت چاپ کتاب اصلی خوب است.
- محتویات متن با فهرست آن مطابقت دارد. در مواردی کتاب به ارائه اطلاعات اضافی می‌پردازد که از حوصله دانشجوی کارشناسی خارج است.
- به نظر می‌رسد اگر فصل یازدهم در فصل دوم مطرح می‌شد و بخش‌های هفتم و هشتم و نهم کتاب حذف می‌شد و فصول هفتم تا دهم نیز بازنویسی می‌شد دانشجویان بهره بهتری می‌بردند.
- متن حاضر از منظر استفاده از منابع از کفایت لازم برخوردار است. در نقل مطالب نیز رعایت امانت شده است.

---

1. Linguistics and Language

2. Falk.s,Julia

## ۴۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- برای رعایت سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی می‌بایست از قسمت‌های مختلف کتاب انتخاب و قسمت‌هایی نیز حذف شود.
- نویسنده صرفاً نگرش کلی در مورد مباحث زبان‌شناسی ارائه کرده است و با توجه به زمان چاپ کتاب به طرح افق‌های تازه در این زمینه نیز پرداخته است.
- همان‌طور که در پاسخ به برخی از پرسش‌ها اشاره شد، این کتاب به لحاظ علمی در سطح مطلوبی است اما به دلایل زیر پیشنهاد می‌شود که با کتاب‌های دیگری مانند *Introductory linguistics* (Hudson, 2000) جایگزین شود.
- در برخی از فصل‌ها سطح تخصصی را از حد دانشجوی کارشناسی فراتر می‌برد مثلاً در مباحث آواشناسی و واج‌شناسی و عصب‌شناسی زبان.
- در اکثر فصول، نویسنده دانشجویان را با انبوهی از اطلاعات روبه‌رو می‌کند و در مواردی مانند فصل مربوط به *semantics* به جای پرداختن به مباحث اصلی‌تر با اشارات تاریخی کمی ذهن خواننده را مخدوش می‌کند.
- با توجه به این‌که مباحث روان‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی زبان، عصب‌شناسی زبان از علوم میان‌رشته‌ای هستند که به طور مفصل در مقطع کارشناسی ارشد زبان‌شناسی به آن‌ها پرداخته می‌شود بهتر است از کتابی استفاده شود که در قالب چهار واحد درسی بتوان به بحث روشن‌تر در مورد مفاهیم بنیادی مربوط به زبان یعنی چهار حوزه معنا، آوا، نحو و واژگان پرداخت.
- پیشنهاد می‌شود در جهت روزآمد شدن متون دانشگاهی و با توجه به کمبودهای کتاب فالک که ذکر گردید، در مقطع کارشناسی برای دروس زبان‌شناسی ۱ و ۲ از کتاب *Introductory linguistics* (Hudson, 2000) استفاده شود. هر چند برخی از فصول این کتاب نیز با توجه به نبودن زمان می‌بایست حذف شود. شاید بهتر بود زبان‌شناسی ۳ (البته پس از تایید شورای عالی برنامه‌ریزی) نیز به دروس مقطع کارشناسی اضافه کرد.

## «دوره زبان شناسی عمومی»

مؤلف: فردیناند دو سوسور

مترجم: کوروش صفوی

ناشر: هرمس

سال نشر: ۱۳۷۸

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۴۳

دوره زبان شناسی عمومی اثر فردیناند دو سوسور (ترجمه دکتر کوروش صفوی) یکی از کتاب‌های مرجع در رشته زبان شناسی است که برای تدریس در دروس مقدمات زبان-شناسی، تاریخ زبان شناسی، نقد ساختارگرا، و مکاتب زبان شناسی استفاده می‌شود.

### نقاط قوت:

#### شکلی:

نثر خوب و ترجمه مناسب؛ رعایت قواعد ویرایش و نگارش در سطح بسیار خوب؛ تناسب حجم اثر با تعداد واحدهای درس مربوط؛ نگارش ساده، روان و گویایی متن؛ مناسب بودن ساختار متن، اندازه حروف، حاشیه مناسب و منطبق با محتوای اثر؛ کاربرد اثر در مقاطع مختلف دانشگاهی؛ جامعیت صوری خوب اثر.

#### محتوایی:

ترجمه روان، ساده، سلیس و مناسب اصطلاحات تخصصی و توجه به اصول ترجمه؛ وفاداری مترجم در انتقال دقیق نمودارها و تصاویر متن؛ مفید بودن اثر به‌عنوان کتاب مرجع؛ غنی بودن کتاب از نظر محتوای علمی و مبانی زبان شناسی؛ بنیادی بودن مطالب کتاب به‌عنوان زیر بنای زبان شناسی نوین؛ معادل‌یابی‌های بسیار مناسب و دقیق اکثر

#### ۴۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

متن؛ وجود توضیحات و پاورقی‌های مفید، و نظم منطقی و انسجام مطالب؛ انطباق بسیار خوب محتوای اثر با عنوان و فهرست آن.

##### نقاط ضعف:

نداشتن کتاب‌نامه، جامع نبودن کتاب به‌عنوان کتاب اصلی دروس تعریف شده؛ نبود مقدمه، چکیده یا نتیجه‌گیری مترجم برای آن که اثر قابل فهم‌تر شود.

##### پیشنهادها:

۱. خوب است برای شفاف‌ساختن مفاهیم به‌کار رفته در کتاب و تسهیل فراگیری آن یادداشت‌هایی در پایان کتاب اضافه شود.
۲. بهتر است در هر فصل مقدمه‌ای متدولوژیک درباره‌ی مباحث مطرح شده گنجانده شود؛ همچنین، مترجم در پایان هر فصل، چکیده و نتیجه‌گیری اضافه کند. درج کتاب-شناسی و واژه‌نامه یا برابرنامه‌ی واژگان در پایان اثر، بر غنای کتاب می‌افزاید.

##### نقد تفصیلی:

- اثر به اندازه کافی ساده و روشن است و از جملات نسبتاً کوتاه استفاده شده است و معادل‌ها نیز گویا هستند. این اثر یک کتاب کلاسیک است و مباحث اصلی و بنیادی زبان‌شناسی در این اثر گنجانده شده است مثل اصول آواها، بحث نشانه‌ای زبان، بحث همزمانی و درزمانی و ... با توجه به این که متن اصلی نیز زبان ساده‌ای ندارد، حتی‌المقدور روان و رسا ترجمه شده است.
- از نظر ویرایش می‌توان گفت که اثر تقریباً بی‌نقص است. نقطه‌گذاری‌ها، پاراگراف‌بندی‌ها، پاورقی، عناوین، خطوط، فواصل و ... همه بر طبق اصول نگارش انجام گرفته است. در مورد آوانویسی فارسی برخی اسم‌ها جای تأمل وجود دارد. نام «Bally» گرچه با تلفظ صحیح فرانسه و طبق قواعد آوایی این زبان باید «بالی» تلفظ شود اما این زبان‌شناس سوئیسی با نام «بائی» در دنیا شهرت دارد (البته «بالی» نیز غلط نیست). همکار وی نیز «Sechehouye» در فرانسه «سه‌شوئه» خوانده می‌شود.
- معادل‌های مناسب و خوبی برای اصطلاحات به زبان فارسی ارائه شده است. البته بسیاری از این معادل‌ها در زبان فارسی به تثبیت رسیده‌اند. کاربرد اصطلاح «رزایی زبان» در برابر «valeur linguistique» قدری نامأنوس است زیرا اصولاً

## دوره زبان‌شناسی عمومی ۴۵

ارزیابی به عملی اطلاق می‌شود که برای تعیین ارزش چیزی انجام می‌گیرد و شاید «ارزش زبانی» معادلی متناسب‌تر باشد.

- محتوای کتاب از نظر اطلاعاتی که در بر دارد بسیار غنی است. مطالب کتاب جدید نیستند ولی بنیادی هستند.
- اندازه حروف بسیار مناسب است. صفحات نیز دارای حاشیه مناسب هستند و استاندارد فاصله خطوط رعایت شده است. طرح روی جلد کاملاً مناسب و منطبق با محتوای اثر است. نشانه‌های زبانی عاریت گرفته شده از زبان‌های مختلف در این طرح گنجانده شده‌اند و حکایت از پیچیدگی نظام‌های زبانی دارند.
- حجم این کتاب برای دو واحد درس زبان‌شناسی عمومی در دوره کارشناسی ارشد زیاد است. و می‌توان برخی فصل‌های منتخب را برای تدریس به کار برد.
- در کتاب مورد بررسی از جدول، تصویر و مثال‌های فراوان استفاده شده است.
- نظم منطقی و انسجام مطالب متناسب است. در حالت کلی ترجمه کامل و خوبی ارائه شده است.
- این کتاب فاقد مقدمه لازم، چکیده مطالب یا نتیجه‌گیری لازم از سوی مترجم برای بعضی فصل‌ها است. مقدمه و نتیجه‌گیری مترجم می‌توانست اثر را روان‌تر سازد. به عبارت دیگر کتاب می‌توانست حاوی یادداشت‌هایی باشد که در پایان کتاب برای روشن ساختن هر چه بیشتر مفاهیم علمی و تسهیل یادگیری آن‌ها در اختیار دانشجویان زبان‌شناسی قرار گیرد.
- اثر فاقد واژه‌نامه در انتهای کتاب است.
- در ترجمه اثر کلیه استنادات و ارجاعات آن‌چنان که در پانویس‌های متن اصلی آمده است به دقت رعایت شده است.
- محتوای مطالب این کتاب در اوایل قرن بیستم خود عاملی شده برای جهت‌گیری‌های علمی بعدی به عنوان زیربنای زبان‌شناسی ساخت‌گرا.



## «درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر جلد ۱ و ۲»

مؤلف: ویلیام اگرا دی و همکاران

مترجم: علی درزی

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۸۰

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۸۰۶

نقاط قوت:

شکلی:

- ساده و قابل فهم بودن اثر
- رعایت قواعد نگارش فارسی

محتوایی:

- انطباق محتوا با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی
- معرفی کتاب‌هایی برای مطالعه بیشتر
- نظم منطقی و انسجام
- استفاده از مطالب و کتاب‌های جدید
- جمع‌بندی مطالب در پایان هر فصل

نقاط ضعف:

شکلی:

- طرح جلد مناسب با محتوا نیست.

## ۴۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

### محتوایی:

- واژه‌نامه فارسی به انگلیسی در پایان کتاب نیامده است.
- تمرین برای هر فصل وجود ندارد.

### پیشنهاد:

- اضافه کردن واژه‌نامه فارسی به انگلیسی

### نقد تفصیلی:

- نگارش اثر روان و رسا است. جمله‌ها کاملاً روان و اصطلاحات رایج در زبان‌شناسی در آن به کار رفته‌اند. جمله‌ها برای دانشجویان کاملاً مفهوم هستند.
- در اکثر موارد قواعد ویرایش و نگارش رعایت شده است.
- حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی و طرح جلد با معیارهای متداول کشور مطابقت دارد. البته طرح جلد خاصی که نشان‌دهنده یک بحث زبان‌شناختی باشد مشاهده نمی‌گردد.
- حجم اثر اندکی با توجه به درس مقدمات زبان‌شناسی زیاد است. البته با توجه به فارسی بودن اثر، این منبع برای دانشجویان زبان فقط به عنوان منبع فرعی قابل قبول است.
- شاید بهتر باشد کتاب به صورت یک جلدی و با حروف ریزتر و تعداد صفحات کمتر چاپ شود.
- کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌یابی آن‌ها به صورت دقیق انجام شده است. گاهی نیز مترجم به معادل‌سازی‌هایی دست زده است که برای خواننده ناآشنایند. اما با توجه به این که متن یک متن مقدماتی است و کار آن تفهیم همین اصطلاحات است خواننده چندان دچار مشکل نمی‌گردد.
- وجود تمرین و منابعی برای مطالعه بیشتر به غنای کتاب افزوده است. بحث مقدماتی و جمع‌بندی نهایی در فصل‌ها کاملاً واضح هستند.

## درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر جلد ۲ و ۱ ۴۹

- محتوا از جامعیت لازم برخوردار است. این اثر برای تدریس کلیات زبان‌شناسی یا مقدمات زبان‌شناسی بسیار مناسب است. زیرا بحث‌هایی از کلیه شاخه‌های زبان‌شناسی را در بر می‌گیرد برای دانشجویی که بخواهد با زبان‌شناسی آشنایی مقدماتی داشته باشد کتاب مفیدی است.
- این کتاب دربردارنده مفاهیم قدیم و بسیار جدید مطرح در زبان‌شناسی است. مطالب کتاب چندان در بحث‌های مربوط به نحو (syntax) به روز نیست. مدل نحوی مطرح شده شاید مربوط به بیش از پانزده سال پیش است. بحث نحو اکنون تغییرات زیادی کرده است اما به هر حال اگر کسی بخواهد مقدمات زبان‌شناسی را فرا گیرد مطالب این بخش نیز قابل استفاده هستند.
- کتاب با ساده‌ترین مطالب در مورد زبان آغاز و به تدریج به موضوعات دشوارتر نظیر واج‌شناسی، نحو، معنی‌شناسی و ... رسیده است و موضوعات حاشیه‌ای‌تر و میان‌رشته‌ای در جلد دوم آمده است. به طور کلی می‌توان گفت نظم منطقی کتاب خوب است.
- وجود دو گروه منابع یکی منابع اصلی و دیگری به عنوان منابع پیشنهادی و مفاهیم به کار رفته در متن گویای این حقیقت است که از منابع موجود به قدر کفایت استفاده شده است. نحوه ارجاع به منابع مستقیم نیست. یعنی در درون متن هیچ ارجاع دقیق و مستقیمی به چشم نمی‌خورد اما در پایان فصل نویسنده به صراحت بیان می‌دارد که هر یک از مباحث و مفاهیم را از کدام منبع استخراج کرده هر چند نه با ذکر دقیق صفحات در همه موارد. با این حال، این مسأله در چنین کتاب مقدماتی با توجه به هدف کتاب یعنی ارائه مطالب به شکلی ساده موجه می‌نماید.
- کیفیت ترجمه از نظر روانی خوب است از محتوای مطالب و مفهوم جمله‌ها چنین استنباط می‌شود که ترجمه کاملاً پذیرفتنی است و رعایت امانت شده است. البته در عین روانی ویژگی‌های زبان مبدأ (انگلیسی) را نشان می‌دهد.

## ۵۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- وجود گروه‌های اسمی متعدد و متوالی متن را قدری نامأنوس می‌کند. اما در کل مترجم محترم در ارائه متنی نسبتاً آسان و روان موفق بوده است.
- بهتر بود که مترجم توضیحاتی اضافی، به خصوص در ارتباط با زبان فارسی به صورت پاورقی مطرح می‌کرد.
  - به صورت کلی می‌توان گفت اثر مورد نظر کتابی جامع و مفید برای دانشجویی است که بخواهد زبان‌شناسی را به صورتی مقدماتی فرا بگیرد. کتاب بحث‌ها و شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی را در فصول مختلف به صورتی مقدماتی مطرح می‌سازد. از نظر تنوع مطالب بسیار عالی است. کتابی است که مطالب آن با آگاهی بسیار انتخاب شده است بنابراین از نظر محتوا کتابی کاملاً پذیرفتنی است. یکی از مشکلات غیر قابل اغماض این است که متن اصلی بیشتر به «زبان» می‌پردازد و نه به ماهیت علمی به نام «زبان‌شناسی». هر چند مطالعه زبان هویت زبان‌شناسی را تشکیل می‌دهد، با این وجود جای خالی مباحث کلی که می‌تواند جایگاه زبان‌شناسی را در برابر سایر علوم مشخص کند و پایگاه فکری چنین علمی را تبیین کند احساس می‌شود.
  - موارد زیر برای مفیدتر بودن کتاب پیشنهاد می‌شود:
  - در صورت امکان کتاب به صورت یک جلدی منتشر شود و با خطی ریزتر
  - مترجم در صورت امکان مطالبی را در ارتباط با زبان فارسی به اقتضای بحث به صورت پانویس به کتاب بیافزاید تا خواننده بحث‌های زبان‌شناختی را بتواند با زبان فارسی مرتبط سازد. یادگیری زبان‌شناسی در نهایت برای بررسی زبان‌های ایرانی است، در نتیجه در این راه نیز باید کوشید.
  - کتاب فاقد فهرست موضوعی است که باید گنجانده شود.
  - واژه‌نامه کتاب بر اساس ترتیب حروف انگلیسی مرتب شده است. به دلیل ترجمه بودن کتاب بهتر است واژه‌نامه فارسی به انگلیسی هم اضافه شود.

## «نگاهی به زبان»

مؤلف: جورج یول

مترجم: نسرین حیدری

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۷۹

نوبت چاپ: چهارم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۳۶

نقاط قوت:

شکلی:

- ۱- صفحه‌آرایی و صحافی مناسب
- ۲- بیان ساده و قابل فهم
- ۳- حروف‌نگاری مناسب
- ۴- کیفیت مناسب طرح روی جلد
- ۵- حجم مناسب

محتوایی:

- ۱- جامعیت کتاب
- ۲- استفاده از تمرین، آزمون، نمودار و جمع‌بندی نهایی
- ۳- معادل‌یابی مناسب (استفاده به جا از اصطلاحات تخصصی)
- ۴- انطباق عناوین با محتوای هر فصل
- ۵- نظم و انسجام نسبی اثر
- ۶- انطباق سرفصل با شورای عالی برنامه‌ریزی درسی

## ۵۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

### نقاط ضعف:

#### شکلی:

- ۱- حذف فهرست اعلام
- ۲- ضعف در ترجمه برخی موارد
- ۳- استفاده مکرر از واژه‌های عربی

#### محتوایی:

- ۱- عدم اشاره به تفاوت‌های ممکن با چاپ‌های قبلی
- ۲- مفاهیم نحو و دستوری ضعیف است.

#### نقد تفصیلی:

این کتاب توسط دکتر اسماعیل جاویدان و دکتر حسین وثوقی یا عنوان «بررسی زبان: مبحثی در زبان‌شناسی همگانی» در سال ۱۳۷۰ توسط انتشارات مرکز ترجمه و نشر کتاب چاپ شده است.

۱- در مورد نگارش کلمه‌ها و جمله‌های کتاب، به طور خاص استفاده بیش از اندازه از واژه‌های عربی و نیز جمع شکسته عربی در حالی که معادل‌های فارسی به راحتی در دسترس بوده‌اند و نیز استفاده از شیوه نگارش پیوسته واژه‌ها و صورت‌های جمع مانند «فینیقیها، سئوالهای، ابداعات (می‌توان نوآوری‌ها را به کار برد)، باداوام‌تر، نظامهای، خطهای، عبارت‌ها، و ...» است.

با توجه به توصیه فرهنگستان زبان و ادب فارسی مبنی بر کاربرد واژه‌های مرکب و مشتق به صورت جدا از هم (در حد امکان) توصیه می‌شود که در چاپ‌های بعدی این گونه نگارش در متن ترجمه کتاب اصلاح شود. چند مورد برای نمونه ارایه شده است:  
ژرفساخت = ژرف ساخت.

همنامی = هم نامی

همیاری = هم‌یاری

فینیقیها = فینیقی‌ها

صورت‌های = صورت‌های

مشابه‌اند = مشابه‌اند

بندرت = به ندرت

موقعیت‌های = موقعیت‌های

## نگاهی به زبان ۵۳

تبلیغاتیها = تبلیغاتچیها یا تبلیغاتگران

دلالتان = دلیلتان

«لازمه‌های اصلی» = ضرورت‌های اساسی یا اصلی (صفحه ۲۰۱)

تبادل کلامی = ارتباط زبانی

معنیهای = معناهای - معنی‌های

نمونه‌های مشابه در سراسر متن کتاب به چشم می‌خورند و احتیاج به اصلاح دارد.

۲- شیوهٔ حروف‌نگاری استاندارد (یا استاندارد) و مناسب است. صفحه‌آرایی هم متعارف و مناسب است. صحافی محکم و خوب است. طرح جلد ساده است شاید لازم می‌بود که طرح‌ها، تصویرها و حرف‌هایی بر روی جلد چاپ می‌شد که گیرندگی و جذابیت بیشتری به کتاب بدهد. به طور خاص در حروف‌نگاری، نگارش اصطلاح‌های زبان‌شناسی و ترجمه آنها در متن کتاب به صورت برجسته و تیره بسیار تأثیرگذار است.

۳- حجم اثر برای تدریس درس‌های کلیات زبان‌شناسی ۱ و ۲ برای دوره‌های کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی و مترجمی زبان انگلیسی مناسب است. ولی خود این درس‌ها بایستی به درس‌های ۳ واحدی با مدت زمان ۴ ساعت در هفته برای هر ۳ واحدی با مدت زمان ۴ ساعت در هفته برای هر ۳ واحد درسی افزایش یابند.

۴- اثر مورد بررسی چاپ چهارم پاییز ۱۳۷۹ است. به نظر نمی‌رسد که تغییرات شکلی‌ای در این چاپ نسبت به چاپ‌های پیشین ایجاد شده باشد. به ظاهر چاپ‌های اول، دوم و سوم نیز از سوی انتشارات سمت صورت پذیرفته است. مترجم اثر هیچ اشاره‌ای در «یادداشت مترجم» به تفاوت‌های محتوایی نسبت به چاپ‌های پیشین نکرده است.

۵- اثر ترجمه است، معادل‌یابی‌ها مناسب بوده است: برای واژهٔ "Properties" که اصطلاحی تقریباً زبان‌شناختی است همیشه «خصوصیات» به کار رفته است که توصیه می‌شود که حتماً معادل «ویژگی‌ها (مشخصه‌ها)» به کار رود. برای "epenthesis" به جای «لحاق آوای میانجی» معادل «درج آوای/واج میانجی» پیشنهاد می‌شود.

در صفحه ۹۶ متن کتاب کاربرد واژهٔ «مستعمل» به جای واژهٔ انگلیسی «used» مناسب نیست. در ضمن اینکه «مستعمل» علاوه بر معنای «به کار رفته» و «به کاربرده شده» معنای «قدیمی» هم دارد. بهتر است واژهٔ «تظاهر واقعی به کار رفته / یا مورد استفاده» درج شود.

## ۵۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

در صفحه ۲۲۸ به جای واژه «نمایش ایستای» برای واژه «Static representation» بهتر است از معادل معمول‌تر «بازنمایی ایستای» استفاده نمود.

در صفحه ۲۲۵ به جای «روش گوش‌ی - زبانی» به عنوان معادل برای «Audio Lingual Method» بهتر است از معادل «روش‌شنوایی - گفتاری» که از

لحاظ معنایی هم بهتر رساننده معنا و مفهوم واژه انگلیسی است، استفاده شود.

بهتر است که برای معادل زبان «Swahili» واژه «سواحیلی» استفاده شود و نه معادل «سواحلی»؛ چون هم معادل دقیقی نیست و هم «سواحلی» با «ساحل» و «سواحلی» هم آوایی دارد. (صفحه ۱۰۳ کتاب و جاهای دیگر).

در صفحه ۲۰۱ کتاب برای دو کلمه babbling و Cooing معادل ذکر نشده است و تنها همین دو کلمه در متن کتاب در فصل پانزدهم به طور مرتب تکرار شده است. می‌توان برای cooing معادل «غان و غون کردن» و برای babbling معادل «مرحله ورور کردن» را پیشنهاد نمود. در واقع این دو واژه و معادل‌یابی فنی و دقیق برای آن در زبان فارسی خود می‌تواند بر اهمیت زبان دوران کودکی و نوزادی تأکید نماید.

واژه «ذیل» به نظر واژه‌ای غریب، کم کاربرد و ناآشناست و بهتر است از واژه «زیر» و ... استفاده گردد.

معادل واژه انگلیسی Functional واژه نقشی است و نه نقش نما و این واژه به درستی در تبیین با واژه «واژگانی» قرار دارد (نگاه به صفحه ۹۳ متن کتاب).

صفحه ۹۶ «گونگونگی(ها)» معادل بهتری برای Variation است. در ترجمه از واژه «تنوعات» استفاده شده که کمی ثقیل است در ضمن اینکه دارای سایه‌های معنایی دیگری هم است.

در همان صفحه ۹۶ بهتر است به جای «قواعد» = rules از «قانون‌های» استفاده شود. و منظور از morphological realization همان «قانون‌های تظاهر ساختواری» است نه «قواعد تظاهر تکواری».

در صفحه ۲۳۲ (خط اول متن) بهتر است از «گویشوران» به جای «به کاربرندگان» استفاده شود. و به جای عبارت «این زبان با به کاربرندگان که تعداد آن‌ها تقریباً به پانصد هزار می‌رسد، ...» از عبارت زیر استفاده شود:

«این زبان با حدود پانصد هزار گویشور، ...»

## نگاهی به زبان ۵۵

در همین صفحه (ص ۲۳۲) بهتر است به جای معادل «مطرود نشد» که برابر با واژه انگلیسی *challenged* گرفته شده است، از واژه معادل «به چالش گرفته نشد» استفاده شود. در ضمن اینکه «مطرود شدن» به نظر می‌رسد که احتیاج به مفعول «جاندار» داشته باشد.

در صفحه ۲۳۵ حتماً بهتر است به جای «شاره دهندگان» که معادل *signers* گرفته شده از «شاره کنندگان» استفاده شود زیرا «شاره دادن» معمول نیست ولی «شاره کردن» رایج است.

در همان صفحه ۲۳۵ به جای واژه معادل «اشتباهی مبرم» به جای *persistent fallacy* بهتر است از معادل «اشتباهی مکرر» استفاده شود که منظور نویسنده کتاب بوده است.

صفحه ۲۳۵ (خط اول): «واقعاً جای تعجب می‌شد که ...» بهتر است گفته می‌شد: «واقعاً جای تعجب می‌بود که ...»

صفحه ۲۴۳ بخش ج) «اظهارات وودوارد را ببینید»: بهتر است گفته می‌شد: «به اظهارات وودوارد توجه نمایید» که در آن «توجه نمایید» در برابر واژه انگلیسی *Consider* در متن انگلیسی کتاب برگزیده شده است.

در صفحه ۲۴۸. برای *Family trees* معادل مرسوم ولی قدیمی و نامأنوس «شجره‌های خانوادگی» برگزیده شده است که بهتر است از «درخت‌های خانوادگی» استفاده شود.

در صفحه ۲۵۱، پاراگراف آخر؛ «خب، اولین ...» بهتر است از «خب، اولین / نخستین دلیل ...» استفاده شود.

صفحه ۱۳۷ کتاب، خط دوم. «یعنی هیچ‌گونه رابطه طبیعی با شیء «مربوطه» ندارد و صرفاً ...» بهتر است ترجمه شود: «یعنی هیچ‌گونه (رابطه یا) ارتباط طبیعی با شیء «مربوطه» ندارد و تنها ...».

در صفحه ۱۳۷ کتاب آمده است: «در موقعیت‌های جدی به خصوص به کار رود، ...» بهتر است ترجمه شود: «در موقعیت‌های جدی مشخصی (یا خاصی) به کار رود، ...». به خصوص و حتی خاص واژه‌های عام و از لحاظ معنایی خیلی رسا نیستند، و واژه به خصوص واژه‌ای با کاربرد عامیانه و روزمره است.

صفحه ۱۶۵ کتاب، واژه پرهیبه‌ها برای ترجمه *Schemata* به کار گرفته شده است. واژه آشناتر و پرکاربردتر طر حواره‌ها است.

## ۵۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

در صفحه ۲۴۷، درباره «درخت خانواده» زبان‌های هند و اروپایی نمونه‌های زیر احتیاج به بازبینی و اصلاح دارد. «هندیک» = Indic، وند «ک» در زبان فارسی آشنا نیست. لذا در ترجمه Indic می‌توان هندی یا هندی قدیم به کار برد. «لاتوی»، بهتر است لتونی یا لتوینایی به کار رود، معادل لاتوی آن را به جای زبان مردم لتونی در جایی پیدا نکردم. کلتی = Celtic که معادل سلتی هم به کار رفته و مرسوم‌تر است.

۶- طرح بحث مقدماتی جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون موضوعات و پیشنهادهای مورد بحث منابع برای مطالعه بیشتر، نمودار، جدول، مثال و نمونه در سراسر متن کتاب اصلی وجود داشته و در متن ترجمه نیز عیناً نقل و ترجمه شده و وجود دارد. هرچند کتاب قدیمی است و مطالب و مفاهیم نیازمند به روز سازی است. به طور مشخص بیشتر متن کتاب به صورت «اطلاعی (informative)» و غیر تحلیلی نوشته شده است. به طور خاص، در تحلیل و آرایه مفاهیم در فصل‌های نهم و دهم، داده‌ها و «مفاهیم نحوی و دستوری بسیار کم، کم محتوا، و ناچیز است بسیاری از مفاهیم نحوی مطرح تا سال ۱۹۸۵، سال اولین نشر کتاب نادیده انگاشته شده است.

۸- محتوای کتاب (ترجمه) و بحث‌ها و تحلیل‌های هر فصل و بخش با عنوان فصل‌ها و بخش‌ها و فهرست مطابقت دارد. با توجه به این که هر فصل به زیر بخش‌های ریزتری مطابق با عنوان فصل تقسیم‌بندی شده است هر بخش به طور خاص به بحث درباره عنوان همان بخش می‌پردازد.

۹- محتوای کتاب ترجمه شده مطابق با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی برای درس‌های «کلیات زبان‌شناسی ۱ و ۲» است. در واقع سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی بر اساس مطالب و فهرست‌ها و محتوی این گونه کتاب‌ها تهیه شده است و احتیاج به تعریف دوباره و تغییر دارد.

۱۰- در این اثر به طور خاص در بخش نحو (یعنی فصل‌های ۱۰ و ۹) ضعیف و کم محتوی است و تحلیل‌های جدیدتر نحوی در آن نیامده است و احتیاج به گسترش مفهومی مطالب این فصل‌ها دارد. در سایر فصل‌ها این اثر به ویژه چاپ ویرایش دوم کتاب تغییراتی مشاهده نمی‌شود.

۱۱- کتاب مربوط به سال ۱۹۸۴ است و از دیدگاه زبان‌شناسی عمومی به بحث و آرایه دانش زبان‌شناسی می‌پردازد و بدیهی است که داده‌ها و اطلاعات به روز نیست.

## نگاهی به زبان ۵۷

۱۲- کتاب یک اثر مقدماتی برای دانشجویان سال اول دانشگاه در رشته‌های زبان و زبان‌شناسی است، و هیچ نکته جدیدی نبایستی از آن انتظار داشت زیرا برای این منظور، یعنی ارائه نکته جدید، تألیف نشده است.

۱۳- نظم منطقی و انسجام مطالب در هر فصل و کل اثر خوب و قابل قبول است.

۱۴- از منابع موجود برای تبیین موضوعات مورد بحث، به قدر کفایت استفاده شده است به این دلیل که بایستی توجه کرد که کتاب برای چه کسانی نوشته شده است. کتاب ترجمه شده حاضر در سال ۱۹۸۵ چاپ شده است. بنابر این در سال‌های ۸۴ - ۱۹۸۳ نوشته شده است و کتاب تحقیقی هم نیست. بلکه به مقتضای کتاب درسی برای دانشجویان سال اول نوشته شده است. بنابر این برای آن هدف و برای سال‌های ۱۹۸۰ مناسب بوده است.

۱۵- کتاب مورد بررسی ترجمه شده است. اما نویسنده اصلی کتاب (جورج یول) با توجه به این که کتاب را برای دانشجویان سال‌های اول دانشگاه نوشته، ارجاع و استناد دقیق و کلامی زیادی به مؤلف‌های دیگر که از منابع و آثار آنها سود برده، ندارد. لذا در متن کتاب استنادات و ارجاعات ناچیز است و هر چه که بوده، رعایت شده است. اما در پایان هر فصل تحت عنوان «منابعی برای مطالعه بیشتر» فهرستی از ارجاعات با دقت آورده شده است و موضوع آن‌ها و مطالب مورد بحث در آن‌ها را بیان کرده است که مفید است.

۱۶- سعی مترجم در ترجمه کامل متن بوده است. به نظر می‌رسد که مترجم مجموعه‌ای از شیوه‌های ترجمه «واژه به واژه» و ترجمه «مفهومی متن» را در امر ترجمه به کار گرفته است. بدیهی است که ترجمه اثر را نمی‌توان کاری حرفه‌ای و همچنین روان به شمار آورد. در برگ پیوست چندین مورد از جمله‌ها و عبارتهای ترجمه شده که نشانگر عدم روان بودن متن ترجمه است ارائه می‌شود.

۱- ترجمه پیشگفتار مؤلف: «چهار جمله آغازین این بخش «بد» و «نارسا» ترجمه شده است. برای مثال: «در تهیه این کتاب سعی کرده‌ام پژوهشی از آن چه درباره زبان دانسته شده و همچنین روش‌های مورد استفاده زبانشناسان برای رسیدن به آن دانش ارائه دهم. سؤال‌های زیادی درباره ماهیت زبان وجود دارند که هنوز بی‌پاسخ مانده‌اند. زبان‌شناسی - که اغلب آن را مطالعه علمی زبان نامیده‌اند - رشته نسبتاً جدیدی است.»

## ۵۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

این متن چند اشکال دارد که باعث عدم روانی آن می‌شود، ترجمه پیشنهادی به شرح زیر است:

«در تهیه این کتاب سعی کرده‌ام پژوهشی درباره دانشی که در مورد زبان داریم و همچنین روش‌های مورد استفاده زبان‌شناسی برای رسیدن به آن دانش ارائه دهم. پرسش‌های زیادی درباره ماهیت زبان هنوز بی‌پاسخ مانده‌اند؛ زبان‌شناسی - که اغلب آن را مطالعه علمی زبان می‌نامند، دانشی نسبتاً نوپاست.»  
در صفحه ۱۰۵ پاراگراف آخر خوب و روان ترجمه نشده است.

ترجمه پیشنهادی من به شرح زیر است:

«بنابر این ما به توصیفی از ساخت عبارتها و جمله‌های زبان نیازمندیم که توجیه کننده تمام زنجیره‌های دستور زبان باشد و زنجیره‌های غیر دستوری زبان را شناسایی کند. این گونه توصیف و توجیه ساخت‌های زبان را «دستور» می‌نامیم. یادآور می‌شویم که اصلاح «دستور» پی در پی و برای پدیده‌های زیاد و گوناگون زبان به کار می‌رود.»  
فصل دوم کتاب، صفحه ۱۵، دو جمله آخر صفحه ۱۵:

ترجمه پیشنهادی به جای ترجمه انجام شده: «در هنگام بررسی خط باید این نکته را به خاطر داشته باشیم که بسیاری از زبان‌های کشف شده در جهان امروز تنها به صورت گفتاری به کار می‌روند و صورت نوشتاری ندارند.»

در صفحه ۲۵۹ متن ترجمه: «کاربرد بسیاری از این کلمه‌ها به طور... متوقف شده است، که معادل با متن انگلیسی نیست. ترجمه متن بایستی چنین باشد. «بسیاری از واژه‌ها دیگر به کار نمی‌روند، برای مثال...».

در صفحه ۲۵۹ متن ترجمه: «در بعضی از اسمها، نشانی از قرون وسطی وجود دارد» که ترجمه مناسب‌تر آن چنین است: «بعضی اسم‌ها هاله‌ای از قرون وسطی با خود دارند.»  
به طور کلی می‌توان گفت چون متن اصلی کتاب برای تدریس در دوره کارشناسی تهیه شده است بایستی «روان خوان» باشد که در برخی موارد چنین نیست. در ترجمه کتاب به فارسی «مبتدا سازی» و جابجایی واژه‌ها و تأکید بر عبارات بر اساس دستور و نحو زبان فارسی توجه نشده است و به همان ترتیب و مبتداسازی واژه‌ها در الگوی انگلیسی رعایت نشده است. که نمونه آن را در مثال‌های عنوان شده در همین صفحه (در مورد صفحه ۲۵۹ متن ترجمه) می‌توان دید.

## نگاهی به زبان ۵۹

۱۷- در این کتاب سعی در معادل‌یابی دقیق بوده است. هرچند در چند مورد و مثال، دقت کافی نشده و معادل‌ها گویا نیست که در ص ۵ توضیح داده شده است. ۲- توضیح و نقد مطالب به صورت نگارش، ... «همیشه و با دقت رعایت نشده است. اصولاً کتاب و متن اصلی مقدماتی است و لذا احتیاج به نقد و توضیح چندانی نداشته است. از این دیدگاه شاید انتقادی به مترجم محترم وارد نباشد. معادل‌های اصطلاح‌های ص ۸ اصلی زبان‌شناسی در پاورقی به صورت انگلیسی آورده نشده است که بسیار مفید است.

۱۸- به نظر می‌رسد که ترجمه این کتاب از ویرایش (edition) نخست کتاب باشد که البته به صراحت مشخص نشده است. در هر حال ویرایش دوم کتاب تفاوت‌هایی با ویرایش اول آن (که ترجمه فارسی منطبق با آن است) دارد. به طور مثال فصل یازدهم کتاب ترجمه عبارت است از «معناشناسی و کاربرد شناسی» در حالی که در ویرایش دوم کتاب انگلیسی فصل یازدهم «معناشناسی» و فصل دوازدهم: «کاربردشناسی» است، و از همین جا شماره فصل‌های ویرایش دوم و کتاب ترجمه شده با هم متفاوت‌اند. صفحه ۲۳۲ کتاب ترجمه در مقایسه با ویرایش دوم کتاب فاقد بخش *Alternate and languages* «primary sign» می‌باشد. این خود نشان می‌دهد که ترجمه کتاب از ویرایش نخست آن بوده است.

در صفحه ۲۷۵ کتاب در مقایسه ویرایش دوم کتاب (صفحه ۲۳۵) فاقد یک بخش مهم به نام *the post – Creole continuum* می‌باشد.

در صفحه ۲۸۰ کتاب ترجمه در مقایسه با ویرایش دوم کتاب (در صفحه ۴۰ - ۲۲۹) بخش *sociolinguistics* وجود ندارد؛ و همچنین، توضیحات بخش «گوشه‌های اجتماعی» در کتاب ترجمه کمتر از ویرایش دوم کتاب است.

تفاوت‌های متن کتاب ترجمه شده که از ویرایش نخست انگلیسی است نسبت به ویرایش دوم متن انگلیسی بسیار زیادتر از مطالب بالاست بخش‌هایی در فصل‌های دیگر کتاب مانند: بخش «زبان مردان و زنان»، «درونداد زبان آموزی»، و ... در ویرایش دوم کتاب اضافه شده است.

بخش پایانی فصل‌ها، که به سؤال‌ها، موضوع‌ها و پیشنهادات مورد بحث می‌پردازد، نیز در ویرایش دوم متن انگلیسی کامل‌تر است و گسترش یافته است. تعداد مثال‌ها، و نقل قول‌ها از نویسندگان دیگر، و همچنین «منابع برای مطالعه بیشتر» نیز گسترش یافته

## ۶۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

است که در متن ترجمه فارسی، به دلیل این که از ویرایش نخست ترجمه شده، وجود ندارد.

کتاب ترجمه شده است، بنابراین انتظاری مبنی بر بهبود محتوای کتاب از سوی مترجم محترم نمی‌توان داشت. البته در صورت نیاز به تجدید چاپ اثر حاضر پیشنهادهایی برای بهبود کیفیت ترجمه آن می‌توان ارائه نمود. در ضمن این که تجدید چاپ کتاب توصیه نمی‌شود. زیرا این کتاب برای دانشجویان مبتدی زبان‌شناسی که زبان اول آن‌ها انگلیسی است نوشته شده است. و چون تنها برای تدریس زبان‌شناسی به دانشجویان رشته‌های انگلیسی است نوشته شده است بهتر است که دانشجویان اصل این کتاب‌ها را به زبان انگلیسی مطالعه کنند.

## «مطالعهٔ زبان»<sup>۱</sup>

مؤلف: جورج یول<sup>۲</sup>

ناشر: انتشارات دانشگاه کمبریج<sup>۳</sup>

سال نشر: ۱۹۸۶

ویرایش: اول

محل نشر: کمبریج

تعداد صفحات: ۲۱۴

### خلاصهٔ نظرات و پیشنهادات:

- متن از نظر سادگی برای مقطع کارشناسی زبان انگلیسی مناسب است
- اصطلاحات به کار رفته در این کتاب، اصطلاحات رایج در زبان‌شناسی هستند
- برای تفهیم مطالب از فنون و ابزارهای لازم استفاده نشده است
- مطالب و تعداد صفحات این کتاب برای تدریس در دو درس مقدمات زبان‌شناسی ۱ و ۲ کافی نیست. شاید تدریس آن در یک درس دو واحدی کافی باشد
- مطالب هر فصل و عناوین متن جامعیت لازم را ندارد. در بسیاری از موارد، مطالب بسیار سطحی و گذرا مطرح می‌شود. برای مثال، در فصل مربوط به نمو، که یکی از مباحث مهم زبان‌شناسی همگانی است، مطالب بسیار ابتدایی مطرح شده‌اند، فقط چند صفحه به این بحث مهم زبان‌شناسی اختصاص داده

---

1. The study of language  
2. George Yule  
3. Cambridge University Press

## ۶۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- شده است. مباحث این کتاب کلاً اطلاعات کافی در اختیار دانشجو قرار نمی‌دهد.
- متن حاضر از جهت استفاده از منابع مرتبط با موضوع از کفایت لازم برخوردار نیست
  - اثر حاضر تا حدودی با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی مطابقت دارد، اما اهداف آن‌ها را به‌طور جامع برآورده نمی‌سازد. مطالب در کلیه موارد سطحی و ناکافی مطرح شده‌اند.
  - مستندات و ارجاعات متن خوب است
  - کتاب حاضر برای تدریس مقدمات کافی نیست. شاید بتوان از آن به عنوان یک منبع جنبی استفاده کرد. به این دلیل که جامعیت و توضیحات لازم برای یک کتاب درسی را ندارد
  - به نظر می‌رسد از مکتب خاصی در این کتاب استفاده نشده است، حال آن‌که در برخی فصل‌ها مباحث براساس دیدگاه گشتاری (از جمله در فصل مربوط به نحو) ارائه شده‌اند.
  - مباحث کتاب با رعایت اصول علمی رشته زبان‌شناسی تدوین شده‌اند.
  - در نقل مطالب و وقایع رعایت امانت شده است. اما داده‌ها و اطلاعات به روز نیستند.
  - سوال یا افق جدیدی در متن مطرح نشده است
  - با توجه به تخصصی بودن موضوع کتاب طرح مباحث ارزشی و ملی در اثر حاضر نمی‌گنجد و مورد اجتماعی، سیاسی و اخلاقی خاصی در اثر مورد تأکید نیست.
  - هر چند می‌توان گفت این کتاب برای دانشجویان رشته زبان انگلیسی به عنوان یک منبع جنبی قابل استفاده است، اما به دلیل جامع نبودن توضیحات مطرح شده در آن به عنوان کتاب درسی پیشنهاد نمی‌شود. در این کتاب مطالب

### مطالعهٔ زبان ۶۳

بسیار سطحی مطرح شده‌اند. برخی از فصل‌های آن از جمله فصل مربوط به نحو، بیش از اندازه سطحی و گذرا به موضوع پرداخته‌اند.

- به نظر می‌رسد کتاب کلاً به توضیح مختصر چند اصطلاح زبان‌شناسی می‌پردازد تا به تشریح مطالب برای یادگیری زبان‌شناسی بنابراین، صلاح نیست که از آن به عنوان کتاب درسی استفاده شود. این کتاب قادر نیست برای دانشجو دیدگاهی خاص در زبان‌شناسی ارائه دهد.



## «کلیات زبان‌شناسی»

مؤلف: محمود فرخ بی

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۷۹

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۰۸

کتاب «کلیات زبان‌شناسی» در صورت بازنگری اساسی در شکل و محتوا می‌تواند در مقطع کارشناسی زبان‌انگلیسی در درس کلیات زبان‌شناسی ۱ و ۲ (درس پایه) به عنوان منبع اصلی مورد استفاده قرار گیرد. آثار مشابهی که می‌توانند برای آموزش دانشگاهی مورد استفاده قرار گیرند عبارتند از:

ردیف	عنوان	صاحب اثر	نوبت انتشار	ناشر/افست	سال نشر/افست
۱	The Study of Language	Goerge Yule	سوم	کمبریج	۲۰۰۶
۲	An introduction to language	Fromkin & Robert Rodman	اول	رهنما	۱۳۸۹
۳	Linguistics and langugae	Julia S. Falk	ویرایش دوم	عباسی	۱۳۷۸
۴	Linguistics: An Introduction	Andrew Radford, Martin Atkinson, David Britain, Harald Clahsen, Andrew Spencer	ویرایش دوم	کمبریج	۲۰۰۹

### بررسی شکلی

- به طور کلی به لحاظ دستوری جمله‌ها روان و رسا هستند. نسبت به متن انگلیسی که توسط یک انگلیسی‌زبان نوشته شده باشد متن از زیبایی و انسجام کمتری برخوردار است. در بسیاری موارد نویسنده از اصطلاحات

## ۶۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

تخصصی استفاده کرده است که توضیح آن‌ها یا در فصل‌های بعد یا در بخش‌های دیگر همان فصل ارائه شده است که این موضوع می‌تواند موجب سردرگمی مدرس و دانشجو شود. نکته دیگر استفاده از شماره‌گذاری و حروف برای نشان دادن عناوین اصلی، فرعی و مثال‌ها است که نویسنده در به‌کارگیری آن‌ها چندان نظام‌مند عمل نکرده است (به عنوان مثال در صفحات ۱۱۵ / ۹۹ / ۹۵ / ۱۳۸ / ۱۴۱).

- میزان رعایت قواعد ویرایش و نگارش خوب است.
- طرح روی جلد جز نام اثر، هیچ نشانی از محتوای کتاب ندارد. صحافی در حد مطلوب است، اما در صفحه‌آرایی فضای خالی که معمولاً باعث زیبایی سطور و پاراگراف‌ها می‌شود کمتر مشاهده می‌شود، به ویژه جایی که مثال‌ها یا لیستی از اقلام در ذیل یک پاراگراف درج گردیده است. حروف‌نگاری اثر خوانا است. شروع فصل‌ها (پاراگراف اول) تمایزی با سایر بخش‌های هر فصل ندارد. یعنی پاراگراف‌ها از بالای صفحه تنظیم شده‌اند و حاشیه‌ی کافی ندارند. بهتر است عنوان درس‌ها و عنوان‌های (تیتروهای) اصلی مشخص‌تر باشند. در مواردی عنوان و زیر عنوان و طبقه‌بندی‌ها با هم همخوانی ندارند، به عنوان مثال زیر عنوان آخر فصل اول (How Does a Linguist Get Data?) با عنوان اصلی فصل (What Is Language) و مطالب مطرح شده هماهنگ نیست. در فصل بازده نیز برای عنوان کردن نقاط قوت از شماره‌گذاری استفاده شده است، ولی برای نقاط ضعف فقط از عنوان استفاده شده که این امر ارتباط بین دو بخش را کم‌رنگ کرده است. فاصله بین پاراگراف‌ها و خطوط یکسان هستند که نباید این‌گونه باشد. ضخیم (bold) نوشتن کلمات از قاعده خاصی پیروی نمی‌کند. در برخی موارد یک واژه چندین بار bold شده است و در مواردی واژه‌ای تخصصی bold نشده است. بهتر است در header هر صفحه عنوان فصل ذکر شود. فصل‌بندی نیز در مواردی مشکل دارد، به عنوان مثال یک فصل فقط ۳ صفحه است. همچنین به نظر می‌رسد در بعضی موارد مطالب یک یا چند فصل

## کلیات زبان‌شناسی ۶۷

بهتر است که به عنوان بخش‌های فصل‌های دیگر مطرح شوند، به عنوان مثال فصل‌های ۱۱، ۱۴ و ۱۵.

- هر چند حجم کتاب کم است اما عناوین مطرح شده و مفاهیم موجود در متن بسیار بیشتر از آنی است که معمولاً به دانشجویان سطح کارشناسی ارائه می‌گردد.
- علائم سجاوندی در اکثر موارد درست به کار گرفته شده‌اند، ولی در آوانویسی واژه‌ها، علائم و نظام آوانگاری شرح داده نشده است. در چند مورد اشکالات تایپی به چشم می‌خورد. نویسنده در طراحی و تدوین فصول یکسان عمل نکرده است. به عنوان مثال در برخی فصول بخشی با عنوان خلاصه دیده می‌شود و یا بعضی از فصل‌ها تمرین و آزمون دارند و برخی ندارند. در عین حال برای بخش خلاصه در بعضی موارد از واژه summary و در بعضی موارد از to sum up استفاده شده است که باز هم نمونه‌ای از عدم یکدست بودن فصل‌ها است.

### بررسی محتوایی:

- به لحاظ جامعیت محتوا به نظر می‌رسد که در مواردی افراط و تفریط صورت گرفته است، به عنوان مثال از فصل ۹ تا ۱۷ به مبحث گرامر اختصاص دارد (با این‌که دانستن مطالب این مباحث برای دانشجو می‌تواند مفید باشد ولی به عنوان مباحث مقدماتی زبان‌شناسی ضروری نیست) که حجم زیادی از کتاب را در بر می‌گیرند. در عین حال سه فصل آخر کتاب یعنی معنی‌شناسی، کاربردشناسی و کلام بسیار مختصر مطرح شده‌اند و به مباحث میان رشته‌ای چون روان‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی رایانه‌ای و تحلیل کلام که امروزه بسیار مورد توجه هستند یا اصلاً اشاره‌ای نشده است یا به صورت مختصر و تلویحی اشاره شده است. به عبارت دیگر مباحث جالبی از قبیل جامعه‌شناسی زبان، منشأ و پیدایش زبان، خانواده‌های زبانی، و رده‌بندی زبان‌ها در این کتاب نیامده‌اند. نظر به گنجانده نشدن این بحث‌ها در کتاب حاضر،

لازم است که از کتاب‌های دیگر کمک گرفته شود تا محتوا جامعیت لازم را پیدا کند. در بخش واج‌شناسی و نحو محتوا خوب است، هر چند نظریه کمینگی *minimalism* در نحو ذکر نشده است. متن به لحاظ عناوین مطرح شده و حتی محتوا گاهی فراتر از سطح کارشناسی به نظر می‌رسد. مشکل اصلی مختصر بودن توضیحات موجود در متن می‌باشد. متأسفانه متن اغلب مباحث خلاصه‌وار مطرح شده‌اند بی آنکه دانش عمیق یا توان تحلیلی را در اختیار خواننده قرار دهد.

- تقریباً با سرفصل‌های ارائه شده توسط شورای عالی برنامه ریزی مطابقت دارد ولی بعضی مباحث به توضیح بیشتری نیاز دارند.
- نظم منطقی و انسجام مطالب خوب است.
- اصطلاحات تخصصی به‌سادگی و به صورت موجز بیان گردیده‌اند. در واقع متن مورد نظر به یک خلاصه شبیه است که نویسنده در تلاش بوده تا در آن مطالبی بسیار را که در یک یا دو جلد کتاب هم نمی‌گنجد بیاورد. همین باعث گردیده تا متن فاقد جزئیات کافی در مورد مفاهیم زبان‌شناسی باشد. به عبارت دیگر نویسنده سعی داشته است که به بیشتر اصطلاحات تخصصی در چارچوب فصول اشاره کند ولی توضیح کافی برای همه اصطلاحات ارائه نشده است که در مواردی موجب دشواری درک مطلب شده است. اضافه کردن فهرست اصطلاحات تخصصی و نیز نمایه در پایان کتاب به غنی‌تر شدن کتاب کمک می‌کند.
- متن گاهی مقدمه‌ای بسیار مختصر (در حد پاراگراف) دارد اما به طور کلی فاقد بسیاری از ابزارهای علمی برای تفهیم (نظیر حل تمرین و آزمون) می‌باشد. متن بسیار موجز است. با توجه به محتوا از نمودار و جدول خوب استفاده شده است. بحث مقدماتی برای همه فصل‌ها ارائه نشده است. جمع‌بندی نهایی در قالب بخشی به عنوان *summary* فقط در چند فصل ارائه شده است. همچنین تمرین و آزمون نیز برای همه فصل‌ها طراحی نشده است.

## کلیات زبان‌شناسی ۶۹

- محتوای اثر با عنوان و فهرست آن منطبق است.
- به لحاظ عناوین مطرح شده متن به خوبی با سر فصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی منطبق است اما به لحاظ محتوا نقص‌هایی دارد که پیش از این ذکر شد.
- مطالعه کتاب به عنوان منبعی که مفاهیم بسیاری را به طور خلاصه و ساده بیان داشته برای دانشجویان ارزشمند است اما خلاصه و موجز بودن آن و فقدان تمرین مناسب برای دانشجویان مانع از انتخاب آن به عنوان منبع اصلی می‌گردد.
- اطلاعات موجود در متن تقریباً روز آمد است.
- نظم منطقی در ترتیب فصول و مطالب هر فصل به طور نسبی رعایت شده است، اما گاه مطالبی نسبتاً کم‌ارتباط در یک فصل می‌آیند. برای مثال در فصل بیستم در مورد تحلیل گفتمان نویسنده برای تفهیم مفهوم «متن» از دو اصطلاح «توانش» و «کنش» بهره برده که ارتباطی به آن فصل ندارد. به لحاظ نظم منطقی همچنان که پیشتر نیز عنوان شد مواردی وجود دارد که ارتباط مطالب با مطالب پیش و پس از آن روشن نیست. در عین حال رابطه بین فصل‌ها و ترتیب ارائه آن‌ها چندان روشن نیست.
- در این اثر از برخی منابع مانند Yule استفاده شده است اما متأسفانه نامی از آن به میان نیامده است. نویسنده محترم در طرح بسیاری مباحث مثلاً آواشناسی و واج‌شناسی در صفحات متوالی از هیچ منبعی نام نبرده است.
- نویسنده بسیار کم از ارجاع استفاده کرده است و منبع بسیاری از تعاریف و طبقه‌بندی‌ها یا علائم آوانگاری مشخص نیست. در کل کتاب به غیر از چند مورد انگشت شمار، استنادات و ارجاعات نامشخص است.
- با توجه به این که ابتدا مباحث مربوط به زبان توضیح داده شده است سپس مسائل مربوط به زبان‌شناسی، به نظر می‌رسد عنوان کتاب باید به زبان و زبان‌شناسی language and linguistics تغییر یابد.

## ۷۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در مجموع می‌توان گفت اثر مذکور به عنوان منبع اصلی درس زبان‌شناسی قابل قبول نیست چرا که منابع مناسب‌تری وجود دارند که با نیازهای آموزشی تطابق بیشتری دارند. برای این که اثر مذکور از چنین جایگاهی برخوردار شود راهی جز بازنویسی آن، افزودن توضیحات لازم و افزودن تمرین‌های مناسب وجود ندارد. با توجه به این که متن اثر انگلیسی است و کتب نگارش شده توسط نویسندگان انگلیسی زبان دیگری نیز در دسترس هستند که برای تدریس مناسب نیز می‌باشند و با توجه به نواقص اثر استفاده از این کتاب به عنوان منبع اصلی چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. در عین حال ویژگی‌های مثبتی نیز کتاب دارد که موجب می‌شود استفاده از آن به عنوان منبع فرعی یاری‌بخش دانشجویان باشد به عنوان مثال ارائه مثال‌های فارسی برای مبحث morphology که به یادگیری بهتر دانشجویان کمک می‌کند.

### نقد تفصیلی:

- در کل کتاب کلماتی **bold** شده‌اند که نمی‌توان برای آن الگویی متصور شد. در واقع در بسیاری مواقع یک اصطلاح چندین بار **bold** شده است و در مواردی اصطلاحی تخصصی اصلاً **bold** نشده است (نگاه کنید به **phoneme and allophone** در صفحه ۸، **morpheme** در صفحه ۹، و **frequency** در صفحه ۱۴).
- زیر عنوان آخر فصل اول با عنوان اصلی فصل اول و مطالب مطرح شده در این فصل مرتبط نیست.
- فصل دوم با عنوان گرامر به دستور زبان می‌پردازد. با توجه به این که نویسنده در مقدمه کتاب به جای **grammar** از اصطلاح **syntax** به عنوان یکی از شاخه‌های دانش زبان‌شناسی نام برده است، مناسب‌تر این است که موارد کاربرد این دو اصطلاح را از هم تفکیک نماید. برای مثال در ص. ۶ (پاراگراف اول فصل گرامر) در خط پایانی از واژه **syntax (grammar)** استفاده شده است. به نظر می‌رسد که اشاره به تعاریف **syntax** و **grammar** و این که آیا این دو دقیقاً هم معنا هستند یا

## کلیات زبان‌شناسی ۷۱

یکی زیرشمول دیگری برای کمک به درک بهتر دانشجویان ضروری می‌باشد. هر چند نویسنده در نیمه فصل دوم ( ص ۱۰ ) تعریف کوتاهی از دستور زبان ارائه داده است که بهتر بود این تعریف در ابتدای فصل و با تأکید بیشتر بر تفاوت آن با نحو و رابطه آن با سایر حوزه‌های زبان ارائه می‌شد.

• ارائه فصلی با عنوان گرامر ( مروری کوتاه) در فصل دوم به دلایل زیر مناسب نمی‌باشد:

- ✓ مبحث گرامر به طور مفصل از فصل ۹ تا ۱۷ را به خود اختصاص داده است.
- ✓ رابطه این فصل با سایر مباحث شاید برای یک زبان‌شناس قابل درک باشد ولی برای دانشجویان مقطع کارشناسی که برای اولین بار با این علم آشنا می‌شوند، این‌گونه نیست.
- ✓ در کتب زبان‌شناسی معمولاً در ترتیب ارائه مطالب ابتدا به ماهیت زبان پرداخته می‌شود، سپس تعاریف و بررسی‌ها از کوچکترین واحد زبان که همان آوا است شروع می‌شوند و به بزرگترین واحد که فراتر از جمله است یعنی discourse ختم می‌شوند و سپس مباحث بین‌رشته‌ای نظیر زبان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی زبان و رابطه بین زبان‌ها مطرح می‌شوند. در این کتاب نویسنده به ماهیت زبان به طور خیلی مختصر اشاره کرده است و درباره منشأ زبان و نظریه‌های مربوط به آن توضیحی نداده است. فصل‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۱ به ترتیب به مباحث semantics, discourse, و pragmatics اختصاص داده شده است که مطالب مربوط به این حوزه‌ها در مجموع در ۱۷ صفحه آمده است. pragmatics بخش پایانی کتاب است و اشاره‌ای به سایر مباحث زبان‌شناسی نشده است.

• نویسنده در مقدمه اشاره کرده است که این کتاب با هدف آشنا کردن دانشجویان مقطع کارشناسی رشته آموزش زبان انگلیسی و ادبیات زبان انگلیسی با کلیات زبان‌شناسی و برای آموزش طی دو ترم تحصیلی نوشته شده است. حال آن‌که فصل ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ به گرامر و نحو پرداخته است. مناسب‌تر این است که تا حد امکان خلاصه این مطالب به عنوان زیر مجموعه یک فصل ارائه

## ۷۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

شوند و در عین حال بسیاری از مطالب بهتر است حذف شوند، چرا که توضیح مختصر ارائه شده در این کتاب برای درک این مطالب کافی نمی‌باشد. در عین حال کتاب مقدمات زبان‌شناسی جای بحث درباره‌ی این مطالب به طور مفصل نیست.

- ربط فصل ۱۸ به مباحث پیشین و پسین چیست؟ به نظر می‌رسد که توالی مطالب فاقد انسجام است.
- در فصل سوم تعریفی از phone ارائه نشده است.
- بهتر بود در فصل سوم برای طبقه‌بندی همخوان‌های زبان هم از جایگاه و هم شیوه تولید استفاده می‌کردند. در ارائه جدول مربوط به همخوان‌ها از این دو مقوله استفاده شده است، حال آن‌که در متن طبقه‌بندی بر مبنای شیوه تولید صورت گرفته است.
- خلط مباحث مربوط به ساخت‌واژه در فصل واج‌شناسی می‌تواند موجب سر در گمی دانشجویان شود چرا که دانشجویان با این اصطلاحات آشنایی ندارند.
- در فصل واج‌شناسی بهتر است ابتدا هجا تعریف شود و سپس مبحث تکیه و آهنگ مطرح شوند.
- در فصل ۲۰ به تفاوت بین cohesion و coherence اشاره نشده است در حالی که این تفکیک این دو اصطلاح ضروری به نظر می‌رسد.
- در صفحه اول، پاراگراف سوم نارسا است و مولف محترم استدلال نادرستی را به کار برده‌اند. خط آخر همان صفحه نیاز به ویرایش دارد.
- در صفحه دوم پاراگراف اول مطالب ارائه شده به ویژگی خلاقیت در زبان انسان اشاره می‌کند که نویسنده بدون ذکر این مطلب از این تعریف برای توضیح مفهوم توانش زبانی استفاده کرده است که به نظر می‌رسد این امر توجیه‌پذیر نیست.
- در صفحه سوم پاراگراف اول از واژه agent استفاده شده است، حال آن‌که این اصطلاح برای افرادی که زبان‌شناسی نخوانده‌اند ناآشنا است و مطمئناً نیاز به توضیح دارد.
- در صفحه سوم پاراگراف سوم (خط ۵) نیاز به ویرایش دارد.

### کلیات زبان‌شناسی ۷۳

- مثال ارائه شده در صفحه چهارم پاراگراف اول از ریاضیات عاریت گرفته شده است که موجب پیچیده‌تر شدن مطلبی ساده شده است.
- صفحه ۵ کل مبحث ارتباطی با مطالب پیش و پس ندارد.
- در صفحه ۶ بخش A به نظر می‌رسد در استفاده از مفاهیم school grammars and grammarian کمی تداخل به وجود آمده است.
- در صفحه ۷ پاراگراف آخر بهتر است به جای استفاده از to مصدری از gerund استفاده شود.
- در همان صفحه پاراگراف اول بعد از مثال‌ها از subject , predicate استفاده شده است در حالی که توضیحی برای آن ارائه نشده است.
- در همان صفحه پاراگراف دوم بهتر بود در ابتدا درباره بلومفیلد توضیح داده شود و سپس راجع به پیروان او.
- در صفحه ۸ و ۹ بسیاری از اصطلاح‌های آواشناسی بدون توضیح ارائه شده‌اند که این امر برای دانشجویان مقطع کارشناسی که برای اولین بار این اصطلاحات را می‌خوانند می‌تواند گیج‌کننده باشد و در واقع مدرس مجبور خواهد بود که زودتر از ترتیب ارائه شده در کتاب ابتدا به تدریس مباحث آواشناسی بپردازد.
- در بسیاری از موارد مباحثی ارائه شده‌اند که نویسنده توضیحات آن‌ها را به فصل‌های بعدی ارجاع می‌دهد، یا در مواردی این کار را هم نمی‌کند و فقط اصطلاح را بدون توضیح می‌آورد و در فصل‌های بعد تدریس می‌شود، که این موضوع موجب سردرگمی دانشجویان و مدرس می‌شود (مانند صفحه‌های ۹ (segmentation and classification) که توضیح آن‌ها در صفحه ۱۰۰ آمده است و یا صفحه ۱۳ که توضیح به فصل ۱۳ ارجاع داده شده است و همچنین صفحه ۱۵ پاراگراف آخر که توضیح مطلب به بخش بعد موکول شده است). بیشتر اصطلاحاتی که در فصل دوم کتاب آمده‌اند بدون توضیح هستند و توضیحات آن‌ها در فصل‌های مختلف ارائه شده است.

## ۷۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در صفحه ۱۴ پاراگراف اول هدف آواشناسی به گونه‌ای بیان شده است که در واقع تعریف آواشناسی acoustic است که در پاراگراف دوم بخش A ارائه شده است.
- تعریف auditory phonetics در صفحه ۱۶ نارسا است.
- در صفحه ۱۷ بهتر است مبنای طبقه‌بندی بیشتر توضیح داده شود.
- در همان صفحه مشخص نیست که آیا larynx and windpipe هم جزء speech organs هستند یا خیر. همچنین مشخص نیست که vocal cord ها به صورت افقی یا عمودی به larynx متصل هستند.
- در صفحه ۲۵ بهتر است که توضیح مختصری درباره اصطلاحات inflected و compound و superlative ارائه شود.
- در صفحه ۲۷ برای توضیح glide از علائم آوانگاری استفاده شده است که پیشتر معرفی نشده‌اند و در ادامه فصل توضیح داده می‌شوند.
- در صفحه ۲۸ برای اولین بار بخشی با نام summary در انتهای مطالب ارائه شده است.
- صفحه ۲۹ به لحاظ صفحه آرایی بهتر بود که شروع مبحث vowel ها بعد از chart (consonants of English) قرار می‌گرفت.
- به طور کلی موارد متعددی وجود دارد که به نظر می‌رسد پاراگراف‌بندی می‌تواند به گونه‌ای صحیح‌تر صورت بگیرد. مانند: ص ۸ خط اول، پس از اتمام جمله (از since به بعد) بهتر است پاراگراف عوض شود.
- در چند فصل کتاب بعضی مطالب تکرار شده است، مانند فصل چهارم صفحه ۴۰ که همان مطالب صفحه‌های ۸ و ۲۱ تکرار شده است.
- در مبحث phonetics بهتر است کمی بیشتر به تفاوت phone و phoneme و تعاریف هر یک پرداخته شود.
- در صفحه ۴۱ بهتر است که segmental and suprasegmental بیشتر توضیح داده شود.
- در صفحه ۴۲ ذکر مطالب و تعاریف مربوط به morpheme مناسب نیست.

## کلیات زبان‌شناسی ۷۵

- در صفحه ۴۳ tertiary ، bold شده است ، بنابراین باید primary و week stress هم bold شوند.
- در صفحه ۴۹ مناسب‌تر این است که ساختمان هجا در زبان انگلیسی با استفاده از مثال‌های گوناگون بیشتر توضیح داده شود.
- در صفحه ۵۰ مبحث ارائه شده در پاراگراف اول و دوم و سوم برای دانشجویان مقطع کارشناسی سنگین است مگر این که این مطالب با توضیحات بیشتر ارائه شوند تا درک آن ساده‌تر شود.
- در بخش phonotactic rules پاراگراف اول نویسنده به گونه‌ای توضیحات را ارائه داده است که گویی این قوانین فقط به چگونگی قرار گرفتن همخوان‌ها در جایگاه آغازی اشاره دارند، در حالی که لزوماً این‌گونه نیست.
- در صفحه ۵۲ نویسنده به chart 1 and 2 ارجاع داده است، بدون آن که صفحه آن را ذکر کند. با توجه به این که برای chart ها نویسنده راهنمایی ارائه نداده است، پیدا کردن صفحه برای خواننده چندان ساده نیست.
- شیوه نگارش زیر عنوان صفحه ۵۲ چندان مصطلح و رسا نیست.
- در صفحه ۵۳ خط آخر پاراگراف دوم از اصطلاحات anterior and coronal استفاده شده است در حالی که هنوز این اصطلاحات توضیح داده نشده بودند.
- در صفحه ۶۲ خط آخر پاراگراف دوم convey ، bold شده است در حالی که این یک اصطلاح تخصصی نیست.
- در صفحه ۶۳ ، ۶۴ و ۶۵ روشن نیست که نویسنده آیا morpheme را هم معنای word در نظر گرفته است. به عبارت دیگر مشخص نیست چه موقعی از واژه morpheme و در چه موقعی از word باید استفاده کرد.
- در صفحه ۶۵ بخش شماره ۲ در بالای صفحه به اشتباه /o/ به عنوان واج مطرح شده است در حالی که باید /a/ باشد.
- در صفحه ۶۷ بخش examples مثال آخر اشکال تایپی دارد.

## ۷۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- بهتر است نویسنده درباره علائم آوانگاری که استفاده کرده است توضیح دهد و همچنین برای آن‌ها راهنمایی ارائه دهد.
- در صفحه ۷۳ برای توضیح assimilation نویسنده از زبانی غیر از انگلیسی مثال آورده است، بهتر بود که از زبان فارسی هم استفاده می‌کردند به این ترتیب درک این فرایند برای دانشجویان بسیار ساده‌تر می‌شد.
- بهتر بود در طبقه بندی assimilation به progressive and regressive , complete and partial assimilation هم اشاره می‌کردند زیرا این طبقه بندی شناخته شده و رایج است.
- مثال ارائه شده در صفحه ۷۷ برای epenthesis چندان مناسب نیست.
- در صفحه ۷۹ بخش B ، چندین بار morpheme به شیوه‌های گوناگون تعریف شده است که هیچ‌یک به تنهایی morpheme را به طور کامل تعریف نمی‌کنند، در حالی که نویسنده می‌توانست در غالب یک جمله و به طور رسا و کامل آن را تعریف کند.
- در پاراگراف چهارم صفحه ۸۰ suppletive forms به گونه‌ای تعریف شده است که گویی به zero form اشاره دارند، این مطلب از چه منبعی برگرفته شده است؟
- در صفحه ۷۳ کتاب به root اشاره شده است، و در صفحه ۸۱ به base، در حالی که به تفاوت این دو اشاره‌ای نشده است.
- در صفحه ۸۲ شماره ۳ ، اشاره کرده‌اند که در زبان فارسی infix وجود دارد، در حالی که در این مورد توافق وجود ندارد، حداقل باید به این نکته اشاره شود و منبع آن نیز بیان شود.
- در همان صفحه (۸۲) در تعریف inflectional affixes بهتر است اشاره شود که affix ها، meaning را هم عوض نمی‌کنند.
- در صفحه ۸۶ آیا idiomatic expressions هم یکی از فرایندهای واژه‌سازی است؟ در مثال‌های این قسمت هم idiom هست و هم proverb در حالی که به آن اشاره‌ای نشده است.

## کلیات زبان‌شناسی ۷۷

- صفحه ۸۶ در تعریف blending کمی توضیح بیشتر لازم است تا تفاوت آن با compounding روشن شود.
- در صفحه ۸۷ در تعریف clipping اشاره به این که صورت کوتاه شده function و meaning یکسان با صورت کوتاه نشده دارد ضروری است.
- در صفحه ۸۹ در تعریف conversion بهتر بود word class را توضیح می‌دادند.
- در صفحه ۹۲ پاراگراف دوم بهتر بود که معنای gl and fl را هم بازگو می‌کردند.
- در صفحه ۹۳ از عنوان to sum up استفاده شده است، در حالی که در صفحه ۴۴ و ۲۸ از واژه summary استفاده شده است و در سایر موارد اصلاً summary نوشته نشده است. بهتر است این موارد یکدست شود.
- در فصل ۹ مبنای تقسیم‌بندی ... A, B, ... مشخص نیست.
- در صفحه ۹۸ شماره ۱ بهتر بود که تعریف روشنی برای prescriptive و descriptive ارائه شود.
- در تقسیم‌بندی و شماره‌گذاری صفحه‌های ۹۸ و ۹۹ به نظر می‌رسد شماره ۲ در واقع زیر بخش شماره ۱ است.
- در صفحه ۱۰۰ باز هم مطالب صفحه‌های ۲۱،۸ و ۴۰ تکرار شده است. همچنین مبحث مطرح شده در صفحه ۱۰۱ نیز تکراری است.
- در صفحه ۱۰۵ بخش ۲ و ۳ کمی بیشتر توضیح لازم دارد. بهتر است که نویسنده محترم به transitive و intransitive verbs هم اشاره کند.
- در بخش ۳ صفحه ۱۰۵ نویسنده نمودار مثال مطرح شده را کشیده است در حالی که برای بخش ۲ این کار را نکرده است. بهتر بود برای بخش ۲ هم نمودار ارائه شود.
- فصل ۱۱ به ارزیابی structuralism پرداخته است، بهتر است ارزیابی یک نظریه یک فصل را به خود اختصاص ندهد، همچنان که در صفحه ۹۸ نویسنده ارزیابی را در پایان فصل آورده است.

## ۷۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در صفحه ۱۱۰ در خط سوم نویسنده به دو نظریه *mechanistic* و *mentalistic* اشاره کرده است اما در پاراگراف دوم همان صفحه در توضیح نظریه دوم به *materialistic* اشاره کرده است و *mechanistic* را در پرانتز آورده است که بهتر است جای این دو بر عکس شود.
- در صفحه ۱۱۱ اصطلاح *taxonomic* تخصصی است در حالی که نه توضیح داده شده است و نه **bold** شده است.
- در بسیاری از نقل قول‌ها از اشخاص یا کتاب خاصی اصطلاح‌هایی وجود دارند که موجب گیج شدن خواننده می‌شوند زیرا توضیحات قبل و بعد از این نقل قول‌ها یا تعاریف اصطلاح‌ها ارائه نشده است. مانند نقل قول‌های صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۴.
- بهتر است پاراگراف‌بندی صفحه ۱۱۴ تغییر کند (پاراگراف اول و دوم)
- در صفحه‌های ۱۰، ۱۱۳، ۱۱۲ و ۱۱۴ به *deep and surface structure* اشاره شده است حال آن‌که تعریف این اصطلاح‌ها در صفحه ۱۱۵ ارائه شده است.
- در صفحه ۱۱۵ پاراگراف دوم به انواع *subject* اشاره می‌کند. این مبحث نیاز به توضیح بیشتر دارد تا تدریس آن برای مدرس و یادگیری آن برای دانشجویان ساده‌تر شود.
- در فصل یازده برای مطرح کردن نقاط قوت از شماره‌گذاری استفاده شده است ولی برای نقاط ضعف فقط از عنوان استفاده کرده است که این امر ارتباط بین این دو بخش را کم رنگ کرده است.
- در صفحه ۱۱۷ خط دوم بخش *structuralists fail to deal with paraphrase* تعریفی که از *paraphrase* ارائه شده است دقیق نیست، زیرا بر اساس این تعریف جمله سؤالی و صورت خبری یک جمله هم *paraphrase* هستند چون *deep structure* یکسان دارند.
- در صفحه ۱۱۹ بهتر است اول تعریف *phrase structure* ارائه شود و بعد *rule* مطرح شوند.

## کلیات زبان‌شناسی ۷۹

- در صفحه ۱۱۹ شماره ۵ بند a به عنوان مثال boy آورده شده است حال آن که باید به اسم خاص مانند John اشاره می‌شد که نیاز به حرف تعریف ندارد. ارائه مطالب در شماره های ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ موجب پیچیده شدن مبحث شده است.
- در صفحه ۱۲۱ پاراگراف دوم تکراری و غیر ضروری است. این جمله در خط بعدی نقض می‌شود. زیرا در این دستور فقط از phrase structure rules استفاده نمی‌شود.
- صفحه ۱۲۳ پاراگراف بعد از نمودارها خط سوم can not به هم چسبیده نوشته شده است.
- بهتر است در پاراگراف بندی صفحه ۱۲۵ تجدید نظر صورت گیرد.
- بخشی از مطالب ۱۲۵ تکرار مطالب ۱۱۶ است در حالی که ضروری نیست.
- در پاراگراف پنجم صفحه ۱۲۵ از واژه powerful برای بیان یک نکته منفی استفاده کرده است که کمی گیج کننده است.
- فصل سیزده در صفحه ۱۲۷ با تکرار مطالب مطرح شده در فصل‌های قبل شروع می‌شود در صورتی که می‌توان فصل را به گونه‌ای آغاز کرد که دنباله مطالب پیشین باشد.
- در صفحه ۱۲۸ برای اشاره به rule از اعداد استفاده شده است که با توجه به این که rule در صفحات پیشین مطرح شده‌اند، این شیوه اشاره پیاپی به اعداد موجب پیچیده شدن می‌شود.
- در صفحه ۱۳۱ دوباره درباره deep and surface structure توضیح داده شده است و عنوان بخش هم deep and surface structure re-visited است که چندان مناسب نیست. شاید بهتر بود که با استفاده از این مطالب و مطالب صفحه ۱۱۵ یک تعریف جامع و واحد ارائه می‌شد.
- تعاریف ارائه شده در صفحه ۱۳۳ با عنوان node and path می‌توانست زودتر ارائه شود.

## ۸۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در صفحه ۱۳۴ در نمودار از Aux استفاده می‌شود که توضیح آن به بخش‌های بعد موکول شده است که باز هم موجب پیچیدگی مطلب شده است.
- در صفحه ۱۳۴ در پاراگراف چهارم به attached question اشاره شده است ولی فقط imperative transformation نشان داده شده است.
- در صفحه ۱۳۶ بهتر است که اصطلاح dative توضیح داده شود. در صفحه ۹۹ هم به این اصطلاح اشاره شده است، البته فقط با استفاده از یک مثال و گفته شده است که این اصطلاحات برای زبان انگلیسی چندان مناسب نیست.
- در صفحه ۱۳۸ در توضیح بخش verbal sequences در خط اول به (12) rule بخش پیش ارجاع داده شده است، بهتر است که شماره صفحه هم بیان شود.
- مبنای شماره‌گذاری از صفحه ۱۳۸ تا ۱۴۳ مشخص نیست. در بعضی موارد به rule اشاره دارند و در مواردی به مثال و در مواردی به نمودار.
- در فصل ۱۵ semantic component تعریف نشده است و به طور کلی ساخته شدن deep structure خیلی مختصر و سطحی توضیح داده شده است. راجع به lexicon هم توضیح بیشتر به نظر مناسب می‌رسد.
- در صفحه ۱۵۵ هم شماره‌گذاری‌ها مبنای مشخصی ندارد.
- در صفحه ۱۵۵ پاراگراف زیر نمودار (۳) اشتباه تایپی دارد. Intrace باید به instance تبدیل شود.
- توضیحات فصل ۱۶ در بیشتر موارد برای افرادی مناسب است که با این نظریه و اصطلاحات آن آشنایی دارند. برای فردی که برای اولین بار با این اصطلاحات آشنا می‌شود توضیحات بسیار خلاصه است.
- در صفحه ۱۸۳ به فرق cohesion and coherence اشاره نشده است.
- فصل pragmatics خیلی کوتاه است.
- اما در خصوص منابع:
- ✓ در صفحه ۴۹ در پانویس ۱ منبع ناقص نوشته شده است.
- ✓ همان صفحه پانویس ۲ در منابع پایانی نیست.

## کلیات زبان‌شناسی ۸۱

- ✓ صفحه ۹۲ پانوشت ۱ و ۲ در پایان نیامده است. پانوشت ۲ ناقص است.
- ✓ منابع صفحه ۱۱۱ در پایان نیستند.
- ✓ منابع صفحه ۱۱۲ در پایان نیستند و منبع شماره ۲ در این صفحه کامل نیست.
- ✓ منبع ۱۱۳ در پایان نیست.
- ✓ منبع ۱۱۴ شماره ۱ کامل نیست. شماره ۲ در پایان نیست. شماره ۳ در پایان هست ولی کامل نیست.
- ✓ منبع صفحه ۱۱۵ در صفحه ۱۱۴ نیز آورده شده است.
- ✓ منبع صفحه ۱۸۲ در پایان نیست در پانوشت هم کامل نیست.
- ✓ منبع صفحه ۱۸۳ در منبع پایانی نیست.
- ✓ منبع ۱۸۷ در پایان هم آورده شده است ولی نام مقاله در پانوشت و در پایان با هم همخوانی ندارد. در پانوشت logic and conversation است و در پایان topic and conversation.
- ✓ منبع صفحه ۱۹۰ در پایان نیست.



## «درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر»<sup>۱</sup>

مؤلف: آگرادی و همکارن<sup>۲</sup>

ناشر: لانگمن

سال نشر: ۲۰۰۹

نوبت ویرایش: سوم

محل نشر: نیویورک<sup>۳</sup>

تعداد صفحات: ۷۵۵

کتاب زبان‌شناسی معاصر، ویراسته ویلیم آگرادی<sup>۴</sup> (استاد زبان‌شناسی گروه زبان‌شناسی دانشگاه هاوایی در مانوا<sup>۵</sup>)، میکائیل دُبروولسکی<sup>۶</sup> (دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه کالگری<sup>۷</sup> و فرانسیس کاتامبا<sup>۸</sup>) (دانشیار زبان‌شناسی گروه زبان‌شناسی دانشگاه لنگستر)، از کتاب‌های مقدماتی زبان‌شناسی است که از زمان انتشار نخستین چاپ آن در سال ۱۹۸۷ مورد اقبال زیادی قرار گرفته است. انتشار چند ویراست دیگر از این کتاب و چاپ‌های متعدد این کتاب شاید بهترین گواه مورد اقبال قرار گرفتن این کتاب باشد. تا آنجا که نگارنده این نوشته می‌داند از زمان چاپ نخستین ویراست زبان‌شناسی معاصر در سال ۱۹۸۷ تا کنون گونه‌کانادایی این کتاب در ۶ ویراست دیگر به ترتیب در سال‌های ۱۹۹۲، ۱۹۹۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۴، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ چاپ شده است. این کتاب در قالب ویراست‌هایی موسوم به گونه‌کانادایی، بریتانیایی و آمریکایی به چاپ رسیده است که هر یک تفاوت‌هایی با

1. Contemporary Linguistics: An Introduction
2. William O'Grady, Michael Dobrovolsky, Francis Katamba
3. New York
4. William o' Grady
5. University of Hawaii at Manoa
6. Michael Dobrovolosky
7. University of Calgary
8. Francis Katamba

## ۸۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

هم دارند. با توجه به آنکه گونه بریتانیایی این کتاب به فارسی برگردانده شده است، این نوشته در پی ارائه تصویری از این کتاب بر پایه گونه بریتانیایی آن است. هرچند که بهتر بود ویراست آخر گونه کانادایی این کتاب که گونه نخست آن است بررسی و معرفی می‌شد.

در این کتاب به سه حوزه اصلی توجه شده است: حوزه بحث‌های زیربنایی مربوط به سطوح مختلف زبان که در فصل‌های آواشناسی، واج‌شناسی، معنی‌شناسی، ساختواژه، و نحو بدان‌ها پرداخته شده است؛ حوزه‌های مربوط به مطالعات میان‌رشته‌ای که بحث‌های جامعه‌شناسی زبان، روانشناسی زبان، ... را می‌توان از جمله آنها برشمرد؛ و حوزه‌های مربوط به مطالعاتی که در هیچ یک از دو دسته بالا جای نمی‌گیرند، اما به گونه‌ای با مطالعات مربوط به زبان و زبانشناسی در پیوند هستند، چون فصل‌های مربوط به نظام‌های نوشتاری و نظام ارتباطی حیوانات. با توجه به فراگیری محتوای این کتاب، به نظر می‌رسد که، افزون بر دانشجویان و علاقه‌مندان زبانشناسی، برای دانشجویان رشته‌های آموزش زبان، ارتباطات، جامعه‌شناسی، و دیگر رشته‌هایی که هر یک به گونه‌ای ممکن است به دانش زبانشناسی یا حوزه‌های مرتبط به آنها نیاز یا علاقه داشته باشند سودمند است؛ و اگر به حوزه‌هایی چون کاربردشناسی زبان و تحلیل گفتمان نیز توجه بیشتری شده بود می‌توانستیم آن را برای رشته‌هایی چون علوم سیاسی نیز سودمند بدانیم.

از نظر ساختاری این کتاب افزون بر بخش‌های آغازی چون تقدیم، سپاسگزاری، فهرست کوتاه‌نوشت‌های فنی، مقدمه ... دربردارنده ۱۷ فصل، به مثابه بدنه اصلی کتاب است، که به دنبال آنها یک واژه‌نامه<sup>۱</sup>، نمایه زبان‌ها<sup>۲</sup> و سرانجام نمایه موضوعی<sup>۳</sup> قرار گرفته است. هر فصل کتاب، افزون بر جمله مرتبطی از یک شخصیت شناخته شده در آغاز آن، و مطالب دسته‌بندی شده اصلی فصل، دربردارنده چکیده، مآخذ، منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر، و بخشی زیر عنوان پرسش‌ها است. البته فصل پایانی کتاب فاقد مآخذ است، و برخی فصل‌ها دارای پیوست یا «منابع تصاویر» نیز هستند. این ساختار کلی از ویراست نخست کتاب تا آخرین ویراست آن حفظ شده است، با این

- 
1. glossary
  2. Language Index
  3. Subject Index

## درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر ۸۵

تفاوت که عنوان و زیرعنوان‌های فصل‌ها، و ترتیب آنها، دگرگون شده و چند فصل نیز به ویراست‌های اخیر کتاب افزوده شده است.

به نظر می‌رسد هر کسی که با کتاب‌های مقدماتی زبان‌شناسی آشنایی نسبی داشته باشد، یا بهتر از آن برخی از آن‌ها را در دانشگاه تدریس کرده باشد، با خواندن فصل نخست این کتاب به تفاوت آن با کتاب‌های مقدماتی چون مطالعه زبان جورج یول، فالک، فرامکین و آکماجیان پی می‌برد که از کتاب‌های زبان‌شناسی مقدماتی نام‌آشنایی هستند که پنجره ورود بیشتر دانشجویان زبان‌شناسی، و دیگر علاقه‌مندان زبان‌شناسی، به این عرصه علمی بوده‌اند. البته در ایران، نقش کتاب‌های مقدماتی زبان‌شناسی نیز که به زبان فارسی نوشته شده‌اند را نیز در این زمینه نمی‌توان نادیده گرفت. برای اینکه به این تفاوت پی ببریم می‌توانیم ساختار فصل نخست کتاب آشنای «مطالعه زبان» جورج یول را با فصل نخست کتاب مورد نظر مقایسه کنیم. کتاب یول با بحث درباره «منشاءهای زبان»، به عنوان موضوع فصل نخست آن، آغاز شده است که در آن نویسنده تلاش می‌کند منشاهای مختلف زبان چون منشاء الهی<sup>۱</sup>، منشاء صدهای طبیعی برای زبان<sup>۲</sup>، و... به یادگیرنده توضیح دهد. این فصل سپس با مطالبی درباره بنیان‌های زیستی شکل‌گیری و توسعه زبان در انسان و تغییرات فیزیولوژیکی در برخی از اندام‌های انسان که آنها را برای تولید زبان مناسب کرده است، و بحث کوتاهی درباره دو نقش تعاملی<sup>۳</sup> و انتقال‌دهنده<sup>۴</sup> زبان پایان می‌گیرد. به عنوان کسی که این کتاب را بارها در کلاس‌های مقدماتی زبان‌شناسی تدریس کرده است، می‌توان گفت که جدای از آنکه فصل نخست کتاب یول علاقه خاصی در دانشجویان به زبان‌شناسی نمی‌آفریند، پس از خواندن آن حتی تصویر نسبتاً مشخصی نیز از زبان‌شناسی، یا چنانچه بخواهیم به نام کتاب یول وفادار باشیم «مطالعه زبان»، برای دانشجو ترسیم نمی‌کند. اما فصل نخست کتاب زبان‌شناسی معاصر با طرح موضوع خلاقیت زبانی که به نظر می‌رسد آگاهی از آن برای هر کسی جذاب است آغاز می‌شود، و ذیل آن نویسنده به خوبی بسیاری از موضوعاتی را که در علم زبان‌شناسی مطرح می‌شود، چون

- 
1. the divine source
  2. the natural- sound source
  3. interactional
  4. transactional

محدودیت‌ها و قاعده‌مندی‌هایی که بر سطوح مختلف زبان حاکم هستند، و توانایی تولید و درک بی‌کران گفته‌های جدید را به خواننده خود معرفی می‌کند. سپس در زیرعنوان دوم فصل - دستور زبان و توانش زبانی - «توانش زبانی» به عنوان دانش ناخودآگاهی که گویشوران زبان را قادر می‌کند گفته‌های جدید را تولید و درک کنند مطرح می‌شود. در ادامه نیز، با طرح مفهوم بنیادین دستور زبان، نویسنده تلاش می‌کند، با در میان گذاشتن برخی «کژفهمی‌ها و مغالطات متداول درباره زبان و دستور آن» ذهن مخاطب را با مسائلی درگیر نماید که زبان‌شناسی در رفع و حل آنها می‌کوشد: مغالطه ۱: تنها برخی از زبان‌ها دستور زبان دارند؛ مغالطه ۲: دستور برخی از زبان‌ها از دستور زبان‌های دیگر اساساً ساده‌تر یا «بدوی‌تر» است؛ مغالطه ۳: به مردم باید قواعد دستور زبان آنها را آموزش داد؛ مغالطه ۴: قواعد دستوری باید «منطقی باشند؛ مغالطه ۵: با گذشت زمان دستورهای زبان دچار انحطاط می‌شوند؛ مغالطه ۶: تفاوت میان دستورهای مختلف را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. به نظر می‌رسد که طرح این گونه «کژفهمی‌ها و مغالطات» به خوبی کنجکاوی مخاطب را برای فهم درست زبان، با ورود به عرصه مطالعات علمی که موضوع آن «مطالعه علمی زبان» است، برمی‌انگیزد. به نظر می‌رسد، پایان دادن مطالب فصل با آنچه زیر عنوان «تخصصی شدن ساختارهای زیستی» گفته شده است نیز بر این کنجکاوی و جذابیت می‌افزاید.

سامان مطالب هر فصل این کتاب به گونه‌ای است که هر موضوعی از مقدماتی‌ترین مطالب آغاز می‌شود. همین امر باعث می‌شود این کتاب نقطه عزیمت مناسبی برای ورود به مطالعات زبان‌شناسی در اختیار خواننده قرار دهد. ارائه خلاصه هر فصل به همراه تمرین‌های سودمند نیز این کتاب را برای ورود به عرصه زبان‌شناسی از سویی، و بهره‌گیری از آن به مثابه متنی درسی، از سوی دیگر، مناسب جلوه می‌دهد. زبان ساده کتاب، انسجام مطالب و شیوه منطقی ارائه آنها، ارائه مثال‌ها و نمونه‌های به خوبی گزینش‌شده، و معرفی و بررسی مفاهیم پیچیده و تخصصی به زبانی ساده و فهم‌پذیر نیز بر امتیاز آن به عنوان یک کتاب مقدماتی درسی افزوده است. هر یک از فصل‌های کتب توسط یک یا چند نفر نوشته شده است؛ اما با خواندن چند فصل کتاب، به نظر می‌رسد نگارش فصل‌های آن به گونه‌ای بوده است که بدون از دست رفتن انسجام و پیوستگی کلی کتاب می‌توان هر فصل را مستقل از فصل‌های دیگر نیز مطالعه کرد.

## درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر ۸۷

در بررسی این کتاب، یکی از پرسش‌هایی که می‌توان مطرح کرد این است که «آیا نویسندگان توانسته‌اند به خوبی همه موضوع‌هایی را که در فصل‌های مختلف کتاب مطرح کرده‌اند ارائه دهند؟» پرسش دیگر می‌تواند این باشد که «آیا نویسندگان، با توجه به مقدماتی و مُعرّف بودن کتاب، و نیز با توجه به آنکه نام زبان‌شناسی معاصر بر آن نهاده شده است، توانسته‌اند با معرفی سه شاخه اصلی زبان‌شناسی امروز (زبان-شناسی صورت‌گرا، شناختی و نقش‌گرا<sup>۱</sup> تصویر کاملی از زبان‌شناسی و چشم‌اندازهایی که می‌تواند به دانشجویان یا علاقه‌مندان این رشته ارائه دهد به دست دهند؟» پاسخ گفتن به پرسش نخست نیازمند مرور همه فصل‌های کتاب است، که در ادامه چنین خواهیم کرد؛ اما پرسش نخست را با توجه به آنچه اگرادی و دبروولسکی در مقدمه ویراست کانادایی کتاب گفته‌اند می‌توان پاسخ گفت: «با وجود آنکه ما دیگر رویکردهای سودمند به زبان‌شناسی را نادیده نمی‌گیریم و آنها را رد نمی‌کنیم، ما پارادایم زایشی را به دو دلیل مبنای این کتاب قرار داده‌ایم: نخست اینکه، زبان‌شناسی زایشی رویکرد نسبتاً منسجم و هماهنگی به پدیده‌های زبان‌شناختی پایه به دست می‌دهد؛ و دوم این که رویکرد زبان‌شناسی، در بیست سال گذشته، در به کارگیری آن درباره دامنه گسترده‌ای از پدیده‌های زبانی بسیار کارآمد بوده است.» بنابراین رویکرد غالب این کتاب پایه بر زبان‌شناسی زایشی دارد، و دو رویکرد نقش‌گرا و شناختی تنها در برخی فصل‌ها چون جامعه‌شناسی زبان و معنی‌شناسی به گونه‌ای بازتاب پیدا کرده‌اند. حال به منظور آنکه خواننده این نوشته بتواند خود به پاسخی به پرسش نخست دست یابد، در ادامه ساختار فصل‌ها و مطالب آنها را- البته به استثنای فصل نخست که در بالا بدان پرداختیم- به کوتاهی مرور میکنیم، و پس از آن، به کوتاهی، برخی از نقد و بررسی‌هایی نیز که بر شماری از ویراست‌های این کتاب نوشته شده است معرفی می‌کنیم.

فصل دوم کتاب دارای عنوان «آواشناسی: [مطالعه] صداهای زبان» است. این فصل را دبروولسکی و کاتامبا با اشاره به رابطه گفتار با زبان انسان و ارائه تعریفی ساده از آواشناسی و اشاره به دو رویکرد مهم در آواشناسی، یعنی آواشناسی تولیدی و

---

۱. نگاه کنید به: محمد دبیرمقدم، پیدایش و تکوین زبان‌شناسی نظری، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

فیزیکی، آغاز می‌کنند. آنها سپس زیر عنوان «آوانویسی» از الفبای بین‌المللی آوایی<sup>۱</sup> نام می‌برند، و به امکان استفاده از آن برای نوشتن آواهای همه زبان‌ها اشاره می‌کنند. سیستم تولید آوای زبان، طبقات آواها، تولید همخوان‌ها و واژه‌ها از دیگر بخش‌های اصلی این فصل است که در آنها نویسندگان خواننده را با اندام‌های تولید آوای زبان-در موارد لازم با ارائه تصویر آنها- و دو دسته اصلی آواهای زبان، یعنی همخوان‌ها و واژه‌ها و چگونگی تولید و دسته‌بندی آنها آشنا می‌کنند. مشخصه‌های زبرنجیری و فرآیندهای آوایی از دیگر بخش‌های این فصل هستند.

عنوان فصل سوم کتاب «واج‌شناسی: نقش و الگوی صداها [ی زبان]» است، که اگرادی به همراه ویدآ پی. گازمن<sup>۲</sup> آن را نوشته است. در این فصل نویسندگان مباحثی چون الگوهای واجی، ساختار هجا، واج‌آرایی، جفت‌های کمینه، واج‌گونه‌ها، واقعیت ذهنی واج‌ها که معمولاً در فصل واج‌شناسی هر کتاب مقدماتی زبان‌شناسی معرفی می‌گردد را مطرح کرده‌اند. اما با ورق زدن بیشتر این فصل متوجه می‌شویم که این فصل به واقع دربردارنده مطالبی بسیار بیشتر از یک فصل مقدماتی درباره واج‌شناسی است. برای نمونه، در این فصل طبقات طبیعی واج‌ها، واج‌شناسی هجایی و فرایندها بسیار فراتر و جزئی‌تر از هر کتاب زبان‌شناسی مقدماتی دیگری مورد توجه قرار گرفته است. این ویژگی با این‌که ممکن است برای یک نوآموز عرصه زبان‌شناسی دشواری‌هایی ایجاد نماید، اما می‌تواند او را با پیچیدگی‌های حوزه مطالعات واج‌شناسی زودتر آشنا سازد.

فصل چهارم کتاب زیر عنوان «ساخت‌واژه: تحلیل ساختار واژه» سامان یافته است، و نوشته اگرادی است. در بحث مقدماتی این فصل، توجه ساخت‌واژه به ساخت درونی واژه‌ها، و اینکه از دو گروه واژه‌های بسته و باز زبان ساخت‌واژه به مطالعه ساخت گروه دوم توجه دارد مطرح می‌شود. در مقدمه فصل همچنین گفته می‌شود که در آن هم به ساخت واژه توجه خواهد شد، و هم به ساختن واژه‌های جدید. از این رو، در ادامه این فصل، افزون بر توجه به تعریف واحدهایی چون واژه، تکواژ، تکواژگونه، ... و جایگاه آنها در مطالعه ساخت‌واژی زبان، به ساخت واژه، استفاده از قلاب و نمودار درختی برای نمایش ساختار واژه‌ها، تعریف اصطلاحات بنیادینی چون ستاک، وند، ... به مفهوم

1. International Phonetic Alphabet

2. Vide P.Guzman

## درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر ۸۹

اشتقاق، وندهای اشتقاقی، قواعد اشتقاق، ترکیب، و واژه‌های آمیخته به عنوان برخی از مواردی که در واژه‌سازی زبان مطرح هستند، اشاره شده است. بحث تصریف و مشخصه‌های آن به صورت نسبتاً مبسوطی در ادامه مورد توجه قرار گرفته است، و به دنبال آن رابطه ساخت‌واژه با واج‌شناسی طرح شده است که در آن مسائلی چون قواعد واژ-واجی زبان به خواننده معرفی شده است.

فصل پنجم کتاب به «نحو» اختصاص یافته است که باز هم نوشته اگرای است. در این فصل مباحث نحو، به مثابه نظامی از قاعده‌ها و مقوله‌هایی که ساخت جمله‌های زبان را ممکن می‌سازند مطرح می‌شود. در این مسیر، بر اساس رویکرد کلی کتاب، مقولات نحوی، ویژگی تکرارپذیری در زبان، قواعد سازهای، دستور زایشی، قواعد گشتاری، انواع حرکات با مباحث مربوط به هر یک معرفی شده است. نویسندگان در موارد لازم با ارائه نمونه‌های زیادی و ترسیم نمودار درختی پاره‌گفتار تلاش کرده است خواننده را با مباحث نحوی بهتر آشنا سازد. در بخشی از این فصل نیز نویسنده با توجه به داده‌های زبان‌هایی چون کره‌ای، سلاوی، تامیلی، فرانسه، و اسپانیولی در پی بررسی برخی از پدیده‌ها و بحث‌های مربوط به نحو در زبان‌های دیگری به غیر از انگلیسی برآمده است. ساخت‌های مجهول و ویژگی‌های جهانی مجهول‌سازی در زبان‌ها از دیگر موضوعاتی است که نویسنده در این فصل به آنها پرداخته است. بخش پایانی این فصل به معرفی تحلیل‌های دیگر نحوی به غیر از تحلیل زایشی اختصاص یافته است که ذیل آن دو تحلیل رابطه‌ای و تحلیل نقش‌گرا به کوتاهی در چند صفحه معرفی شده است.

عنوان فصل ششم کتاب «همپوشانی‌ها»<sup>۱</sup> است که نوشته هر سه ویراستار کتاب است. این فصل که گویا در ویراست کنونی به ساختار کتاب افزوده شده است دارای سه بخش اصلی است: ساخت‌واژه و واج‌شناسی، واج‌شناسی و نحو، ساخت‌واژه و نحو. در هر بخش رابطه و همپوشانی دو حوزه مورد نظر با ارائه نمونه‌هایی مورد بحث قرار گرفته است. به نظر می‌رسد افزون بر اینکه افزودن این فصل به این ویراست «زبان‌شناسی معاصر» برای این کتاب یک نوآوری است، در مورد دیگر کتاب‌های زبان‌شناسی مقدماتی نیز وجود این فصل یک نوآوری است، چرا که بحث‌های مربوط به همپوشانی

---

1. Interfaces

## ۹۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

سطوح مطالعاتی مختلف زبان نه در قالب یک فصل جدا که در یکی از فصل‌های مربوطه بررسی می‌شود. برای نمونه، بحث‌های مربوط به همپوشانی نحو و ساخت‌واژه به فراخور چینش فصل‌های یک کتاب ممکن است در فصل نحو یا ساخت‌واژه کتاب مطرح شود.

فصل هفتم کتاب با عنوان «معنی‌شناسی: تحلیل معنی» نوشته اگردادی است. چنانچه ماهیت یا تعریف نشانه‌زبانی را در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم که تا فصل هفتم کتاب بیشتر به سویه‌صوری یا با تسامح بسیار به سویه‌فیزیکی و ساختاری زبان توجه شده است، و در این فصل سویه‌دیگر نشانه‌زبانی یعنی معنی مورد توجه قرار گرفته است. می‌توان گفت مطالعه معنای زبانی به خاطر ماهیت سیال، انتزاعی و تعیین‌ناپذیر آن در مطالعات زبان‌شناسی دشوارتر از دیگر سطوح زبان است، و به نظر می‌رسد که چنین چیزی را همه کسانی که وارد عرصه مطالعات زبان‌شناسی شده‌اند در مطالعات اولیه‌شان درباره معنی تجربه کرده‌اند. با این همه، به نظر می‌رسد که اگردادی در این فصل به خوبی توانسته است مفاهیم و بحث‌های اصلی مربوط به معنی را مورد توجه قرار دهد. او با اشاره‌آغازین به قدمت توجه دانشمندان به معنی‌شناسی تلاش می‌کند معنای واژه‌ها را با توجه به مفاهیمی چون مصداق، مفهوم، و مشخصه‌های معنایی تعریف نماید. روابط معنایی واژه‌ها و جمله‌ها، ابهام ساختاری و واژگانی و نقش‌های معنایی از جمله موضوع‌های دیگری هستند که در این فصل همانند فصل معنی‌شناسی هر کتاب مقدماتی دیگر زبان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. افزون بر این، این فصل دربردارنده چند صفحه‌ای نیز درباره بحث‌های کاربردشناسی و تحلیل گفتمان است که در آن موضوع‌هایی چون «اصل همکاری» و قواعد چهارگانه گرایس (کمیت، کیفیت، رابطه و شیوه)، پیش‌انگاشت و کنش‌گفتارها، ساخت اطلاع، و مبتدا مطرح شده است؛ که در کل می‌توان گفت با توجه به آنکه این کتاب دربردارنده فصل‌های جدایی برای کاربردشناسی و تحلیل گفتمان نیست، این چند صفحه برای پرداختن به موضوع‌های این دو حوزه به هیچ روی بسنده نمی‌کند. این فصل با بحثی درباره رابطه زبان، معنا و تفکر به پایان می‌رسد که ذیل آن فرضیه سایپر- وُرف نیز به خواننده معرفی می‌شود.

فصل هشتم با عنوان «زبان‌شناسی تاریخی: مطالعه تحول زبان» نخستین فصل کتاب است که به مطالعات میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی اختصاص دارد. در این فصل که

## درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر ۹۱

نوشته روبرت دبلیو. موری<sup>۱</sup> است پس از ارائه تعریف ساده‌ای از زبان‌شناسی تاریخی - به مثابه شاخه‌ای از زبان‌شناسی که مسئله تحول در زبان را مطالعه می‌کند - ماهیت تحول نظام‌مند زبان، با ارائه و مقایسه نمونه‌هایی از انگلیسی باستان، میانه و نوین بررسی شده است. در ادامه نقش عوامل فیزیولوژیک، قیاس، و عوامل جامعه‌شناسی و همچنین آنچه که «ریشه‌شناسی عامیانه»<sup>۲</sup> گفته می‌شود، در تحول زبان مورد توجه قرار گرفته است. موضوعاتی چون همگونی، ناهمگونی، حذف، و جابجایی از جمله مواردی هستند که نویسندگان ذیل تحولات آوایی زبان بدان‌ها پرداخته است؛ و موضوعاتی چون انشقاق، ادغام و دگرگونی واجی نیز از جمله مواردی هستند که او در توضیح تحولات واجی بدان‌ها پرداخته است. تحولات صرفی (چون تحول در نظام حالت زبان)، و تحولات نحوی (چون تحول در آرایش واژگانی زبان)، و تحولات واژگانی و معنایی زبان (در نتیجه وام‌گیری، بسط و تحدید معنایی، ...) از دیگر موضوعات مورد توجه این فصل است که در هر مورد با ارائه نمونه‌های زیاد برای خواننده توضیح داده شده‌اند. چگونگی گسترش تحولات در زبان، و موضوع بازسازی زبان و روش‌ها و انواع آن، و به دنبال آنها چگونگی کشف خانواده زبان‌های هند و اروپایی در نتیجه مطالعات سیر ویلیام جونز از مطالب دیگری هستند که با آنها این فصل پایان می‌گیرد.

موضوع فصل نهم کتاب نیز دست کم از برخی جهات به مباحث تاریخی مربوط است. عنوان این فصل «دسته‌بندی زبان‌ها» و نوشته الکساندرا استینبرگ<sup>۳</sup> است. در این فصل نویسنده دو روش دسته‌بندی زبان‌ها، یعنی دسته‌بندی آنها با توجه به ویژگی‌های ساختاری زبان‌ها، و دسته‌بندی آنها با توجه به روابط خویشاوندی آنها، را معرفی می‌کند. دسته‌بندی ساختاری زبان‌ها در حوزه مطالعه رده‌شناسی زبان است که بر پایه شباهت‌های زبان‌ها در حوزه خاصی، آن‌ها را در گروه‌های مختلفی قرار می‌دهند. در این حوزه همچنین یکی از هدف‌های اصلی کشف و مطالعه جهانی‌های زبان در سطوح واجی، ساختواژی، نحوی، و ... است، که در این فصل نویسنده با ارائه نمونه‌هایی از زبان‌های مختلف تلاش کرده است آنها را به خواننده معرفی کند. در بخش اصلی دیگر فصل، دسته‌بندی زبان‌ها بر پایه روابط خویشاوندی آنها مورد نظر است که در این

- 
1. Robert W. Murray
  2. Folk etymology
  3. Aleksandra Steinbergs

## ۹۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

بخش نویسنده پس از برشمردن برخی از دشواری‌هایی که برای چنین کاری وجود دارد خانواده زبان‌های هند و اروپایی و هر یک از ۹ شاخه آن، و سپس خانواده‌های زبانی آلتایی، اورالی، دراویدی، استرالیایی-آسیایی، آفریقایی-آسیایی را به فشردگی، و با نام بردن از برخی از زبان‌های آنها، معرفی می‌کند. چند صفحه پایانی این فصل نیز به معرفی بسیار فشرده چند خانواده از خانواده‌های زبانی قاره آمریکا چون خانواده زبانی کچوایی و آندی-استوایی اختصاص دارد. به نظر می‌رسد جدول‌ها و نقشه‌های ارائه‌شده در این فصل کار یادگیری خواننده را ساده‌تر می‌کند.

فصل‌های دهم و یازدهم نوشته گری لیبن<sup>۱</sup> هستند که به ترتیب دارای عنوان‌های «مغز و زبان» و «روان‌شناسی زبان: مطالعه پردازش زبان» هستند. بحث‌های مربوط به «مغز و زبان» در مطالعات زبان‌شناسی زیرمجموعه عصب‌شناسی زبان قرار می‌گیرند. در فصل دهم نویسنده با معرفی فشرده دو نیمکره مغز انسان و سوپرتری مغز- که تخصصی شدن کارکردهای هر یک از دو نیمکره راست و چپ مغز است- مراکز اصلی زبان در مغز، چون ناحیه بروکا و ورنیکه، معرفی و نقش هر کدام آنها توضیح داده می‌شود؛ و به دنبال آن انواع زبان پیریشی‌های مرتبط با هر ناحیه زبانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل دهم با معرفی فرضیه دوره حساس زبان‌آموزی<sup>۲</sup> و ارائه شواهد تایید و ردکننده آن به پایان می‌رسد. اما فصل یازدهم کتاب دارای سه بخش اصلی روش‌های انجام پژوهش‌های روان‌شناسی زبان، پردازش زبان و زبان‌شناسی و الگوسازی زبان‌شناسی روانشناختی<sup>۳</sup> است. در این سه بخش به طور کلی فنون پژوهش میدانی و آزمایشگاهی برای مطالعه پردازش زبان، چگونگی پردازش زبان در سطوح مختلف واجی، ساخت‌واژی و نحوی آن و موضوعاتی چون تولید و درک گفتار مورد توجه قرار می‌گیرد.

دو فصل بعدی کتاب یعنی فصل «اكتساب زبان: پدیدار شدن دستور زبان»<sup>۴</sup> و فصل «یادگیری زبان دوم»<sup>۵</sup> نیز دارای مطالب مرتبط به هم هستند. فصل نخست به اکتساب زبان نخست یا مادری مربوط است و فصل دوم به یادگیری زبان دوم. پیش از

- 
1. Gary Libben
  2. Critical period hypothesis
  3. Putting it all together: psycholinguistic modelling
  4. Language acquisition: the emergence of a grammar
  5. Second language acquisition

### درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر ۹۳

این‌که محتوای این دو فصل را نیز چون فصل‌های گذشته به فشردگی معرفی کنیم جای دارد اشاره کنیم که در نوشتگان زبان‌شناسی معمولاً برای فرایند رشد زبان نخست از اصطلاح اکتساب که ترجمه فارسی acquisition انگلیسی است استفاده می‌شود، و برای فراگیری زبانی غیر از زبان مادری از اصطلاح یادگیری استفاده می‌شود که برابر learning انگلیسی است، اما در این دو فصل برای هر دو فرایند از اصطلاح acquisition استفاده شده است. در آغاز فصل دوازدهم که سوک وان چو<sup>۱</sup> به همراه اگرادی آن را نوشته است، نویسندگان به منظور نشان دادن پیشینه طولانی جذابیت چگونگی فراگیری زبان در انسان به داستان تلاش یکی از فرعون‌های مصر برای کشف خاستگاه زبان، با دور کردن دو کودک از جامعه، اشاره می‌کند که در بسیاری از کتاب‌های مقدماتی زبان‌شناسی به آن اشاره شده است. سپس نویسندگان به چند روش معمول در انجام پژوهش‌های مربوط به فراگیری زبان اشاره می‌کنند، و پس از آن رشد زبان در کودک در سطوح واجی، ساخت‌واژی، نحوی و معنایی و مراحل و ویژگی‌های هر یک از آنها را با ارائه نمونه‌هایی توضیح می‌دهند. افزون بر این مراحل کلی، نویسندگان اندکی جزئی‌تر فرایند رشد زبان در کودک را نیز مورد اشاره قرار داده‌اند؛ برای نمونه، گفته شده است که دانش زبانی کودک درباره ساخت‌های مجهول تا حدود هفت سالگی ناکامل است، و داده‌ها نشان می‌دهند که از این زمان به بعد است که دانش زبانی او در این زمینه کامل می‌شود. عوامل اصلی در اکتساب زبان، چون تقلید گفتار اطرافیان، یا تصحیح گفته‌های نادرست کودک توسط آنها، و تاثیر رشد شناختی و دانش زبانی ذاتی کودک بر فرآیند رشد زبانی او از دیگر موضوع‌هایی هستند که در چند صفحه پایانی این فصل بدان‌ها پرداخته شده است. مباحث فصل سیزدهم، که نوشته جان آرکیبالد<sup>۲</sup> است، با اشاره به این نکته آغاز می‌شود که مباحث مربوط به یادگیری زبان دوم در حوزه زبان‌شناسی کاربردی است. در ادامه پس از اشاره به مفهوم زبان دوم، تمایز میان یادگیری زبان دوم - به عنوان تلاش آگاهانه برای تسلط بر یک زبان - و اکتساب زبان دوم - به مثابه فرآیند تسلط ناخودآگاه بر یک زبان - توضیح داده می‌شود، و البته گفته می‌شود که در این فصل آنها به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند. در این فصل تلاش می‌شود مسائلی چون سن مناسب برای یادگیری زبان دوم،

- 
1. Sook Whan Cho
  2. John Archibald

محیط زبان‌آموزی، تفاوت اکتساب زبان نخست با یادگیری زبان دوم طرح و توضیح داده شود. در بخش دیگری از این فصل نیز، رشد سطوح مختلف واجی، صرفی، نحوی زبان با توجه به پژوهش‌هایی که در این زمینه‌ها انجام گرفته است، و ارائه نمونه‌هایی، بررسی شده است. پس از این، بحث‌هایی درباره زبان بینابین و انواع خطاهایی که در یادگیری زبان دوم ممکن است یادگیرنده مرتکب شود، مطرح می‌شود که مطالعه آنها در حوزه تحلیل مقابله‌ای<sup>۱</sup> و تحلیل خطاهای زبان<sup>۲</sup> در فرایند یادگیری یک زبان دوم یا خارجی است. افزون بر راهبردهایی که زبان‌آموزان در یادگیری زبان دوم به کار می‌برند، در بخش پایانی فصل، نویسنده برخی روش‌های معروف آموزش زبان (روش دستور و ترجمه، روش مستقیم، روش گفتاری- شنیداری، روش غرقه‌سازی) را نیز معرفی کرده است. به طور کلی می‌توان گفت که این دو فصل می‌تواند تصویر خوبی از موضوع‌هایی که در حوزه مطالعات زبان‌شناسی کاربردی قرار دارند به خواننده ارائه دهد، و احتمالاً می‌تواند برخی از نوآموزان زبان‌شناسی را به این شاخه مطالعاتی علاقه‌مند سازد.

همان‌گونه که از عنوان فصل - «زبان در بافت‌های اجتماعی»- برمی‌آید، فصل چهاردهم به مسائل مربوط به جامعه‌شناسی زبان اختصاص دارد. در این فصل، نخست خود مفهوم جامعه‌شناسی زبان تعریف می‌شود، و اشاره می‌شود که در این فصل این عنوان برای اشاره به کلیه پژوهش‌هایی به کار می‌رود که درباره کاربرد زبان در بافت‌های اجتماعی انجام می‌گیرند. در آغاز این فصل همچنین اصطلاحاتی چون گونه زبانی، گونه معیار و گویش فردی زبان تعریف می‌شوند. سپس گویش‌شناسی تعریف و روش‌های گویش‌شناسان برای انجام پژوهش‌های خود و ترسیم مرزهای همگویی و اطلس‌های گویشی مورد اشاره قرار می‌گیرد. در واقع، به نظر می‌رسد این بخش از فصل بیشتر مباحث مربوط به تنوع منطقه‌ای زبان را مورد توجه قرار می‌دهد. به دنبال بحث کوتاهی درباره انگلیسی در آمریکای شمالی، فصل وارد مباحث جذابی چون لایه‌بندی اجتماعی زبان، مشخصه‌های گونه معیار و غیرمعیار زبان، زبان و جنسیت، تابو و حسن تعبیر، رابطه زبان و سیاست، و زبان‌های صنفی و رمزی می‌شود که از موضوع‌های آشناتر حوزه جامعه‌شناسی زبان هستند. مباحث مربوط به زبان‌های پیچین و کریول از

- 
1. Contrastive analysis
  2. Error analysis

## درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر ۹۵

دیگر بخش‌های این فصل است که نویسندگان با ارائه داده‌هایی و نقشه‌ای از پراکنش آنها تلاش در معرفی‌شان دارند. این فصل با مطالبی درباره موقعیت‌های اجتماعی کاربرد زبان، گونه کاربردی، و خطاب‌واژه‌ها به پایان می‌رسد. صرف نظر از چگونگی چینش مطالب و بخش‌های اصلی فصل، با اطمینان می‌توان گفت که این فصل کتاب نیز یکی از فصل‌های دیگر آن است که فراتر از یک کتاب مقدماتی به موضوع آن پرداخته شده است. این فصل نوشته رونالد اچ. ساترلند<sup>۱</sup> و فرانسیس کاتامبا است.

فصل پانزدهم کتاب با عنوان «نوشتار و زبان» نوشته دبروولسکی و اگرادی است. در این فصل نیز مانند فصل‌های مشابه خود در دیگر کتاب‌های زبان‌شناسی مقدماتی، نخست انواع خط و پیشینه آن مورد توجه قرار می‌گیرد، و پس از آن چگونگی تحول خط بررسی می‌شود. به دنبال این مباحث برخی از نظام‌های نوشتاری دیگر هم معرفی می‌شود. در دو بخش پایانی فصل نیز نویسندگان توجه خود را به خط انگلیسی و رابطه نوشتار و خواندن معطوف کرده‌اند. با وجود آنکه این فصل به گونه‌ای حاشیه‌ای با مباحث اصلی زبان‌شناسی در ارتباط است، اما طرح مسئله خط و رابطه آن با زبان، در یک کتاب مقدماتی زبان‌شناسی، می‌تواند در شکل‌گیری نگاه دقیق نوآموز زبان‌شناسی به موضوع این رشته تاثیرگذار باشد.

فصل شانزدهم دارای عنوان «نظام ارتباطی حیوانات» است که نوشته دبروولسکی است. موضوع این فصل نیز همانند فصل پیش از خود به گونه‌ای حاشیه‌ای با زبان‌شناسی در ارتباط است، اما با توجه به آنکه از یک سو بحث درباره نظام ارتباطی حیوانات می‌تواند توجه خواننده را بیشتر به ویژگی‌های خاص زبان انسان جلب کند، و از سوی دیگر، اصولاً به نظر می‌رسد که چنین بحث‌هایی به خودی خود نیز دارای جذابیت زیادی هستند و برخی از کنجکاوی‌های مخاطب عام درباره زبان حیوانات را پاسخ می‌گویند، می‌توان گفت که آوردن چنین فصلی در یک کتاب زبان‌شناسی دارای توجیه کافی است. این فصل با اشاره به تنوع ابزارهایی آغاز می‌شود که حیوانات مختلف برای برقراری ارتباط از آنها بهره می‌گیرند. برخی از این ابزارها عبارتند از بو، نور، تغییر وضعیت بدن، الکتروسیته، حالات مختلف چهره و ... نویسنده تلاش می‌کند در ادامه با ارائه بحث‌هایی مبتنی بر مفهوم نشانه نشان دهد که این ابزارهای ارتباطی

---

1. Ronald H. Southerland

## ۹۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

دارای ویژگی‌های مشترکی هستند. در بخش دیگری از این فصل، نویسنده هم به برخی از ویژگی‌های نظام ارتباطی حیوانات اشاره می‌کند، و هم با بررسی این نظام در جاندارانی چون زنبور عسل و پرندگان آن را با نظام ارتباطی انسان مقایسه می‌کند. بحث‌های مربوط به موارد آشنای دیگر کتاب‌های زبان‌شناسی درباره آزمایش‌هایی که روی «واشو»، «نیم»، ... انجام شده است، بخش دیگری از مطالب فصل را تشکیل می‌دهد که به دنبال آنها با طرح برخی از مشخصه‌های اصلی نظام‌های ارتباطی چون تبادل‌پذیری، جابجایی، قراردادی بودن، زایایی، ... وضعیت هر یک از آنها در نظام‌های ارتباطی انسان و حیوان بررسی می‌شود.

فصل شانزدهم کتاب زیر عنوان «زبان‌شناسی رایانه‌ای» فصل پایانی کتاب است. موضوع این فصل با توجه به اهمیت روزافزونی که رایانه‌ها در چند دهه گذشته در زندگی بشر یافته‌اند، و با توجه به نیازی که به زبان در حوزه‌های مختلف رایانه وجود دارد، می‌تواند از اهمیت ویژه برخوردار باشد. موضوع این فصل البته دارای طیف گسترده‌ای است که دو حوزه آن معمولاً بیشتر مورد توجه است، یکی کاربرد رایانه در زبان‌شناسی و دیگری استفاده از دانش زبان‌شناسی در حوزه‌هایی از علوم رایانه چون نرم‌افزار. از این رو، در بخش‌هایی از این فصل، نویسنده تلاش کرده است نشان دهد که هر یک از حوزه‌های اصلی زبان‌شناسی - آواشناسی، واج‌شناسی، ساختواژه، نحو، و معنی‌شناسی - چگونه مبنای موضوعات و بحث‌های میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی رایانه‌ای را فراهم می‌سازند. در بخش‌های دیگر این فصل نیز برخی از کاربردهای زبان‌شناسی رایانه‌ای چون ترجمه ماشینی، بازیابی متن، و تشخیص گفتار مورد توجه قرار می‌گیرد.

کریس ون - چائو لی<sup>۱</sup> در مقاله‌ای در مجله زبان‌شناسی تایوان<sup>۲</sup> ویراست پنجم گونه آمریکایی این کتاب را نقد و بررسی کرده است. به باور او «موضوعات این کتاب که به وسیله حدود ۱۸ نویسنده متخصص در ۱۷ شاخه زبان‌شناسی پوشش یافته در این کتاب نوشته شده است، به دقت و به گونه‌ای انتخاب شده اس که نیازهای یک دانشجوی مبتدی را پاسخ گویند. این کتاب به بیشتر پژوهش‌های جدید توجه نشان داده است، و چشم‌اندازهای نظری مختلف را در هم می‌آمیزد، به گونه‌ای که آن را تبدیل به بسته کامل‌تری از کتاب‌های مشابه خود در بازار می‌کند» (ص ۱۲۰). به باور

---

1. Chris Wen- chao Li  
2. Taiwan Journal of Linguistics

## درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر ۹۷

لی فصل آغازین کتاب ضعیف‌ترین قسمت آن است؛ و فصل‌های نخست کتاب‌های مقدماتی چون فرامکین، رادمن و هایمز در پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی چون «زبان چیست؟»، «دانش زبان‌شناسی چیست؟»- که معمولاً در فصل‌های آغازین یک کتاب مقدماتی زبان‌شناسی بدان‌ها پاسخ گفته می‌شود- و در برطرف کردن بدفهمی‌هایی که معمولاً درباره زبان وجود دارد تاثیرگذارند- موفق‌تر هستند (۱۲۰). با توجه به ترتیب ارائه فصول کتاب که با آواشناسی آغاز می‌گردد، و سپس به فصل‌های دیگری چون ساختار نحوی و معنی‌شناسی می‌رسد، لی بر این باور است که «این کتاب مناسب استادانی است که ترجیح می‌دهند دانشجویان را در آغاز با موضوعات چالش‌برانگیزی روبرو کنند، و سپس به آنها امکان دهند که در اواسط ترم وقت استراحت بیشتری داشته باشند.» (۱۲۶).

در مقاله دیگری در نقد و بررسی ویراست نخست گونه آمریکایی این کتاب، در مجله مسائل زبان‌شناسی کاربردی<sup>۱</sup> دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس، استفان ادول<sup>۲</sup> بر این باور است که کتاب زبان‌شناسی معاصر به دو دلیل شایسته نام خود است: یکم اینکه این کتاب نه تنها بر تخصص نظری که بر تجربه نویسندگانی استوار است که سال‌ها کلاس‌های زبان‌شناسی مقدماتی را تدریس کرده‌اند؛ و دوم اینکه در حالی که به نظر می‌رسد پیشرفت سریع در نظریه زبان پوشش بسنده همه حوزه‌های تحقیق کنونی را در یک کتاب تک جلدی زبان‌شناسی، به ویژه در سطح مقدماتی، نسبتاً دشوار ساخته است، نویسندگان زبان‌شناسی معاصر این را هدف خود قرار داده‌اند، و هدف آنها بسیار قابل تحسین است، از گزینش جامع محتوا گرفته تا شیوه‌ای که آنها برای فهم‌پذیر کردن مفاهیم دشوار برای خوانندگان نوآموز به کار گرفته‌اند (ص ۱۲۶-۱۲۷).

این نویسنده دو فصل ۱۱ و ۱۵ ویراستی را که نقد و بررسی کرده است (روانشناسی زبان و زبان‌شناسی کاربردی، و زبان‌شناسی رایانه‌ای) را برجسته می‌داند، چرا که به طور جزئی به رشته‌هایی می‌پردازد که دیگر کتاب‌های مقدماتی زبان‌شناسی تا کنون آنها را پوشش کامل نداده‌اند (ص ۱۲۷).

در نقد و بررسی که احمدرضا لطفی بر ویراست چهارم این کتاب نوشته است به تفاوت گونه چاپ‌شده این کتاب در آمریکا با گونه‌های چاپ‌شده آن در کانادا اشاره

---

1. Issues in Applied Linguistics)  
2. Stephen Adewole

شده است که داشتن فصلی درباره زبان‌های بومی آمریکا از جمله این تفاوت‌ها است. در آن فصل نویسنده تلاش کرده است ۳۶۵ زبان بومی آمریکای شمالی را در ۶۰ خانواده زبانی دسته‌بندی کند، و برخی از ویژگی‌های واجشناختی، ساختواژی و دستوری آنها را برشمارد. به باور لطفی «با وجود آنکه کتاب زبان‌شناسی معاصر به وسیله ۱۳ نویسنده مختلف نوشته شده است سراسر کتاب دارای هماهنگی کامل و انسجام بسیار بالایی است. در عین حال، از نظر ساختاری، آنقدر انعطاف در کتاب وجود دارد که یاددهنده بتواند متن را به ترتیبی که خودش می‌خواهد تدریس کند». لطفی نیز ایرادی همانند ایراد لی را به فصل یکم کتاب وارد می‌داند، و بر این باور است که این فصل به اندازه کافی برای کسی که علاقه اندکی به زبان‌شناسی دارد برانگیزاننده نیست. او همچنین معتقد است که فصل زبان‌های آمریکا شمالی ممکن است برای خوانندگانی که اولین کتاب زبان‌شناسی‌شان را می‌خوانند، دست کم در خارج از ایالات متحده، چندان جذاب نباشد. لی (همان، ص ۱۲۳) نیز وجود این فصل را در این کتاب در میان کتاب‌های مقدماتی زبان‌شناسی منحصر به فرد می‌داند. سطحی بودن برخی از فصل‌ها یا ارائه جزئیات غیرضروری از دیگر ایرادهایی است که لطفی بر این کتاب برشمرده. در نقد و بررسی دیگری که بر ویراست چهارم این کتاب نوشته شده است، آشیش مهتا<sup>۱</sup> معتقد است با توجه به آنکه این کتاب برای نوآموزان زبان‌شناسی نوشته شده است هیچ دانش قبلی زبان‌شناسی برای خواندن آن مورد نیاز نیست؛ و این کتاب می‌تواند برای دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش زبان‌شناسی به دانشجویان رشته‌های دیگر نیز مفید باشد، هرچند که برای دانشجویان زبان‌شناسی از همه مفیدتر است. او نیز همانند برخی نقد و بررسی‌کنندگان دیگر بر این باور است که در کل با توجه به منابع دیگری که برای یاددهنده در کتاب فراهم آمده است، این کتاب بسته جامعی را تشکیل می‌دهد.

این کتاب را دکتر علی درزی به فارسی برگردانده است و انتشارات سمت آن را چاپ کرده است.

#### منابع

Adewole, Stephen (1990), "Contemporary Linguistics: An

---

1. Ashish Mehta

Introduction by William O'Grady, Michael Dobrovolsky and Mark Aronoff. New York: St. Martin's Press, 490 pp. adapted from n, Ltd.", **Issues in Applied Linguist Contemporary Linguistic Analysis**, Canada: Copp Clark Pitmaics, Vol. 1, No. 1, 1990. P. 126- 29.

Wen- chao Li, Chris (2008), "Old School Linguistics Made New- Review of Contemporary Linguistics: An Introduction. 5th ed. By William O'Grady, John Archibald, Mark Aronoff, and Janie Rees- Miller. New York: Bedford/St. Matrtn's, 2005. Pp. xxvi + 684." **Taiwan Journal of Linguistics**, Vol. 6.1, 2008, Pp. 119- 128.

Mehta, Ashish (2001), "Review of Contemporary Linguistics: An Introduction. 4th ed. By William O'Grady, John Archibald, Mark Aronoff, and Janie Rees- Miller, eds. New York: Bedford/St. Matrtn's Press, paperback ISBN 0-312-24738-9, 751 pp + Instructor's Resource Manual (88 pp) + 103 transparency masters", <http://linguistlist.org/issues/12/12-2355.html>.

Lotfi, Ahmad R. (?), "Review of Contemporary Linguistics: An Introduction. 4th ed. By William O'Grady, John Archibald, Mark Aronoff, and Janie Rees- Miller, eds. New York: Bedford/St. Matrtn's Press, paperback ISBN 0-312-24738-9, 751 pp + Instructor's Resource Manual (88 pp) + 103 transparency masters", <http://linguistlist.org/pubs/reviews/get-review.cfm?SubID=3986>.



## «عمومی دیلچیلیک (زبان‌شناسی عمومی)»

مؤلف: علی حسین زاده (دانشقین)

ناشر: اختر

سال نشر: ۱۳۸۸

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تبریز

تعداد صفحات: ۱۰۴

### مقدمه

نویسنده این کتاب به گفته خود در بخش مدخل (گیریش)، چندین عنوان از عناوین متعدد علم زبان شناسی را برگزیده است و در قالب سی فصل، توضیحات مختصری پیرامون آن‌ها ارائه نموده است. وی در این کتاب که به زبان ترکی آذری و با خط فارسی نگاشته است (به استثنای بخش مدخل که به زبان و خط فارسی است) تلاش کرده است خوانندگان را با کلیات علم زبان شناسی و ارتباط آن با دیگر حوزه‌های علمی از جمله فلسفه، منطق، جامعه شناسی و ادبیات آشنا سازد. نویسنده، این کتاب را با دو بحث اساسی «زبان و اهمیت آن» در فصل اول و «اجتماعی یا فطری بودن زبان» در فصل دوم شروع کرده است. وی در ادامه به زیر مجموعه‌های علم زبان شناسی از جمله آواشناسی، صرف و روابط بین آن‌ها، شاخه‌های مختلف زبان شناسی از جمله زبان شناسی تطبیقی، ارتباط زبان شناسی با علوم دیگر، برخی مکاتب زبان شناسی از جمله مکتب پاریس، پایه‌های نظری زبان شناسی و مباحث مرتبط دیگر اشاراتی داشته است.

### نقد و بررسی شکل کتاب

در کتاب حاضر مواردی مشاهده می‌شود که در آن‌ها از قواعد نگارشی و ویرایشی تخطی شده است. در ارتباط با تخطی از قواعد نگارشی در اثر حاضر، آن چه بیشتر

## ۱۰۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

آشکار می‌نماید بی‌توجهی متعدد به علامات سجاوندی است. نویسنده در برخی موارد از هیچ علامت سجاوندی استفاده نکرده است. به عنوان نمونه در صفحه ۱۰ کتاب در سطر پنجم می‌توان دید که بعد از عبارت «طبیعی حادثه دیر» (حادثه ای طبیعی است) هیچ علامت سجاوندی مورد استفاده واقع نشده است. همچنین در سطر اول پاراگراف سوم در صفحه ۳۷ بعد از عبارت «باشا چاتماییر» (ختم نمی‌شود) از هیچ علامت سجاوندی استفاده نشده است. نویسنده در موارد متعدد هم، از عبارات سجاوندی به شکل نادرست استفاده کرده است. به عنوان نمونه در سطر ششم صفحه ۷ قبل از کلمه «چونکو» (چون که) به جای نقطه ویرگول (؛) از نقطه (.) استفاده شده است. چرا که جمله بعدی دلیل جمله قبلی را بیان می‌کند. به عنوان نمونه‌ای دیگر از این مورد می‌توان به استفاده از ویرگول (،) به جای نقطه ویرگول در سطر سوم از پایین صفحه ۱۲ قبل از کلمه «چونکو» اشاره کرد. در مواردی هم می‌توان به استفاده نابجا از علامت سجاوندی نقطه (.) اشاره کرد. به عنوان نمونه به دنبال عناوین درشت نوشته شده در صفحات ۵۱، ۶۱، ۷۹ و ۸۷ کتاب می‌توان استفاده نابجا از علامت نقطه را مشاهده کرد. در بحث پیرامون موارد تخطی از قواعد ویرایشی هم می‌توان به نمونه‌هایی از کاربرد کلمات هم‌معنی به دنبال هم اشاره کرد: استفاده از کلمه «نتیجه» بعد از کلمه «سونوج» با همان مفهوم در سطر چهارم پاراگراف دوم در صفحه ۷ کتاب؛ استفاده از کلمه «پراکتیک» به دنبال کلمه «عملی» با همان مفهوم در سطر پنجم صفحه ۵۰ و ده‌ها نمونه دیگر.

در زمینه صفحه آرایی در اثر حاضر هم، می‌توان به مواردی اشاره کرد. شماره صفحه آغازین فصل ششم کتاب یعنی «شاخه‌های علم زبان‌شناسی» (صفحه ۲۴) با شماره صفحه فهرست شده مرتبط در بخش مندرجات کتاب (صفحه ۲۳) همخوانی ندارد. همچنین در سر صفحات، نام کتاب یعنی «عمومی دیلچیلیک» به همراه شماره صفحه، ما بین گوشه چپ و وسط صفحه قید شده است. در حالی که معمولاً نام کتاب در گوشه راست بالای صفحه راست و موضوع فصل در گوشه چپ بالای صفحه چپ همراه با شماره صفحه قید می‌شود. مورد دیگر که با سنت صفحه آرایی مغایرت دارد انتقال «فهرست مطالب» یا «مندرجات» به انتهای کتاب است. نکته دیگر این است که آن چه را در بخش مندرجات کتاب یعنی صفحه ۹۵ تحت عنوان «گیریش» (مدخل) می‌بینیم نمی‌توان در ابتدای فصل اول کتاب یعنی بالای صفحه ۳ یافت. آن چه در زمینه حروف نگاری اثر حاضر شایان ذکر است این است که در تعداد زیادی از صفحات

### عمومی دیلچیلیک (زبان‌شناسی عمومی) ۱۰۳

کتاب، کلمه‌ای را در هر سطر می‌توان مشاهده کرد که یک حرف از آن به صورت خیلی کم رنگ چاپ شده است و در مواردی هم، به زحمت می‌توان چنین کلماتی را خواند. به عنوان مثال صفحات ۳، ۴، ۱۳، ۱۴، ۱۶ و ... دارای چنین ویژگی‌ای هستند.

#### نقد محتوایی کتاب

در این قسمت به تعریف نویسنده کتاب از دو اصطلاح تخصصی «مورفولوگیا» (صرف) در صفحه ۱۲ و «فونئیکا» (آواشناسی) در صفحه ۲۴ توجه می‌کنیم. وی صرف را با ساخت زبان و نیز ساخت جمله برابر دانسته است. این در حالی است که صرف، مطالعه ساخت درونی کلمه است (کاتامبا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۳). هسپلمت<sup>۲</sup> (۲۰۰۲: ۳) هم، صرف را مطالعه ترکیب تکواژها برای تولید واژه می‌داند. همچنین در کتاب حاضر، واج (فونتم)، اساس آواشناسی تلقی شده است و نویسنده آواشناسی را هم، مطالعه «نظام آوا» (سس سیستمی) دانسته است. این در حالی است که آواشناسی با واج سر و کار ندارد؛ بلکه به توصیف آوای زبان آن هم نه نظام آواها بلکه نحوه تولید و درک آن‌ها می‌پردازد. مطالعه نظام آوای زبانی بر عهده شاخه دیگری از زبان‌شناسی یعنی واج‌شناسی است (لدفوگد<sup>۳</sup>، ۱۹۸۲: ۱ و ۲۳). نکته دیگر در مورد اصطلاحات تخصصی به کار رفته در این اثر این است که اغلب آن‌ها معادل سازی نشده‌اند. در این قسمت به ذکر مواردی بسنده می‌کنیم: مورفولوگیا (صرف)، گرافیکا (خط‌شناسی)، لئکسیکوگرافیا (فرهنگ‌نویسی)، ائیمولوگیا (ریشه‌شناسی) و سینتاکسیس (نحو).

در برخی فصل‌های کتاب مشاهده می‌شود که حجم مطالب فصل با عنوان فصل همخوانی ندارد؛ یعنی محتوای فصل با انتظاری که عنوان فصل می‌آفریند تناسب ندارد. به عنوان مثال در فصل سوم کتاب بر خلاف عنوان فصل یعنی «انواع شاخه‌های زبان‌شناسی»، تنها با سه شاخه «صرف» مواجه هستیم. همچنین در فصل ششم با عنوان «زبان‌شناسی تطبیقی» می‌بینیم که حجم زیادی از محتوای فصل به شاخه‌های زبان‌شناسی تطبیقی اختصاص یافته است و نویسنده به توضیح مختصر پیرامون خود زبان‌شناسی تطبیقی بسنده کرده است. به این ترتیب، عنوان فصل بهتر بود به صورت «زبان‌شناسی تطبیقی و شاخه‌های آن» تغییر می‌یافت. بر اساس عنوان کتاب یعنی

- 
1. katamba
  2. Haspelmath
  3. Ladefoged

## ۱۰۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

«زبان‌شناسی عمومی» هم، انتظار می‌رود که مباحث مقدماتی زبان‌شناسی و نیز مفاهیم پایه‌ای آن مورد بحث قرار بگیرند. در حالی که محتوای کتاب از مباحث متنوعی نظیر مکاتب زبان‌شناسی و رابطه زبان‌شناسی با علوم دیگر تشکیل یافته است؛ بدین شکل اگر عنوان اثر به صورت «زبان‌شناسی عمومی و ارتباط آن با دیگر علوم» بود بین عنوان و محتوای اثر تناسب بیشتری به وجود می‌آمد. نکته آخر پیرامون محتوای اثر این است که نویسنده در هیچ بخشی از کتاب به زبان‌شناس برجسته معاصر، نوآم چامسکی، و دستور زایشی‌اش که به باور طرفدارانش و عده‌ای دیگر انقلابی در زبان‌شناسی به وجود آورده، اشاره‌ای نکرده است.

پراکندگی مطالب در کتاب حاضر نکته دیگری است که باید به آن پرداخت. نویسنده، کتاب را با دو مبحث آغازین و پایه‌ای «زبان و اهمیت آن» و نیز «اجتماعی و فطری بودن زبان» خوب شروع کرده است. اما چنین به نظر می‌رسد که در ادامه کتاب، مطالب به صورت پراکنده توزیع شده‌اند. نویسنده، قبل از این که علم زبان‌شناسی را به خواننده معرفی کند و آن را مورد بحث قرار دهد بی‌درنگ سراغ شاخه‌های صرف (یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی) رفته است. به دنبال آن به اختصار به رابطه تعاملی بین شاخه‌های زبان‌شناسی (البته بدون اشاره به شاخه‌ها) اشاره کرده است و نیز قبل از این که شاخه‌های اصلی زبان‌شناسی از جمله آواشناسی، صرف و غیره را معرفی کند به تشریح شاخه‌های زبان‌شناسی تطبیقی پرداخته است. به عبارت دیگر، نویسنده قبل از بحث پیرامون خود زبان‌شناسی و شاخه‌های اصلی آن سراغ انواع زبان‌شناسی رفته است. نمونه بارز پراکندگی و عدم وجود نظم منطقی در اثر حاضر را می‌توان انتقال مبحث «زبان و تجربه» به فصل ۲۳ کتاب دانست. به عنوان پیشنهاد، نویسنده می‌توانست این مبحث را به دنبال فصل دوم (اجتماعی یا فطری بودن زبان) که ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند مطرح کند. به عنوان نمونه بارز دیگر از مساله یاد شده می‌توان به پراکندگی دو فصل مرتبط با هم، فصل‌های ششم و بیست و پنجم (به ترتیب «شاخه‌های علم زبان‌شناسی» و «آواشناسی...») اشاره کرد.

نکته پایانی و بسیار مهم در ارتباط با اثر مورد بررسی این است که فاقد فهرست منابع در انتها است. افزون بر این، نویسنده در جای جای کتاب، ادعاها و یافته‌های علمی را بدون ذکر منبع و مأخذ آن‌ها بیان داشته است؛ بنابراین، اثر حاضر گونه داستانی به خود گرفته است.

### جمع بندی و پیشنهاد

کتاب «عمومی دیلچیلیک»، دنیای زبان‌شناسی را به صورت کلی به تصویر کشیده است. به گفته نویسنده آن، از میان عناوین متعدد زبان‌شناسی، تنها چند عنوان و آن هم به صورت کلی مورد بحث قرار گرفته‌اند. نکته قابل تأمل این است که نویسنده با تألیف این اثر علمی و ارزشمند به زبان مادری خود، زبان ترکی آذری، خدمتی بزرگ به این زبان انجام داده است (خدمات دیگر این نویسنده به زبان و فرهنگ بومی خود در پایان اثر حاضر پیوست شده است).

آنچه به نظر محتمل می‌رسد این است که اثر ارزشمند مورد نظر با رفع نواقصات یاد شده و دیگر کاستی‌های احتمالی (به عنوان نمونه، اضافه کردن بخش خلاصه به آخر هر فصل و طراحی تمرین برای هر فصل) و نیز ترجمه آن به زبان ترکی استانبولی (نویسنده خود، مدرس زبان ترکی استانبولی است) می‌تواند به عنوان کتاب درسی اصلی یا جانبی واحد زبان‌شناسی عمومی در رشته زبان و ادبیات ترکی استانبولی که در دانشگاه علامه طباطبائی پایه‌گذاری شده است مورد استفاده دانشجویان آن رشته یاد شده قرار بگیرد.

### منابع

- Haspelmath, Martin (2002). Understanding Morphology. In Bernard Comrie and Greville Corbett (eds), Understanding language series. London: Arnold.
- Katamba, Francis and Stanham, John. (2006). Morphology. second edition. Palgrave Macmillan.
- Ladefoged, Peter. (1982). A course in phonetics (2<sup>nd</sup> ed). Harcourt Brace Jovanovich Inc.



## «زبان‌شناسی دکارتی»

مؤلف: نوام چامسکی

مترجم: احمد طاهریان

ناشر: هرمس

سال نشر: ۱۳۸۹

نوبت چاپ: سوم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۱۲۹

کتاب زبان‌شناسی دکارتی می‌تواند به عنوان منبع فرعی برای درس دستور گشتاری در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی به کار رود. از دیگر کتاب‌هایی که به موضوعاتی مشابه می‌پردازند می‌توان به کتاب‌های زبان و مسائل دانش و «دانش زبان» نوشته نوام چامسکی و ترجمه دکتر علی درزی اشاره کرد.

- با توجه به نثر بسیار پیچیده و دشوار چامسکی، ترجمه اثر نسبتاً خوب است.
- میزان رعایت قواعد ویرایش و نگارش خوب است.
- کیفیت اثر از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، طرح جلد و ... خوب است.
- در تجدید چاپ کتاب هیچ تغییری نکرده است.
- اثر حاضر دارای پیشگفتار، بیان هدف، خلاصه کلی و فهرست موضوعی، فهرست نام‌ها و منابع است.
- مفاهیم بنیادی در این اثر در بین آرای فیلسوفان و فلاسفه زبان به صورتی کمتر آشکار بیان شده است.
- معادل‌سازی‌ها به طور کلی خوب است.

## ۱۰۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- کتاب به این دلیل که آموزشی نیست فاقد تمرین و آزمون و جدول و تصویر و از این قبیل ابزارها است.
- به هیچ وجه نباید از این اثر به عنوان متن درسی استفاده کرد و برای تدریس در هیچ مقطعی به عنوان منبع اصلی توصیه نمی‌شود.
- این اثر فاقد فهرست مندرجات است.
- به طور کلی با توجه به این که این اثر از سوی مؤلف آن به عنوان کتاب درسی نگاشته نشده است با سرفصل‌های شورای عالی برنامه ریزی برای دروس مربوط به دستور زایشی سازگاری ندارد و به هیچ وجه تصویری جامع از هیچ‌یک از روایات دستور زایشی چامسکی را به دست نمی‌دهد.
- اثر فاقد داده‌های زبانی و تحلیل آن‌هاست و اطلاعاتی زیر بنایی و فلسفی را در مورد رویکرد چامسکی به دستور زبان و ریشه‌یابی آرای او در طول تاریخ در اختیار خواننده قرار می‌دهد.
- نسبت به وضعیت کنونی دستور زایشی فاقد هر گونه نوآوری است. به طور کلی این اثر یافته‌های فلسفی دستور زایشی را در سال ۱۹۶۶ نشان می‌دهد.
- نظم منطقی و انسجام مطالب در هر فصل و کل اثر نسبتاً خوب است.
- در این اثر نویسنده با احاطه به علومی مانند ریاضی، زبان‌شناسی، فلسفه در حدی فراتر از یک نویسنده معمول از آثار فیلسوفان و فیلسوفان زبان بهره جسته است.
- در این اثر همه مطالب ارائه شده با ذکر منبع آمده است.
- استنادات و ارجاعات فراوانی از سوی نویسنده به آثار سایر دانشمندان داده شده است. طرح این آرا عمدتاً به خاطر نشان دادن ریشه‌های دستور زایشی در آثار پیشینیان، هر چند به صورت پراکنده است.
- در این اثر رویکرد عقل‌گرایی در فلسفه به چشم می‌خورد.
- این اثر در درک ریشه‌های فلسفی دستور زایشی مناسب است.

کتاب زبان‌شناسی دکارتی اثر خوبی است که توسط دانشمند بزرگی که وی را با انیشتین مقایسه نموده‌اند به رشته تحریر در آمده است و مترجم محترم نیز تمام هم

## زبان‌شناسی دکارتی ۱۰۹

خود را به کار بسته تا ترجمه‌ای هر چند روان از آن به‌دست دهد، لیکن ماهیت این اثر به لحاظ محتوا و نیز نثر بسیار پیچیده نویسنده فهم آن را همچون فهم بسیاری دیگر از آثار مؤلف دشوار ساخته است. بهتر است این اثر در کنار منابع اصلی معروف دستور زایشی چامسکی معرفی شود و به هیچ‌وجه از آن به عنوان متن درسی در هیچ دوره‌ای استفاده نشود.



«زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی»

مؤلف: محمد دبیرمقدم

ناشر: سخن

سال نشر: ۱۳۷۸

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۵۸۰

نقاط قوت:

- نگارش یک دست
- صفحه‌آرایی خوب
- حروف نگاری خوب
- معادل سازی مناسب اصطلاحات
- انطباق محتوا با عناوین و فهرست
- نظم و انسجام منطقی اثر
- کتابخانه جامع

نقاط ضعف:

- زبان سنگین و نارسا
- حجم اثر زیاد است
- طرح جلد تیره و نامناسب است
- به تنهایی نمی‌تواند منبع مناسبی برای یک درس در دوره کارشناسی‌ارشد باشد
- مثال انگلیسی فراوان است
- ارائه مستقیم آرای زبان‌شناسان خارجی به شکل انبوه

## ۱۱۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- عدم نوآوری و ترجمه مطالب از منابع متعدد
- نپرداختن به مبحث زبان آموزی

### پیشنهادها:

- اضافه کردن بخش‌های مختلف و استفاده از مثال‌های فارسی
- کاستن از مباحث متعدد نظری از سوی زبان‌شناسان مختلف و پرداختن به رگه‌های اصلی از مسائلی است که می‌تواند در بهبود اثر مفید باشد.

### نقد تفصیلی:

نگارش اثر به تدریج از ابتدای کتاب به انتهای کتاب، و گاهی بسته به موضوع مورد بحث (در فصول کتاب) به روانی و سادگی پیش می‌رود. شروع کتاب در فصل اول: «نگرش‌های مسلط در زبان‌شناسی نظری امروز»، بسیار سنگین و پیچیده بیان شده است. سازمان دهی مطالب و عنوان بندی زیر بخش‌ها انجام نشده است، بطوری که تمامی مطالب یک فصل مهم و فصل اول که بایستی خوانندگان را با طرح کتاب و مطالب طرح شده در کتاب آشنا کند، بطور تمام و کامل به بحث و بررسی مطالب نظری زبان‌شناسی که پایگاه‌های فلسفی و روانشناختی دارد می‌پردازد. در ضمن این که مطالب این فصل بیشتر از دیگر فصل‌های کتاب رنگ و بوی ترجمه دارد. در بسیاری موارد جمله‌های طولانی وجود دارد. من مطمئنم که بسیاری از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از فهم مطالب فصل اول، نه به دلیل محتوای غنی و سنگین، بلکه به دلیل جملات طولانی و سنگین عاجزند. عدم طرح ریزی فصل اول و تقسیم کردن آن به زیر بخش‌ها و حتی پاراگراف‌های پی در پی به ویژه در صفحه ۲۰ تا صفحه ۲۶ کتاب که نویسنده محترم سعی دارد «چند خصیصه همچنان استوار و ثابت قدم» دستور زایشی را بیان کند، کاملاً آشکار است. به کار بردن اصطلاح «ثابت قدم»، «استوار» برای «دستور زایشی» خود از آن پیچیده نویسی‌ها و ناروان نویسی‌های کتاب است. نویسنده می‌بایست هر یک از «خصیصه‌ها» را، که باز هم کلمه‌ای نارساست و بایستی از کلمه‌ای مانند «مشخصه» یا «ویژگی» استفاده می‌کرد، شماره گذاری می‌کرد، و برای هر یک پاراگراف یا پاراگراف‌های مجزایی اختصاص می‌داد. بعد از خواندن چند پاراگراف از این صفحات، خواننده یادش می‌رود که نویسنده درباره

### زبان‌شناسی نظری ۱۱۳

چه صحبت می‌کند. به طور کلی فصل اول کتاب بزرگترین ضعف کتاب است و بسیار پیچیده و غیر قابل فهم نگاشته شده است. به تدریج که نویسنده به موضوع‌های خیلی خاص و مشخص در فصل‌های بعدی می‌پردازد، چون موضوع کار واضح و خاص است، سبک نگارش ساده‌تر و روان‌تر می‌شود. کاربرد برخی کلمات و عبارات ثقیل و سنگین، همانند «معضل» (در ص ۲۸۸)، «عوامل متنوع»، و ... که به تدریج به آن‌ها اشاره خواهد شد، کتاب را از روانی برای خواندن دور می‌کند. برای مثال در ص ۲۸۸ پاراگراف آخر، خط دوم، نویسنده محترم می‌نویسد: «اکنون زمان آن رسیده است که از افق تازه‌ای که فیلمور به نقش حالت‌ها می‌نگرد و به اعتقاد او این افق گرهی از معضل فوق الوصف می‌گشاید سخن بگوئیم.» بدیهی است که جمله روان نیست و جمله‌ای ساده و فاقد هر گونه محتوای معنایی که تنها برای بیان این مطلب است که اینک نکته جدیدی در مورد بحث قبلی بیان می‌کنیم، نیابستی این همه پیچیده و نارسا باشد. در همان ص ۲۸۸ گوینده از واژه «حادثه» در ترجمه event استفاده نموده که بجا نیست و بهتر بود که از واژه «واقعه» استفاده می‌کرد.

برخی اشکالات بشرح زیراند:

مثال‌های انگلیسی که از منابع اصلی نقل شده دارای شماره‌گذاری لاتینی/انگلیسی ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ... هستند. ولی هنگام اشاره به این مثال‌های بطور متناوب از شماره گذاری الفبای فارسی/عربی یا از شماره گذاری لاتینی/انگلیسی استفاده شده است. برای مثال در ص ۲۸۹ در یک پاراگراف برای ارجاع به مثال (40a-b) از (40a) و (40b) و جای دیگر از (۴۰) استفاده شده است.

در ص ۲۹۰ برای اشاره به مثال شماره (41) از (۴۱) در متن نوشته استفاده شده است در ص ۴۳۶ برای اشاره به مثال شماره (2) از نگارش لاتینی/انگلیسی (2) استفاده می‌شود؛ ولی برای اشاره به مثال (1) در همان صفحه از نگارش فارسی/عربی (۱) استفاده شده است، که یکدست نیست. همین شیوه در اشاره به مثال‌ها در ص ۴۳۹ و دیگر صفحات کتاب مشاهده می‌شود که گمراه کننده است.

## ۱۱۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

در کتابنامه و هنگام رجوع به عنوان کتاب‌ها، گاه گاهی حرف اول هر واژه عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها تماماً با حروف بزرگ، گاهی تنها حرف اول واژه اول بزرگ است. برای مثال در ص ۵۳۰:

Chomsky (1975) Syntactic Structures, ... .

ولی در ص ۵۳۱

Chomsky (1975) Reflections on language, ...

Chomsky (1972a) Language and mind, ...

همین عدم وجود یکنواختی در ص ۵۴۴ کتابنامه و در همه جاهای دیگر کتابنامه مشاهده می‌شود که بایستی یکسان شود.

باز هم در کتابنامه گاهی بعد از عنوان کتاب یا مقاله علامت «.» قرار داده شده، ولی در جاهای دیگر علامت «،» به کار رفته است برای مثال در صفحه‌های ۵۳۰ و ۵۳۱ در ارائه کتاب‌های Chomsky در دو مورد بعد از عنوان کتاب علامت «.» وجود دارد و در چند علامت «.» علت این تمایز هم مشخص نیست.

- حجم کتاب برای یک درس ۳ واحدی دوره فوق لیسانس مناسب نیست و زیاد است. کتاب را نبایستی منحصر به یک درس کرد.

- اصطلاحات تخصصی به طور گسترده در سراسر کتاب به کار رفته‌اند و نویسنده محترم تلاش کرده است معادل‌های فارسی مناسب ارایه نماید. در واژه‌نامه‌های مجزای انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی اصطلاحات معادل‌سازی شده‌اند.

کیفیت معادل‌سازی خوب و مناسب است. چنان که پیش‌تر ذکر شد برخی معادل‌سازی‌ها به نظر مناسب نیستند، مانند: «حادثه» برای «event»، که «واقعه» بهتر است. برابر «اسم ناشمردنی» برای واژه «mass» مناسب نیست.

نمونه‌های دیگر از اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی‌های فارسی که به نظر احتیاج به بازنگری دارند، عبارتند از:

(ص ۵۳ کتاب) شکلک‌ها و اصوات: \_ vocal gestures

نظریه اصول و پارامترها: \_ Principles –and – Parameters theory

## زبان‌شناسی نظری ۱۱۵

که بهتر است «اصل‌ها و پارامترها» بکار رود، نه به دلیل جمع عربی یا جمع فارسی، بلکه به نظر می‌رسد که اصول به خوبی مفهوم اصل را در حالت جمع منتقل نمی‌کند.

رمانتیکیان : Romanticists \_

سیرت : Character \_

هر چند «سیرت» زبان و «صورت» زبان خوش آوایند و از لحاظ صوتی سازگار هستند، با این حال کاربرد «سیرت ملی» در همان ص ۱۴۴ کتاب در برابر national character و یا چیزی مشابه آن زیبا نیست و اصولاً «سیرت ملی» واژه مناسبی برای آنچه که نویسنده در نظر دارد یعنی «هویت ملی» نیست. لذا بهتر بود برای واژه «character»، از خوش ساختی آوایی صرف نظر می‌شد، و برابر «ماهیت» یا «هویت» انتخاب می‌شد تا نویسنده مجبور نباشد از «سیرت ملی» که اصطلاحی بدون کاربرد است، استفاده کند.

نمودارها و جدول‌های ضروری در جای جای کتاب مشاهده می‌شود. ولی بایستی توجه کرد که کتاب فاقد متنی زنده، با روح و جذب کننده است. بیشتر کتاب بازگویی، ترجمه و تألیف و تنظیم کتاب‌ها و مطالب طرح شده و بحث شده توسط دیگر نویسندگان خارجی است و نویسنده تنها بازگویی و طرح دوباره آن مطالب را، همراه با ترجمه (نهانی) آن‌ها به عهده دارد. لذا متن کتاب گیرایی یک بحث زنده و پویا را در بسیاری جاها ندارد. بحث مقدماتی در ابتدای هر فصل وجود دارد، اما زیر بخش جداگانه‌ای همراه با عنوان «مقدمه» در ابتدای فصل‌ها وجود ندارد.

تمامی فصل‌ها همچون متنی طولانی، یکنواخت و فاقد بخش بندی‌های درون فصلی است، بطوری که هر فصل خود به چندین بخش تقسیم می‌شود و بخش‌ها نیز دارای مقدمه بحث و نتیجه‌گیری باشند. کتابی جدی و موضوعی جدی و با اهمیت همانند «زبان‌شناسی نظری» بدون شک انجام این کار را سزاوار بود که نویسنده محترم بدان نپرداخته است. تمامی فصل‌ها فاقد «نتیجه‌گیری نهایی» اند.

## ۱۱۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

بدون شک نویسنده محترم تمامی تلاش خود را به کار بسته است که کتاب و محتوای آن جامع کلیه موضوعات مطرح در زبان‌شناسی نظری - دستور زایشی باشد. ولی به زبان‌شناسی ساختگرا پرداخته نشده است. پیامدهای تکوین دستور (نحوی) زایشی برای نظریه‌های ساختواژی مطرح در دستور زایشی به هیچ وجه بررسی نشده است که ضعف اثر به حساب می‌آید. کتاب برای درسی خوب است که دارای هدف تاریخی تکوین دستور صورت‌گرای زایشی باشد.

محتوای اثر با عنوان و فهرست انطباق تقریباً کامل دارد و تکوین تاریخی نظریه را با تفصیل فراوان، هر چند به نظر می‌رسد که در بسیاری جاها ترجمه‌گونه باشد، شرح داده است. محتوا، با عنوان و فهرست منطبق است.

شورای عالی برنامه ریزی درسی تک واحدی را، که این کتاب جواب‌گوی آن باشد، و پیشنهاد نداده است. این کتاب برای درس‌های تاریخ زبان‌شناسی زایشی، مکاتب زبان‌شناسی و آشنایی با نحو دستور زایشی و نظریه‌های منشعب از آن مناسب است.

این اثر می‌تواند برای تدریس درس‌های متفاوتی در حوزه زبان‌شناسی نظری و زبان‌شناسی کاربردی به کار گرفته شود. به طور خاص به عنوان بخشی از درس «مکاتب زبان‌شناسی»، بخشی از «نحو دستور زایشی»، و غیره.

داده‌ها و اطلاعات به طور کامل از منابع و مراجع، و به طور خاص چند مرجع مشخص، گردآوری و تهیه شده و مباحث آن به هم ربط داده شده است. روز آمدی و داده‌ها و اطلاعات، اگر هم چیزهایی در متن اثر باشد که چنین است، به مؤلف محترم کتاب بر نمی‌گردد و دستاورد مؤلف محترم به حساب نمی‌آید.

نظم سلسله‌مراتبی آن که منعکس‌کننده ترتیب تحولات دستور زایشی است، خوب است. کتاب در مجموع دارای نظم منطقی و انسجام خوبی است. اما شیوه بیان مطالب اثر را خسته‌کننده و در برخی موارد نامفهوم ساخته است.

کتاب دارای کتابنامه مفصل و جامعی از تقریباً تمامی منابع و آثار موجود و نوشته شده درباره دستور زایشی - گشتاری و نظریه‌های منشعب از آن است و به خوبی

## زبان‌شناسی نظری ۱۱۷

به نظر می‌رسد که مؤلف محترم به این منابع، و منابع و مراجع اصلی نظریه دسترسی داشته و از آن‌ها عالمانه بهره برده است.

میزان دقت در استنادات و ارجاعات اثر خیلی خوب بوده است. به طوری که به تألیفات متعدد یک نویسنده در یک تاریخ/سال با حروف a,b,c ارجاع شده است، و با دقت با صفحه، پانوش، ضمیمه آثار اشاره شده است. برای نمونه نگاه کنید به ارجاعات صفحه‌های ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۵، ۳۹۶، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۷ و ...

کتاب فاقد جهت‌گیری‌های خاص علمی، فلسفی، اخلاقی و اجتماعی است.

اهداف و محتوای کتاب هیچ‌گونه ارتباطی با ارزش‌ها اسلامی و مسایل مربوط به نظام جمهوری اسلامی ایران ندارد. بنابراین می‌توان به درستی و صادقانه ادعا نمود که اثر هیچ‌گونه رویکرد (منفی یا متضادی، مستقیم یا غیر مستقیم) نسبت به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی ندارد. در اثر حاضر ابعاد سازنده یا مخرب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وجود ندارد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نثر کتاب روان و گیرا نیست. نویسنده باید هر فصل را خود چندین بار با دقت بخواند، ابهامات نوشتاری را بر طرف نماید، و هر فصل را به زیر بخش‌ها، مجموعه‌های کوچکتر تقسیم نموده، و بعد هر یک را در ارتباط با داده‌های قبل و بعد تحلیل و توصیف کند. کتاب به طور خاص، در فصل اول مبهم و گنگ است و دارای اصطلاحات و عبارات تخصصی است که بار معنایی وسیعی دارند و از دوره دوسوسور تا پایان دوره ساختارگرایی را در بر می‌گیرد. و نویسنده تمامی این دوره گسترده را که بخشی از زبان‌شناسی نظری معاصر است در کتاب نادیده گرفته است. عبارات و اصطلاحات و تحولات این دوره بایستی به طور واضح در متن فصل اول گنجانده شود. از مطالعات مربوط به اکتساب زبان اول و تأثیر تحقیقات در این زمینه در تکوین نظریه زایشی در سال‌های ۱۹۸۰ به بعد سخنی قابل ذکر و جدی به میان نیامده است. از محدودیت‌هایی که نظریه‌های اکتساب زبان مادری در نوع و چارچوب نظریه دستوری می‌گذارد هیچ سخنی به میان نیامده

## ۱۱۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

است که جا داشت یک فصل کامل بین فصل هشتم و نهم یا بین فصل نهم و دهم به آن اختصاص داده می‌شد.

پیشنهادهای زیر برای بهبود شکل و محتوای اثر پیشنهاد می‌شوند:

۱- کتاب احتیاج به ویرایش توسط ویراستاری مجرب و مسلط و آشنا به مبانی زبان‌شناسی دارد.

۲- با توجه به سنگین بودن مفاهیم کتاب، ایجاد کمی فاصله بین خط‌ها، در دنبال کردن خط‌ها و نوشته کمک می‌کند.

۳- کتاب بایستی در ابتدای هر فصل تحت عنوان مقدمه هدف از آن فصل و مطالب مطرح شده را به طور کوتاه بیان نموده و بعد این مطالب یا موضوع‌ها را تحت عنوان زیر بخش‌های هر فصل توضیح و تبیین کند و ارتباط بحث‌های مطرح شده در بخش‌ها را در ابتدا و انتهای هر فصل به طور عملی تبیین نماید.

۴- کتاب فصلی تحت عنوان زبان آموزی کودک و نظریه‌های زبان آموزی براساس معیارهای دستور زایشی و تأثیر متقابل این دو را بر هم کم دارد که می‌توان اضافه کرد.

۵- در جای جای کتاب از برخی کلمه‌ها و عبارات کهنه و قدیمی و غیر مصطلح در زبان علمی و رسمی استفاده شده است.

در صفحه ۱۶۱ از واژه‌های «صحت و سقم» استفاده شده است که قدیمی و کم کاربرد است و «درستی و نادرستی» واژه‌های بهتری‌اند.

مثال‌های دیگر از این دست عبارتند از:

— «پیش از اختتام این مطلب» (ص ۴۱) ← پیش از «پایان یافتن / دادن»

— ص ۲۷۲ خط ۴: واژه «... با این مفاهیم عجین دانست» که می‌توان به زبان ساده‌تر گفت «همراه» دانست.

— ص ۱۴۴ سیرت زبان ← ماهیت زبان / هویت زبان

— سیرت ملی ← ماهیت ملی / هویت ملی

رمانتیکیان که به قیاس با عقلگرایان در صفحه پیش ساخته شده است، بهتر است که «پیرامون مکتب رمانتیک» به کار رود چون که واژه «رمانتیکیان» اصطلاح زبان‌شناسی نیست، بلکه اصطلاح مربوط به ادبیات است و لذا خوب است که معادل آن از کتاب داریوش آشوری انتخاب شود، مثلاً واژه «رمانتیست‌ها».

— از عباراتی مانند «فوق الوصف» و «فوق الذکر» و ... در جای جای کتاب به طور مکرر استفاده شده است که بهتر است تغییر داده شود و از معادل‌های فارسی شفاف‌تر مانند «وصف شده در بالا»، «پیش گفته» و ... استفاده شود.

۶- بهتر است که تمامی اصطلاحات تخصصی کتاب با خط تیره تر (Bold) در متن اصلی کتاب مشخص شود.

۷- فصل اول، بطور خاص، بایستی با دقت بیشتر، و روانی و سادگی افزون‌تری زیر بنای فلسفی - تاریخی، روان‌شناسی، و دستوری «نظریه دستور گشتاری» را تبیین نماید. اصطلاحات تخصصی به کار رفته در فصل اول «از - پیش - دانسته» فرض شده است؛ در حالی که لازم است این اصطلاحات در سیر منطقی و تاریخی‌شان، و در بافت و موقعیت علمی‌شان قرار داده شده تا تبیین مناسب از دلیل و شیوه پیدایش «دستور - زایشی» فراهم آید.

۸- فصل ۴ کتاب، «نظریه معیار»، فصل مهمی از کتاب است. مفاهیم فصل تماماً به شیوه «نقلی» ارایه شده، و نه به شیوه نگارشی «توصیفی - تحلیلی». باز هم تیره‌تر چاپ کردن و مشخص کردن اصطلاحات متعدد و از دیدگاه نظری مهم این فصل می‌توانست توجه خواننده را به اهمیت آن‌ها جلب کند. به قدری مطالب و اصطلاحات نظری/تئوریک این فصل زیاد است که خواننده حتی متوجه اهمیت آن‌ها نمی‌شود، زیرا نویسنده تلاشی در مهم جلوه دادن و متمایز کردن آن‌ها از بقیه توصیفات، و متن کتاب ندارد. شاید باید تکرار کرد که ضعف این فصل و ضعف کتاب به طور کلی غلبه شیوه نگارش نقلی آن است. نویسنده همواره ایده و نظریات دیگران را تا حد ممکن از زبان خود آن‌ها یا نویسندگان دیگر (که در فهرست منابع آورده است) بیان می‌کند. نویسنده خود تحلیل‌گر و توصیف‌گر مطالب در قسمت عمده متن کتاب نیست، بلکه نقل‌کننده و ارایه دهنده

## ۱۲۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

استدلالاتها و تحلیل‌های آنان است، اما چون نویسنده محترم خود استدلال‌ها و مطالب و داده‌های منابع و مرجع‌های اصلی را انتخاب می‌کند، در بسیاری موارد از ایجاد ارتباط منطقی و ربط دادن مطالب و تحلیل‌های ارایه شده در فصل‌ها عاجز می‌شود، که این امر در فصل‌های نخستین کتاب بیشتر مشاهده می‌شود.

۹- بدون شک کتاب حاصل کار طاقت فرسای چندین ساله است. این کتاب اثری با ارزش است و جای خالی محسوسی را در نوشته‌های زبان‌شناسی ایران پر می‌کند. کتاب بایستی با دقت زیادی مورد ویرایش متنی و علمی (هر کدام مجزا) توسط ویراستاران مسلط به زبان‌شناسی قرار گیرد. اثر بایستی با دقت بیشتر و سرعت کمتری نوشته یا بازنویسی شود، تا مطالب مطرح شده در فصل‌ها، به خصوص فصل‌های یک تا چهار به بخش‌ها و زیر بخش‌های منظم دارای طرح و هدف مشخص و مرتبط به هم تقسیم‌بندی شود. حتماً اصطلاحات تیره‌تر چاپ شده و در صورت امکان، در تعریف و توصیف آن‌ها تمرکز مفهومی بیشتر صورت گیرد. تأثیر نظریه‌های مربوط به اکتساب زبان مادری، که تحت تأثیر تحولات تاریخی دستور زایشی، خود متحول شده‌اند و متقابلاً در تکوین نظریه دستوری اثر مستقیم داشته‌اند، و به طور خاص چارچوب نظری دستور زایشی - و نظریه اصل‌ها و پارامترها - را شکل می‌دهند / داده‌اند، به طور واضح شرح و تبیین شوند. به خصوص در فصل ۴ و فصل نهم (GB) بر اهمیت نظریه اکتساب زبان مادری در تبیین جهانی‌های زبانی شرح داده شود، و تأثیر نظریه‌های اکتساب زبان مادری در طرح و ارایه چارچوب نظریه توسط بنیان‌گذاران دستور زایشی تبیین و تشریح شود.

با این وجود، کتاب اثری با ارزش و دارای محتوی غنی است که جایز در مطالعات و نوشته‌های زبان فارسی سال‌ها خالی بود و آقای دکتر محمد دبیر مقدم با خلق این اثر خدمتی بزرگ به جامعه زبان‌شناسی ایران و شناساندن زبان‌شناسی به ایرانیان کرده‌اند، هر چند نگارنده این نقد بارها شاهد بوده و شنیده است که دانشجویان کارشناسی ارشد و حتی فارغ‌التحصیلان این دوره از درک مطالب آن - تا حدی زیاد، به دلیل شیوه نگارش - احساس ناتوانی کرده‌اند.

## «زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی»

مؤلف: محمد دبیرمقدم

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۸۳

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۷۲۴

نقاط قوت:

شکلی:

- بخش بندی مناسب
- حجم مناسب
- صفحه‌آرایی مناسب
- حروف‌نگاری مناسب
- شماره‌گذاری مناسب
- صحافی و طرح جلد مناسب
- معادل‌سازی مناسب

محتوایی:

- از اصطلاحات تخصصی به صورت مناسب استفاده شده است.
- با استفاده از منابع معتبر رگه‌های اصلی زبان‌شناسی زایشی توصیف شده است.
- محتوای علمی غنی
- نظم و انسجام منطقی مطالب

## ۱۲۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- معرفی تاریخی و توصیفی آرای چامسکی و تحولات دستور زایشی

### پیشنهادها:

- در برخی موارد نیاز به تحلیل تازه‌ای از منابع ارائه شده احساس می‌شود تا نوآوری اثر روشن‌تر گردد.

### نقد تفصیلی:

نگارش اثر روان و رسا است. کتاب دارای بخش‌بندی‌های مناسب در هر فصل است. فهرست تفصیلی کتاب بسیار خوب تهیه شده است. نکته‌ای که باید تأکید نمایم آن است که این کتاب یک اثر تحقیقی محض نیست، بلکه اثری تألیفی و جمع‌آوری مطالب از منابع گوناگون برای ارائه تاریخچه دستور زایشی - گشتاری برای مخاطبانی است که با دستور گشتاری و دستور ساختاری از قبل آشنایی دارند. بنابر این کتاب به هیچ وجه قابل فهم برای دانشجویان مثلاً سال دوم رشته‌های زبان، از جمله زبان فارسی، نمی‌باشد و بیشتر مناسب دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد زبان‌های خارجی است و باز هم نیاز به شرح و تبیین استاد دارند. به طور خاص، برداشت و استفاده از آثار نیومایر و سلز و ارجاع به محتویات و صفحات آن بیشتر از همه منابع دیگر مورد استفاده است. از سوی دیگر کتاب به شیوه کتاب‌های درسی تهیه و نوشته نشده است، بلکه بیشتر جنبه توضیحی، نقلی، بازگویی و ارایه مطالب و سرگذشت نظریه گشتاری را دارد. البته منظور نادیده انگاشتن تلاش‌های مؤلف محترم و ناچیز شمردن این اثر نیست.

بسیاری از نکات فنی و شکلی نویسنده و تألیف کتاب در اثر رعایت شده است. کتاب دارای عنوان، صفحه حقوق و ناشر، مقدمه ناشر، فهرست مطالب تفصیلی، مقدمه مؤلف بر چاپ اول و ویرایش دوم، فصل‌بندی منظم و سلسله‌مراتبی از لحاظ زمان است و مطالب به تدریج از سال‌های اولیه پیدایش دستور زایشی تاکنون ارایه شده است. حتی انشعابات درونی نظریه دستور زایشی نیز به

## زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی ۱۲۳

ترتیب زمانی در کتاب آورده شده است. بخش بندی فصل‌ها بر اساس محتوای مقدمه و خلاصه از نکات مثبت کتاب است. با توجه به سنگین بودن متن و محتوای اثر، بهتر بود به جای «خلاصه» در پایان هر فصل، یا همراه با بخش «خلاصه» نتیجه‌گیری و پیشنهاد برای تحقیق آینده و همراه با آن بخشی به نام منابع بیشتر و مفصل‌تر در پایان هر فصل ارائه می‌شد.

البته کتاب دارای معادلیابی‌های مناسب به زبان فارسی است و معادل‌های انگلیسی در پانوشت‌ها آورده شده است. پانوشت‌های فارسی دیگری در شرح برخی مطالب متن آورده شده است که به فهم موضوع و اثر کمک می‌کنند مانند پانوشت ۱ در صفحه ۲۶۶، و پانوشت ۲ و ۳ در صفحه ۹۵، و پانوشت ۲ در صفحه‌های ۵۲ - ۵۱، که نسبت به ویراست اول (۱۳۷۸) دارای مطالب «افزوده‌ای» می‌باشد. کتاب دارای واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و برعکس است.

شاید نکته مهم در مورد سبک نوشتاری کتاب جمله‌های طولانی در متن، به ویژه در فصل اول و فصل پنجم است. همچنین پاراگراف‌های طولانی که گاهی میزان یک پاراگراف به چند صفحه هم می‌رسد. نمودارهایی که نویسنده در ارائه و معرفی انگاره‌های دستوری متفاوت ارائه کرده است در فهم مطالب کمک می‌نماید. با همه این موارد بایستی پذیرفت که اثر حاضر کاری با ارزش بوده و محتوای علمی غنی دارد.

به لحاظ رعایت قواعد ویرایش و نگارش ویراست دوم و کتاب حاضر، بسیاری از اشکالات ویراست نخست را ندارد. در متن کتاب تنها به شماره‌های فارسی اثر اشاره و به شماره‌های سمت چپ مثال‌ها که به اعداد لاتین است اشاره نشده است. به طور خاص مطالب مهم شماره گذاری و یا علامت گذاری شده است. رعایت قواعد ویرایش و نگارش در مجموع قابل قبول است. حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی کتاب نسبت به چاپ نخست (۱۳۷۸) بسیار بهتر است. فشردگی کلمات و صفحات نسبت

## ۱۲۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

به چاپ نخست بسیار کمتر است که این امر به آسان خوانی متن کمک زیادی می‌کند. صحافی و طرح جلد هر دو بسیار خوب‌اند.

بنا به سنت معمول دانشگاه‌های ایران حجم کتاب برای ۴ واحد درسی مناسب است. با این حال از کتاب بایستی به عنوان مرجع استفاده نمود، تا کتاب درسی خاص. با این حال این کتاب برای درس مکاتب زبان‌شناسی (بخش دستور زایشی و تاریخ زبان‌شناسی دوران معاصر) مناسب است.

اثر حاضر چاپ اول از ویراست دوم کتاب است که از سوی انتشارات سمت چاپ و منتشر شده است. ویراست اول این کتاب به سال ۱۳۷۸ و توسط انتشارات سخن به چاپ رسیده بود. ویراست دوم که اینک مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، تفاوت‌های شکلی، چاپی و محتوایی قابل ملاحظه‌ای نسبت به چاپ سال ۱۳۷۸ دارد. به برخی از تغییرات شکلی در مقایسه با چاپ سال ۱۳۸۸ در اینجا اشاره می‌شود:

طرح روی جلد کتاب تغییر کرده است، و کتاب از لحاظ ظاهر خوش‌منظرتر به نظر می‌رسد. حجم کتاب، به علت فاصله‌گذاری بیشتر بین خط‌های چاپی، بیشتر شده است. فصل جدید ۱۳، نظریهٔ بهینگی، افزوده شده است. فهرست مطالب تفصیلی تهیه شده که در ویراست نخست وجود نداشت. فصل‌های کتاب به بخش‌ها و زیر بخش‌های موضوعی تقسیم‌بندی شده که به روانی و سهولت در مطالعه کمک فراوان می‌کند. برخی فصل‌ها، به ویژه فصل اول و فصل ۱۲ از نظر محتوایی بازنویسی شده و گسترش یافته است.

کاربرد اصطلاحات تخصصی بسیار خوب است و کلیه معادل‌های واژه‌ها و نیز اسم‌های خاص انگلیسی در پانویس صفحات آورده شده است که این کار کمک زیادی برای دانشجویان و استفاده‌کنندگان از اثر می‌باشد.

معادل‌سازی به معنای برابری برای اصطلاحات تخصصی با دقت و وسواس فراوان صورت گرفته است و مؤلف محترم سعی کافی و شایسته‌ای برای یافتن

## زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی ۱۲۵

معادل‌های فارسی مناسب، ماندگار و مشخص نموده است که شایسته تقدیر است. ویرایش دوم کتاب، برخلاف ویرایش نخست (۱۳۷۸) همواره، هر فصل کتاب، با طرح بحث مقدماتی و معرفی مسئله / موضوع و طرح فصل یا بخش همراه است و این از نکته‌های بسیار مفید کتاب است که به آسان خوانی کتاب کمک فراوان می‌کند. بخش بندی فصل‌ها به صورت موضوعی و تمرکز بر موضوعات و مسائل خاص و مشخص در هر بخش نکته بسیار مهمی در این ویرایش است.

بخش‌ها و فصل‌های کتاب فاقد تمرین و آزمون، و به طور مشخص فاقد بخشی تحت نام «منابع و کتابهای پیشنهادی درباره این موضوع» است، که البته به ارزش کار می‌افزود و برای خوانندگان علاقه‌مند بسیار سودمند می‌بود. کتاب دارای نمودارهای درختی و مقایسه‌ای و جداول بسیار است که تقریباً همگی برگرفته از منابع خارجی و مقالات و کتابهای مرجع نویسنده محترم اقتباس شده است و ارجاع متناسب هم به آنها شده است. تصویر، نقشه در کتاب وجود ندارد. ولی بخش کوتاهی با نام «خلاصه» به ویراست دوم کتاب افزوده شده است که در ویراست نخست (۱۳۷۸) وجود نداشت. بخش «خلاصه» تنها به معرفی و توضیح مطالب بحث شده در هر فصل می‌پردازد و فاقد محتوای غنی است و در واقع کاری «صوری» است تا نقص ویراست اول را جبران کند. «سؤال‌های جدید»، «دیدگاه‌های آینده»، «سؤال‌های پیش رو»، «راه‌های پیش رو»، «تنگناها» می‌توانستند موضوعاتی باشند که در بخش «خلاصه و نتیجه‌گیری» هر فصل اضافه شوند و درباره موضوعات بحث شده در هر فصل به کار گرفته شوند.

این کتاب مروری عمیق بر تاریخچه دستور گشتاری است. جنبه نقلی و بازگویی دارد و جنبه‌های تحلیلی آن بسیار کم است. کتاب حاضر برای آرایه تدریس درس‌هایی مانند مکاتب زبان‌شناسی و تاریخ زبان‌شناسی نظری معاصر و تاریخچه

## ۱۲۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

دستور گشتاری زایشی بسیار مفید است ولی برای درس‌هایی مانند «دستور گشتاری» «تحلیل نحوی» مناسب نیست.

محتوای کتاب با عنوان و فهرست آن مطابقت دارد. عنوان کتاب **زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی** است و محتوای کتاب نیز از پیدایش نظریه دستوری گشتاری در سال ۱۹۵۰ توسط چامسکی مهمترین و تأثیرگذارترین آثار چامسکی و پیروانش را که در تحول و تکامل نظریه تأثیر داشته‌اند به طور تقریباً کامل بازگویی و توصیف می‌کند.

این کتاب، به طور خاص، با سرفصل‌های درس «مکاتب زبان‌شناسی» (بخش مربوط به زبان‌شناسی گشتاری)، «تاریخ زبان‌شناسی» (دوره معاصر) و بخش‌های نظری و تئوریک درس «دستور گشتاری» مناسب است. به علت توصیفی و نقلی بودن کتاب برای درس‌های «نحو» و «تحلیل نحوی و دستوری» مناسب نیست.

– کتاب در فصل ۱۲ و فصل ۱۳ جدیدترین نظریه‌های دستوری مربوط به زبان‌شناسی زایشی را بحث می‌نماید. با این حال روزآمدی داده‌ها و اطلاعات را به مؤلف محترم کتاب نمی‌توان و نباید نسبت داد زیرا کتاب در واقع بازگویی و نقل نظریه‌های مطرح شده توسط محققان اصلی نظریه است.

– اثر حاضر نوآوری محتوایی ندارد. زیرا کتاب شرح توصیف و نه تحلیل و نه بررسی تحلیلی، دستور گشتاری و تاریخچه آن است ولی بدون شک کتاب دارای محتوای غنی علمی است.

نظم منطقی و انسجام مطالب در هر فصل و کل اثر خیلی خوب است. کل اثر از مشخصه‌های دستور ساختاری شروع می‌شود و منشأ فکری و پیدایش دستور زایشی می‌پردازد و با توجه به سیر تاریخی آن به تدریج گسترش آن را توضیح می‌دهد. بنابر این کل کتاب دارای نظم منطقی و انسجام است.

## زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی ۱۲۷

با توجه به هدف نویسنده کتاب می‌توان گفت از منابع موجود برای تبیین موضوعات مورد بحث، به قدر کفایت استفاده شده است. هدف نویسنده کتاب ارایه توصیف و تاریخچه دستور گشتاری است و قصد تحلیل و نقد محتوایی نظریه را ندارد. با این حال بایستی گفت که نویسنده محترم تمام تلاش خود را در استفاده از مهم‌ترین و معروف‌ترین منابع موجود درباره موضوع به کار گرفته است.

- دقت در استنادات و ارجاعات بسیار خوب است به طوری که در بیشتر موارد به سال تألیف کتاب و صفحه‌هایی که بدانها مراجعه شده است ارجاع داده شده است. برای مثال در ص ۳۵۳ به صفحه‌های متعدد مقاله پرمیوتر و پستال ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ اشاره شده است به طور خاص، اشاره به شماره جمله‌ها، مثال‌ها، نمودارها با استناد به همان شماره به کار رفته در متن مرجع از مثالهای دقت در ارجاع می‌باشد.

- کتاب فاقد جهت‌گیری علمی، فلسفی، اخلاقی و اجتماعی خاص می‌باشد.

هیچ گونه جهت‌گیری منفی و مخالف با فرهنگ و ارزشهای اسلامی و مسایل مربوط به نظام جمهوری اسلامی ایران در کتاب مشاهده نمی‌شود.

- کتاب فاقد بعدهای حزب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. البته کتاب دارای بعدهای سیاسی و اجتماعی سازنده نیست چونکه اصولاً رویکرد سیاسی و اجتماعی ندارد. کتاب دارای رویکرد کاملاً علمی و تشریحی نسبت به مسائل زبان و زبان‌شناسی جدید است.

- کتاب ترجمه مستقیم نیست ولی از عین متن برخی کتاب‌ها، به ویژه متن کتاب‌های نیومایو، بسیار استفاده شده است.

بخش بندی فصل‌های کتاب به بخش‌های موضوعی، و بخشی به عنوان خلاصه در پایان هر فصل از تغییرات ویراست دوم کتاب است. فصل سیزدهم کاملاً اضافه شده است که درباره نظریه اساساً و اجی بهینگی می‌باشد. فصل دوازدهم کتاب هم در مقایسه با فصل دوازدهم ویراست اول (سال ۱۳۷۸) مفصل‌تر و گسترده‌تر شده است.

## ۱۲۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

«فهرست مطالب» تفصیلی، از صفحه «پنج» تا صفحه «یازده» که شامل بخش بندی فصل‌ها، عناوین بخش بندی‌ها می‌شود، کمک زیادی برای یافتن موضوع‌های مورد نظیر خواننده می‌نماید. فصل اول کتاب که در ویراست نخست کتاب بسیار مشکل‌تر نوشته شده بود، تا حدی بازنویسی و بازننگری شده است. به ویژه «خصیصه‌های زبان‌شناسی / دستور زایشی» از صفحه ۱۸ تا ۲۴ کتاب به خوبی نشانه گذاری شده و به راحتی قابل پیگیری است. اصلاحات محتوایی دیگری در کتاب به چشم نمی‌خورد مگر در فصل دوازده و افزودن فصل سیزده که در بالا گفته شد اما شماره گذاری‌های مثال‌ها با اعداد فارسی در سمت راست آنها و اشاره به شماره‌های فارسی (در متن) از تغییرات دیگر کتاب است. به شماره‌های مثال‌ها در منابع اصلی - که مثال‌ها از آنها استخراج شده‌اند - همچنان به صورت لاتین در سمت چپ اشاره شده است. فاصله بین خط‌های چاپی افزوده شده است؛ این کار به حجم کتاب افزوده است. ولی کتاب بسیار راحت - خوان‌تر شده است.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

۱- به زبان آموزی در کودکان و نوزادان و «اكتساب زبان توسط کودکان که از معیارهای اصلی در قضاوت درباره‌ی ماهیت دستور زبان زایشی است پرداخته نشده است که جا دارد از اهمیت زبان آموزی و اکتساب زبان اول و تأثیر آن در تدوین و ماهیت نظریه‌ی دستوری (زایشی) که مورد تأکید بسیار دستور نویسان زایشی است، گفته شود و نظریه‌های متفاوت «اكتساب زبان اول» به بحث گذارده شود. این مسئله خود می‌تواند عنوان فصل جدیدی از کتاب باشد.

۲- در فصل نهم کتاب توجهی به «سطح منطقی (LF)» در نظریه‌ی «حاکمیت و مرجع‌گزینی» نشده است. این سطح، خود سطحی نحوی است که درون‌داد تفسیر معنایی جمله است و دارای ادبیات گسترده‌ای در چارچوب نظریه حاکمیت و مرجع

## زبان‌شناسی نظری پیدایش و تکوین دستور زایشی ۱۲۹

گزینی است و ضروری است که به طور مفصل به نقش و ماهیت و کارکرد آن در چارچوب نظریه پرداخته می‌شود.

۳- کتاب جنبه نقلی، بازگویی دارد و جنبه‌های توصیفی و تحلیل آن بسیار کم است، به همین دلیل نمی‌توان آن را برای درسی تحلیلی مانند «دستور زبان گشتاری» و «تحلیل‌های نحوی» مورد استفاده قرارداد. بدیهی است که با توجه به هدف کتاب که پیدایش و تکوینی یک نظام دستوری را به بحث می‌گذارد این امر اجتناب‌ناپذیر است. با این حال، این ضعف اساسی تمامی کتاب و متن آن است که شخص را از مراجعه به مراجع و منابع اصلی اثر حاضر و حتی کتاب‌های آموزشی و درسی اصلی خارجی مانند کتابهای رد فورد، همگن، کارنی، کاوپر و ... بی‌نیاز نمی‌سازد.



## «تاریخ مختصر زبان‌شناسی ساختگرا»

مؤلف: پیتر متیوس

مترجم: راحله گندمکار

ناشر: قطره

سال نشر: ۱۳۸۹

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۴۰

- این کتاب می‌تواند برای تدریس دروس مکاتب زبان‌شناسی و تاریخ زبان‌شناسی در رشته زبان‌شناسی همگانی در مقطع کارشناسی ارشد مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به این که این اثر تنها بخشی از مباحث مکاتب زبان‌شناسی و تاریخ زبان‌شناسی را پوشش می‌دهد، بنابراین باید همراه با منابع دیگر برای تدریس به کار رود. بسیاری از مفاهیم زبان‌شناسی در این کتاب به لحاظ تاریخ شکل‌گیری مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در رویکردهای مختلف و با توجه به دیدگاه زبان‌شناسان مختلف مطرح شده‌اند. برای فهم بخش عمده‌ای از زبان‌شناسی جدید خواندن این کتاب بسیار مفید است.
- پیش از هر چیز باید به این نکته اشاره کرد که این کتاب منبعی با ارزش و ترجمه آن نیز انتخاب شایسته‌ای بوده است. جای چنین منبعی در حوزه زبان‌شناسی در کشور خالی بوده است. به رغم اشکالات موجود که احتمالاً در هر اثری یافت می‌شود متن به خوبی به فارسی برگردانده شده است.
- در بررسی این ترجمه از متن اصلی که به صورت الکترونیکی در دسترس بود کمک گرفته شده است. این کار برای مطابقت برخی بخش‌ها لازم بوده است.

## ۱۳۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- به طور کلی ترجمه نثر روان و قابل قبولی دارد. سبک به کار رفته برای ترجمه اثر، با توجه به موضوع آن مناسب به نظر می‌رسد.
- قواعد ویرایش و نگارش بسیار خوب رعایت شده است و در آن دقت لازم انجام شده است. به لحاظ علائم نوشتاری، کتاب (ترجمه) از کیفیت بالایی برخوردار است. اما کلماتی که بر اساس دستور خط فارسی سر هم نوشته می‌شوند جدا شده‌اند مانند: «یک سان» در صفحه ۹۲، «آن چه» در صفحه ۹۳.
- از لحاظ حروف‌نگاری متن بسیار خوب و کم اشتباهی است. اما مشکلات املائی اندکی در متن دیده می‌شود. مثلاً در صفحه ۱۷۵ به جای «مواجهه»، «مواجه» آمده است. یا در صفحه ۱۹۷ به جای «حذف می‌کند»، «حذف‌اند» آورده شده است. صحافی و طرح جلد نیز از کیفیت مناسبی برخوردار است.
- از آنجایی که در درس مکاتب زبان‌شناسی مکاتب گوناگونی از جمله زایشی، نقش‌گرا و ساختگرا ارائه می‌گردند این کتاب و به ویژه ۵ فصل اول آن می‌تواند برای تدریس بخشی از این درس که به ساختگرایی مربوط می‌گردند، مورد توجه قرار گیرد.
- نویسنده اصلی کتاب در ارائه اصطلاحات تخصصی موفق بوده است. به علاوه، مترجم در ترجمه اصطلاحات تخصصی امانت‌داری را رعایت کرده است. با این حال در مواردی اصطلاحات به خوبی و به درستی برگردانده نشده‌اند. مثلاً در صفحه ۴۴ مترجم در مقابل هر دو اصطلاح languages «زبان‌ها» و language «دانش زبان» (مفهوم langue سوسور)، معادل «زبان» را قرار داده و در ادامه بحث این روند را تکرار می‌کند که این دو آشکارا متفاوت‌اند.
- کیفیت معادل‌سازی، به‌طور کلی، مناسب است. برخی اصطلاحات از پیش به کار می‌رفتند و برخی نیز توسط مترجم معادل‌سازی شده است که به نظرم به دقت این کار صورت پذیرفته است مثلاً ساختن معادل «امر اجتماعی» به جای social fact بسیار جالب است. اما مشکلات کوچکی نیز دیده می‌شود. برخی موارد همچون “physicalist” (ص. ۵۵)، “physical” (ص. ۵۵)، و “physicalism” (ص. ۵۶) به ترتیب، «فیزیکی»، «فیزیکی»، و «ماده‌گرایی» ترجمه شده‌اند. این مسأله می‌تواند ایجاد ارتباط میان این اصطلاحات را برای خواننده دشوار سازد.

## تاریخ مختصر زبان‌شناسی ساختگرا ۱۳۳

- یکی از ویژگی‌های مهم این اثر، توضیح مفاهیم پیچیده با بهره‌گیری از مثال‌های متعدد است. سراسر کتاب مملو از مثال‌هایی است که خواننده را در فهم مطالب یاری‌گر است. این کتاب به عنوان کتاب درسی نوشته نشده است و اساساً کتابی تاریخی به این شکل اقتضای داشتن تمرین، آزمون، نمودار و غیره را نمی‌کند. در هر صورت فصول مقدمه و جمع‌بندی نهایی دارد که به درک و جمع‌بندی متن کمک می‌کند.
- کتاب حاضر اثری با ارزش در زمینه تاریخ ساختگرایی است که صرفاً در بردارنده چهره‌های شاخص نیست، بلکه اثری است که به تبیین پیدایش و تحول مفاهیم اساسی ساختگرایی نیز می‌پردازد.
- خط سیر کلی کتاب کاملاً انسجام دارد و موردی از حاشیه‌روی غیر ضروری در آن مشاهده نمی‌شود. کتاب به صورت یک‌دست تاریخ ساختگرایی است. مطالب نیز به درستی عنوان‌بندی شده و در فهرست آمده‌اند. فصل‌ها کاملاً منسجم و مرتبط هستند و ترتیب ارائه آن‌ها مورد انتظار و منطقی است.
- کتاب حاضر طبق سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی می‌تواند به عنوان بخشی از درس مکاتب زبان‌شناسی در دوره کارشناسی ارشد به کار آید.
- در مورد روزآمدی اطلاعات کتاب می‌توان به این نکته اشاره کرد که اثر حاضر به تاریخ زبان‌شناسی و مکتب ساختگرایی و مفاهیم مرتبط با آن می‌پردازد. با این حال، این اصطلاحات برای زبان‌شناسان شناخته شده‌اند و هنوز به کار می‌روند.
- روش به کار رفته برای تدوین مطالب روش جالبی است. به این ترتیب که در نهایت اختصار سیر تحول مفاهیم گوناگون را با مثال‌های متعدد توضیح داده است، به طوری که خواننده علاقه‌مند درک خوبی از مفاهیم به دست می‌آورد.
- آثاری که نویسنده از آن‌ها بهره برده همان آثاری هستند که بنیان ساختگرایی بر آن‌ها استوار است. علاوه بر این آثار بسیاری که در شرح ساختگرایی به چشم می‌خورند نیز در تدوین این اثر نقش بازی می‌کنند.
- متن انگلیسی اثر از ارجاعات درون متنی بهره گرفته است که دقت لازم را دارد. در ترجمه فارسی این ارجاعات به صورت پانویس آمده‌اند. متأسفانه فهرست منابع پایانی در ترجمه حذف شده‌اند که به نظر نقص مهمی است که در چاپ‌های بعدی باید اصلاح گردد. ظاهراً برخی ارجاعات نیز توسط مترجم نادیده گرفته شده‌اند (صفحه ۱۰۴ و ۱۵۶). در متن

## ۱۳۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

ترجمه چند ارجاع درون متنی دیده می‌شود از جمله: ۱۳۲، ۱۷۸، ۲۴۳، ۲۵۴، ۲۹۰. به طور کلی منابع و ارجاعات هر جا که لازم بود استفاده شده‌اند. میزان دقت در استنادات و ارجاعات بسیار بالا است.

- ترجمه دقیق انجام شده است و مترجم محترم تلاش بسیار نموده تا نیت نویسنده و مفاهیم را دقیقاً منتقل سازد. اما در صفحه ۸۵ «بوآس معتقد است ...» نظر بوآس طوری ترجمه شده است که گویی وی برخی زبان‌ها را بدوی می‌داند. در صفحه ۱۰۱ می‌خوانیم «واج تظاهر آوایی است که ...» در حالی که عکس این مطلب درست است یعنی واج به صورت آواها یا صداها تجلی می‌یابد. نمونه‌هایی از این دست در صفحه ۱۱۹ و ۳۰۸ نیز یافت می‌شود. در حالت کلی ترجمه روان و دارای سبک مناسبی است اما گاه برخی جمله‌ها به خوبی ترجمه نشده‌اند.

- یکی از نکات مهم درباره اصطلاحات عدم ذکر بسیاری از اصطلاحات است که در اصل انگلیسی آمده و مترجم می‌توانست در پانوشت آن‌ها را ذکر کند.

- پیشنهادهایی که می‌توانند به کیفیت چاپ دوم کتاب کمک کنند عبارتند از:

۱- دقت بیشتر در برگرداندن اصطلاحات تخصصی،

۲- ذکر برابره‌های انگلیسی در پانوشت،

۳- اضافه کردن فهرست منابع در پایان متن،

۴- ذکر املاهای انگلیسی اسامی خاص در پانوشت،

۵- اصلاح مواردی که به درستی ترجمه نشده‌اند.

## «تاریخ زبان شناسی»

مؤلف: پیتر ام سورن

مترجم: علی محمد حق شناس

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۸۷

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۷۳

کتاب مورد نظر از معدود کتاب‌های زبان‌شناسی است که در چند سال اخیر به جامعه زبان‌شناسی معرفی شده است و از مزایای فراوان و غیر قابل انکاری برخوردار است که می‌تواند مورد استفاده همهٔ زبان‌شناسان و علاقه‌مندان به موضوعات زبان‌شناسی (ادبیات، نقد ادبی، ترجمه و ...) باشد. خود اثر کتابی است جامع که تصویری روشن از سیر تحولی مطالعات زبانی از دوره باستان تا قرن بیستم را به تصویر می‌کشد و به زیبایی مبانی بسیاری از یافته‌های مدرن در حوزه زبان‌شناسی را با سنت آن در گذشته‌های دور پیوند می‌زند. این اثر را شاید بتوان با اثر تاریخ مختصر زبان‌شناسی نوشته روبینز مقایسه کرد (اثری که آن نیز توسط مترجم محترم و استاد فرزانه و توانا دکتر حق شناس به زبان‌شناسان ایرانی معرفی گردیده است). در مقایسه با اثر روبینز می‌توان گفت زبان روان‌تر و رساتری دارد و پی‌گرفتن مطالب، خواننده را با متن دشوار و زبان پیچیده روبینز درگیر نمی‌کند. این دو اثر به راستی در درک عمیق گذشته و حال زبان‌شناسی بسیار مفید هستند. این کتاب را می‌توان به عنوان متنی موثق برای درس تاریخ زبان‌شناسی و بخشی از درس مکاتب زبان‌شناسی و همچنین اصول دستور زبان بهره برد و حلقه‌های گمشده مربوط به اصطلاحات و فرازبان‌های مطالعه دستور و زبان‌شناسی را به دانشجویان این رشته ارائه نمود. نکته جالب توجه و قابل ذکر در این

## ۱۳۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

اثر عدم سوگیری نویسنده با شارحان و نظریه‌پردازان و ایجاد فرصت برای خواننده برای قضاوت و برداشت مستقل است. پس به طور کلی این کتاب را می‌توان کتابی بسیار ارزشمند و تأثیرگذار نامید. اما در خصوص ترجمه اثر، این کتاب یا ترجمه را همانند اصل اثر نیز حقیقتاً می‌بایست یک شاهکار نامید. مترجم نام‌آشنای این کتاب با هنر تمام از دانش والای زبان‌شناسی و ادبی خود و همچنین شم انگلیسی بسیار غنی خود بهره برده و در واقع می‌توان گفت تألیف دوباره‌ای از اصل اثر به دست می‌دهد و خواننده با خواندن هر پاراگراف به تحسین مترجم می‌نشیند. اصطلاحات به زیبایی گزینش شده‌اند و هر کدام در جای خود و به جای خود به کار رفته‌اند و آنچه در اختیار خواننده قرار گرفته اثری است کامل که هم محتوای آن و هم ترجمه والای آن قابل تحسین است.

کتاب سورن از دو بخش و سیزده فصل تشکیل شده است. بخش نخست در واقع به بررسی نگرش‌های فلسفی و زبان‌شناختی کلاسیک و سنتی می‌پردازد و ریشه این دست مطالعات را از زمان باستان و از دوره افلاطون و ارسطو معرفی کرده است. تأثیر آرای افلاطون و ارسطو به ویژه در بحث معنا و دستور از موضوعات مختلف زبان‌شناسی، بدون تردید تا دوره معاصر تداوم داشته و برای رسیدن به درک جامع در خصوص این مباحث ناگزیر و به درستی بایستی از دوره باستان آغاز کرد. فصل اول کتاب بیشتر به معرفی دیدگاه افلاطون اختصاص یافته و به روشنی نگرش این فیلسوف بزرگ را در معرض دید خواننده می‌گذارد. فصل دوم کتاب نیز سنت ارسطویی را به بحث می‌گذارد و تا پایان فصل سوم و با معرفی مفهوم سامان‌گرایی و سامان‌گریزی، آنچه را در دوره باستان در خصوص زبان مطرح بوده در یک چشم‌انداز روشن فراروی خواننده علاقه‌مند قرار می‌دهد. فصل چهارم و پنجم نیز با اشاره به استیلای کلیسا و رونق دستور نظریه‌پردازانه به اولویت مباحث معنایی در حیطه مطالعات زبانی می‌پردازد. نکته قابل توجه اشاره مشخص سورن به تأثیر نفوذ اسلام در سال‌های میان ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ میلادی است. به باور سورن در این بخش بی‌تردید مسلمانان با معرفی همه جانبه فرهنگ و معرفت شرقی و اسلامی در قسمت اسپانیای جنوبی و ایتالیا، تأثیر به‌سزایی در شکوفایی زندگی شهری و بهره‌گیری از آثار ترجمه شده ارسطو در این منطقه از جهان داشتند.

## تاریخ زبان‌شناسی ۱۳۷

سورن در فصل پنجم نیز به عوامل پیدایش رنسانس یا همان نوزایی اشاره می‌کند و با بیان تأثیر عوامل اجتماعی و باور شناختی به معرفی کارهای ارزشمند آن دوره مانند دستور پورت رویال می‌پردازد. در بررسی قرن هجدهم و با توجه به تعامل بین ملت‌های مختلف و شکل‌گیری رمانتیسم از اهمیت فرهنگ‌نگاری و دستور نویسی با اهداف آموزشی زمینه‌های شکل‌گیری نظریه عام در خصوص زبان به عنوان قوه نطق را فراهم می‌سازد. برای رسیدن به بررسی زبان طبیعتاً می‌بایست ابتدا مقایسه‌ای از زبان‌ها وجود داشته باشد و ظرفیت‌های ساختاری زبان‌ها با تأمل بیشتری بررسی شود - به لحاظ تاریخی این اتفاق است که در قرن نوزدهم می‌افتد و سورن در فصل ۹ کتاب خود مطالعات مقایسه‌ای و تطبیقی قرن نوزدهم را به معرض دید خواننده می‌گذارد و مشخصاً به کار ارزشمند ویلیام جونز و بازسازی‌های تاریخی قرن نوزدهم اشاره می‌کند. فصل یازدهم عمدتاً دیدگاه فیلسوف برجسته آلمانی ویلهلم فون هومبولت را بررسی می‌کند. سورن در فصل دوازدهم و سیزدهم در اثر خود پلی بین قرن نوزدهم و بیستم می‌زند و مسیر مطالعات زبانی در این دوره تاریخی را که زمینه‌های پیدایش سوسور و بعدها چامسکی در حوزه مطالعات زبانی است دنبال می‌کند. در پایان کار و با مطالعه این اثر خواننده همه زمینه‌های لازم را برای درک درست آنچه زبان‌شناسی مدرن قرن بیستم محسوب می‌شود، در اختیار دارد و با آشنایی با سنت موضوعات مربوط به زبان، دانش مطالعات زبانی او از هویت و ریشه برخوردار می‌شود.

- متن ترجمه بسیار روان و رسا است و مشکل می‌توان لغزش‌های نگارش در آن یافت.
- ترجمه دقیق و کامل است که جانب امانت‌داری در آن رعایت شده است.
- متن به خوبی ویرایش شده است و کیفیت بالایی دارد. اما گاه به کارگیری صورت‌های نامأنوس نظیر «منتشر» (ص. ۲۸) و «نامنتظر» (ص. ۹) که در فارسی کمتر مرسوم است، به چشم می‌خورد.
- کیفیت اثر نسبتاً مناسب است. اما منطقه چاپ یا ناحیه‌ای که متن در آن دیده می‌شود اندکی کج است و حاشیه ذیل متن هم خیلی کوچک است.

## ۱۳۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- به عنوان یک اثر تاریخی به تنهایی درس مذکور را پوشش نمی‌دهد چرا که فاقد جزئیات لازم است و هدف نویسنده از نگارش اولیه آن نیز چنین نبوده است. به نظر می‌رسد که در کنار این اثر مفید، خواندن آثار دیگر یا بخشی از آن‌ها ضروری باشد.
- از منظر کیفیت کاربرد اصطلاحات تخصصی تقریباً بی‌نقص است و مشکل می‌توان از آن ایراد گرفت.
- کیفیت معادل‌سازی در اغلب بخش‌های متن دقیق و مناسب است. البته گاه معادل‌یابی‌ها چندان مانوس نیستند، همانند «زبان‌شناسی کاربردی» صفحه ۶۴ در برابر Applied Linguistics، «ادای سخن» صفحه ۶۵ در برابر Punctuation، «توانایی ذهنی زبان» صفحه ۱۶۹ در برابر Language Faculty، «روبرداشت» صفحه ۲۲۴ در برابر Calque.
- اصل اثر شکل کتاب درسی ندارد و فاقد بخش‌هایی از قبیل مقدمه، جمع‌بندی، تمرین و ... می‌باشد.
- انطباق اثر با عنوان و فهرست به خوبی به چشم می‌خورد
- این کتاب تا حدی با سرفصل‌ها مطابقت دارد، اما متأسفانه به بسیاری از سنت‌های بزرگ زبان‌شناسی نظیر سنت هندی، چینی و اسلامی اشاره‌ای نکرده است و دلایلی که برای کنار گذاشتن این‌ها در مقدمه ارائه می‌دهد چندان قانع‌کننده نیست.
- این اثر برای تدریس در مقطع کارشناسی ارشد زبان‌شناسی به عنوان یکی از منابع اصلی قابل استفاده است.
- از آن‌جا که اثر تاریخی است مسأله روزآمدی چندان نمی‌تواند مطرح باشد. اما به هر حال از منابع موثق قدیم و جدید در نگارش آن استفاده شده است.
- اگر چه کتاب یک اثر تاریخی است اما متضمن یک نوآوری هم هست و آن این‌که به جای ارائه دروه‌ای تاریخ، تاریخ تحول مفاهیم را مورد بحث قرار داده است.
- متن از انسجام و نظم منطقی خوبی برخوردار است و گسستی در ارائه مطالب به چشم نمی‌خورد.

## تاریخ زبان‌شناسی ۱۳۹

- در این اثر از منابع معتبر بسیاری به خوبی بهره گرفته شده است.
- ارجاعات در اغلب موارد دقیق است اما مواردی هم از لغزش دیده می‌شود. این چند مورد در فهرست ارجاعات و منابع پایانی وجود ندارند:

✓ Miller, 1991 در صفحه ۱۵۳ خط پنجم،

✓ دارنل، ۱۹۹۴ صفحه ۱۵۷

✓ ووژلا، ۱۶۴۷، صفحه ۱۵۹

✓ کوریه دو ووژلا، صفحه ۱۶۱

✓ سوئیگرز، ۱۹۸۳، صفحه ۱۶۲

✓ اشتانیاتال، ۱۸۶۰ a.

- ترجمه روان است و هیچ موردی از قلم نیافتاده است.
- معادل‌یابی دقیق است. علاوه بر این، متن دارای پیش‌گفتار مترجم (۷ صفحه) و تعداد اندکی پاورقی مربوط به مترجم است.

آنچه از بررسی کتاب به دست می‌آید این است که گاه برخلاف روبینز که نیم‌گاهی هم به اهم دستاوردهای دیگر فرهنگ‌های بشری در سطح و ساحت آورده‌های آنان در زبان‌شناسی دارد، سورن توجه خود را عمدتاً و بسیار پررنگ به خط سیر زبان‌شناسی از تمدن یونان باستان تاکنون معطوف می‌کند. هر چند سورن در مقدمه خود به این واقعیت اذعان دارد که زبان-شناسی برخاسته از دیدگاه‌های یونانی تبار و به تبع آن لاتینی محور در قرون اخیر اروپای غربی محور چندان کاری با تأثیر دین نداشته‌اند و بیشتر به واقعیات ملموس و سطح اول پرداخته‌اند، اما نباید فراموش کرد که دیگر خطوط فکری زبان‌شناختی مانند آنچه در جهان اسلام مطرح شده است برخاسته از دیدگاه‌هایی است که بیشتر مکمل دیدگاه‌های غربی است تا این که معارض با آنها باشد.

در قالب نقد و معرفی کتاب سورن ضرورت دارد که به نکاتی که از کتاب و نگرش وی به زبان‌شناسی بر می‌خیزد توجه گردد. نخست آن که دیدگاه یافتن و رگه‌یابی واقعیات زبانی-تاریخی اقدامی است سترگ که جز با داشتن دانش عمیق و دیدگاهی کل‌گرایانه (که گاه با یکدیگر ناسازگار می‌نمایند) از ضرورت‌های تدوین هر اثر علمی با رویکردی تحلیلی-تاریخی است. دوم آن که نویسندگانی که همت به تصویر کردن تاریخ تحول هر علمی را دارد، لاجرم آیین‌های است از آنچه که در فرهنگ خودش به آنها خو گرفته است و بدین سان گاه دشوار است که بیرون از آنچه تا به حال برایش عادی بوده است را به نظاره و توصیف بنشینند. اقرار

## ۱۴۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

سورن به عدم به رسمیت شناختن پایگاه تفکر دینی در زبان‌شناسی یونانی تبار غربی از همین حقیقت ناشی می‌شود. آن‌چه در کتاب سورن دیده می‌شود جریانی است که از یونان آغاز شده و در اروپای قاره‌ای در هر دوره تأثیراتی شگرف گذاشته است و البته دامنه این تأثیرات در حرکت‌های زبان‌شناسی در آمریکا هم در واقع همان خط سیر یونانی تبار است.

یکی از دستاوردهای دیدگاه سورن این است که سنت زبان‌شناسی را به طور اجمال به سه دسته: ۱- غیر دینی مانند سنت یونانی-لاتینی و امروزه زبان‌شناسی اروپایی-آمریکایی، ۲- کمتر دینی، مانند سنت زبان‌شناسی هند باستان با نگاهی خاص به پانینی و ۳- متأثر از دین در اسلام و تا حدی هم یهودیت تقسیم می‌کند. اگر چه سورن به سنت‌های زبان‌شناختی هند باستان و به خصوص جهان اسلام نپرداخته است (که این خود البته در حوزه کار کتاب وی هم نیست، هر چند نقضی غیر قابل اغماض است). نفس این پدیده خود به ما می‌نماید که سنت اسلامی را دریابیم و تأثیرات آن را بر مباحثی که زبان را به مثابه آینه می‌گیرد در نظر آوریم. این دیدگاه اساساً غیر دینی یونانی تبار که به واقعیت‌گرایی غربی در طول زمان و اعصار کمک-های شایانی کرده است اثرات نامطلوبی هم بر آن سنت برجای گذاشته است که از جمله این اثرات نادیده انگاشتن نقش عنصر قداست دینی در مطالعات زبان‌شناختی است. از این رو، متون خواه مقدس مانند کتب دینی ادیان و در مورد اسلام، قرآن کریم و خواه متون غیر مقدس مانند یک متن ورزشی یا خبر اقتصادی همگی در سطح و ساحت متن به معنا و متن و کاربرد زبان بی‌هیچ ویژگی متمایز کننده‌ای در نظر گرفته می‌شوند. در حالی که اعتقاد به دین و به تبع آن به وجود قادر و خالق متعال یعنی خداوند تبارک و تعالی امری فطری و بشری است که به متنی که از سوی خداوند متعال نازل شده باشد نه تنها قداست دینی که حجیت زبانی به لحاظ صحت اثر می‌بخشد. یکی از ایرادات سنت یونانی تبار زبان‌شناسی غربی همین نادیده گرفتن تعمدی پدیده‌ای است که فطری است و این فطری بودن دین، صد البته بازتاب‌هایی در سطح نگرش به پدیده زبان و کاربردهای آن و تجزیه و تحلیل آن هم دارد.

لازم به یادآوری است که در همان نحله‌های غربی و یونانی تبار زبان‌شناسانی یافت می‌شوند که قائل به الهی بودن قوه زبان در بشر هستند. یکی از چنین متفکرانی، ویلیام ویتنی است که در کتاب **زبان و مطالعه** زبان (ویراست پنجم، نیویورک: چارلز اسکریبنرز، ۱۹۸۲، صص. ۳۹۹-۴۰۳) به الهی بودن زبان تصریح می‌کند. در ادوار اخیر هم سایپر در کتاب **زبان‌های مقدس و متون مقدس** (۱۹۹۹) هم همین دیدگاه را برگرفته است.

کتاب سورن علی‌رغم تمامی فوایدی که برای زبان‌شناسان امروزی دارد و تاریخ و نظریه را بیشتر با رویکرد به نظریه و تحلیل پدیده‌ها از چشم‌انداز زبان‌شناسان عمدتاً اروپای قاره‌ای تحلیل می‌کند، می‌تواند این مسأله را هم تلویحاً القا کند که سایر اقوام و ملل و تمدن‌ها در این خصوص چه می‌کرده‌اند و چقدر از قافله عقب مانده‌اند. در خاتمه این ارزیابی مختصر خاطر

## تاریخ زبان‌شناسی ۱۴۱

نشان می‌گردد که مابین سطور و حاشیه‌های سفید کتاب سورن به هیچ روی بی‌اهمیت‌تر از نگاه‌های وی نیستند و فهم این مطلب تنها آن‌گاه خود را می‌نمایاند که دریابیم ما شرقیان که به لحاظ تاریخی کمتر از نحله‌های یونانی‌تبار تأثیر پذیرفته‌ایم هم سنت‌های زبان‌شناسی خود را داریم، هر چند که کم‌کوشی تاریخی و عدم احساس نیاز به تحریر کردن آن‌ها همچنان آسیبی است پر زخم بر پیکره فرهنگی ما. به امید آن روزی که نویسندگانی از فرهنگ شرقی-اسلامی خود ما بتوانند کتابی همسنگ با آثار سورن و روبینز به جامعه بشری جهانی عرضه کنند.



## «مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب»

مؤلف: پیتر آ. ام. سورن

مترجم: علی محمد حق‌شناس

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۸۸

نوبت چاپ: دوم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۴۳۵

- کتاب حاضر می‌تواند برای درس مکاتب زبان‌شناسی در رشته زبان‌شناسی همگانی در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان متن فرعی مورد استفاده قرار گیرد.
- از نظر میزان رعایت قواعد ویرایش و نگارش ترجمه کیفیت خوبی دارد اما به لحاظ رسم‌الخط فارسی چندان یک‌دست به نظر نمی‌رسد. برای مثال کلماتی با ساختار مشابه به صورت جدا و گاه متصل نوشته می‌شوند، همانند «زبان‌شناسی»، «پاسخگویی» صفحه ۲۱.
- همچنین تعدادی از نام‌های مهم نظیر پیتمن (۱۸۲)، ایثن بوئال (۲۸۸)، گزدار (۳۲۸) در فهرست اعلام نیامده است.
- صحافی مطلوب است. به لحاظ صفحه‌آرایی، شکل متن در صفحات اندکی کج می‌باشد و حاشیه بالا خیلی کم است. به لحاظ طرح جلد و حروف‌نگاری هم مشکلی مشاهده نمی‌شود.
- از نظر کیفیت کاربرد اصطلاحات تخصصی در متن اصلی نمی‌توان هیچ ایرادی گرفت.

## ۱۴۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی نیز مشکلی مشاهده نمی‌شود و متن روانی تولید شده است.
- کتاب حاضر درسی نیست و فاقد مقدمه، خلاصه، تمرین و ابزار کمک آموزشی است.
- فهرست با محتوا به خوبی مطابقت دارد اما عنوان اصلی «مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب» عنوان مناسبی نیست زیرا متن روایت خاصی از تاریخ مفاهیم است نه معرفی تفصیلی مکاتب. به علاوه از بسیاری مکاتب نامی هم به میان نیامده است. حتی نام اصلی اثر "Western Linguistics" به نظر عنوان مناسبی نیست.
- با توجه به محذوف بودن بسیاری از نظریه‌های اصلی زبان‌شناسی و طرح اجمالی نظریه‌های مورد بررسی در اثر، این منبع تنها به عنوان منبع فرعی برای درس «مکاتب زبان‌شناسی» می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.
- کتاب را می‌توان یک تاریخچه در مورد زبان‌شناسی دانست که البته در نگارش آن از منابع معتبر استفاده شده است. به عنوان یک تاریخچه متضمن نوآوری هم هست و آن این‌که به جای ارائه دوره‌های تاریخی، تاریخ تحول مفاهیم را مورد بحث قرار داده است.
- ترتیب منطقی و تاریخی در این اثر به طور کلی و در فصل‌های آن رعایت شده است و می‌توان اثر را یک کل منسجم به شمار آورد.
- از منابع موجود برای تبیین موضوع به قدر کفایت استفاده شده است. به عبارت دیگر از منابع معتبر بسیاری سود جسته است. گاه در بیان موضوعی واحد منابع موازی بسیاری ذکر گردیده‌اند.
- در متن اصلی، یک مطلب ارجاع مشخصی ندارد (در صفحه ۲۱۶، درخت وابستگی تنی‌یر).
- در مورد دقت استنادات و ارجاعات در ترجمه می‌توان به این نکته اشاره کرد که: در متن ترجمه به ۱۴۰ اثر ارجاع شده که تنها ۴۲ مورد آن‌ها در منابع پایانی آمده است. از طرفی ۱۴۲ منبع در فهرست منابع پایانی آمده که در متن ذکری از آن‌ها

## مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب ۱۴۵

نیامده است که این بخش به نظر مربوط به بخش بعدی اثر انگلیسی است که ترجمه نشده است. از این نظر اثر دقتی ندارد. به علاوه تعدادی از ارجاعات نظیر جونز ۱۹۵۲ (صفحه ۴۵) با تاریخ اشتباه آمده‌اند (جونز، ۱۹۵۷).

- ترجمه کامل و دقیق، روان و رسا است. امانت داری در آن کاملاً رعایت شده است.
- به لحاظ معادل‌یابی کاری دقیق صورت گرفته است. کتاب دارای پیش‌گفتار مترجم (۲ صفحه) و تعداد اندکی پاورقی مترجم است. اما توضیحات دیگر و نقدی مشاهده نمی‌شود.
- مترجم محترم به عنوان زبان‌شناسی علاقه‌مند به معنی‌شناسی منطقی در ترجمه کتاب‌های تاریخ زبان‌شناسی و مکاتب زبان‌شناسی نوین زمینه را برای ورود به مباحث معناشناسی و منطق (بخش بعدی کتاب که هنوز ترجمه نشده است) آماده می‌کند. به رغم بالارزش بودن اثر و ترجمه بی‌نقص و زیبایی آن توسط دکتر علی محمد حق‌شناس، متأسفانه به عنوان یک اثر اصلی یا به عنوان تنها منبع برای دروس تاریخ و مکاتب زبان‌شناسی پذیرفتنی نیست چرا که از جامعیت لازم برخوردار نیست.

با توجه به این که جدی‌ترین اشکالات اثر مربوط به این بخش (منابع پایانی) است، اصلاح منابع بر اساس این فهرست مفید خواهد بود.

مجموعه ارجاعات به کار گرفته شده در کتاب «مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب»

نویسنده	سال	شماره صفحه
آرسلف	1982	۲۹
کورنر	1994a	۳۹
آگدن و ریچاردز	1923	۴۹
سوسور	1916	۴۹
پرسیوال	1981	۵۰
ون گینیکن	1929	۵۰
بلومفیلد	1924	۵۱
گودل	1957	۵۱

نویسنده	سال	شماره صفحه
بلک	1989	۳
استال	1972	۴
بلومفیلد	1933	۱۳
سوبل	1996	۱۸
استانکیویچ	1972	۲۴
جونز	1957	۲۵
استاروبینسکی	1979	۲۸
گودل	1966	۲۸

## ۱۴۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

نویسنده	سال	شماره صفحه
مندلباوم	1961	۱۱۸
پینکر	1994	۱۳۳
هال	1990	۱۳۶
هال	1987	۱۳۶
بلومفیلد	1926	۱۴۲
پرسیوال	1976	۱۴۹
وونت	1880	۱۴۹
وونت	1901	۱۴۹
وونت	1922	۱۴۹
بلومفیلد	1939a	۱۵۱
چامسکی	1959a	۱۶۵
هاکت	1954	۱۷۲
سوتادش	1934	۱۷۹
هریس	1946	۱۸۱
پایک و پایک	1955	۱۸۲
پیتمن	1948	۱۸۲
ولز	1947	۱۸۲
بلاک و تریگر	1942	۱۸۵
هایمز و فوت	1975[1981]	۱۸۶
پایک	1954	۱۸۹
نایدا	1949	۱۹۰
هاکت	1958	۱۹۷
هاکت	1948	۲۰۰
وونت	1900	۲۰۷
چامسکی	1956	۲۰۹
چامسکی	1975[1956]	۲۰۹
باخ	1964	۲۱۴
کین	1975	۲۱۴
ژولکوفسکی و ملچوک	1965	۲۱۷
ملچوک و پرتسوف	1987	۲۱۷
پستال	1972	۲۲۵
چامسکی	1965	۲۲۵

نویسنده	سال	شماره صفحه
بلومفیلد	1914	۵۳
تومان	1995	۵۷
ترویتسکوی	1939	۵۹
ترویتسکوی	1958	۵۹
کوچرا	1983	۶۰
یاکوبسن	1941	۶۰
یاکوبسن، فانت و هله	1952	۶۰
اولدال	1957	۶۳
دوبوگراند	1991	۶۴
شیرتسما	1954	۶۴
یلمسلف	1943	۶۴
یلمسلف	1953	۶۴
هریس	1951	۷۴
چامسکی	1957	۷۷
چامسکی	1964	۷۷
سوئیت	1877	۷۹
روبینز	1961	۸۱
فرث	1957	۸۲
گاردنر	1951(1932)	۸۲
وگنر	1885	۸۲
لاینز	1966	۸۴
بولر	1934	۸۸
آندرسن	1990	۱۰۹
ویتنی	1875	۱۱۱
ویتنی	1867	۱۱۱
ماری	1994	۱۱۳
بوئاس	1911	۱۱۴
دارنل	1994-ب	۱۱۷
ساپیر	1921	۱۱۸
ساپیر	1925	۱۱۸
ساپیر	1929	۱۱۸
ساپیر	1933	۱۱۸

مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب ۱۴۷

نویسنده	سال	شماره صفحه
پیترز و ریچی	1973	۳۳۷
کاوینگتون	1994	۳۳۸
گزدار و ملیش	1989	۳۳۸
گزدار، کلاین، پولوم و ساگ	1985	۳۴۰
بار-هیل	1959	۳۴۲
کوستر	1975	۳۴۳
سورن	1985	۳۴۴
سورن	1996	۳۴۴
چکندوف	1977	۳۴۷
برزنان	1978	۳۴۹
چامسکی	1995	۳۴۹
پولوم	1996	۳۵۱
چامسکی و لزنیک	1977	۳۵۲
چامسکی و لزنیک	1993	۳۵۳
میله و کوئن	1924	۳۵۸
میله و کوئن (چاپ دوم)	1952	۳۵۸
گرینبرگ	1974	۳۵۹
گرینبرگ	1963a	۳۶۰
گرینبرگ	1987	۳۶۰
گرینبرگ	1993	۳۶۰
کورنر	1994c	۳۶۱
یاکوبسن	1958	۳۶۱
هوکنیز	1983	۳۶۴
گرینبرگ	1963	۳۶۶
ژوزف	1983	۳۶۷
بیکرتون	1981	۳۷۰
بیکرتون	1989	۳۷۱
بیکرتون	1990	۳۷۱
سورن	1990	۳۷۱
هایمن	1985	۳۸۰

نویسنده	سال	شماره صفحه
چامسکی	1951	۲۳۳
هریس	1981[1952]	۲۳۴
هریس	1957	۲۴۰
جوشی، لوی و تاکاهاشی	1975	۲۵۲
هریس	1965	۲۵۲
چامسکی	1969	۲۵۴
کنز و پستال	1964	۲۵۶
چامسکی	1955	۲۵۹
چامسکی	1982a	۲۶۰
چامسکی	1966b	۲۷۸
چامسکی	1955a	۲۷۸
چامسکی	1959	۲۷۹
مک کورکودیل	1970	۲۷۹
هریس (آ. ا.)	1993	۲۷۹
چامسکی و هله	1968	۲۸۰
هاک و گلداسمیت	1995	۲۸۰
هارمن	1980	۲۸۲
بوتا	1989	۲۸۳
چامسکی	1980	۲۸۳
چامسکی	1986	۲۸۳
کنز و فودور	1963	۲۹۸
لیز	1957	۲۹۹
چامسکی	1959b	۳۱۵
چامسکی	1959c	۳۱۵
چامسکی و شوتسنبرژه	1963	۳۱۵
چامسکی و میلر	1958	۳۱۵
لولت	1974	۳۱۷
آزگود و سیپاک	1954	۳۲۱
شانون و ویور	1949	۳۲۱
میلر و چامسکی	1963	۳۲۴



## «ساخت زبان فارسی»

مؤلف: خسرو غلامعلی زاده

ناشر: احیاء کتاب

سال نشر: ۱۳۷۷

نوبت چاپ: سوم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۳۶

در این کتاب قواعد ویرایش و نگارش نسبتاً رعایت شده است. مگر این که از عبارات یا کلماتی استفاده شده که یا قدیمی است یا گرته برداری شده، و ترجمه جمله یا گروه معادل انگلیسی است؛ و لذا به راحتی قابل فهم نیستند. قواعد ویرایش و نگارش به معنی رعایت و به کارگیری علامت‌های گروه، جمله و عبارت، مانند نقطه‌گذاری، ویرگول، و غیره مناسب است.

حروف نگاری و صفحه‌آرایی کتاب مناسب / خوب است. اما فاصله سطرها به نظر مناسب نیست. فاصله خطوط کم است و لذا مطالب کتاب بسیار فشرده به نظر می‌رسد. با توجه به این که اندازه حروف کمی کوچک‌تر از اندازه حروف کتاب‌های مشابه به نظر می‌رسد باعث می‌شود که در خواندن کتاب، خواننده از خطی بگذرد و به خط بعدی برود. صحافی کتاب خوب است طرح جلد هم همین‌طور.

کتاب برای درسی با ارزش دو واحد و با توجه به کلاس‌های موجود کارشناسی در دانشگاه‌های ایران مناسب نیست و دارای حجم درسی بیشتر از دو واحد درسی دوره کارشناسی است.

بدون شک اثر را نمی‌توان متن / نوشته‌ای روان به حساب آورد. در جای جای متن کتاب از عبارات و اصطلاحات فعلی استفاده شده است که براحتی می‌توان برای آن‌ها برابرهایی مناسب‌تر و قابل فهم‌تری یافت به برخی از این موارد در زیر اشاره می‌شود:

## ۱۵۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

۱- در صفحه دوم پیشگفتار (که متأسفانه فاقد شماره صفحه است) خط دوم از بالای صفحه - نگارنده می‌نویسد: «... نگارنده به استناد شمّ زبانی خود مثالی باب بحث وضع کرده است» که به راحتی می‌توانست از عبارت «نگارنده به استناد شمّ زبانی خود مثال مناسبی ارایه کرده است یا ارایه می‌کند» - عبارت «مثالی باب بحث وضع کرده است» بدون شک عبارتی سنگین، دشوار و کم‌کاربرد است.

۲- در خط سوم از صفحه دوم پیشگفتار نویسنده کتاب می‌گوید: «دیدگاه نظری حاکم بر باب نخست (نحو) نظریه گشتاری است...»، که بطور طبیعی انتظار می‌رود که نویسنده محترم ارجاع مناسب را بدهد و بگوید کدام مدل یا نوع از نظریه گشتاری مورد نظر نویسنده است. چنانکه در تمام کتاب هم هیچ اشاره‌ای به این نکته مهم نمی‌کند و حتی ارجاع مناسب را به نوع نظریه گشتاری مورد نظر خود که ظاهراً نظریه استاندارد گشتاری (۱۹۶۵ و ۱۹۵۷ Chomsky) است، نمی‌کند.

۳- نظر نویسنده کتاب - باز هم در صفحه دوم پیشگفتار مبنی بر علت ارایه «مسائل نظری» در مورد «تکوژشناسی و معناشناسی» نخست به آن علت که «یافته‌های تکوژشناسی و معناشناسی هنوز به گونه‌ای نیستند که بتوان آن‌ها را در یک کتاب درسی به منظور تحلیل ساختمان واژه و معناشناسی زبان خاصی به کار بست؛ ...» به هیچ وجه درست نیست. حتی در زبان فارسی تحلیل‌ها و نظریه‌های مستقلی از ساختواژه زبان فارسی بسیار پیش‌تر از چاپ نسخه اول کتاب نویسنده محترم در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسیده است. نظریه‌های ساختواژی مهم و گوناگونی در سال‌های ۱۹۷۵ تا سال ۱۹۹۵ در چارچوب ساختواژی نظریه گشتاری ارایه شده است. نظر مولف در این مورد که یافته‌های تکوژشناسی را نمی‌توان مورد تحلیل قرار داد کاملاً غیر علمی، غیرکارشناسی و غیرمستند است.

۴- هشت ورق اول کتاب - یعنی ۱۶ صفحه اول - تا «باب نخست»، «نحو» فاقد شماره عددی یا حرفی است: رسم بر این است که همواره، بخش معرفی کتاب، فهرست مندرجات و پیشگفتار و ... را با حروف ابجد (یا حروف الفبای فارسی)

## ساخت زبان فارسی ۱۵۱

مشخص نمایند که در این کتاب ۱۶ صفحه از کتاب فاقد هرگونه شماره‌گذاری عددی و حرفی است که نیاز به رفع این کوتاهی دارد.

۵- نویسنده محترم در صفحه ۴ می‌نویسد: «مطالب این باب طوری نگاشته شده است که خواننده را از آگاهی از مسایل پیچیده نظری بی‌نیاز می‌سازد.» که بدون شک عبارت روان و گویایی نیست، به احتمال زیاد منظور نویسنده محترم چنین است: «مطالب این باب طوری نگاشته شده است که خواننده ناآگاه به مسایل پیچیده نظری می‌تواند براحتی از آن استفاده نماید.»

۶- ص ۷ کتاب. نویسنده محترم می‌نویسد: «درک مفهوم اصطلاح ساخت در دستور زبان بنیادی است. مفهوم عام این اصطلاح گسسته از کاربرد آن در دستور زبان، ...»

- بدون شک کلمه «گسسته از» بجای «جدای از» یا «جدا از» یک لحظه خواننده را در خواندن درک مفهوم جمله متوقف می‌سازد.

- در جای جای متن کتاب نویسنده محترم به عبارات، واژه‌ها و اصطلاحات فعلی اشاره می‌کند که یا به گونه گفتاری یا نوشتاری یک یا چند نسل پیش تعلق دارد، یا گرتۀ برداری ترجمۀ متن انگلیسی است، یا اصطلاحات روان و روشنی نیستند یا گاه گاهی به سبک گفتاری تعلق دارند. این‌گونه موارد که نه تنها محدود نیستند بلکه در جای‌جای متن کتاب به فراوانی گسترده‌اند، خواننده ناآگاه به مسایل زبانشناسی را در درک منظور نویسنده و فهم جمله با اشکال و دشواری مواجه می‌سازد. در زیر برخی دیگر از این‌گونه اشکالات و موارد ذکر می‌شود، با این حال این‌ها تنها مثنی از خروار است:

- یکی از این واژه‌ها کاربرد واژه «قسم» است. مانند: «این قسم نمودارها» در ص ۸ کتاب که براحتی می‌توان از کلمه «گونه»، «نوع» برای آن استفاده کرد.

- مثال دیگر کاربرد واژه «به عوض» است بجای واژه «بجای» که به شفافیت و روانی متن کمک می‌کند (نگاه کنید به ص ۱۲ پاراگراف ۴)

۷- در ص ۲۰ متن پاراگراف دوم - نویسنده محترم می‌نویسد:

«اکنون پرسش این است که: چگونه نمودارهای درختی باید بتواند این سلسله مراتب گروهی را نمایان سازد». البته منظور نویسنده محترم این است که: «اکنون پرسش این است که نمودارهای درختی چگونه می‌توانند ساختار سلسله

## ۱۵۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

مراتبی درون گروه را هم نشان دهند». بدیهی است که این گونه بی‌دلیل روزمره و عامیانه نوشتن کمکی به روانی متن نمی‌کند و آن را پیچیده‌تر هم می‌سازد.

۸- ص ۹۸ متن - پاراگراف آخر: نویسنده محترم در تعریف «مفعول غیر مستقیم» از مفهوم و تعریفی کاملاً معنایی سود می‌جوید، در حالی که در چارچوب نظریه گشتاری چامسکی ۱۹۶۵ تعریفی ساختاری و زیرمقوله‌ای دارد. ولی در این جا بیشتر منظور کاربرد عبارتی مانند «بنابراین، ملزومات متممی فعل دو مفعولی ایجاد می‌کند که ...». که عبارتی کاملاً سنگین، مشکل و دیرفهم است و به راحتی می‌توان گفت «افعال دو مفعولی در چارچوب زیرمقوله‌ای افعالی هستند که علاوه بر موضوع خارجی دارای دو موضوع درونی: یکی گروه اسمی و دیگر گروه حرف اضافه‌دار به عنوان موضوع درونی اجباری هستند».

۹- ص ۷۶ پاراگراف دوم: نویسنده محترم می‌نویسند: «پس، نقش‌هایی که بر گروه اسمی منتسب می‌شود، در واقع، ...». کاربرد واژه «منتسب» جمله را سنگین کرده است. به جای آن می‌توان گفت: «نقش‌هایی که گروه اسمی می‌پذیرد، در واقع، ...»

۱۰- ص ۳۲ سطر آخر صفحه ۳۲: نویسنده می‌نویسند: «به گونه‌ای که ملاحظه می‌کنید، گروه‌ها به دنبال اسمی هسته‌های خود نامگذاری می‌شوند. «واژه به دنبال گرته‌برداری از واژه انگلیسی Following است. که واقعاً جمله را نامفهوم می‌سازد. که به راحتی می‌توان گفت «مقوله دستوری هر گروه با مقوله دستوری هسته آن یکسان است» یا «گروه‌ها مقوله دستوری خود را از مقوله هسته خود به ارث می‌برند / می‌گیرند». موارد مشابه سخت و گران نویسی که با توضیحات کافی نیز همراه نیست در متن کتاب به فراوانی یافت می‌شود.

کتاب مورد بررسی چاپ سوم، ۱۳۸۰، می‌باشد و با چاپ نخست که در سال ۱۳۷۴ انتشار یافته، کوچکترین تمایزی حتی در شماره صفحه‌ها، فصل‌ها و بخش‌ها ندارد. تنها در چاپ سوم در قسمت فهرست، کلمه «فهرست» در بالای صفحه اول فهرست - که فاقد شماره است - آمده است، ولی در چاپ نخست ۱۳۷۴ این واژه (یعنی «فهرست») وجود ندارد. همچنین در صفحه پایانی فهرست - یعنی قبل از صفحه عددی ۱ - کلمه «فهرست موضوعی ... ۳۳۷» آمده است، اما در چاپ نخست این عبارت نیست.

## ساخت زبان فارسی ۱۵۳

اصطلاحات علمی آگاهانه و هدفمند معرفی نمی‌شوند، و تنها در طی معرفی یا توضیح عبارات یا جملات و گروه‌هایی به ناچار معرفی می‌شوند زیرا عدم کاربرد آن اصطلاح یا اصطلاحات توضیح و معرفی را غیرممکن می‌سازد. مثلاً در صفحه ۹ «سازه بلافصل» یک اصطلاح نظری است ولی حتی به صورت تیره‌تر چاپ نشده است و بعد از آن نیز «سازه بلافصل» در مقابل «سازه غیربلافصل» معرفی و تعریف نشده و تمایز آن‌ها که بسیار مهم است بطور مستقیم آگاهانه و هدفمند معرفی نشده بلکه به طور گذرا بیان شده است.

شاید تنها جایی که اصطلاح بطور مستقیم تعریف شده در ص ۴ کتاب است که رساخت، ژرف‌ساخت و قواعد گشتاری و قواعد سازه‌ای به طور تیره‌تر چاپ شده و تعریفی مستقیم برای آن‌ها ارائه شده است. در تمام قسمت نحو تأکید بر اصطلاحات تخصصی، و نظری دستور گشتاری - زایشی ناچیز است و در واقع کتاب در این جنبه فقیر است و خواننده با مطالعه آن چیزی از اصطلاحات تخصصی زبان‌شناسی گشتاری دستگیرش نمی‌شود. البته بر تعریف اصطلاحات در باب دوم «تکوژشناسی» و در باب سوم «آواشناسی» و باب چهارم «معنا شناسی» تکیه و توجه بیشتری شده است. در فصل ۱ - ۱۱: «فرایندهای نحوی» صفحات ۱۸۴ - ۱۸۲ کتاب نیز دو نوع گشتار حرکتی و حذفی و ژرف ساخت و رساخت معرفی و تعریف شده‌اند.

به طور کلی نویسنده بطور آگاهانه، مستقیم و هدفمند اصطلاحات را معرفی نمی‌کند و معادل انگلیسی آن‌ها را در متن یا در پانویس نمی‌دهد ولی در واژه‌نامه معادل‌های انگلیسی بر اساس ترتیب حروف الفبایی فارسی آورده شده است. به معادل‌سازی توجه نشده و به چشم نمی‌آید. به زحمت اصطلاحی با ارزش معرفی شده است. نویسنده نظریه مشخصی را در نظر ندارد تا اصطلاحات آن نظریه را توضیح بدهد.

در تمامی کتاب طرح بحث مقدماتی و جمع‌بندی نهایی جزئی، ناچیز است؛ بویژه جمع‌بندی نهایی در مورد بحث‌های پیچیده مانند ساختار گروه اسمی و گروه فعلی ضعیف و ناچیز است. علت هم آن است که نویسنده از ابزارهای نظری و چارچوب‌های نظری زبان‌شناسی واضح و صریحی بهره نمی‌گیرد تا آن‌ها را معرفی کند و مطالب خود را در آن چارچوب‌ها ارائه نماید. لذا در بسیاری موارد تعاریف معنایی است، نه صوری و نظری؛ لذا جمع‌بندی نهایی اصولاً ممکن نیست زیرا مقدمات و تحلیل جامع و علمی نیست.

## ۱۵۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

توجه اصلی کتاب به بحث و تحلیل ساخت‌های نحوی زبان فارسی، یعنی گروه اسمی، گروه فعلی، گروه حرف اضافی، گروه قیدی، گروه وصفی، جمله و ... است که سعی دارد آن‌ها را در چارچوب قواعد ساخت گروهی، و درخت‌های به کارگرفته از نظریه ایکس - تیره توضیح دهد. ولی نویسنده بطور هدفمند سطح‌های - یا بارهای - نظریه ایکس تیره را مشخص نمی‌کند. به طور خاص در مورد گروه اسمی به هیچ وجه سطح‌های فرافکنی ایکس تیره که باعث تمایز بین نوع وابسته‌ها می‌شود معرفی نشده است.

در بخش تکواژشناسی (باب دوم کتاب)، و نیز بخش معناشناسی (باب چهارم کتاب) مبانی بسیار ابتدایی تکواژشناسی و معناشناسی معرفی شده است. و هیچ گونه نوآوری که ندارد، فاقد هرگونه بحث و تحلیل جامع درباره ساختارهای مربوط در زبان فارسی نیز است. بطور کلی بخش معناشناسی در چارچوب «معناشناسی صوری» نظریه گشتاری و تعیین و تشخیص معنای جمله کامل در سطح «صورت منطقی» تبیین نشده است و تنها برخی مفاهیم معنایی واژگانی و روابط معنایی واژگانی منفرد تبیین شده است. چنانکه قبلاً توضیح داده شد نظر نویسنده محترم کتاب در صفحه دوم «پیشگفتار» - (که فاقد صفحه‌بندی است) - مبنی بر این که «یافته‌های تکواژشناسی و معناشناسی هنوز به گونه‌ای نیستند که بتوان آن‌ها را در یک کتاب درسی به منظور تحلیل ساختمان واژه و معناشناسی زبانی خاص به کار بست» به هیچ وجه درست نیست. مجموعه مقالات مفصل دکتر علی اشرف صادقی ۷۲ - ۱۳۷۰ در نشریه نشر دانش، دو سال قبل از چاپ نخست کتاب نویسنده محترم - آن هم در چارچوب واژه‌شناسی نقش‌گرای فرانسوی خود دلیل محکمی بر غنی بودن مبانی نظری ساختواژه است. به ویژه ساختواژه نظری تا سال ۱۳۷۴ یعنی حدود سال ۹۵ - ۱۹۹۴ گسترش بی‌سابقه‌ای یافته است.

اهداف درس «ساخت زبان فارسی» به ارزش ۲ واحد نظری - مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی - وزارت فرهنگ و آموزش عالی (سابق) چندان مناسب درسی تحت این عنوان نیست. برای مثال «مروری بر تاریخچه دستورنویسی در زبان فارسی و بررسی دستورهای سنتی فارسی، و مبانی و اصول اولیه دستورهای سنتی و ...» در هیچ کتابی به طور مستقل نیامده است و لزومی هم ندارد که به آن در مرحله فعلی دانش ما از زبان‌شناسی پرداخته شود. دکتر محمدرضا باطنی در فاصله سال‌های ۵۸ - ۱۳۴۸ در سلسله کتاب‌ها و مقالاتش به ضعف‌ها و ویژگی‌های دستور سنتی پرداخته است که

## ساخت زبان فارسی ۱۵۵

می‌تواند قسمتی از معلومات عمومی دانشجویان در این‌باره باشد. دانشجویان در درس‌هایی مانند تاریخ (دستوری) زبان فارسی نیز کم و بیش با آن آشنا می‌شوند. در سطح کارشناسی هم بیان این مطالب ضرورتی ندارد. در مجموع کتاب به این جنبه‌ها نپرداخته است و چیزی از مشخصات دستوره‌های سنتی، تأثیر زبان عربی بر زبان فارسی، و نیز تأثیر زبان فرانسه، دستوره‌های التقاطی و دستور ساختگرای زبان فارسی در کتاب دیده نمی‌شود. به نظر این جانب بیان این مطالب برای یک درس دو واحدی ساخت زبان فارسی که جایگاهش در نظام دوره کارشناسی و یا دوره کارشناسی ارشد مشخص نیست، چندان مفید و سودمند نیست، و البته نویسنده کتاب هم به هیچ وجه به مفاهیم فوق نپرداخته است. و از این بابت به نظر بنده اشکالی بر کتاب و محتوای آن وارد نیست، چون که اهداف مشخص شده برای درس «ساخت زبان فارسی» مصوب شده شورای عالی برنامه‌ریزی غیر منسجم و در برخی موارد غیر ضروری است و کتابی به آن مشخصات به طور خاص تاکنون تألیف نشده و به نظر لازم هم نیست این مطالب به عنوان مطالب درسی در کلاس‌های دوره کارشناسی یا کارشناسی ارشد به طور مستقیم و تحت همین عنوان تدریس بشود.

محتوای کتاب با عنوان آن منطبق است. چون که بخش عمده حجم و محتوای کتاب و بحث‌های آن به «ساخت زبان فارسی» می‌پردازد و معمولاً هم بین زبان‌شناسان و دانشجویان زبان‌شناسی اصطلاح «ساخت زبان فارسی»، تحلیل و بررسی نحوی ساخت جملات و گروه‌های نحوی را تداعی می‌کند. فهرست مطالب هم با محتوی کتاب منطبق است و تمامی عنوان‌های فهرست‌ها در متن کتاب بحث و بررسی شده است.

سرفصل شورای عالی برنامه‌ریزی تحت عنوان «ساخت زبان فارسی» با ارزش ۲ واحد نظری شامل برخی موارد زیر است: تاریخچه دستورنویسی در زبان فارسی؛ بررسی دستوره‌های سنتی فارسی؛ مبانی و اصول اولیه دستوره‌های سنتی؛ تأثیرات نحو عربی و دستور فرانسه بر دستوره‌های سنتی فارسی؛ دستوره‌های التقاطی؛ متون آموزشی دستور فارسی؛ مشکلات و مسائل دستور سنتی، دستور ساختگرای فارسی؛ توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی در چارچوب مکاتب ساختگرا و غیره. هیچکدام از عنوان‌ها و سرفصل‌های بیان شده در چند خط بالا حتی در کتاب به آن اشاره هم نشده است که بنظر کار درستی بوده است چون که تبیین مطالب بالا خود احتیاج به تألیف کتابی حجیم دارد و کم و بیش در نوشته‌ها و مقالات آقای دکتر محمدرضا باطنی در طی

## ۱۵۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

سال‌های ۵۷ - ۱۳۴۸ آمده است. کتاب تنها با بخشی از سرفصل «ساخت زبان فارسی» شورای عالی برنامه ریزی مطابق است که به «ساخت دستور زبان فارسی بر اساس دستور گشتاری» آن هم مربوط به دستور گشتاری استاندارد سال ۱۹۶۵ می‌پردازد. سرفصل شورای عالی برنامه‌ریزی احتیاج به بازبینی و تجدیدنظر دارد و از این لحاظ اشکالی به کتاب وارد نیست.

واقعیت آن است که پایگاه نظری دستور گشتاری استاندارد (استانده) (چامسکی ۱۹۶۵) از سال‌های ۱۹۸۰ تاکنون تحولات جدی یافته است و بسیاری از تحلیل‌های ارایه شده در کتاب امروزه بر اساس نظریه زایشی گشتاری جدید، اعم از «اصل‌ها و پارامترها» و «نظریه کمینه‌گرا» دیگر پذیرفته شده نیست. در ضمن این که کتاب حتی از همان دیدگاه نظریه استاندارد و به ویژه نظریه ایکس - تیره جکندوف ۱۹۷۷ هم دارای ضعف‌های اساسی در تحلیل، اعمال و توجیه قواعد اعمال شده و پیشنهاد شده برای زبان فارسی است. لذا در حال حاضر (۱۳۸۲) این کتاب را نمی‌توان برای تدریس «ساخت زبان فارسی» در دوره‌های کارشناسی ارشد به هیچ وجه توصیه کرد چرا که برای دانشجویان کارشناسی ارشد زبان‌شناسی این کتاب قدیمی، ساده، پیش‌پا افتاده، و دارای تحلیل‌های ساده و سراسر و غیر نظری است. کتاب برای تدریس ساخت زبان فارسی برای دانشجویان دوره مترجمی و زبان فارسی نیز مناسب نیست (دوره کارشناسی). زیرا دارای نثر غیرروان، و پیچیدگی‌های تحلیلی است که پایگاه نظری آن‌ها در کتاب تبیین و تشریح نشده است. نثر کتاب ساده نیست، محتوی پر حجم ولی توصیفی صرف است و پایگاه نظری تبیین شده دقیق ندارد، هرچند نویسنده محترم کتاب ادعا دارد که از پایگاه نظری دستور گشتاری کتاب را نوشته است.

چارچوب نظری به هیچ وجه روزآمد نیست، اطلاعات به هیچ وجه جدید نیست. تحلیل‌های ارایه شده در مورد گروه اسمی هیچ گونه تمایز صوری، نمادی / درختی بین انواع وابسته‌های قایل نیست. چارچوب نظری ایکس تیره هدفمند، آشکار، و واضح ارایه شده است. تعریف‌ها در بسیاری موارد معنایی است در حالی که نویسنده قصد ارایه تبیین صوری را دارد.

باید به طور قطع بگویم که با توجه به سال چاپ نخست کتاب در سال ۱۳۷۴ (یعنی ۹۵ - ۱۹۹۴) و با توجه به چاپ سوم - سال ۱۳۸۰ - که بدون هیچ‌گونه تغییر تجدید چاپ شده است، کتاب متأسفانه فاقد نوآوری است. کتاب آقای دکتر محمدرضا باطنی

## ساخت زبان فارسی ۱۵۷

چاپ ۱۳۴۸ در چارچوب نظریه مقوله و میزان هنوز هم اثری بدیع و نو درباره «دستور زبان فارسی» است، اما کتاب حاضر به هیچ وجه اثری بدیع، نو، با تحلیل نو و جدید در چارچوب نظریه گشتاری درباره زبان فارسی نیست. بخش تکواژشناسی - به طور خاص - و معناشناسی بسیار کم، جزئی و بی‌اهمیت است.

نظم منطقی ارایه مطالب، با «انسجام مطالب» دو مقوله مجزایند. نظم منطقی مطالب در بخش یا باب نخست - یعنی نحو - مناسب است. کتاب در فصل ۱-۱ با توضیح کوتاهی در مورد جمله و ساخت داخلی آن شروع می‌شود. ولی به علت به کارگیری مثال‌های طولانی و پیچیده و نثر سنگین انسجام این بخش کمتر از فصل‌های دیگر کتاب است. به طور خاص اصطلاحات زبان‌شناسی که می‌بایست در این بخش ارایه و معرفی می‌شدند، نادیده گرفته شده یا معنای آن‌ها مسلم فرض شده است. مفاهیم بنیادی بیان شده در فصل‌های ۱-۱ و ۲-۱ غیرمستقیم عرضه شده‌اند.

برای مثال واژه‌ها یا اصطلاح‌های «مسلط»، «تسلط»، «گروه‌های واقع شده در درون گروه‌های بالاتر» که باعث «تکرار» و «خلاقیت» زبانی می‌شوند به طور غیرمستقیم و نهان معرفی و ارایه شده‌اند. فصل مهم ۱-۳ به معرفی «مقوله‌های واژگانی» می‌پردازد. ولی نویسنده محترم عمده‌اً به معرفی مشخصات صرفی «مقوله‌های واژگانی» نمی‌پردازد و تعاریف ناقص از مقولات ارایه می‌دهد. مثلاً در ص ۴۰ می‌گوید: «هر گروه اسمی فقط یک اسم به عنوان هسته دارد. پس، می‌توان اسم را چنین تعریف کرد: اسم آن عنصر زبانی است که هسته گروه اسمی واقع می‌شود». (ص ۴۰ متن کتاب) در حالی که خود گروه اسمی در فصل بعدی یعنی ۱-۴ تعریف شده است و نویسنده تنها تعریف کوتاهی از گروه اسمی در فصل قبل، یعنی ۱-۲، ص ۲۸، ارایه داده است. در حالی که در همه کتاب‌های مقدماتی نحو، در تعریف مقولات واژگانی حتماً از مشخصات صرفی شناسایی مقولات نیز بحث می‌شوند که البته نویسنده آگاهانه از این کار خودداری کرده است. که این از «انسجام متن» می‌کاهد، هر چند نظم منطقی ارایه مطالب رعایت شده است. پس از فصل ۱-۳ که یکی از فصل‌های ضعیف کتاب است، نه از لحاظ نادرست بودن مطالب ارایه شده، بلکه از نظر تحلیل‌های به کار رفته برای تعریف مقولات واژگانی و به ویژه در تعریف مقوله واژگانی فعل که چیزی بیشتر از کتاب «دستور» صادقی و ارزنگ ۱۳۵۸ ... ندارد که کمتر هم هست و نسبت به تحلیل دقیق باطنی ۱۳۴۸ از دقت توصیفی بسیار کمتری برخوردار است.

## ۱۵۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

فصل ۱-۴ به ساخت و نقش گروه اسمی می‌پردازد و بعد از آن بقیه گروه‌های نحوی تا جمله و جمله‌های مرکب و پیچیده و در نهایت در فصل ۱-۱۱ به «فرایندهای نحوی» به ساخت جملات همپایه و ناهمپایه و فرایندهای خروج و مبتداسازی با استفاده از گشتارها می‌پردازد. در هر حال استفاده از گشتارها و قواعد ساخت گروهی در کتاب همان نقص‌هایی را دارد که باعث تحول نظریه استاندارد گشتاری از سال‌های ۱۹۷۵ به بعد شده است و نویسنده - البته آگاهانه - آنها را نادیده گرفته است.

از منابع موجود برای تبیین موضوعات مورد بحث، به قدر کفایت استفاده نشده است. به ویژه از منابع موجود به زبان اصلی، و منابع نظری (توسط نظریه‌پردازان اصلی نظریه گشتاری حتی در چارچوب نظریه گشتاری، چامسکی (۱۹۶۵) و نظریه گسترش یافته آن تا سال‌های (۱۹۷۵) که کتاب بر مبنای آن نظریه نوشته شده، به قدر کافی استفاده نشده است.

به طور کلی ارجاع به مأخذ در متن کتاب یا نشده است یا بسیار ناچیز انجام گرفته است. از منابعی بدون ذکر مأخذ آنها استفاده نشده است. کلیه منابع ذکر شده در کتابنامه آمده است. البته کتاب هیچ کجا از اثر چامسکی (۱۹۶۵) که نظریه استاندارد دستور گشتاری است نام نمی‌برد، ولی واقعیت آن است که پایگاه نظری کتاب نظریه استاندارد گشتاری است. این مرجع در کتابنامه وجود ندارد. ارجاع به مأخذ و منابع در متن کتاب وجود ندارد. ولی در پانوشت‌ها جهت شرح و توضیح بیشتر به منابعی ارجاع داده شده است که به شرح زیراند: ص ۱۸۷: پانوشت ۲؛ ص ۲۶۰: پانوشت ۱؛ ص ۲۶۵: پانوشت ۱؛ ص ۲۶۸: پانوشت ۱؛ ص ۲۸۴: پانوشت ۲؛ ص ۲۸۹: پانوشت ۱؛ ص ۲۹۱: پانوشت ۱ و ۲؛ در متن کتاب هیچ جا به منابع ارجاع نشده است. بیشتر ارجاعات در بخش آواشناسی است در حالی که عمده حجم کتاب درباره نحو زبان فارسی است. در ص ۳۳۵ - کتابنامه انگلیسی:

Chomsky, N. (1995) "some concepts ..."

تاریخ اثر مربوط به سال ۱۹۸۲ است. در مواردی که کتابی در سال‌های متوالی تجدید چاپ می‌شود، ملاک برای ارجاع تاریخ چاپ نخست است.

در ص ۳۳۵ کتابنامه انگلیسی

Jachendoff (1981), *Syntax (a study ....)*, ....

باز هم تاریخ اثر مربوط به سال ۱۹۷۷ است و اصولاً این کتاب همه جا به سال یعنی ۱۹۷۷ معروف و شناخته شده است. لذا، حتی اگر نویسنده محترم چاپ سال ۱۹۸۱ را

## ساخت زبان فارسی ۱۵۹

داشته باشند، باز هم بایستی به سال ۱۹۷۷ ارجاع می‌دادند. مثل آن است که کسی کتاب چامسکی ۱۹۶۵ یعنی *Aspects* را ارجاع به سال ۱۹۸۵ بدهد که درست نیست. در ضمن املائی کلمه مؤلف *Jackendoff* صحیح است که با *h* هجی شده است.

در ص ۳۳۶ کتابنامه انگلیسی

Quirk R. and all. (1985), .

که قاعدتاً در پایان کتاب و در کتاب‌نامه اسم همه مؤلف‌ها را کامل می‌گویند تا کتاب به درستی معرفی شود و از *and all* و یا *et all* تنها در متن کتاب جهت کوتاه شدن ارجاع استفاده می‌شود.

در ص ۳۳۶ کتابنامه انگلیسی

Radford A. (1990). *Transformational Grammar*...

که باز هم اثر مربوط به سال ۱۹۸۸ است و در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ تجدید چاپ شده است که بایستی از همان تاریخ چاپ نخست ۱۹۸۸ نام برد، مگر آنکه نسخه تجدیدنظر شده باشد که چنین نیست.

ابعاد سازنده یا مخرب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بطور عام وجود ندارد. در هر حال کتاب اثری دربارهٔ زبان فارسی است و قاعدتاً، در پیشبرد مطالعات مربوط به زبان، ادب و فرهنگ فارسی تأثیر سازنده می‌تواند داشته باشد و تأثیر مخرب ندارد.

۱- کتاب چارچوب نظری حاکم بر تحلیل‌های نحوی را نظریهٔ گشتاری می‌داند، ولی مشخص نمی‌کند کدام نسخه از تحول مکرر این نظریهٔ کتاب بایستی بطور واضحی می‌گفت که از نظریه استاندارد و استاندارد گسترش یافتهٔ دستور گشتاری و نظریهٔ ایکس تیره جکندوف ۱۹۷۷ سود می‌برد و بعداً در یک فصل به طور دقیق اصطلاحات و چارچوب کلی، و روابط درونی این چارچوب را با دقت و با استفاده از مثال‌های فارسی تبیین می‌کرد.

۲- بخش مقولات واژگانی، فصلی کوتاه است بایستی اهمیت واژگان، چارچوب‌های مقوله‌ای و زیر مقوله‌ای، تفاوت وابسته‌های زیر مقوله‌ای و غیر زیر مقوله‌ای را که در ساخت گروه‌ها در فصل‌های ۲ و ۳ کتاب ارایه شده و نقش اساسی دارند به شرح کافی و مثال‌های مناسب از فارسی ارایه می‌داد.

۳- کتاب به هیچ وجه فرق بین انواع وابسته‌های گروه اسمی و سطح بار یا (*bar - Level*) آن‌ها را نشان نمی‌دهد. در کتاب حداقل بایستی سعی می‌شد همهٔ وابسته‌های پیشین و پسین گروه اسمی که به طور بالقوه می‌توانند بعد از یک هستهٔ اسمی بیابند

## ۱۶۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

در یک مثال ذکر می‌شد و سطح بار آنها و تفاوت آنها را می‌گفت. خواننده نمی‌داند تفاوت وابسته صفتی اسم با وابسته حرف اضافه دار اسم در چیست، کاری که دکتر باطنی در سال ۱۳۴۸ در کتاب خود به درستی انجام داده است. تحلیل‌ها و درخت‌های گروه‌های اسمی در چند مورد حتی بر اساس نظر خود نویسنده نادرست است.

۴- از لحاظ شکلی کتاب فشرده است، مثال‌های فارسی کتاب از همان ابتدا مثال‌هایی طولانی و پیچیده‌اند که هیچ لزومی به این کار نبوده است. نثر کتاب روان نیست. فهم متن در بسیاری از جاها سخت است. مفاهیم و اصطلاحات آشکارا و صریح معرفی نمی‌شوند و برایشان مثال ذکر نمی‌شود.

۵- این واقعیت مهم درباره زبان‌ها که خلاقیت حاصل تکرار و تو در تو بودن گروه‌ها و سازه‌ها، و رابطه‌مند بودن این ارتباط بین گروه‌هاست و این رابطه را می‌توان توسط نمادهای درختی  $X$  و سطح‌های متفاوت  $X$  ها تا حدود زیادی نشان داد، به هیچ وجه تأکید نشده، هرچند در جای جای کتاب به آن اشاره شده و حتی مثال‌هایی هم برای آن آورده شده است. تفاوت سطوح  $X$ ها یا تبیین نشده یا نادیده گرفته شده است.

۶- کتاب دارای خودآزمایی‌های فراوانی برای هر فصل است. و به همه خودآزمایی‌ها هم به تفصیل پاسخ داده شده است که بر جنبه کاربردی کار، و درک مفهوم کتاب بسیار می‌افزاید و آن را به یک کتاب درسی نزدیک می‌کند. کتاب همچنین در هر فصل دارای تمرینات مناسبی است که باز هم به عنوان کار یا تمرین منزل می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند و بعداً در جلسات بعدی در کلاس‌های درس (احتمالی) مورد استفاده قرار بگیرد.

۷- تعداد مثال‌های بکار گرفته شده و بحث شده در کتاب درباره هر موضوع و مبحثی به نسبت کارهای مشابه بسیار زیادتر است و بر جنبه کاربردی کار می‌افزاید.

۸- نویسنده در برجسته کردن مفاهیم و اصطلاحات، تبیین و تشریح واضح آن مفاهیم و اصطلاحات مشکل دارد. اهمیت نظریه دستوری گشتاری و روابط دستوری وضع شده در آن چارچوب را نویسنده محترم تا حد زیاد از پیش دانسته، کم اهمیت، و مسلم فرض می‌کند. در تبیین منظور خود دچار مشکل است. روان نمی‌گوید، حرف دلش را که درست است براحتی ادا نمی‌کند.

۹- بخش‌های تکواژشناسی و معناشناسی بسیار جزیی، فاقد هرگونه اهمیت نظری و فاقد هرگونه تازگی و تفصیل است.

## ساخت زبان فارسی ۱۶۱

اگر چه عنوان کتاب «ساخت زبان فارسی» است اما به نظر می‌رسد تنها ساختار نحوی زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته است و از سطوح ساختاری دیگر بسیار مختصر سخن به میان آمده و مثلاً بخش واژه‌شناسی تنها ۶ صفحه را به خود اختصاص داده است.

نگارش اثر تا حدی قابل قبول است. هر چند در مواردی جملات چندان مناسبی به کار نرفته است مثلاً پاراگراف دوم صفحه ۲۰ و پاراگراف اول صفحه ۲۵. اما به طور کلی قابل قبول است.

قواعد ویرایش و نگارش نسبتاً خوب رعایت شده است. به نظر می‌رسد در زمینه حروف چینی و صفحه‌آرایی کتاب مشکلاتی دارد که ناشر مقصر است.

اگر چه در این کتاب به عنوان مقدمه توضیحاتی ارائه شده است اما این مقدمات به هیچ عنوان نمی‌تواند دانشجو را آماده ارائه مطالبی نماید که بیشتر در تحلیل‌های زبانی در پایان نامه‌های دکتری ارائه می‌شود. در این اثر با توجه به چارچوب نظری خاصی که وجود داشته است به نظر نمی‌رسد که اهداف درس را تامین کرده باشد.

در فصل اول کتاب با الگوبرداری از کتاب نحو ردفورد گرایش خاصی در زبان‌شناسی مطرح شده است. و فصول آخر نیز فشرده‌ای از مطالب زبان‌شناسی سنتی است.

کتاب حاضر مخاطب ندارد. گاه آنقدر مسائل پیچیده و نظری می‌شوند که دانشجوی کارشناسی امکان استفاده از آن را ندارد زیرا مبانی نظری مطالب در مقطع فوق لیسانس و دکتری مطرح می‌شوند. کتاب حاضر به عنوان یک تحقیق بنیادی در چارچوب یک نظریه خاص بسیار ارزشمند است اما به عنوان یک کتاب درسی در مقطع کارشناسی با مشکلاتی رو به رو است:

- ۱- نداشتن زمینه نظری در چارچوب نظریه‌های زبانی دانشجویان کارشناسی
- ۲- آشنا نبودن دانشجویان با چارچوب نظریه زایشی به صورت تخصصی
- ۳- مواجه شده دانشجویان تنها با یک انگاره تحلیلی و غفلت از الگوهای تحلیلی دیگر
- ۴- نداشتن مخاطب مشخص. کتاب حاضر گاه مطالب بنیادی و ابتدایی را مطرح می‌سازد و در مواردی به تحلیل‌های نحوی بسیار پیچیده که دانشجو امکان درک آن را ندارد دست می‌زند.



## «نحو زبان فارسی بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی»

مؤلف: سید علی میرعمادی

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۷۶

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۴۴

### نقاط قوت:

- قواعد ویرایش و نگارش رعایت شده است اما گاهی درک نمودارهای درختی ارائه شده بسیار سخت است.
- کیفیت اثر از نظر حروف‌نگاری متوسط و از نظر صفحه‌آرایی، صحافی و طرح جلد نسبتاً مناسب است.
- کتاب برای درس «ساخت زبان فارسی» مناسب است.

### نقاط ضعف:

- کتاب حاضر ترجمه بخش‌هایی از کتاب کوپر است که نویسنده سعی کرده با مثال‌های فارسی آن را قابل درک‌تر نماید، اما نکته این جاست که خود کتاب کوپر موفق نبوده است و برگرداندن مثال به فارسی نیز مشکل را دو برابر کرده است.
- در برخی موارد از اصطلاحات تخصصی جا افتاده استفاده نشده است. از جمله معادل واژه «argument» در منطق «موضوع» است اما نویسنده از کلمه جمع اقمار استفاده کرده است. اصطلاحات تخصصی زیر جا افتاده نیستند: C-command (آمریت)، adjunction (پهلونشینی)، barrier (راه بند)،

commanding (گروه بیشینه)، maximal category (آویزه)، determiner (گروه بیشینه) m-

• معادل سازی اصطلاحات تخصصی که جا افتاده نیستند نیز بی سامان است. این معادل سازی در خیلی از موارد برای فارسی زبانان مقبول نیست مانند government transparency corollary که «حاکمیت درون دیده شفاف» و mechanical operation که «عملیات افزار گونه» و inter sentences که «جملات ناکار» ترجمه شده است.

• برخی معادل‌ها که قبلاً در متون تخصصی به کار رفته و جا افتاده است با معادل‌های جدید و دارای اشکال عوض شده است، مانند چند نمونه زیر:

- ✓ گروه پیوندی برای complement phrase به جای گروه متممی
- ✓ پیچیدگی رایانه‌ای برای computational complexity به جای پیچیدگی محاسباتی
- ✓ راه بند برای barrier به جای مانع
- ✓ کفایت توجیهی برای explanatory adequacy به جای کارآیی تبیینی
- ✓ افشان برای flat به جای مسطح
- ✓ کارکردی برای functional به جای نقشی
- ✓ آویزه برای determiner به جای حرف تعریف
- ✓ فعل خفیف برای light verb به جای فعل سبک
- ✓ سر برای head به جای هسته
- ✓ شقاق برای spell out به جای انشقاق
- ✓ و ...

- در اقتباس انجام گرفته از زبان انگلیسی برای زبان فارسی نیز فصلی به حرکت پرسشواره اختصاص داده شده که این بحث برای زبان فارسی تقریباً غلط است.
- معمولاً فصل‌ها بحث‌های مقدماتی دارند اما جمع بندی نهایی ندارند. تمرین و آزمون که برای درس دستور گشتاری بسیار لازم و مفید است اصلاً وجود ندارد.

## نحو زبان فارسی بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی ۱۶۵

از نمودارهای درختی هم استفاده شده است اما متأسفانه اکثر نمودارهای درختی با توجه به نظریه‌ای که نویسنده محترم در چارچوب آن جملات فارسی را تحلیل نموده‌اند، نادرست به نظر می‌رسد. مثلاً ص ۵۶ گروه فعلی بیشینه باید انشعاب دو گانه داشته باشد که انشعاب سه گانه دارد و این امر با اصول نحوه X تیره ناسازگار است. نمودار ص ۱۶۱ که صرفی بیشینه است نیز انشعاب سه گانه دارد.

- اگر کتاب حاضر برای تدریس درس ساخت زبان فارسی به کار رود به نظر می‌رسد کتاب از جامعیت لازم برخوردار است ولی اگر سایر حوزه‌ها مانند مردم‌شناسی، صرف، معناشناسی و غیره را نیز در محتوای درس مذکور در نظر بگیریم، کتاب از جامعیت برخوردار نیست.

- کتاب حاضر نمی‌تواند معرفی خوبی از نظریه گشتاری ارائه کند به این دلیل که مطالب به صورت پراکنده و قدیمی آورده شده‌اند.

- عنوان اثر نحو زبان فارسی است و عنوان فرعی آن بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی است. اگر کسی فقط منابع کتاب را بررسی کند متوجه می‌شود که مقالات بسیاری که درباره نحو زبان فارسی نوشته شده، اصلاً استفاده نشده است و در واقع این کتاب سعی در معرفی نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی دارد و البته مثال‌های آن فارسی است. از این حیث عنوان کتاب با آن چه در کتاب دیده می‌شود، همخوانی ندارد.

- با توجه به عدم دقت کافی کتاب در معرفی دستور گشتاری و چارچوب رو به تغییر آن و پرداختن به کلیات نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، کتاب حاضر نمی‌تواند با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی مطابقت داشته باشد و نمی‌توان از آن به عنوان منبع اصلی برای درس دستور گشتاری استفاده کرد چون :

الف) سیر تاریخی دستور گشتاری را به خوبی توضیح نمی‌دهد

ب) نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی را کامل معرفی نکرده

ج) در مورد مثال‌ها و بحث‌ها نمی‌توان مطمئن بود

د) منابع فارسی بخصوص مقالات و رساله‌ها را ندیده است

## ۱۶۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

ه) مطالب برای این درس به روز نیست و متعلق به دهه ۱۹۸۰ میلادی است

- مبحث نظری روزآمد نیست و حداقل ۲۰ سال از مباحث روز در مورد دستور گشتاری عقب است. کتاب‌های درسی خوب به زبان انگلیسی در این زمینه می‌تواند نقص این کتاب را نشان دهد.
- نوآوری کتاب حاضر آوردن مثال‌های فارسی است. اما اکثر این مثال‌ها با اشتباهات فاحش نظری و کاربردی همراه هستند. مخصوصاً در صفحات ۸۴ و ۸۵ برای برخی از گروه‌های اسمی دو نقش تتایی در نظر گرفته شده است که این امر با معیار تتا در نظریه حاکمیت و وابستگی که برای هر گروه اسمی فقط یک نقش تتایی قائل است. ناسازگاری دارد. نوآوری وقتی خوب است که بدون اشکال باشد حال آن که اثر پر از اغلاط نظری و کاربردی است. باید دقت کرد که ترجمه متن آموزشی دستور گشتاری که برای زبان انگلیسی نوشته شده است، در مورد زبان دیگر کاری اشتباه است و چون تناظر یک به یک وجود ندارد، بسیاری از مباحث مصنوعی است.
- در اقتباس انجام گرفته از زبان انگلیسی، برای زبان فارسی نیز فصلی به حرکت پرسشواره اختصاص داده شده که این بحث برای زبان فارسی تقریباً غلط است.
- فصل اول که به نظر بخش تألیفی کتاب است، بسیار سریع مباحثی را تحت عنوان زبان‌شناسی نوین و تاریخچه دستور زایشی مطرح کرده است که گذرا، فاقد استدلال و سطحی است. فصل‌های بعدی هم بر اساس کتاب کوپر است که روند منطقی دارد. اما افزوده شدن بخش ۲ - ۴ - ۱۲ که حدود ۵۰ صفحه است، ربطی چندان به اصل بحث ندارد. این بخش در واقع ترجمه یک مقاله است. یعنی این کتاب دارای یک فصل تألیف (ناقص)، چند فصل ترجمه و اقتباس ناقص و یک فصل ترجمه بدون ارتباط مشخص است.

## نحو زبان فارسی بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی ۱۶۷

- ارجاع درون‌متنی بسیار ضعیف است صرفاً ۲۰ مورد که آن هم به نظر می‌رسد به نقل از کتاب کوپر (۱۹۹۲) باشد. شماره صفحه برخی از منابع نیز نیامده است مانند

✓ ص ۸۴ و ۲۸، جکندوف (۱۹۷۲)

✓ ص ۳۵، جکندوف (۱۹۷۷)

✓ ص ۲۲، کتز و پستال (۱۹۶۴)

- جالب است که خود کتاب کوپر ۱۹۹۲ که صاحب اثر در پیشگفتار گفته است که منبع اصلی اقتباس او بوده است در فهرست منابع نیامده است. به همین ترکیب کتز و فودور، ۱۹۶۳. منابع موجود زبان فارسی، رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها نیز مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و نویسنده محترم از منابع فارسی استفاده نکرده‌اند. اشکالات موجود در کتاب نیز این نکته را تأیید می‌کند.

- فصل مربوط به کمینگی بسیار ناقص و نارسا است و بهتر بود که این بخش حذف می‌شد و برخی از مطالب کتاب نیز با نظریه مورد بررسی (حاکمیت و مرجع‌گزینی) ناسازگار است و نشان دهنده عدم آگاهی و تسلط نویسنده به نظریه مورد نظر است.

در حالت کلی شاید بتوان گفت:

- ۱- مشخص نیست که این کتاب ترجمه است یا تألیف یا اقتباس
- ۲- کتاب به مباحث نظری دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ میلادی می‌پردازد، در حالی که دستور گشتاری پس از سال ۱۹۹۳، بسیار متفاوت شده است.
- ۳- بررسی تاریخی دستور زایشی در فصل اول بسیار ناقص و سطحی است (برای مقایسه نگاه کنید به دبیر مقدم، ۱۳۸۷، زبان‌شناسی نظری (انتشارات سمت) فصول اول تا هشتم)
- ۴- معادل‌هایی وضع شده‌اند که بسیار عجیب و غیر تخصصی هستند که نمونه‌های آن ذکر شد.

- ۵- مهمترین مشکل کتاب این است که فرض شده هر چه در مورد زبان انگلیسی کوپر (۱۹۹۲) گفته است فقط با ترجمه مثال‌ها و آوردن مثال‌های فارسی ممکن است، در

## ۱۶۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

حالی که چنین چیزی نیست. با این که مقالات متعددی دربارهٔ نحو زبان فارسی به نگارش درآمده و رساله‌هایی هم نوشته شده است، صاحب اثر فوق اصلاً به آنها نگاه نکرده است. در کل این کتاب برای تدریس در دورهٔ کارشناسی ارشد مناسب نیست.

## «نحو زبان فارسی و انگلیسی در قالب برنامه کمینگی»

مؤلف: سید علی میرعمادی

ناشر: فرهیخته

سال نشر: ۱۳۸۱

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۰۵

- این اثر از نظر نگارشی دارای سبکی سنگین و بعضاً نارساست. معادل‌های واژگانی انتخاب شده رسا و پرکاربرد نیستند و اکثر آن‌ها خاص نگارش نویسنده است. در پاره‌ای موارد ثبات در استفاده از معادل‌های فارسی وجود ندارد. برای نمونه معادل واژه "checking" در یک‌جا به عنوان مطابقت و در جای دیگر به عنوان خودآزمایی ترجمه شده است و همین‌طور معادل واژه "light" در جایی «سبک» و در جای دیگر «ضعیف» آمده است. علاوه بر این، شواهد فارسی ارائه شده با آنچه در انگلیسی مطرح شده است تفاوت‌های بنیادین دارند که به آن اشاره نشده است.
- قواعد ویرایش و نگارش نسبتاً رعایت شده است اما متن ثقیل و مخصوص نگارنده اثر است.
- کیفیت اثر از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی خیلی خوب نیست.
- این اثر پس از اصلاحات می‌تواند به عنوان یکی از منابع فرعی برای دروسی مانند شیوه استدلال نحوی یا در مروری بر دیدگاه‌های مسلط در زبان‌شناسی امروز به‌کار رود.

## ۱۷۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- تعدادی از اصطلاحات تخصصی کاربرد ثقیل و غیر رایج دارند. در بررسی مقابله‌ای نحو زبان فارسی و انگلیسی بر پایه نظریه کیمنه‌گرایی مباحث بیشتر به صورت گزینشی انتخاب شده‌اند. با این وجود، در پاره‌ای موارد بررسی ساخت خاصی صرفاً به صورت محدود در زبان انگلیسی مورد بحث قرار گرفته است ولی ساخت مشابه در زبان فارسی به هیچ عنوان تحلیل نگردیده است مانند فصل ششم. همچنین شرایط و اصول نحوی بیشتری در تجزیه و تحلیل داده‌های زبانی در دو زبان حاکم‌اند که به آن‌ها اشاره نشده است. نیز در توضیح بعضی موارد به دستوره‌های سنتی استناد گردیده است که چندان مطلوب نیست.
- زبان نگارش بسیار ثقیل است. گاهی اوقات معادل‌های انتخاب شده درک مفهوم مورد نظر را با مشکل مواجه می‌سازد. به‌علاوه در پاره‌ای موارد معادل‌های انتخاب شده از ثبات برخوردار نیستند. گاهی اوقات برای معادل‌های انتخاب شده توضیحات مبهم یا بسیار اندک ارائه گردیده است مانند توضیحات ارائه شده برای واژگان و اصطلاحات فصل پایانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است مانند تفاوت و تمایز متمم‌ها از ادات‌ها. موضوع ترکیب سلسله مراتبی سازه‌های نحوی در قالب نظریهٔ ایکس تیره ظاهراً به فراموشی سپرده شده است. محل وقوع عناصر متممی و اداتی درون مقوله‌های نحوی مختلف به طور مفصل مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. ماهیت فرایندهایی مانند اتصال مشخص نیست و نحوهٔ عملکرد آن تبیین نشده است.
- مباحث ارائه شده از جامعیت کافی محتوا و موضوع برخوردار نیست و نیازمند ارائه استدلال‌ها و مبانی نظری بیشتر در تبیین ماهیت نحوی داده‌های زبان فارسی است. برای نمونه به نحوهٔ عملکرد حرکت پرسش‌واژه در زبان فارسی در قالب برنامه کمینگی به هیچ عنوان پرداخته نشده است و صرفاً به ارائهٔ چند مثال آن هم به صورت ضد و نقیض بسنده گردیده است. (در یک فصل اعمال این حرکت در زبان فارسی موجب حذف غیر دستوری می‌شود و در جایی دیگر جمله دستوری ایجاد شده است. و یا این که به ساخت‌های دارای فرایند ارتقا در زبان انگلیسی اشاره شده

## ۱۷۱ نحو زبان فارسی و انگلیسی در قالب برنامه کمینگی

است اما ساخت مشابه آن که در زبان فارسی تفاوتی ماهوی دارد درست مورد تحلیل قرار نگرفته است.

- محتوای اثر با عنوان و فهرست آن تطابق دارد ولی مباحث ارائه شده در پاره‌ای موارد ناقص یا جزئی است. در پاره‌ای موارد نیاز به عنوان بندی وجود دارد تا از ارائه مباحث طولانی پرهیز شود مانند آن چه که در فصل اول و دوم آمده است.
- این کتاب جهت آشنایی با اصول نظری دیدگاه کمینگی و شیوه استدلال داده‌های زبانی زبان فارسی خوب است.
- دیدگاه مورد بحث در این اثر را می‌توان جدیدترین دیدگاه در حوزه زبان‌شناسی زایشی در نظر گرفت. اگر چه تاکنون شاهد تغییراتی نیز بوده است که می‌توان به چامسکی ۱۹۹۳، ۱۹۹۵، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۰ مراجعه کرد.
- انطباق و تحلیل داده‌های زبان فارسی بر پایه بعضی اصول و شرایط نحوی-نظری دیدگاه کمینگی کار تازه‌ای است که در این اثر آمده است.
- در بعضی از فصل‌ها اگر زیرعنوان‌هایی مطرح و سپس مطالب مورد نظر بحث می‌شدند بهتر بود. کل اثر دارای نظم و انسجام است.
- از منابع موجود به قدر کفایت استفاده نشده است. در حالی که دیدگاه کمینه‌گرایی برای پاره‌ای از مباحث نظری دیدگاه‌ها و پیشنهادها دیگری نیز آمده است، این کتاب صرفاً به آن چه در ردفورد ۱۹۹۷ آمده است آن هم به صورتی گزینشی اکتفا کرده است. برای نمونه، در فصل ششم که پیرامون حرکت پرسش‌واژه است صرفاً به بحث این حرکت در زبان انگلیسی محدود شده است و به ماهیت و نحوه عملکرد آن در جمله‌های استفهامی فارسی اشاره‌ای نگردیده است. این در حالی است که حداقل در کتاب ردفورد ۱۹۹۷ به نوعی به نحوه عملکرد حرکت پرسش‌واژه در زبان‌هایی که پرسش‌واژه در جایگاه اصلی دارند اشاره شده است.
- بیشتر مطالب کتاب و یا حتی می‌توان گفت کل مطالب کتاب به جز فصل آخر به نوعی ترجمه گزینشی یک کتاب است و صرفاً مثال‌ها از زبان فارسی انتخاب شده‌اند. البته نمی‌توان گفت این اثر ترجمه مطلق از کتاب ردفورد ۱۹۹۷ است ولی نحوه

## ۱۷۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- ارائه مطالب ذهن هر خواننده‌ای را به این امر معطوف می‌دارد که شاید این کتاب ترجمه شده است. البته شاید بتوان گفت این اثر نوعی ترجمه، اقتباس و تألیف است.
- ارجاعات به‌کار رفته به صورت کلی است که از کتاب ردفورد ۱۹۹۷ آورده شده است و بدون ارجاع به صفحه نقل شده در منبع اصلی آورده شده‌اند. بهتر بود جمله‌های زبان انگلیسی ارائه شده در این اثر با ارجاع به صفحات مورد نظر همراه می‌بود.

## «دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری»

مؤلف: مهدی مشکوة الدینی  
ناشر: دانشگاه فردوسی مشهد  
سال نشر: ۱۳۷۹  
نوبت چاپ: اول  
محل نشر: مشهد  
تعداد صفحات: ۲۴۲

- نگارش اثر روان و رسا است و قواعد ویرایش و نگارش در آن رعایت شده است. کیفیت حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و طرح جلد و صحافی بسیار خوب است.
- اصطلاحاتی که در این کتاب به کار رفته‌اند اصطلاحاتی هستند که در زبان‌شناسی و دستور زبان رایج می‌باشند بنابراین معادل‌سازی صورت نگرفته است.
- کتاب طرح بحث مقدماتی و جمع‌بندی نهایی ندارد و با این که مدعی است که یک کتاب درسی است اما تمرین و آزمون‌ها در آن گنجانده نشده است.
- به نظر می‌رسد این کتاب برای تدریس در کلاس دستور مثلاً ساخت زبان فارسی یا دستور زبان فارسی نگاشته شده باشد اما به هیچ وجه جامعیت لازم را ندارد. این کتاب در واقع نظریه گشتاری را آن هم از نوع بسیار قدیمی به صورتی نارسا و نادرست مطرح می‌سازد و فقط از فارسی مثال‌هایی به صورت اتفاقی آورده شده است. بنابراین به هیچ وجه نمی‌تواند هدف درسی مانند دستور زبان فارسی را بر آورده سازد. کتاب از این جنبه کاملاً ناموفق است.
- عنوان کتاب «دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری» است در صورتی که کتاب نظریه گشتاری را به صورتی اجمالی، گذرا، نادرست و بسیار قدیمی و مردود مطرح

## ۱۷۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

می‌سازد و فقط مثال‌هایی از آن آورده می‌شود. مثلاً در صفحه ۶۵ ژرف ساخت جمله‌های اصلی را مطرح می‌کند که نادرست هستند.

- در صورتی که این کتاب برای درس «ساخت زبان فارسی» پیشنهاد شده باشد حدیثت درصد با سرفصل‌های شورای عالی برنامه ریزی مطابقت دارد چون فاقد بخش‌های مربوط به آواشناسی، ساخت‌واژه و معناشناسی است. این کتاب برای درس دستور گشتاری ایداً مناسب نیست.
- کتاب از نظر محتوایی و علمی اشکالات بسیار دارد. مثلاً بحث مربوط به «جمله‌های مرکب ناهمپایه» در صفحه ۸۴ بسیار سطحی و غلط است. ناهمپایگی در فارسی بسیار مفصل‌تر از آن است که بتوان آن را در هفت صفحه و آن هم به صورت غلط و نامشخص مطرح کرد.
- در عنوان و مقدمه کتاب مطرح شده است که «دستور زبان فارسی» بر اساس نظریه گشتاری ارائه گردیده است. نظریه گشتاری پس از سال‌ها چندین بار اصلاح شده است و داده‌های کتاب چندان روزآمد نیست.
- نوآوری کتاب را می‌توان نوشتن دستور برای زبان فارسی بر اساس نظریه گشتاری دانست. متأسفانه این هدف با این کتاب برآورده نشده است.
- نظم و انسجام مطالب خوب است.
- بهتر بود از منابع به روز استفاده می‌شد. ارجاعات و استنادات زیادی در این کتاب وجود ندارند، به غیر از چند مورد مثلاً صفحه ۵۷ و ۶۴ که به چامسکی ارجاع داده شده است. ضمناً در صفحه ۷۴ به باطنی ارجاع داده شده است. البته در پایان کتاب به صورتی کلی منابع آمده است.
- بعد مثبت این کتاب این است که اقدامی است در جهت بررسی زبان فارسی بر اساس نظریه زبان اما برخلاف ادعای کتاب چنین هدفی برآورده نمی‌شود. این کتاب از نظر محتوا اشکالات بسیار دارد که در این جا نمی‌توان مطرح کرد. این کتاب در واقع معرفی شکل بسیار قدیمی نظریه گشتاری است و با ارائه مثال‌هایی از زبان فارسی همراه است. نمودارهای درختی ارائه شده در این کتاب پر از اشکال هستند،

## دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری ۱۷۵

قواعد سازه‌ای ارائه شده در فصل چهارم غلط هستند. در زبان‌شناسی چنین قواعدی نداریم. این کتاب از نظر محتوای علمی نکات منفی دارد و برای تدریس خیلی مناسب نیست.



## «دستور جهانی چامسکی<sup>۱</sup>»

مؤلف: ویویان جیمز کوک و مارک نیوسن<sup>۲</sup>

ناشر: انتشارات وایلی- بلکول<sup>۳</sup>

سال نشر: ۲۰۰۷

محل نشر: بیرمنگام

نوبت ویرایش: سوم

تعداد صفحات: ۳۳۶

انتشارات بلکول در سال ۲۰۰۷ اقدام به انتشار ویراست سوم کتاب مقدمه‌ای بر دستور جهانی چامسکی به قلم ویویان جیمز کوک و مارک نیوسن در ۳۲۶ صفحه کرده است. ویویان جیمز کوک استاد تمام زبان‌شناسی کاربردی در دانشگاه نیوکاسل در بریتانیاست. کوک در طول حیات علمی خود دربارهٔ موضوعات متنوعی همچون دوزبانگی<sup>۴</sup>، انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی، اکتساب زبان اول، آموزش زبان دوم، نظام نوشتاری زبان انگلیسی و زبان‌شناسی تحقیقاتی انجام داده است. عمدهٔ شهرت او به‌خاطر تحقیقاتش در زمینهٔ یادگیری زبان دوم و طرح مسئلهٔ چندتوانشی<sup>۵</sup> است. انتشار بالغ بر صد مقاله و بیست کتاب حاصل تلاش ایشان تاکنون بوده است. از جمله کتاب‌های کوک می‌توان آهنگ فعال<sup>۶</sup> (1968)، انگلیسی واقعی<sup>۷</sup> (1968)، استفاده از آهنگ<sup>۸</sup> (۱۹۷۹)، انگلیسی برای

- 
1. Chomsky's Universal Grammar; An Introduction
  2. Vivian James Cook, Mark Newson
  3. Wiley-Blackwell
  4. Diglossia
  5. Multi-Competence
  6. Active Intonation
  7. Realistic English
  8. Using Intonation

## ۱۷۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

زندگی<sup>۱</sup> (۱۹۸۰)، زبان و شناخت دوزبانگی<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) را نام برد. او همچنین در سال ۱۹۸۹ انجمن اروپایی اکتساب زبان دوم (EuroSLA) را تأسیس کرد. مارک نیوسن دانشیار گروه زبان انگلیسی در دانشگاه اودوس لوراند در بوداپست مجارستان است.

### معرفی و تحلیل درونی اثر

کتاب مذکور در ۳۲۶ صفحه ذیل فصول هشت‌گانه طبیعت دستور جهانی، اصول و پارامترها و اکتساب زبان، ساختار در الگوی حاکمیت و مرجع‌گزینی، حرکت در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، رویکردهای چامسکی به اکتساب زبان، اکتساب زبان دوم و دستور جهانی، ساختار در برنامه کمینه‌گرا<sup>۳</sup> و حرکت در برنامه کمینه‌گرا نگاشته شده است.

در فصل اول (صص ۱-۲۷) برخی از مسائل کلی و مفاهیم ارائه شده توسط چامسکی در زمینه دستور جهانی معرفی شده است. به این صورت که ابتدا مراحل مختلف موجود در گسترش دستور جهانی چامسکی از قرار دستور گشتاری زایشی (۱۹۵۷)، جنبه‌ها و نظریه استاندارد (۱۹۶۵)، نظریه استاندارد بسط‌یافته (۱۹۷۰)، نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی (۱۹۸۱) و برنامه کمینه‌گرا (۱۹۹۳) همراه با مقاله‌ها و کتاب‌های بنیادی هر یک از این مراحل ذکر شده است. نقش زبان در ایجاد ارتباط بین آوا و معنی، مفهوم نظام محاسباتی<sup>۴</sup>، زبان درونی در برابر زبان بیرونی، توانش، کنش و توانش کاربردی از نقطه نظر چامسکی شرح داده شده است. چپستی عناصر تشکیل‌دهنده زبان، چگونگی اکتساب و به‌کاررفتن این دانش از طرف سخنگویان و سازوکار فیزیولوژیکی و جسمانی این دانش به‌عنوان سوال‌های اساسی دستور زایشی از همان مراحل ابتدایی‌اش نیز در این فصل بررسی شده‌اند. انتهای این فصل به بحث پیرامون جهانی‌های زبانی و شواهد مبنی بر وجود این جهانی‌ها اختصاص یافته و بیان شده که منظور از ویژگی‌های جهانی یک سری اصول است که در تمام زبان‌ها جاری و ساری است و خود بخشی از ساختار ذاتی ذهن انسان بوده، در نتیجه سخنگویان نیازی به فراگیری آنها ندارند.

- 
1. English for Life
  2. Language and Bilingual Cognition.
  3. Minimalist Program
  4. Computational system

فصل دوم (صص ۶۰-۲۸) عمدتاً به شرح مفاهیم بنیادی اصول و پارامترها و چگونگی آمیختگی این مفاهیم با نظرات رایج در زمینه اکتساب زبان اختصاص یافته است. مؤلفان در این فصل پس از تعریف ساختار گروه، قواعد بازنویسی، واژگان، نمودار درختی و قواعد حرکت به عنوان سازوکاری برای جبران ناکافی بودن قواعد بازنویسی برای توصیف ساختار زبان‌های طبیعی، اصول را به صورت یک سری شرایط کلی که لزوماً در تمام زبان‌های طبیعی جاری و ساری هستند تعریف کرده و به عنوان نمونه‌ای از این اصول اصل موضعی بودن را ارائه می‌دهند. این اصل شرطی است که در بطن تمام فرایندهای زبانی وجود دارد و حوزه عمل فرایندها را بخش خاصی از جمله محدود می‌کند. پارامترها نیز به عنوان راه‌کارهایی برای تبیین تنوعات ساختاری موجود در زبان‌های مختلف شرح داده شده‌اند. قوه زبانی و سطوح کفایت نظریه‌های زبانی نیز از جمله مباحث مطرح شده در این فصل هستند. قوه زبانی همان جایی است که دانش زبانی فرد در آنجا ذخیره شده و در تمام افراد بشر یکسان و خاص نوع بشر است. علاوه بر این قوه مذکور هم در ماهیت و هم در خصوصیات عملکردی جدای از تمام قوه‌های دیگر موجود در ذهن است. کفایت مشاهده‌ای، کفایت توصیف و کفایت تبیینی سه سطح برای ارزیابی نظریه‌های زبانی در این بخش از کتاب به شرح توضیح داده شده‌اند: کفایت توضیحی ابتدایی‌ترین سطح است که نظریه‌های حاوی آن قادر خواهند بود قضاوت‌هایی در مورد دستوری یا غیردستوری بودن داده‌های زبانی به دست بدهند. دومین سطح کفایت، کفایت توصیفی است. طبق گفته نویسندگان نظریه‌ای حائز این مرتبه از کفایت است که بتواند توانش زبانی سخنگویان یک زبان را به درستی توصیف کند. بالاترین سطح کفایت یک نظریه کفایت تبیینی است. نظریه‌ای که بتواند چگونگی اکتساب این توانش را تبیین کند در واقع به این سطح از کفایت نائل آمده است. در انتهای این فصل نیز نقش دستور جهانی که به صورت اصول و پارامترها در ذهن ذخیره شده در امر اکتساب زبان اول از طریق ارزش‌دهی به پارامترها و تشکیل دستور مرکزی و سرانجام دادن شکل یک زبان خاص به دستور جهانی مورد بررسی اجمالی قرار گرفته است.

در فصل‌های سوم (صص ۱۲۰-۶۱) و چهارم (صص ۱۸۴-۱۲۱) به بحث پیرامون حوزه‌های مختلف موجود در نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی و پدیده‌هایی که از طریق این حوزه‌های متنوع توصیف می‌شوند، پرداخته شده است. در فصل سوم آن دسته از حوزه‌هایی که از نظر مؤلفان به سطح زیرساخت مربوط می‌شوند یعنی نظریه ایکس

تیره، نظریهٔ حالت، اصل فرافکنی، نظریهٔ تتا، نظریهٔ کنترل، قضیهٔ ضمیر مستتر<sup>۱</sup> ارائه شده‌اند. نظریهٔ ایکس تیره حوزه‌ای از دستور است که به ساختار گروه‌های نحوی مختلف مربوط می‌شود، به طوری که این نظریه یک ساخت صوری یکسان را به تمام گروه‌های نحوی فارغ از اینکه محتوای واژگانی‌شان چه چیزی باشد، اطلاق می‌کند. در این فصل شکل‌ها جدیدتر و گسترش‌هایی که در این نظریه رخ داده از قبیل CP, IP و فرضیهٔ گروه تصریف گسسته و پوسته‌های فعلی نیز معرفی شده‌اند. نظریهٔ حالت حوزه‌ای از دستور است که توزیع گروه‌های اسمی را در درون جمله مشخص می‌کند. صافی‌ای که بر این عمل نظارت می‌کند صافی حالت نام دارد. اصل فرافکنی تضمین‌کننده بقای اطلاعات واژگانی در تمام سطوح دستوری است. نظریهٔ تتا نیز حوزه‌ای از دستور است که اطلاق درست نقش‌های معنایی از قبیل کنش‌گر، کنش‌پذیر، هدف و غیره را از طریق شرط رابطهٔ خواهری بین اعطاکننده و گیرندگان نقش‌های معنایی و با رعایت معیار تتا سازماندهی می‌کند. نظریهٔ کنترل نیز مرجع ضمیر مستتر را از نقطه‌نظر اجباری یا اختیاری بودنش مشخص می‌کند. یکی از ویژگی‌هایی که برای این ضمیر مستتر در اینجا بیان شده معروف به قضیهٔ ضمیر مستتر است. بر طبق این قضیه این ضمیر فقط و فقط در جایگاه‌هایی که تحت حاکمیت نیستند می‌تواند به کار برود.

فصل چهار عمدتاً به حرکت، حد و حدود حرکت‌ها و همچنین ارتباط حرکت با برخی اصول دیگر در نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی می‌پردازد. در این راستا بین سه نوع حرکت تمایز ایجاد می‌شود. این سه نوع حرکت عبارتند از حرکت به جایگاه موضوع، حرکت به جایگاه غیرموضوع و حرکت هسته. برای بیان دامنهٔ حرکت‌ها مفاهیم همجواری و اصل جهش ارائه شده است. بر اساس همجواری هر حرکتی فقط مجاز به عبور از روی تنها یک گره جهش است. گره جهش نیز در زبانهای مختلف می‌تواند IP, CP یا DP باشد. اصل جهش نیز عبور از روی موانع را ممنوع می‌کند. یکی دیگر از مفاهیمی که برای تعیین حدود حرکت‌ها بیان شده، کمینگی نسبی<sup>۲</sup> است. بر طبق این شرط عنصری که دچار جابجایی شده باید در نزدیکترین جایگاه ممکن فروبیاید. در ادامهٔ این فصل جزئیات دیگری از قبیل صافی حالت، حالت تحت حاکمیت، سازه‌فرمانی، سازه‌فرمانی بیشینه، حالت‌دهی استثنایی، حالت ساختاری و حالت ذاتی در مورد نظریهٔ

---

1. PRO Theorem

2. Relativized Minimality

## دستور جهانی چامسکی ۱۸۱

حالت مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به همین صورت برخی از اصول فنی‌ای که در فصل سه در مورد اصل مرجع‌گزینی ذکر نشده بودند در بخش آخر این فصل ارائه شده‌اند، این اصول و مفاهیم عبارتند از اصول A، B و C مرجع‌گزینی، حوزهٔ حاکمیت، اصل مقولهٔ تهی، پدیدهٔ برتری و حرکت نامرئی.

پنجمین فصل (صص ۲۲۰-۱۸۵) کتاب حاضر به رویکرد نشأت‌گرفته از نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی در مورد اکتساب زبان اول می‌پردازد. از نظر چامسکی اکتساب زبان در واقع فراگیری چیزی از خارج از خود انسان نیست، بلکه نوعی گسترش و تبلور دستور جهانی در اثر تجربهٔ ناقص اما حیاتی حاصل از محیط است. دستور جهانی دارای اساس جسمانی و نه روانشناختی است. منظور از اساس جسمانی دستور جهانی این است که این دستور بخشی از میراث ژنتیکی گونهٔ بشر است. در این فصل سه مؤلفه برای فراگیری زبان مشخص شده که عبارتند از: فضای تحقیق، شواهد موردنیاز برای فراگیری زبان و راهبردهای به‌کار گرفته شده از طرف زبان‌آموز. فضای تحقیق به مسائلی از این دست که اصولاً چه چیزهای توسط زبان‌آموز فراگرفته می‌شود، می‌پردازد. از نظر مؤلفان فرضیات زیربنایی نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی در زمینهٔ فضای تحقیق بسیار راهگشاست. چراکه از نقطه نظر این نظریه یادگیری زبان توسط کودک فقط محدود به ارزش‌گذاری پارامترها در یک زبان خاص می‌شود. شواهد زبانی پیش روی زبان‌آموز در امر زبان‌آموزی، رویکردهای زبان‌آموزی دیگر از قبیل تقلید، تدریس مستقیم و تعامل اجتماعی، فرضیهٔ ذاتی‌بودن دستور جهانی، دستور مرکزی و حاشیه‌ای و نظریهٔ نشاننداری مباحث دیگر این بخش از کتاب را تشکیل می‌دهند.

در فصل شش (۲۴۱-۲۲۱) مفاهیم مربوط به دستور جهانی به حوزهٔ یادگیری زبان دوم بسط داده می‌شود. از نظر نویسندگان با توجه به این واقعیت که تقریباً همهٔ سخنگویان به بیش از یک زبان تکلم می‌کنند، اختصاص و تحدید دستور جهانی به سخنگویان بومی آرمانی یک‌زبانه می‌تواند بسیار گمراه‌کننده باشد. با توجه به واقعیت ذکرشده نویسندگان معتقدند که نظریهٔ دستور جهانی باید چندزبانگی را به‌صورت یک هنجار در ذهن در نظر بگیرد، به بیانی دیگر باید قائل به وجود چندتوانش به‌صورت هم‌زمان در ذهن بود. در ادامهٔ این فصل مسئلهٔ فقر محرک در رابطه با یادگیری زبان دوم و مراحل مختلف زبان‌آموزی با تصور یک ذهنی چندتوانشی توصیف می‌شوند.

## ۱۸۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

فصل‌های هفت (صص ۲۷۰-۲۴۲) و هشت (صص ۳۰۹-۲۷۱) کتاب به معرفی ساختار و برخی از مفاهیم برنامه کمینه‌گرا به‌عنوان متأخرترین شکل دستور زایشی اختصاص یافته است. از نظر مؤلفان برنامه کمینه‌گرا حاصل بسط و گسترش مفهوم اقتصاد<sup>۱</sup> است که پیشاپیش در دستور حاکمیت و مرجع‌گزینی مطرح شده است. این مفهوم در برنامه کمینه‌گرا به سه شکل اقتصاد در بازنمایی، اقتصاد در اشتقاق و اقتصاد در دستور انعکاس یافته است. نظام محاسباتی، بازنمون<sup>۲</sup> و همگرایی<sup>۳</sup>، ادغام<sup>۴</sup>، چگونگی اطلاق نقش‌های معنایی در قالب این برنامه و برخی مباحث مرتبط دیگر در فصل هفتم کتاب شرح و بسط داده شده‌اند و سرانجام در فصل هشت کتاب حرکت در قالب برنامه کمینه‌گرا از نقطه‌نظر ساختار، انگیزه، مشخصه‌های تعبیرپذیر و تعبیرناپذیر، نظریه بازمینی و بازنمون چندمرحله‌ای و فازها<sup>۵</sup> مورد بررسی قرار گرفته است.

### نقد و بررسی اثر

کوک در کتاب مقدمه‌ای بر دستور جهانی چامسکی با توجه به گرایش و تمایل فکری غالبش به مسائل مرتبط با آموزش و یادگیری زبان دوم به نوعی درصدد برقراری یک نوع ارتباط بین دستور جهانی چامسکی از یک طرف و آموزش و یادگیری زبان دوم از طرف دیگر برآمده است. کما اینکه در این راستا او رویکرد چندتوانشی در یادگیری زبان دوم یعنی وجود دانش دو یا چند زبان در یک ذهن را مطرح کرد که منظور از آن این است که افرادی که بیش از یک زبان می‌دانند ذهن‌شان از افرادی که تنها به یک زبان مسلط هستند متفاوت است چراکه تسلط بر دو زبان روشی که افراد از زبان اول استفاده می‌کنند و حتی شیوه تفکر آنها را نیز تغییر می‌دهد. نویسنده کتاب هدف اصلی نگارش آن را در وهله اول ارائه یک طرح کلی از نظریه جهانی چامسکی از دهه ۱۹۶۰ به بعد می‌داند. از آنجا که این نظریه توسط چامسکی در شکل حاکمیت و مرجع‌گزینی نظریه زایشی به منسجم‌ترین شکل ارائه و بیان شده، کوک نیز قسمت عمده کتابش را به معرفی نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی اختصاص داده است. اما با توجه به اینکه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی در سال‌های اخیر در حال واگذارکردن جایگاه خود به شکل

- 
1. Economy
  2. Spell out
  3. Convergence
  4. Merge
  5. Phases

## دستور جهانی چامسکی ۱۸۳

جدیدتری از دستور زایشی موسوم به برنامه تحقیقاتی کمینه‌گرا است لذا کوک ضمن معرفی اجمالی برنامه کمینه‌گرا در این ویراست کتاب خود ابعادی از نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی را که ارتباط مستقیمی با برنامه کمینه‌گرا دارد را نیز برجسته‌تر و مفصل‌تر شرح و بسط داده است. کتاب‌های بسیار زیادی در زمینه معرفی نظریه‌های حاکمیت و مرجع‌گزینی و کمینه‌گرا تاکنون به رشته تحریر در آمده است. برخی از این کتاب‌ها عبارتند از ویلسوت<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، لزنیک و یوریاگرکا<sup>۲</sup> (۱۹۸۸)، هگمن<sup>۳</sup> (۱۹۹۴)، کارنی<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) و کولیکاور<sup>۵</sup> (۱۹۹۷). چنانچه در صدد مقایسه کتاب حاضر با کتابهای ذکرشده در بالا بر بیاییم آنچه که بی‌درنگ به چشم می‌آید سطحی‌نگری و وزن کم این کتاب است. طوری که به نظر می‌آید مهمترین دستاورد این کتاب معرفی اجمالی و بدون تحلیل مسائل و مباحث موجود در دستور جهانی و به طور خاص نظریه‌های حاکمیت و مرجع‌گزینی و کمینه‌گرا است. این کتاب به همین میزان نیز طبیعتاً از طیف مخاطب‌های متخصص در این نظریه‌ها از جمله دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلات تکمیلی رشته زبانشناسی محروم خواهد بود. علاوه بر این که کتاب مورد نظر نتوانسته به یک توصیف قابل قبول در زمینه مباحث بنیادی دستور حاکمیت و مرجع‌گزینی دست بیابد، در آن هدف دیگر یعنی ایجاد ارتباط منطقی بین مبانی دستور جهانی و نظریه‌های آموزش زبان دوم نیز توفیق چندانی کسب نکرده است. طوری که این کتاب نه نیازهای یک زبانشناس و نه انتظارات متخصصین حوزه آموزش زبان را در زمینه ایجاد ارتباط بین دستور جهانی و حوزه مرتبط آموزش زبان دوم را به‌طور کامل برآورده می‌کند. از نظر نگارنده علت اصلی این نقصان ریشه در سطحی‌نگری نگارندگان در زمینه هم دستور جهانی و هم ارتباط احتمالی آن با حوزه آموزش زبان دوم است. علی‌رغم این کاستی کتاب موردنظر خلا بزرگی را در مبحث ارتباط بین نظریات دستور جهانی و آموزش زبان دوم پر کرده است. علت وجود این خلا پرمخاطره و غیرقطعی بودن هر گونه ارائه نظر در این مورد است. درست به همین دلیل است که نه زبانشناسان و نه

- 
1. Webelhuth
  2. Lasnik and Uriagereka
  3. Heageman
  4. carnie
  5. Culicover

## ۱۸۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

متخصصان حوزه آموزش زبان دوم عمدتاً تمایلی برای ورود به این مبحث از خود نشان نمی‌دهند.

### منابع

- Carnie, A. (2002). *Syntax: A Generative Introduction*. Blackwell Publishing.
- Cook, V. J. and M. Newson (2007). *Chomsky's Universal Grammar: An Introduction*. Blackwell Publishing.
- Culicover, P. W. (1997). *Principle and Parameters: An Introduction to Syntactic Theory*. Oxford University Press.
- Haegeman, L. (1994). *Introduction to Government and Binding Theory*. Blackwell.
- Lasnik, H. and J. Uriagereka (1988). *A Course in GB Syntax: Lectures on Binding and Empty Categories*. The MIT Press.
- Weibelhuth, G. (Ed.) (1995). *Government and Binding and the Minimalist Program: Principle and Parameter in Syntactic Theory (Generative Syntax)*.

## «آواشناسی زبان فارسی»

مؤلف: یدالله ثمره

ویراستار: رضا نیلی پور، امید طیب زاده

ناشر: مرکز نشر دانشگاهی

سال نشر: ۱۳۸۱

نوبت چاپ: هفتم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۴۵۲

کتاب «آواشناسی زبان فارسی» را می‌توان برای درس‌های آواشناسی و آشنایی با آوای زبان فارسی به ترتیب در مقطع کارشناسی ارشد رشته‌های زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان به کار برد. در ضمن این کتاب به عنوان منبعی برای آزمون و روی کارشناسی ارشد است.

### بررسی شکلی:

- با توجه به این که مؤلف خود زبان‌شناس است و قریب به پنجاه سال در مقاطع مختلف تحصیلی به تدریس اشتغال داشته و یکی از استادان موفق در امر تدریس شناخته می‌شود، شیوایی و رسایی را در نگارش اثر به کار برده و دقت لازم را در این خصوص مبذول داشته است. با این که این اثر یک کتاب تخصصی در حوزه آواشناسی است، نهایت سادگی و روانی در آن رعایت شده است تا برای خواننده غیر متخصص نیز قابل استفاده باشد.
- نحوه نگارش کتاب نشان می‌دهد که مؤلف به اصول و قواعد نگارش و ویرایش کاملاً آشنایی داشته است. با این حال از سه نفر متخصص نیز در امر

## ۱۸۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- ویراستاری بهره‌جسته است از جمله دکتر رضا نیلی‌پور، دکتر امید طیب زاده، دکتر محمود بی‌جن خان که هر سه نفر زبان‌شناس هستند.
- طرح روی جلد دستگاه گفتار را در انسان نشان می‌دهد که از حنجره تا لب‌ها ترسیم شده است و نمونه‌ای از تصاویر به کار رفته در متن اثر می‌باشد. کتاب دارای دو ویرایش است که در ویرایش دوم مجدداً حروف چینی و طراحی شده است و نقایص چاپ‌های اول در ویرایش دوم برطرف شده است.
  - حجم اثر برای دو واحد درسی در دوره کارشناسی ارشد متناسب است.
  - کتاب مورد بررسی چاپ هفتم اثر است. در چاپ پنجم آن در مقایسه با چاپ‌های قبلی تغییرات کلی صورت گرفته است از جمله: الف- طرح روی جلد اثر تغییر کرده است و تناسب با محتوای متن دارد. در واقع یکی از تصاویر موجود در متن روی جلد قرار گرفته است. ب- حروف چینی کتاب در ویرایش دوم تغییر کرده و مطابق با استانداردهای نگارش کتاب و استفاده از رایانه صورت گرفته است. ج- با این که به متن و پانوشت‌ها مطالب فراوانی اضافه شده است اما تعداد صفحات کتاب کمتر از چاپ‌های اولیه (اول تا چهارم) می‌باشد. این موضوع نشان دهنده استفاده از نوع قلم و فونت‌های معیار و رعایت اقتصاد در نگارش می‌باشد.
  - کتاب دارای پیشگفتار، بیان هدف صریح، مقدمه کلی به صورت فصلی جداگانه، فهرست مطالب، جدول و تصویر، فهرست موضوعی و فهرست منابع است.

### بررسی محتوایی:

- نحوه کاربرد اصطلاحات تخصصی آواشناسی در این اثر نشان‌دهنده آگاهی مؤلف به دانش این شاخه از زبان‌شناسی است، وی سال‌ها به تدریس آواشناسی مشغول بوده و پژوهش‌های مربوط به صوت‌شناسی و شنوایی‌سنجی را عملاً در آزمایشگاه آکوستیک انجام داده و به مباحث نظری آن کاملاً واقف

## آواشناسی زبان فارسی ۱۸۷

است. فرهنگ‌هایی که تاکنون در حوزه زبان‌شناسی نوشته شده‌اند اصطلاحات تخصصی برای خوانندگان همراه با شرح و توضیح کافی ارائه شده است.

- کیفیت معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی نشان می‌دهد که مؤلف وسواس خاصی در گزینش معادل فارسی برای واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی داشته است. وجود معادل‌ها در پاورقی‌ها و واژه‌نامه انگلیسی به فارسی و بالعکس در حدود ۱۲ صفحه در پایان کتاب گواه این ادعا است. مؤلف در واژه‌نامه پایانی کتاب در حدود ۳۲۰ واژه را معادل‌یابی کرده است به طوری که پس از انتشار این اثر در زبان‌شناسان متداول گردیده و به کار می‌رود.
- فصل اول کتاب «مقدمه» نام گرفته تا خواننده را طرح بحث مقدماتی وارد حیطه آواشناسی نماید. در پایان هر فصل تمرین‌هایی گنجانده شده و در پایان کتاب پاسخ تمرین‌ها نیز ارائه شده است. کتاب مجموعاً از دو بخش تشکیل شده، بخش اول شامل چهار فصل است که در این فصل‌ها از ابزارهای علمی از جمله تصویر، جدول و نمودار برای توصیف ویژگی‌های تولیدی آواهای زبان فارسی استفاده شده است. در بخش دوم که از فصل پنجم تشکیل شده مؤلف از ابزارهای آماری جهت توصیف و تبیین ویژگی‌های توزیعی آواها در ساخت هجای زبان فارسی بهره جسته است که بر دقت علمی کار وی افزوده است.
- این اثر از جامعیت محتوایی برخوردار است، به این معنی که در مورد آواهای زبان فارسی در حوزه آواشناسی سخنی ناگفته باقی نمانده است و در این بخش از علم آواشناسی نیاز به مکمل ندارد.
- عنوان اثر «آواشناسی زبان فارسی» است و با آن‌چه که در متن آمده کاملاً انطباق دارد. در فصل یکم کتاب، ابتدا انواع سه‌گانه آواشناسی (تولیدی، شنیداری، فیزیکی) و موج صوتی توصیف شده است. در فصل‌های بعد، به توصیف آواهای زبان فارسی در دو زمینه تولیدی و توزیعی پرداخته است. در زمینه تولیدی هر آوا به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و ویژگی‌های آن به طور کامل تعریف شده است و مثال‌های فراوان در این زمینه ارائه شده

است. هر آوا در مواضع مختلف مورد مطالعه قرار گرفته و واج‌گونه‌های آن نیز استخراج شده است. در بخش توزیعی رفتار آواها در رابطه همنشینی و در ساخت هجا بررسی شده‌اند. همچنین بسامد وقوع هر آوا در تمام مواضع هجا محاسبه گردیده است.

- مطالب این اثر با سرفصل شورای عالی برنامه‌ریزی کاملاً مطابقت دارد.
- این اثر برای تدریس در مقطع کارشناسی ارشد در رشته زبان‌شناسی کاملاً مناسب است.
- داده‌ها و اطلاعات موجود در این اثر مطابق با پیشرفت‌های علم آواشناسی در سطح بین‌المللی است. مؤلف به خصوص در ویرایش دوم تلاش کرده است تا روزآمدی داده‌ها و اطلاعات را مورد توجه قرار دهد.

• **نوآوری این اثر عبارتند از:**

- ✓ اولین اثر در زبان فارسی و آواهای زبان فارسی به شمار می‌رود. در حقیقت مؤلف پیشگام این علم در ایران محسوب می‌شود. این اثر مبنای سایر تحقیقات آواشناسی زبان فارسی قرار گرفته است. با وجود این که به چاپ هفتم رسیده محقق دیگری وارد این حیطه از علم آواشناسی در زبان فارسی با این وسعت نشده است.
- ✓ واجگونه‌های زبان فارسی با ذکر جزئیات در این اثر بیان شده است که در اثر دیگری دیده نشده است.
- ✓ ویژگی‌های آکوستیکی واجگونه‌های زبان فارسی در این اثر استخراج شده است که نمونه‌ای از نوآوری اثر محسوب می‌شود.
- ✓ علائم آوانگاری واج‌گونه‌ها علاوه بر آنچه که در جدول بین‌المللی IPA به کار رفته است. مؤلف واجگونه‌های دیگری نیز در زبان فارسی کشف کرده است. مثلاً تولید ناقص، در فرایند تولید همخوان‌های مشدد در زبان فارسی.
- در کل اثر نظم منطقی بین مطالب وجود دارد. در فصل‌های آغازین کتاب به توصیف مفاهیم کلی در آواشناسی پرداخته شده است و هر چه جلوتر می‌رود به مفاهیم

## آواشناسی زبان فارسی ۱۸۹

جزئی تر و خاص تر نزدیک تر می شود. به طور مثال، در فصل یکم به توصیف موج صوتی و جنبه های مختلف آواشناسی پرداخته شده بدون این که از زبان خاصی صحبت به میان آید. موج صوتی لازمه تولید هر نوع آوا در زبان است. در فصل دوم به توصیف اندام های گفتاری پرداخته است و در فصل سوم برخی فرایندهای تولیدی و مکانیسم های مختلف در تولید بررسی شده اند. در فصل چهارم و پنجم به تفصیل به بررسی آوای زبان فارسی پرداخته شده است.

- مؤلف برای توصیف مفاهیم کلی آواشناسی از منابع اصلی و معتبر در حوزه این علم بهره جسته است، از جمله آثار لده فوگد<sup>۱</sup>، اوکانر<sup>۲</sup>. در مورد هجاهای زبان فارسی فرهنگ معین تالیف دکتر محمد معین را منبع و مرجع کار خود قرار داده. همچنین از کتاب «فارسی باستان» تألیف کنت<sup>۳</sup> استفاده کرده است. در مورد آوای زبان فارسی و استخراج واجگونه ها گفتار گویشوران زبان فارسی منبع مطالعه وی بوده است. در واقع روش کار مؤلف و منابع وی هم به صورت میدانی و هم اسنادی بوده است.

- همه مطالب نقل شده با ذکر منبع آمده اند.

- مؤلف دو هزار و پانصد واژه، ترکیب، جمله های کوتاه را از رادیو و تلویزیون، روزنامه و گفتار افراد ضبط کرده و هر آوا را در بافت های ممکن مانند قبل و بعد از سکوت، قبل و بعد از واکه های گوناگون، قبل و بعد از همخوان های گوناگون با همکاری ده نفر گویشور تهرانی با تحصیلات دیپلم به بالا آزمایش کرده است و نتایج با توجه به حداکثر بسامد کاربرد استخراج شده است. بر مبنای این آمار گیری ویژگی های آوایی واجگونه ها فهرست، طبقه بندی و توصیف شده است. به طوری که نتایج به دست آمده با قواعد کلی آواشناسی سازگاری دارد.

---

1. Ladefoged  
2. O'connor  
3. Kent

## ۱۹۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- توجه به زبان فارسی به عنوان زبان دوم اسلام در این کتاب اهمیت دارد. همچنین بعد سازنده فرهنگی آن توجه به زبان فارسی به عنوان بخشی از فرهنگ ایران است.
- چاپ پنجم این کتاب برتری‌هایی نسبت به چاپ‌های قبلی دارد. این تجدید نظر شامل موارد زیر است:
  - ✓ مباحث نظری بخش‌های آغازین بسط و گسترش یافته است.
  - ✓ شرح و توضیحات گسترده‌ای جهت روشن کردن بعضی نکات به صورت پانوشت یا در متن اضافه شده است.
  - ✓ جمله‌های نارسا و مبهم بازنویسی و مجدداً ویرایش شده است.
  - ✓ در پایان هر بخش تمرین گنجانده شده است و پاسخ تمرین‌ها نیز در پایان کتاب آمده است.
  - ✓ کتاب مجدداً حروف چینی و طراحی شده است و نوع قلم و فونت آن نیز تغییر کرده است.
  - ✓ حجم مطالب کتاب افزوده شده است.

«واج‌شناسی: نظام آوایی زبان (نظریه و تحلیل)»

مؤلف: لاری ام. هایمن

مترجم: یدالله ثمره

ناشر: فرهنگ معاصر

سال نشر: ۱۳۶۸

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۴۳۰

- کتاب از متن انگلیسی با مشخصات زیر ترجمه شده است:  
Hyman, L. M. (1975). Phonology: Theory and Analysis. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- این کتاب می‌تواند برای تدریس در دروس آواشناسی و واج‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی به کار رود.
- نگارش اثر روان و رسا است و قواعد ویرایش و نگارش در آن رعایت شده است.
- از نظر حروف‌نگاری فارسی فاقد جنبه‌های چشم‌نواز است و کمی خسته‌کننده است.
- با توجه به سنگین بودن بحث واج‌شناسی ظاهراً این مقدارمطلب را نمی‌توان در قالب دو واحد درسی ارائه کرد.
- کاربرد اصطلاحات تخصصی در این اثر بسیار خوب است.
- از ابزارهای علمی نظیر تمرین و آزمون، جدول و تصویر به تناسب استفاده شده است.

## ۱۹۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- کتاب حاضر به لحاظ موضوع و حوزه کاربرد آن تنها نظریه‌هایی تا حدود سال ۱۹۷۵ را پوشش می‌دهد و امروز آن را باید برای دستیابی به دوره خاصی از واج‌شناسی مفید دانست. البته این کتاب امروزه در تاریخ علم واج‌شناسی مطرح می‌شود و به عنوان کتاب درسی‌ای که منعکس‌کننده نظریه‌های جدید باشد کارایی نمی‌تواند داشته باشد.
- محتوای اثر با عنوان و فهرست آن منطبق است.
- این کتاب برای دانشجویان کارشناسی ارشد مفید است اما پوشش تئوریک آن امروزه دیگر کفایت نمی‌کند. این مطلب به چند دلیل است: ۱- کتاب‌هایی جامع‌تر از این کتاب وجود دارند مانند *Generative Phonology, By Michael J. Kenstowicz, Charles W. Kisseberth*، فرصت کافی برای تدریس همه کتاب وجود ندارد، آن‌هم در یک درس دو واحدی.
- کتاب حاضر اثری کلاسیک است و حاوی نکات مهمی در تاریخ واج‌شناسی است. به عبارت دیگر کتاب به لحاظ موضوع و حوزه کاربرد آن خیلی روزآمد نیست و مربوط به تاریخ علم واج‌شناسی است.
- نظم منطقی و انسجام مطالب در هر فصل و کل اثر خوب است.
- نویسنده اثر از منابع موجود برای تبیین موضوعات مورد بحث استفاده کرده است و در مجموع از ۸۳ زبان مثال آورده است.
- دقت در استنادات و ارجاعات اثر خوب است.
- کتاب حاضر بیشتر به مکتب زبان‌شناسی زایشی-گشتاری توجه دارد.
- ترجمه اثر ترجمه‌ای کامل است. کمتر سعی شده است که مطالب یا شواهدی از فارسی و یا گویش‌های ایرانی به آن افزوده شود. معادل واژه "conclusion" در برخی جاها «نتیجه» و در جایی دیگر «خلاصه» آمده است.
- بهتر است برای بحث‌هایی مانند واج‌شناسی، به جنبه‌های تاریخی برخی مفاهیم اشاره شود نیز اگر کتاب برای مخاطب ایرانی ترجمه می‌شود برخی مثال‌ها از زبان فارسی و یا گویش‌های ایرانی هم به آن اضافه شود البته به

### واج‌شناسی: نظام آوایی زبان (نظریه و تحلیل) ۱۹۳

صورت پانوشت تا حق نویسنده محفوظ بماند و مثال‌های افزوده شده در ترجمه از مثال‌های اصل منبع متمایز و جدا بماند. به عبارت دیگر بهتر است به جنبه‌های تاریخی برخی مفاهیم اشاره شود و مثال‌هایی از زبان فارسی یا گویش‌های زبان فارسی هم به آن اضافه شود (البته به صورت پاورقی).



## «واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی»

مؤلف: مه‌ری باق‌ری

ناشر: قطره

سال نشر: ۱۳۸۰

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۰۴

- این کتاب در دوره کارشناسی ارشد زبان شناسی در درس تطور زبان فارسی و درس تاریخ زبان فارسی در رشته‌های فرهنگ و زبان‌های باستانی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان در مقطع کارشناسی ارشد می‌تواند کاربرد داشته باشد.
- حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی اثر بسیار خوب است و طرح جلد با محتوای کتاب ارتباط دارد.
- قواعد عمومی نگارش در این کتاب به خوبی رعایت شده است، این نکته هم در متن و هم در پانویس‌ها مشهود است. تنها کاستی اثر در بخش کتاب‌نامه است که با قواعد جدید تنظیم فهرست منابع همخوانی ندارد.
- به نظر می‌رسد که این اثر با هدف آموزشی نوشته نشده باشد، به همین دلیل کتاب فاقد تمرین و آزمون است. موضوع اثر نیز به گونه‌ای است که در آن نیازی به استفاده از تصویر، نقشه و جدول نیست. نگارنده کلاً به تحولات تاریخی آواهای زبان فارسی پرداخته و به غیر از پیشگفتار که در آن به علل و اهمیت تحولات تاریخی زبان اشاره شده دیگر هیچ یک از فصول دارای مقدمه، خلاصه و نتیجه‌گیری نیستند.

## ۱۹۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- اثر حاضر به طور کلی فاقد اصطلاحات تخصصی است و به غیر از اصطلاحات مقدماتی مانند «ریشه»، مصوت، صامت، حذف، هجا، تکواژ، نویسه، و نظایر آن‌ها» و اصطلاحاتی سنتی مانند «های ملفوظ، یای مجهول، و واو مجهول» اصطلاح تخصصی دیگری در متن به کار نرفته است.
- این اثر به عنوان یک منبع اصلی کلیه اطلاعات لازم در زمینه تحول واجی زبان فارسی را در سطح کارشناسی ارشد داراست.
- محتوای اثر با عنوان و فهرست آن انطباق کامل دارد.
- این اثر می‌تواند بخشی از مطالب درسی مورد نظر را بنا بر نظر استاد درس به خوبی پوشش دهد.
- داده‌های اثر بنا بر موضوع آن داده‌هایی است که از متون کهن و قدیمی فارسی به دست آمده و منابع آن کلاً قدیمی است. اما این ویژگی نقص اثر محسوب نمی‌شود، زیرا ماهیت کار ایجاب می‌کند که این‌گونه باشد.
- اثر حاضر با هدف ارائه نظریه علمی جدید نوشته نشده است، اما نوآوری آن در گردآوری و تنظیم مطالبی است که در منابع قبلی به این شکل منظم و قابل استفاده سریع و ساده در اختیار مخاطب نبوده است.
- مطالب با نظم خوبی مطرح شده‌اند به گونه‌ای که می‌توان نکته مورد نظر را سریع در بخش مربوط به آن پیدا کرد.
- منابع موجود از جمله منابع بسیار معتبر در حوزه زبان‌های کهن ایرانی هستند.
- نگارنده محترم اثر هر جا لازم بوده است به منبع نکات مطرح شده در پانویس ارجاع داده‌اند. اصولاً این کار اثری تالیفی است و نگارنده ادعای اظهار مطلب جدیدی ندارد. داده‌ها از منابع موجود با ذکر منبع گردآوری و به شکل منسجم و با نظم خاصی دسته‌بندی شده‌اند. ارجاعات طبق اصول است.
- در این اثر به نقد و بررسی آرای دیگر محققان پرداخته نشده است. موضوع کتاب صرفاً توصیفی است.

## «آواشناسی زبان عربی (الاصوات اللغویه)»

مؤلف: ابراهیم انیس

ناشر: دارالنهضة العربیه

سال نشر: ۱۳۴۰- (۱۹۶۱)

نوبت چاپ: اول

محل نشر: قاهره

تعداد صفحات: ۲۰۳

کتاب «الاصوات اللغویه» تألیف نویسنده مصری دکتر ابراهیم انیس است. این کتاب توسط آقایان ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو به فارسی ترجمه شده است و شامل یازده فصل است. در فصل اول مؤلف در باره صدا، صدای انسان، چگونگی پیدایش آواهای گفتار و اهمیت و مزایای شنوایی در درک آواها سخن گفته است و اشاره‌ای به تفاوت گفتار و آواز کرده است.

فصل دوم شامل قسمت‌های اندام‌های گفتار، جهر و همس صدا ( لرزش تارآواها )، شدت و رخوت آواها ( انسداد و سایش )، آواهای ساکن و آواهای لین (همخوان و واکه) است. نویسنده اندام‌های گفتار را به قسمت‌های نای، حنجره، حلق، زبان، کام بالا (شامل دندان‌ها ، پایه دندان‌ها یعنی لثه و شکن‌های بعد از آن، سخت‌کام ، نرم‌کام و زبان کوچک)، خیشوم و لب‌ها تقسیم می‌کند . او کام بالا یا سقف دهان را یک عضو می‌داند که شامل قسمت‌های مختلف است. مؤلف در ادامه به آواهای مجهور (واکدار)، مهموس (بی‌واک)، ساکن (همخوان)، لین (واکه)، شدید (انفجاری)، رخوت (سایشی)، تعطیش‌دار (انسایشی)، متوسط (روان) و صغیری اشاره می‌نماید. وی اشاره‌ای به محل تولید و سایر شیوه‌های تولید مثل کناری، ناسوده نمی‌کند. سایر مشخصات آوایی از قبیل هجایی، افراشته، پسین، افتاده، گرد، جلودهانی، تیغه‌ای، پیوسته، تیز، مرکزی و سخت هم از نظر وی دور مانده است.

در فصل سوم نویسنده به بررسی واکه‌ها و چگونگی و چرایی شکل‌گیری جدول واکه‌های اصلی<sup>۱</sup> توسط *دانیل جونز* می‌پردازد و نمونه‌هایی از واکه‌های اصلی را در دو زبان فرانسه و آلمانی ارائه می‌دهد ولی به واکه‌های اصلی ثانویه<sup>۲</sup> و واکه‌های مرکزی اشاره‌ای نمی‌نماید. او واکه‌های اصلی را به چهار گروه باز، بسته، پیشین و پسین تقسیم می‌کند. وی عدم توجه زبان‌شناسان عربی به واکه‌ها را نتیجه آیین نگارش در زبان عربی قدیم می‌داند که تنها به همخوانها توجه داشته و برای آنها علائمی وضع کرده است. در ادامه نویسنده بیان می‌کند که حرکت‌ها (فتحه، کسره و ضمه) در حقیقت همان حروف مدی (الف، یا و واو) هستند ولی از آنها کوتاه‌ترند و به صورت حرف کامل نوشته نمی‌شوند. وی قرائت قرآن قاریان برجسته مصری را تنها راه دستیابی به آواها در دوران‌های گذشته می‌داند چرا که واکه‌ها در لهجه‌های عربی جدید بسیار تغییر کرده است.

در ادامه دو آوای یا و واو را بنام شبه آوای لاین بر می‌شمارد که معادل آن در آواشناسی نیم واکه می‌باشد. وی به‌طور مفصل تفاوت نیم واکه‌های /w,y/ را با واکه‌های /I,u/ ذکر می‌کند ولی یک تفاوت اصلی آن‌ها را نادیده می‌گیرد که نقش آن‌ها در ساختمان هجاست. نقش نیم واکه‌ها در ساختمان هجا همانند نقش همخوان‌هاست نه واکه‌ها مثلاً /w,y/ در آغاز هجا واقع می‌شود مثل «وِیل، یُرید» ولی /I,u/ در این جایگاه واقع نمی‌شود.

در فصل چهارم جایگاه و شیوه تولید همخوان‌ها بررسی شده است. نویسنده جایگاه‌های تولیدی لبی، لبی-دندانی، سختکامی، نرمکامی و حلقی را برشمرده است. او /b/ و /m/ را لبی دانسته ولی به /w/ اشاره‌ای نکرده است. وی آواهای /D,T,D=d,d=t, t=l,r,n,z,s,s/ را تحت عنوان صداهای قریب المخرج ذکر می‌کند زیرا مخارج آن‌ها تقریباً منحصر در قسمت پیشین زبان (و تیغه آن) و دندان‌های پیشین بالا (و ریشه و پایه‌های آن) است. این آواها را در آواشناسی با مشخصه تیغه‌ای می‌شناسند. از نظر جایگاه تولیدی هم در جدول الفبای بین‌المللی آوایی (IPA) /D,T,D=d/ دندانی، /t,d,n,l,r,s,z,z=t,s/ لثوی و /S/ لثوی-کامی می‌باشند. به واج /S/ هم در این قسمت اشاره‌ای نشده است. سپس نویسنده

1. cardinal vowels  
2. secondary cardinal vowels

۳ - D= (ظ) - d= (ض) - t= (ط) - s= (ص)

## آواشناسی زبان عربی (الاصوات اللغویه) ۱۹۹

درباره تلفظ /z=/ به طور مفصل سخن گفته است. در ادامه وی /l, n, r/ را به نام ذولقی می‌شناسد و می‌گوید که به نظر آواشناسان، شباهت آنها علاوه بر نزدیکی مخارج، میزان وضوح و آشکار بودن آنهاست و اینکه آنها از واضحترین همخوانها هستند و از این نظر شبیه واکه اند. می‌دانیم که این سه همخوان مشخصه [ر سا] دارند ولی نویسنده به این مشخصه اشاره نداشته است. او معتقد است در /l/ هوا از کنار زبان می‌گذرد ( اشاره به مشخصه کناری ) و /r/ دارای صفت تکریری (مشخصه لرزشی) می‌باشد. او به فرایندهای تجویدی قرآن از قبیل ترقیق، تفخیم، اخفاء، اظهار و ادام نون و امثال آن پرداخته است.

فرایندهای ادغام و اخفاء مواردی از همگونی می‌باشند. نویسنده آواهای /s, z s/ را صفیری (sibilant) می‌داند. در آواشناسی /s, z/ هم صفیری‌اند یعنی بلندی و انرژی شنیداری بیشتری دارند ولی نویسنده به /s/ اشاره‌ای نکرده است. در این قسمت برخی مشخصه‌های ممیز ذکر نشده اند و سایر مشخصات ذکر شده هم به طور سازمان یافته و مرتب بیان نشده اند.

نویسنده /s, s, dz/ را سختکامی می‌داند ولی در جدول IPA /s/ لثوی-کامی است. نویسنده در جایی می‌گوید ج در کشورهای عربی به صورتهای مختلفی درآمده و به شکل /z, g, d/ نیز تلفظ می‌شود ولی تلفظ اصلی آن در قدیم بدون انسایش و شبیه /d/ بوده است و در جایی دیگر می‌گوید جیمی که در قرائت قاریان می‌شنویم به جیم اصلی نزدیکتر است. ملاحظه می‌شود که در بین این دو نظر تناقض به چشم می‌خورد. در ادامه او /g, x, ʔ, h, æ/ را حلقی می‌داند در حالیکه در جدول IPA /g, x/ نرمکامی، /æ/ حلقی و /h, ʔ/ چاکنایی‌اند.

سپس نویسنده مفصلاً درباره همزه صحبت می‌کند. وی اظهار می‌دارد که به دلیل مشکل بودن تلفظ در پاره‌ای از موارد همزه، حذف یا تسهیل می‌شود. در همین رابطه وی نمونه‌ای از فرایند کشش جبرانی را بیان می‌کند ولی اشاره‌ای به نام فرایند ندارد. او می‌گوید برخی قرا «یؤمنون» را «یومنون» و «ذئب» را «ذیب» و «رأس» را «راس» تلفظ می‌کنند.

در فصل پنجم آرای اندیشمندان چون سیبویه، ابن سینا، ابن جنی، ابن یعیش، ابن جزری و خلیل ابن احمد فراهیدی درباره آواهای زبان بطور مفصل مطرح شده است. در

## ۲۰۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

فصل ششم نویسنده برخی مشخصات زبرنجیری مثل کشش، تکیه، هجا و آهنگ را بررسی می‌کند.

فصل هفتم در ارتباط با فرایند همگونی است. نویسنده پس از توضیح فرایند همگونی به انواع پیشرو و پسرو آن اشاره کرده و نمونه‌هایی از همگونی در جایگاه و شیوه تولید را در زبان عربی و قرآن مجید برمی‌شمرد و مثال‌های متعددی از همگونی جایز (ادغام جایز) را در قرآن مجید ذکر می‌کند. در فصل هشتم نویسنده ابتدا مواردی از تغییرات تاریخی آوای عربی را مطرح می‌کند و سپس به پدیده ناهمگونی می‌پردازد و آن را نتیجه تئوری سهولت می‌داند که بیان می‌کند انسان در گفتار خود تمایل به تلفظ صداهای آسانی دارد که نیازی به فعالیت عضلانی ندارد. در فصل نهم نیز نویسنده به تکامل آوای زبان کودک و شکل کلمات در زمزمه‌های کودکان پرداخته است. این فصل به مباحث زبان‌آموزی کودک بطور کلی پرداخته و ارتباط مستقیمی با زبان عربی ندارد.

فصل دهم به عوامل دگرگونی آواها از نسلی به نسل دیگر می‌پردازد. نویسنده هفت عامل را در این زمینه موثر می‌داند ۱- تغییر واجگاه آوای گذشته ۲- محیط جغرافیایی ۳- حالت روحی گوینده ۴- تئوری سهولت ۵- تئوری شیوع ۶- مجاورت آواها ۷- انتقال تکیه. فصل یازدهم درباره‌ی تاثیر عادت‌های زبان مادری در یادگیری زبان خارجی است. نویسنده ابتدا مباحث کلی در این زمینه را مطرح می‌کند و سپس مثال‌هایی را از تفاوت‌های زبان انگلیسی با زبان عربی و مشکلات دانش‌آموزان مصری در آموزش زبان انگلیسی در زمینه آواها، جایگاه تکیه و هجا مطرح می‌کند.

در آخر موارد ذیل لازم به تذکر است. مترجمان برای اصطلاحات آواشناختی عربی معادل فارسی به کار نبرده‌اند و به طور پراکنده فقط به ذکر برخی از معادل‌های فارسی و انگلیسی در پاورقی‌ها بسنده کرده‌اند.

نویسنده برای فرایندهای متعددی از قبیل ادغام، اخفا و ابدال هیچ گونه قاعده‌ی آوایی ارائه نداده است و به طور کلی از علائم و قواعد مرسوم در آواشناسی و واج‌شناسی استفاده نشده است. اگر واج‌های زبان عربی به صورت یک جدول ارائه می‌شد و علائم آوایی آنها به همراه حروف عربی متناظرشان آورده می‌شد پژوهشگران زبان‌شناسی می‌توانستند آسان‌تر از این کتاب استفاده کنند.

## «درآمدی بر روان‌شناسی زبان»

مؤلف: دنی استاینبرگ

مترجم: ارسلان گلفام

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۸۱

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۱۵

- ترجمه فوق بر اساس متن انگلیسی کتاب زیر است:  
Steinberg, Danny D. (1993). *An Introduction to Psycholinguistics*,  
London: Longman.
- این کتاب می‌تواند برای تدریس در درس روان‌شناسی زبان مورد استفاده دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد زبان‌شناسی قرار گیرد.
- از نظر روان و رسا بودن ترجمه حاضر متن موفقی است.
- در سراسر کتاب فرق بین هایفن و خط تیره رعایت نشده است. لاتین اسامی محققان نیز در پایان کتاب نیامده است.
- در مجموع کتاب درآمدی بر روان‌شناسی زبان ترجمه آقای دکتر ارسلان گلفام کتابی بسیار ارزشمند و گرانبه است و ترجمه روان و صحیح و سلیس آن قابل احترام و ارج نهادنی است.
- چاپ کتاب از کیفیت مطلوبی برخوردار است. طراحی روی جلد و رنگ‌آمیزی آن جالب توجه است. کیفیت کاغذ به کار رفته و صحافی مطلوب است.

## ۲۰۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- کتاب درآمدی بر روان‌شناسی زبان ترجمه کتابی است کاملاً فنی و تخصصی که در ابعادی خاص ممکن است مورد استفاده همگان نباشد. بخش‌هایی از کتاب به گونه‌ای فقط برای افراد تحصیل کرده قابل فهم است و بخش‌های عمده‌ای این چنین نیست. خلاصه مطلب این‌که ترجمه در سطحی بسیار عالی و ارزشمند انجام شده است که خواننده فارسی‌زبان اهل فن احساس نارسائی در ترجمه نخواهد کرد. اگر مشکلی پیش بیاید مربوط به فنی بودن محتوای کتاب است.
- نکات نگارشی از سوی مترجم محترم رعایت شده است. از نظر ویرایشی مشکلاتی در کل کتاب وجود دارد که عمدتاً به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- فرق بین هایفن و خط تیره رعایت نشده است. ۲- اسامی محققان و دانشمندان که به فارسی نوشته شده است لازم است به صورت لاتین در پاورقی آورده شود. ۳- جملات انگلیسی که به عنوان مثال آورده شده‌اند به صورت ناقص و بریده بریده حروف چینی شده‌اند که لازم است اصلاح شوند.
- چون درس روان‌شناسی زبان در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تدریس می‌شود و عمدتاً اساتید از منابع انگلیسی استفاده می‌نمایند، مسلماً کتاب درآمدی به روان‌شناسی زبان به تنهایی کافی نیست. نکته مهم این است که مطالعه کتاب حاضر برای فهم بهتر و گیرایی بیشتر درس روان‌شناسی زبان بسیار مفید و ارزشمند است.
- اغلب اصطلاحات تخصصی به کار گرفته شده برای اهل فن مأنوس و جاافتاده می‌باشد. برخی از اصطلاحات جدید که مترجم محترم به کار برده‌اند معقول و قابل فهم است. البته کاربرد اصطلاحات کلاً برای غیر اهل فن مشکل‌درکی ایجاد می‌نماید که این امری طبیعی است و مترجم محترم عالمانه بهترین موارد را به کار گرفته‌اند.
- معادل‌سازی اصطلاحات به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول که اکثر قریب به اتفاق را شامل می‌شود مدت‌هاست که در متون زبان‌شناسی به کار می‌روند و کماکان برای اهل غیر فن نامأنوس هستند و معدودی از اصطلاحات را مترجم

### درآمدی بر روان‌شناسی زبان ۲۰۳

محترم به بهترین شکل معادل‌سازی کرده‌اند. البته در صفحه ۱۵۸ “mechanism” را «روش» ترجمه کرده‌اند که بهتر است همان مکانیزم باشد و در صفحه ۲۵۸ کلمه “approach” را نیز روش ترجمه کرده‌اند که بهتر است «نگرش یا رویکرد» ترجمه شود چون «روش» معادل شناخته شده “method” است.

- در متن انگلیسی اثر برای تفهیم موضوع از تصویر، مقایسه، جدول و ... به خوبی استفاده شده است.
- اصولاً در دانشگاه و به‌ویژه در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری استفاده از یک کتاب به عنوان ابزار جامعیت بخش به موضوع کفایت نمی‌کند. کتاب حاضر مانند سایر کتب مورد استفاده در سطح کارشناسی ارشد و دکتری به هیچ وجه کفایت نمی‌کند به خصوص که سایر منابع به زبان‌های غیرفارسی و عمدتاً به زبان انگلیسی مورد استفاده قرار گیرند. کتاب حاضر در سطح راهگشایی و روشن کردن ذهن دانشجو نسبت به موضوع درسی بسیار مفید است.
- محتوای اثر اصلی بسیار مرتبط و مربوط به حوزه روان‌شناسی زبان است. ترجمه روان و سلیس و تلاش علمی مترجم مانع بروز هر نوع کاستی است.
- اثر حاضر «درآمدی بر روان‌شناسی زبان» است و موضوع روان‌شناسی زبان بس وسیع و گسترده است. نه تنها این اثر که ده‌ها اثر و مقاله دیگر نمی‌توانند حتی بخشی از مباحث عمده روان‌شناسی زبان را پاسخگو باشد. روان‌شناسی زبان به دو اقیانوس یا بهتر بگوییم به دو کوهکشان «روان‌شناسی» انسان و «زبان‌شناسی» انسان مربوط می‌شود. آن‌چه که مهم است این است که کتاب حاضر قادر است ذهنیت اولیه را در رابطه با سرفصل درس ایجاد نماید. در زمینه روان انسان و زبان انسان مطالعات و تحقیقات بسیار بسیار گسترده‌ای انجام شده است اما اهمیت بی‌حد و حصر موضوع و پیچیدگی هر دو مسأله «روان» و «زبان» باعث شده است که مجهولات موجود به خصوص در سطح اتفاقات و رخداد‌های ذهن و مغز کماکان بدون پاسخ بمانند. تناسب اثر در سطح ایجاد ذهنیت بسیار ارزشمند است.

## ۲۰۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- اثر اصلی در زمان چاپ کاملاً به روز است و از منابع موجود استفاده شده است.
- معمولاً در مسائل مربوط به روان‌شناسی زبان تکیه عمده بر فراگیری زبان کودک و مراحل اکتساب آن است و با استناد به خلاقیت زبانی سعی در رد مسأله تقلید دارند و عمدتاً پیرامون توان فراگیری زبان در فرزند انسان بحث می‌شود. در فصول کتاب چنین نظمی رعایت شده است و نویسنده محترم کتاب که خود دانشمند و محقق برجسته‌ای است به خوبی این کار را انجام شده است و طبعاً همین نظم منطقی از سوی مترجم محترم در ترجمه روان و سلیس مشهود است.
- از منابع موجود به قدر کفایت استفاده شده است. به خصوص که در انتهای هر سه بخش کتاب فهرست مفصلی از کتاب‌ها و آثار دانشمندان شناخته شده و متخصص در موضوع آن بخش و این رشته عملی ارائه شده است (ص. ۱۰۳، ص. ۲۲۳، و صفحه ۲۹۲). ضمناً در لا به لای مطالب ارائه شده نظرات صاحب‌نظران نام‌آور گنجانده شده است که شواهد آن در سرتاسر کتاب موجود است.
- در سه بخش کتاب (که شامل چهار فصل در بخش اول و پنج فصل در بخش دوم و سه فصل در بخش سوم است) استنادات و ارجاعات کاملاً مربوط و مستند هستند.
- در این کتاب از نکات فلسفی در موارد مربوط به بخش روان‌شناسی استفاده شده است.
- برخی جملات و اصطلاحات باید ویرایش شوند:
  - ۱- صفحه ۳۱، «کودکان بزرگ‌تر» بهتر است «نوجوانان» ترجمه شود.
  - ۲- صفحه ۷۹ کلمه "gestures" به «اداها» ترجمه شده است که مفهوم منفی دارد بهتر است «ایما و اشاره» ترجمه شود.
  - ۳- صفحه ۸۷، "SL" که مخفف "sign languages" است به «زبان‌های اشاره‌ای مستقل» ترجمه شده است که کلمه «مستقل» زیادی است.
  - ۴- صفحه ۸۸، "ASL" باید در پاورقی به صورت "American Sign Language" بیاید.

## درآمدی بر روان‌شناسی زبان ۲۰۵

- ۵- صفحه ۱۰۹، پاراگراف ۲ که با عبارت «بنابراین رابطه بین توانش و کنش ...» قدری قابل تأمل است.
- ۶- صفحه ۱۲۴، کلمه «پرمیوتر» در پاورقی «Perlmutter» آمده است که نادرست است.
- ۷- صفحه ۱۲۵، کلمه «خاصیت» به صورت «خاصیت» تایپ شده است.
- ۸- صفحه ۱۳۴، عبارت «۴۹۸/۳» باید به صورت کسری نوشته شود تا عملیات تقسیم نشان داده شود.
- ۹- صفحه ۱۵۳، کلمه «device» در عبارت «LAD (Language Acquisition Device» به «استعداد» ترجمه شده است که به نظر من معادل درستی نیست. منظور چامسکی از کلمه «Device» مفهوم استعداد نیست، بلکه وی به وجود نوعی ابزار و سازوکار فراگیری در مغز فرزند انسان اشاره دارد و نه اصل استعداد که ممکن است سایر جانداران استعداد لازم را داشته باشند ولی ابزار فراگیری زبان را ندارند.
- ۱۰- صفحه ۱۵۸، کلمه «mechanisms» به «شیوه‌ها» ترجمه شده است ولی این اصطلاح فنی مانند کلمه «system» که معمولاً به «سیستم» ترجمه می‌شود، بهتر است به صورت «مکانیزم‌ها یا سازوکارها» ترجمه شود زیرا کلمه «شیوه» معادل کاملاً جاافتاده‌ای برای «روش» یا «method» است.
- ۱۱- صفحه ۱۵۸، «ایده‌آل» به صورت «ایدئال» آمده است که اشتباه تایپی است.
- ۱۲- در صفحه ۱۹۶ کلمه «سوبرتری» برای اولین بار آمده است در صورتی که معادل آن در صفحه ۱۹۸ در پاورقی ذکر شده است.

**درآمدی بر روان‌شناسی زبان** کتابی است علمی که با ترجمه‌ای روان قادر است نظر اغلب علاقه‌مندان به مسائل روان‌شناسی زبان را به خود جلب نماید. کتاب حاضر در سطح کارشناسی ارشد رشته‌های زبان‌شناسی، روان‌شناسی، آموزش زبان، و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان قابل استفاده می‌باشد. همان‌گونه که توضیح داده شد علم روان‌شناسی زبان بیش از حد گسترده است و این گستردگی را حد و حدودی متصور

## ۲۰۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

نیست زیرا از سویی با مسائل پیچیده و پر راز و رمز زبان بشری سر و کار دارد و از سوی دیگر به مسائل روان‌شناسی بشری که تاریخ بررسی و تحقیقات مربوط به آن با کلیه مسائل انسانی و آموزشی بیشتر همراه بوده است. آنچه عمدتاً در ۱۰۰ سال اخیر مورد توجه بوده است مسائل رفتارگرایی (behaviorism)، ذهن‌گرایی (mentalism)، عقل‌گرایی (rationalism)، فطری‌گرایی (innativism)، تجربه‌گرایی (empiricism)، شناخت‌گرایی (cognitivism)، و دهها "ism" دیگر که همگی در حوزه زبان و روان‌شناسی زبان قرار دارند.

## «روان‌شناسی و یادگیری زبان»

مؤلف: آلکسی لئونتیف

مترجم: امیر فرهمندپور

ناشر: مرکز نشر دانشگاهی

سال نشر: ۱۳۷۴

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۱۳۴

- کتاب روان‌شناسی و یادگیری زبان می‌تواند به عنوان منبع فرعی برای دروس ۱- روان‌شناسی زبان (درس اصلی و تخصصی رشته زبان‌شناسی)، ۲- روان‌شناسی حافظه (درس اصلی و تخصصی رشته روان‌شناسی مقطع کارشناسی)، ۳- روان‌شناسی تربیتی (درس اصلی و تخصصی رشته روان‌شناسی مقطع کارشناسی)، ۴- روان‌شناسی یادگیری: نظریه‌ها (درس اصلی و تخصصی رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد) مورد استفاده قرار گیرد.
- یکی از علومی که ارتباط زیادی با یادگیری به طور عام و یادگیری زبان به طور خاص دارد، علم روان‌شناسی است. مباحثی که در این علم مطرح می‌شود - از جمله ماهیت ذهن، ارتباط زبان و اندیشه، کارکرد حافظه و غیره - کمک فراوانی به یادگیری زبان و بهبود روش‌های زبان‌آموزی می‌کند. از این رو کتاب «روان‌شناسی و یادگیری زبان» موضوع خوبی را برای این کار انتخاب کرده است.
- یکی از فصل‌های جذاب و مفید کتاب فصل چهارم یعنی «ادراک گفتار و روان‌شناسی زبان» است که با طرح مسائلی همچون «ادراک بصری» و «مسائل

## ۲۰۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

تجسمی» تناسب منطقی خوبی با هدف کتاب برقرار می‌کند. یکی دیگر از فصل‌های مفید کتاب فصل ششم با عنوان «حافظه و یادگیری زبان خارجی» است. کتاب‌های روان‌شناسی یادگیری عموماً به نقش حافظه در یادگیری زبان به طور عام می‌پردازند و به نقش حافظه در یادگیری زبان خارجی یا زبان دوم چندان توجه نمی‌کنند. اما این کتاب ارتباط حافظه را با اجزای زبان همچون شیوه یادگیری واژگان خارجی و دستور زبان خارجی توصیف می‌کند.

- ارجاع‌دهی و استفاده از منابع به خوبی در این کتاب صورت گرفته است. هر جا که نویسنده موضوع یا مطلبی را از دیگران نقل می‌کند، منبع آن را نیز ذکر می‌کند اما بعضی از منابع قدیمی است.
- این کتاب برای پژوهشگرانی مناسب است که قصد دارند در زمینه روان‌شناسی و ارتباط آن با یادگیری زبان کار کنند و فاقد جنبه‌های عملی و کاربردی برای معلمان است. از این رو یک کتاب صرفاً نظری می‌باشد. زبان ثقیل کتاب نیز نشانگر غیر کاربردی بودن آن است. البته این سبک زبانی ثقیل کتاب می‌تواند به مترجم نیز مربوط باشد.
- تمرکز کتاب روی روان‌شناسی روسی است و به کتاب‌های روسی برای خارجیان توجه دارد. بعضی از مثال‌های کتاب به زبان روسی مربوط می‌شوند از جمله مثال‌های مندرج در صفحه ۴۶ و کتاب‌های آموزشی که برای یادگیری زبان خارجی معرفی شده‌اند نیز از کتاب‌های روسی هستند (ص. ۱۰۲). این ایراد نه تنها کاربردی بودن کتاب را برای مخاطبان ایرانی از بین می‌برد - البته اگر بتوان این کتاب را کاربردی تلقی کرد - بلکه ارزش علمی آن را به عنوان یک منبع تحقیقی بی‌طرف زیر سوال می‌برد.
- نویسنده در ترتیب فصل‌های کتاب خوب عمل نکرده است. موضوع فصل هشتم (حافظه و یادگیری زبان خارجی) باید قبل از فصل پنجم که عنوان و موضوع آن «کنترل و یادگیری زبان خارجی» است قرار گیرد. فصل هفتم کتاب سه بخش

## روان‌شناسی و یادگیری زبان ۲۰۹

دارد. به نظر می‌رسد که بخش دوم آن (اندیشه چیست؟) از لحاظ موضوعی باید قبل از بخش اول (مساله فعال کردن فرایندهای فکری شاگرد) قرار گیرد.

- نویسنده در صفحه ۸ می‌گوید: «پدیده‌های روانی بازتاب ذهنی واقعیت‌های عینی هستند». این جمله تأثیر مسائل عینی بر مسائل ذهنی را نشان می‌دهد و از این رهگذر اولویت را به مسائل عینی می‌دهد، اما آیا واقعاً این گونه است؟ آیا مسائل عینی بر مسائل ذهنی تأثیر می‌گذارند یا برعکس است؟ یا اصلاً این رابطه دو طرفه است؟ این در حالی است که نویسنده در چند سطر بعد، این رابطه را بدون هیچ‌گونه دلیلی دوطرفه و «متقابل» معرفی می‌کند: «... زیرا هر حیوانی به طور کلی با محیط و دنیای عینی روابط مستقیم و بی‌واسطه برقرار می‌کند» صفحه ۹.
- در صفحه ۱۰، به جای «پیشرفت تاریخی ذهن» بهتر است گفته شود، «پیشرفت ذهن در طول زمان». از طرف دیگر، موضوع پاراگراف ظاهراً ارتباطی با پیشرفت ذهن ندارد.
- در صفحه ۱۱، عنوان «هدف روان‌شناسی» به درستی انتخاب نشده است. این پاراگراف در واقع تعریف روان‌شناسی و شاخه‌های آن است نه هدف روان‌شناسی.
- به نظر می‌رسد موضوع فصل دوم یعنی روان‌شناسی شخصیت، ارتباط زیاد و تأثیرگذاری با موضوع کتاب یعنی یادگیری زبان خارجی ندارد. زبان یک مهارت است و هر انسانی فارغ از هرگونه ویژگی‌های شخصیتی خاص می‌تواند آن را فرا گیرد یا یاد گیرد. عواملی که بر یادگیری زبان خارجی تأثیر می‌گذارند به علاقه، انگیزه، روش‌های آموزشی و محیطی که فرد در آن قرار می‌گیرد وابسته است نه به شخصیت.
- یکی از ایرادهای کتاب آن است که خیلی از اصطلاحات و مفاهیم را تعریف نمی‌کند، به خصوص اصطلاحاتی که به طور مکرر از آن‌ها استفاده می‌کند از جمله فعالیت گفتاری، کنش گفتاری، کردار گفتاری. با ارائه تعریف است که می‌توان به تفاوت این‌گونه اصطلاحات پی برد. نویسنده در صفحه ۴۰ از «یادگیری برنامه‌ای»

## ۲۱۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- صحبت می‌کند اما تعریفی از آن ارائه نمی‌دهد. تعریف موجب تسهیل در فهم موضوع می‌شود و تکلیف را بر خواننده مشخص می‌سازد.
- اشکال دیگر کتاب به فصل هشتم یعنی «فرایندهای هیجانی و ارادی در یادگیری زبان خارجی» مربوط می‌شود. عاطفه، هیجان و احساس خیلی در یادگیری نقش دارند اما خاص یادگیری زبان خارجی نمی‌باشد.
  - فصل آخر کتاب، «روان‌شناسی ادراک فیلم» بدون این‌که با عنوان و هدف کتاب ارتباط داشته باشد به موضوع فیلم و هنر و سینما پرداخته است. این نکته را می‌دانیم که تماشای فیلم‌های زبان اصلی خیلی در امر یادگیری زبان خارجی نقش دارد اما فصل مذکور به این جنبه آموزشی نپرداخته است و فقط به جنبه‌های هنری و فلسفی و در بعضی موارد به جنبه‌های ادراکی آن پرداخته است، البته بدون توجه به یادگیری زبان خارجی.
  - مترجم کتاب در ترجمه اصطلاحات خوب عمل کرده است اما بعضی از معادل‌ها همچون «فرع بر» (صفحه ۴۶) یا ترکیب «فروکاستن مباحث روان‌شناسی»، یا «پیروی از مد...» چندان خوب عمل نکرده است.
  - مترجم در ترجمه عنوان کتاب واژه "PROCESS" را حذف کرده است. عنوان کتاب باید «روان‌شناسی و فرایند یادگیری زبان» باشد زیرا مولف به فرایند یادگیری زبان که با روان‌شناسی ارتباط دارد توجه دارد و هدف او صرفاً یادگیری زبان به عنوان یک محصول "PRODUCT" نمی‌باشد.
  - در صفحه ۶ مترجم از ترکیب «معلم خارجی» استفاده کرده است در حالی که منظور مولف «معلم زبان خارجی» است و بین این دو تفاوت وجود دارد. معلم خارجی فردی است که به یک کشور و ملیت دیگر تعلق دارد اما معلم زبان خارجی کسی است که یک زبان خارجی را تدریس می‌کند فارغ از ملیت وی.
  - بعضی از رسم‌الخط‌های کتاب امروزه دیگر مرسوم نیست از جمله افزودن «ی» به کلمات مختوم به «ی»، همچون (روان‌شناسی که) در صفحه ۷ یا (روابط اجتماعی) در صفحه ۱۴.

## روان‌شناسی و یادگیری زبان ۲۱۱

- در طراحی کتاب، فصل‌ها و بخش‌ها از صفحه فرد شروع می‌شود اما کتاب مذکور، فصل‌ها را با صفحه زوج شروع کرده است از جمله صفحه ۶، ۱۲، ۲۰.
- اثر نیازمند ویراستاری ادبی است. به این جمله توجه کنید:
  - صفحه ۴۲ سطر ۱۱: «... زیرا ذکر تجربه فردی به مثابه هدف یا محتوای حافظه کافی نیست»
  - صفحه ۴۲ سطر ۱۹: «... در واقع همه سازه‌ها (عوامل و شرایط) هر فعالیتی را شامل می‌شود که ...»
- در مجموع متن ثقیل است و نیاز به روان‌سازی دارد. البته نگاشته‌های لئونتیف معمولاً سنگین است.
- از نظر رعایت قواعد ویرایشی متن وضعیت مطلوبی دارد.
- روی جلد اساساً طرحی ندارد ولی کیفیت چاپ و حروف‌نگاری نسبتاً خوب است.
- به نظر می‌رسد به تنهایی نمی‌تواند منبع کاملی باشد چرا که فقط یک رویکرد را از منظر تاریخی و فرهنگی دنبال کرده است. تعداد صفحات اثر نیز برای یک درس به نسبت کم است.
- در مجموع سعی شده است در معادل‌های معمول در حوزه روان‌شناسی زبان و شناخت استفاده شود. اگر چه در بعضی موارد نیاز به تجدید نظر دارد مثلاً:
  - برای “reproduction” «یادآوری» به عنوان معادل انتخاب شده است، در حالی که معادل درست «بازتولید» است.
  - برای واژه “visualization” «تجسم» گفته شده که درست‌تر «بصری‌سازی» است. تجسم معادل “imagination” است.
- در برخی قسمت‌ها، مترجم نتوانسته است برای یک اصطلاح تخصصی یک معادل واحد انتخاب کند. مثلاً:
  - برای “detectology” از نقص‌شناسی و کاستارشناسی استفاده کرده است.
  - در جای دیگر برای “operation” از دو معادل «کردار» (در صفحه ۱۳۱ و در صفحه ۷ فصل چهارده) و «عملکرد» در صفحه ۹ استفاده شده است.

## ۲۱۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در صفحه ۸ سطر ۲۲ به جای «تکانه» از واژه غیر معمول «رانه» استفاده شده است.
- از ابزارهایی نظیر (طرح بحث مقدماتی، جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، نمودار، جدول، آمار، مقایسه، تصویر و نقشه و ...) تقریباً هیچ استفاده‌ای نشده است. شاید مولف سعی در تألیف یک کتاب بنیادی و پایه داشته است و آن را به صورت کتاب درسی تنظیم نکرده است.
- نگاه مولف به مطالب نگاه گزینشی است. چرا که سعی کرده است برای تبیین دیدگاه خود به مباحثی که بیشتر قابل دفاع هستند اشاره کند. از این رو یک کتاب جامع دانشگاهی در حوزه زبان و روان‌شناسی آموزش زبان نیست. از این کتاب می‌توان فقط در بحث آموزش زبان دوم بیشتر استفاده کرد.
- نکته مهم در مورد اصل کتاب این است که مطالب کتاب مبتنی بر یادگیری زبان دوم است نه «زبان به ما هو زبان». از این جهت فرایند تکامل ذهن در یادگیری این نوع زبان نقش جدی ندارد. پیشنهاد بنده برای عنوان کتاب «روان‌شناسی و یادگیری زبان دیگر» است. این عنوان پیشنهادی بیشتر با محتوا منطبق است.
- مباحث کتاب انطباق صد در صدی با سرفصل‌ها ندارد به چند دلیل:
  - کتاب ترجمه است نه تألیف
  - نویسنده بیشتر سعی در موجه جلوه دادن دیدگاه تئوریک خود داشته نه تدوین یک کتاب
  - نویسنده کتاب روسی است و آگاهی صد در صد از پیشرفت‌های علمی در حوزه روان‌شناسی زبان نداشته است.
- در حال حاضر این اثر نمی‌تواند به عنوان کتاب درسی مطرح شود چرا که مطالب و یافته‌های آن قدیمی به نظر می‌رسد ولی می‌تواند به عنوان یک منبع مفید برای محققان حوزه روان‌شناسی زبان و یادگیری به کار آید.
- اثر قدیمی و مربوط به حدود ۳۰ سال پیش است.

## روان‌شناسی و یادگیری زبان ۲۱۳

- بیشتر به عنوان یک کتاب تاریخی و مرجع می‌توان به آن نگاه کرد چرا که توسط پسر یکی از بزرگان روان‌شناسی (لئونتیف) در روسیه نگاشته شده است.
- مولف سعی کرده است از دیدگاه خود به مولفه‌هایی بپردازد که فکر می‌کرده که در یادگیری زبان خارجی نقش دارند. انسجام مطالب هر فصل خوب است و مباحث منطقی جلو رفته است.
- در موارد بسیار زیادی اثری از ارجاع درون متنی به چشم نمی‌خورد. بیشتر تحلیل‌ها از آن خود نویسنده است. اگر چه در ارتباط با موضوعاتی که در این کتاب مطرح شده در حال حاضر انبوهی از منابع موجود است، شاید در زمان تالیف این اثر این اندازه پیشرفت علمی مطرح نبوده است مثلاً در این کتاب فصلی به «حافظه» اختصاص داده شده است که در حال حاضر مطالعات مربوط به حافظه متحول شده است.
- در این اثر به کرات از منابعی استفاده شده است که مأخذ آن ذکر نشده است. به طور کلی ارجاع درون‌متنی کم به چشم می‌خورد. میزان دقت در استنادات و ارجاعات ضعیف است.
- رویکرد کتاب تاریخی-فرهنگی است و مولف سعی کرده است از این دیدگاه به تبیین عوامل موثر بر یادگیری و به ویژه یادگیری زبان بپردازد.
- اثر با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی مغایرتی ندارد و بعد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مخرب در آن دیده نمی‌شود.
- ترجمه نیاز به ویرایش دارد. جملات ثقیل زیادی به چشم می‌خورد، مثلاً:
  - صفحه ۱۰۲ سطر ۷، صفحه ۱۰۳ سطر ۶.
  - صفحه ۱۰۴ سطر ۱۶ و ۱۷: «دومین تحلیل مربوط می‌شود به معنی‌رسانی که به هنگام بدان خواهیم پرداخت. این مسأله به‌خودی‌خود کلیت بیشتری دارد...»
- تنها در موارد اندکی به توضیح در پاورقی توسط مترجم برخورد می‌کنیم مثلاً در صفحه ۶۰.

## ۲۱۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

### پیشنهادها:

- ۱- ویراستاری ادبی جهت روان‌سازی متن
- ۲- تهیه نسخه جدید کتاب (متن اصلی) و بررسی تغییرات آن
- ۳- بهره‌گیری از اصطلاحات و معادل‌های دقیق‌تر و مرسوم
- ۴- استفاده از کتاب به عنوان یک منبع جانبی در حوزه روان‌شناسی زبان، روان‌شناسی آموزش، تاریخچه و مکاتب روان‌شناسی، روان‌شناسی یادگیری.
- ۵- استفاده از عنوان دقیق‌تر برای کتاب، مثلاً «روان‌شناسی و فرایند یادگیری زبان دیگر (با رویکرد تاریخی-فرهنگی)»
- ۶- استفاده از طرح جلد متناسب با اهداف و محتوای اثر
- ۷- استفاده و بهره‌گیری مترجم از تحشیه و توضیح و پاورقی برای شفاف‌سازی ذهن خواننده در مواردی که نیاز به توضیح هست.
- ۸- مقدمه نگاشته شده توسط آقای دکتر قاسم‌زاده در ابتدای کتاب به تحلیل دیدگاه نویسنده کمک کرده است. این کتاب به این روشنگری‌ها نیاز بیشتری دارد.

## «زبان و ذهن»

مؤلف: نوام چامسکی

مترجم: کوروش صفوی

ناشر: هرمس

سال نشر: ۱۳۹۰

نوبت چاپ: پنجم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۷۹

کتاب **زبان و ذهن** یکی از آثار مهم و کلاسیک زبان‌شناسی نوشته چامسکی است و ترجمه آن قطعاً می‌تواند برای دانشجویان رشته زبان‌شناسی، و تا حدودی رشته‌های فلسفه و روان‌شناسی مفید باشد. مواردی که در ادامه درباره کیفیت اثر گفته شده بیشتر به بحث ترجمه آن برمی‌گردد و مطالب مندرج در این اثر از حیث علمی بسیار مهم و ارزشمند است. کتاب «زبان و ذهن» می‌تواند به عنوان منبع فرعی در دروس «مکاتب نوین زبان‌شناسی» و «دستور گشتاری» در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی تدریس شود.

### بررسی شکلی:

- نثر مترجم در این اثر، که زبان علمی سختی را در تألیف به کار برده، بسیار روان و کاملاً رسا است. از این حیث می‌توان گفت روانی و علمی بودن نثر این کتاب، ویژگی شاخص آن است.
- تمام قواعد ویرایش و نگارش به خوبی در این اثر رعایت شده است.
- اثر از نظر حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، طرح جلد و ... بسیار خوب است

## ۲۱۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- این اثر به تنهایی نمی‌تواند منبع اصلی یا کتاب درسی باشد اما برای دروسی که در مقدمه ذکر شد می‌تواند منبع فرعی خیلی خوبی باشد.
- اثر مذکور در چاپ‌های مختلف هیچ تغییری نکرده است.
- کتاب شامل پیش‌گفتار، بیان هدف اثر (به صورت صریح)، مقدمه، فهرست مطالب و فهرست اشخاص است.

### بررسی محتوایی:

- مترجم اصطلاحاتی را به کار برده است که در مباحث زبان‌شناسی جا افتاده است. از این حیث این اثر مشکلی ندارد.
- کیفیت معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی بسیار خوب است.
- این کتاب مجموعه‌ای از چند مقاله مستقل است، تمرین و آزمون ندارد و بیشتر به مباحث اصلی پرداخته است.
- کتاب حاضر تمام سر فصل‌های مثل مکاتب زبان‌شناسی و دستور گشتاری را شامل نمی‌شود و فقط می‌تواند به عنوان منبع فرعی مورد استفاده قرار بگیرد.
- این اثر یکی از قوی‌ترین و مهم‌ترین کتاب‌های کلاسیک در حیطه دستور گشتاری است و از این حیث عنوان و فهرست کاملاً با محتوای آن منطبق هستند.
- برای درس مکاتب نوین زبان‌شناسی می‌تواند بخش مربوط به ارتباط زبان و ذهن را در دستور گشتاری پوشش دهد. برای بخش دستور گشتاری هم برای بخش مفاهیم نظری مفید است. سایر بخش‌های سرفصل نیازمند مطالعه کتاب درسی اصلی است و این کتاب منبع فرعی به حساب می‌آید.
- کتاب به تنهایی نمی‌تواند برای درس خاصی منبع اصلی باشد چون خواندن آن نیازمند دانش خوبی از بحث‌های زبان‌شناسی صورت‌نگرا و تاریخچه آن است.

## زبان و ذهن ۲۱۷

- از تاریخ چاپ اصلی این اثر حدود ۳۰ سال می‌گذرد و از این حیث مباحث کمی قدیمی است، اما این کتاب اثری کلاسیک است و خود آن باعث ایجاد یک نقطه عطف در تاریخ دستور گشتاری است.
- نظم منطقی و انسجام مطالب در هر فصل و کل اثر بسیار خوب است.
- این اثر فهرست منابع ندارد ولی از هر منبعی که استفاده شده در همان صفحه مربوطه ارجاع داده شده است.
- در این اثر از هیچ منبعی بدون ذکر مأخذ آن استفاده نشده است.
- میزان دقت در استنادات و ارجاعات اثر بسیار خوب است.
- جهت‌گیری علمی - فلسفی این اثر در راستای تأکید بر فلسفه خردگرایی است چون چامسکی یکی از مهم‌ترین افرادی است که بر فلسفه خردگرایی تأکید دارد.
- این اثر ترجمه کامل است و ترجمه آن بسیار روان است و امانت را نیز رعایت کرده است.
- معادل‌ها بسیار خوب انتخاب شده‌اند، مقدمه کوتاهی نیز وجود دارد.
- نسبت به چاپ‌های قبلی تغییرات محتوایی ندارد.



## «زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی زبان»

مؤلف: رضا نیلی‌پور

ناشر: هرمس

سال نشر: ۱۳۹۰

نوبت ویرایش: دوم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۱۹۶

- کتاب شامل نه مقاله و یادداشت دربارهٔ آسیب‌شناسی زبان است و در واقع مجموعه مقالات است. بنابراین بهتر بود در عنوان کتاب نیز ذکر می‌شد.
- اگر در کتاب به تعداد بیشتری از پژوهش‌های خارجی متأخر این حیطه نیز اشاره می‌شد بر ارزنده بودن کتاب افزوده می‌شد.
- فهرست منابع مقالهٔ اول مشخص نشده است. در حالی‌که برای سایر فصول، فهرست منابع داریم.
- صفحه ۱۲ کلمهٔ «بتدریج» سر هم نوشته شده است. بهتر است به صورت «به تدریج» اصلاح شود.
- در صفحه ۱۲ به صورت غیر مستقیم و همچنین در انتهای صفحه به صورت نقل قول مستقیم «نظریه جکسون» معرفی شده است اما منبع نامشخص است.
- تا صفحه ۱۲ برای اشاره به نظریه جزء‌گرا از عبارت «مرکزهای زبانی و مرکزهای مرزبندی شده» استفاده شده است، ولی در صفحه ۱۳ هنگام بیان نظریه هد عبارت «منطقه‌بندی محدود مغز برای گفتار و زبان» به کار رفته است.

## ۲۲۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در برخی موارد ویرایش متن هماهنگ نیست. در مقاله اول «ها» جمع و بسیاری از واژه‌های مشتق یا مرکب دیگر سر هم نوشته شده‌اند. مانند: «سازمانبندی»، «خصوصیتها» و ... چسباندن «ها» جمع در کل کتاب مشهود است، ولی در مقاله دوم «سازمانبندی» جدا نوشته شده است. زبان‌شناسی در عنوان روی جلد کتاب جدا نوشته شده است ولی در متن به هم پیوسته و در مواردی جدا. این عدم یکدستی درباره واژه روانشناسی نیز دیده می‌شود.
- از پیش از یادداشت ویراست دوم شماره‌گذاری با اعداد اصلی صورت گرفته است ولی آشکار نیست. پیشگفتار که از صفحه ۳ شروع می‌شود شماره‌گذاری دارد. بهتر بود تا پیش از مطالب اصلی شماره‌گذاری با حروف الفبا یا اعداد به حروف صورت می‌گرفت.
- بهتر بود منبع نمودارها و تصاویر نیز جداگانه ذکر می‌شد.
- بهتر است در شیوه ارجاع‌دهی تجدید نظر شود تا یکدستی متن در ارجاع‌دهی حفظ شود. استفاده از (همان، ...) مناسب‌تر از تکرار ارجاع‌دهی است. در عین حال از پولر مولر دو اثر در منابع ذکر شده است و ارجاع‌دهی صفحه ۳۷ بدون ذکر سال است و مشخص نیست مطلب مورد استفاده از کدام یک از دو منبع است. با توجه به شماره صفحه و مقایسه با منابع به نظر می‌رسد از یکی از منابع اصلاً استفاده نشده است.
- فاصله بین پاراگراف‌ها در بیشتر موارد همانند فاصله بین خطوط است. حاشیه شروع پاراگراف‌ها (خط اول) نیز بسیار کم است. جنس کاغذ استفاده شده و رنگ فونت و غیره فاقد جذابیت است. کیفیت تصاویر کتاب نیز خوب نیست.
- صفحه ۲۴ به (گشویند، ۱۹۶۵) و نیز (برودمن ۲۲ بدون ذکر سال اثر) ارجاع داده شده است ولی در فهرست منابع نیامده است.
- صفحه ۲۷ اشکال تایی «گشویند و همگاران» باید بشود «گشویند و همکاران»
- صفحه ۲۸ به دیوید پاپل و هیکاک (۲۰۰۴) ارجاع داده شده است. ارجاع به شیوه‌ای صورت گرفته است که گویی این دو با هم مقاله‌ای را ارائه داده‌اند

## زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی زبان ۲۲۱

در حالی که هر یک مقاله جداگانه‌ای را در مجله ذکر شده داشته‌اند. بهتر است در مقابل اسم هر یک، سال اثرشان ذکر شود که مشخص شود مقاله مشترک نبوده است. به این ترتیب ارجاعی که در پاراگراف بعدی (همان، ص ۳) داده شده است فاقد دقت لازم است.

- صفحه ۴۸ پاراگراف اول مبحث «ماهیت زبان و ذهن در علوم شناختی» عبارت «نوروساینس» ترجمه نشده است. در صفحه ۲۹ و .. نیز همین موضوع دیده می‌شود، در حالی که در واژه‌نامه پایانی معادل فارسی این عبارت نیز ارائه شده است. همین‌گونه است «آفازیولوژی» در صفحه ۸۰.
- در بعضی از مقاله‌ها (به عنوان مثال صفحات ۶۰-۷۰) معادل انگلیسی بسیاری از واژه‌های تخصصی ارائه شده‌اند. ولی در بعضی از مقالات به ندرت معادل انگلیسی داده شده است (دو مقاله ابتدایی کتاب).
- مقاله «شاخص‌های ارزیابی کیفیت گفتار در زبان پریشی» فاقد هر گونه ارجاع یا فهرست منابع است.
- پژوهش معرفی شده در پاراگراف آخر صفحه ۷۲ بهتر است که بیشتر توضیح داده شود (چه پژوهشی، در چه سالی و توسط چه فرد یا افرادی).
- در پایان مقاله «دستورپریشی و نموده‌های آن در زبان فارسی» نیز منابع ارائه نشده است. در مقاله صفحه ۸۵ به دو پژوهشگر خارجی ارجاع داده شده است ولی در منابع یا پانویست مرجع مشخص نیست. در این مقاله در صفحه ۷۵ زیر عنوان مقاله ذکر شده است «نمونه‌ای از دستورپریشی در گفتار پیوسته دو بیمار زبان پریش فارسی‌زبان پس از ضایعه مغزی» در حالی که تنها در انتهای مقاله به پژوهشی درباره یک فرد دو زبانه فارسی-انگلیسی اشاره شده است.
- در آخرین مقاله «فرایند ترجمه...» نیز تنها دو ارجاع در صفحه ۱۷۱ برای نمودار ارائه شده است ولی مرجع یا منابعی برای این ارجاع‌ها و کل مقاله ارائه نشده است.

## ۲۲۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در پایان مقاله «نگاهی به مبانی عصبی کاربردشناسی زبان» به‌جای فهرست منابع، کتابنامه ارائه شده است. این موضوع درباره بعضی از مقالات دیگر صدق می‌کند. در واقع عدم هماهنگی و یکدستی در شیوه‌ارائه مطالب مشهود است.
- در صفحه ۹۹ مقاله «نگاهی به مبانی عصبی کاربردشناسی زبان» نویسنده محترم ذکر کرده‌اند که برای آشنایی با پاره‌ای از زمینه‌های بالینی و آسیب‌شناختی ... در زیر خلاصه‌ای از مجموعه مقالات جدید در این‌باره را با هم مرور می‌کنیم:»، ولی در ادامه کتابی معرفی شده است که در عنوان آن مجموعه مقالات به چشم نمی‌خورد ولی محتوا متشکل از مقالاتی است. شاید بهتر باشد از ابتدا مشخص‌تر اشاره شود که قرار است محتوای این کتاب معرفی شود. زیرا در واقع محتوای مقالات و نتایج تک‌تک آن‌ها مورد بررسی قرار نگرفته است و به نتایج کلی بخش‌های کتاب اشاره شده است که البته ارزشمند است.
- در مقاله فوق‌الذکر «نگاهی به مبانی عصبی کاربردشناسی زبان» به‌غیر از چامسکی و پارادی که در متن به آن‌ها ارجاع داده شده است، به سایر منابع کتابنامه ارجاعی داده نشده است. معمولاً برای مقالات بهتر است که فهرست منابع ارائه شود و نه کتابنامه.
- در صفحه ۱۰۶ (پاراگراف اول توضیحات شماره ۱) اشاره شده است «پایه‌گذار روش بازآموزی» بدون آن‌که به نام فرد در متن فارسی اشاره شود. نام ایشان به صورت پانوش و انگلیسی آمده است. بهتر است ابتدا در متن اشاره شود. اثر این نویسنده در کتابنامه نیز وجود دارد (شول ۱۹۶۴).
- در صفحه ۱۰۷ از (شول ۱۹۷۷) مطلبی ارائه شده است که در کتابنامه دیده نمی‌شود. همچنین در صفحه ۱۱۲ به (آلبرت و باخمان ۱۹۹۰) و نیز در پانوش Macfarlane & Duckworth ارجاع داده شده است که در کتابنامه نیامده‌اند.
- صفحه ۱۱۶ فهرست کتابنامه بر اساس حروف الفبا نیست.

## «مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان شناختی»

مؤلف: جان لاینز

مترجم: حسین واله

ناشر: گام‌نو

سال نشر: ۱۳۸۳

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۴۸۷

- متن حاضر که در واقع ترجمه اثر ارزشمند لاینز است، متأسفانه از روانی و سلیس بودن کافی برخوردار نیست و مترجم بسیار نزدیک به متن و در قالب ترجمه واژه به واژه کار خود را به انجام رسانده است.
- برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی حجم اثر مناسب است.
- در کاربرد اصطلاحات تخصصی دقت چندانی به کار نرفته است و متأسفانه حتی اصطلاحات مرسوم و شناخته شده زبان‌شناسی مانند واج‌شناسی (phonology) یا روان‌شناسی زبان (psycholinguistics) به درستی به کار نرفته‌اند.
- کیفیت معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی ضعیف است و نیاز به بازنگری دارد (substitutional = بدلی، opaque = گنگ، tempo = ضرب‌آهنگ).
- برای تفهیم موضوع از ابزارهای علمی مختلفی مانند مقدمه، جمع‌بندی و ... استفاده کرده است.
- کتاب از جامعیت برخوردار است هر چند به لحاظ تناسب سطح آموزشی بالاتر از ارشد و برای دوره دکتری می‌تواند مکمل خوبی باشد.

## ۲۲۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- محتوای اثر با فهرست مطالب همخوانی دارد.
- تا حد زیادی عناوین فصل‌های مختلف با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی منطبق است اما متن اثر بیشتر ماهیت فلسفی پیدا می‌کند و روی هم رفته به عنوان یک کتاب مکمل مناسب است.
- این اثر می‌تواند به عنوان کتاب مکمل برای دانشجویان کارشناسی ارشد در درس معناشناسی مفید باشد. کتاب‌های دیگری که به لحاظ آموزشی کارآمدتر هستند در حوزه معناشناسی زیاد است.
- اطلاعات کتاب روزآمد نیست و چاپ اول آن ۱۹۹۵ بوده است.
- نوآوری قابل‌ذکری در این کتاب وجود ندارد و کتاب به شیوه سنتی نوشته شده است.
- متن اصلی اثر دارای نظم و انسجام است.
- از منابع موجود برای تبیین موضوعات مورد بحث به قدر کفایت استفاده شده است. لاینز از معناشناسان مطرح جهان و دانشگاه کمبریج است و منابع کتاب حاضر نیز گلچینی است از منابع اصیل در حوزه معناشناسی.
- مطالب مورد استفاده در این کتاب همگی با ذکر منبع آورده شده‌اند. به طور کلی میزان دقت در استنادات و ارجاعات بسیار دقیق است.
- ترجمه به لحاظ نوع ترجمه کامل است اما چندان موفق نبوده است و طعم ترجمه در حین خواندن احساس می‌شود. به لحاظ فنی در ترجمه پاورقی، پی‌نوشت و مقدمه مترجم در اثر دیده می‌شود اما در معادل‌یابی‌های و اصطلاحات به کار رفته مترجم چندان موفق عمل نکرده است.
- به طور کلی می‌توان گفت که اصل اثر از منابع ارزشمند در حوزه معناشناسی است و می‌تواند به عنوان کتاب کمک‌درسی یا مکمل برای دانشجویان زبان‌شناسی مورد استفاده باشد. هر چند متن ترجمه شده به دلیل تلاش مترجم برای ترجمه نزدیک به متن از روانی و سادگی برخوردار نیست و اصطلاحات نیز به صورت دقیق به کار نرفته‌اند. در هر حال این ترجمه می‌تواند برای کسانی که به متن انگلیسی

## مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان شناختی ۲۲۵

دسترسی ندارند یا از سواد انگلیسی برخوردار نیستند مفید باشد. ضمناً در حال حاضر برای درس معناشناسی آثار جدید و معتبر بسیاری در بازار کتاب موجود است که به لحاظ رعایت شیوه‌های مدرن آموزشی بیشتر و بهتر می‌توانند برای دانشجویان مفید باشند.

- طرح روی جلد خوب است.
- پیشگفتار مترجم خیلی مفصل است. راجع به علم معناشناسی مباحثی را مطرح کرده است که می‌بایست بر مبنای کتاب یا منبع تخصصی بوده باشد. بیان این مطالب به این صورت در کتابی که ترجمه است چندان مناسب نیست مگر با ذکر منبع آن. در عین حال در مواردی واژه‌های به کار رفته موجب پیچیدگی بی‌دلیل متن شده است.
- بهتر بود برای پیشگفتار از شماره‌گذاری اعداد استفاده نمی‌شد. بلکه از حروف استفاده شود یا اعدادی که به حروف نوشته شده باشند.
- صفحه ۱۱ «فروکاستن فلسفه از اساس به تحلیل زبان» یعنی چه؟
- در پاراگراف اول پیشگفتار، به معناشناسی به عنوان یک رشته جدا اشاره شده است. در صفحه ۱۲ پاراگراف اول ذکر شده است که معناشناسی زیر مجموعه حوزه‌های دیگر است. لازم است منابع مربوط به هر نظر ذکر شود.
- صفحه ۱۲ آخر پاراگراف اول: خواننده متوسط‌الحال یعنی چه؟
- صفحه ۱۲ پاراگراف دوم خط هفتم واژه «مفهوم» را بین گیومه قرار دادند ولی جهت گیومه‌ها بر عکس است. همین اتفاق در صفحه ۱۳ و ۱۷ در پاراگراف دوم مشاهده می‌شود.
- صفحه ۱۸: مخل به ادای مقصود
- صفحه ۱۸ از اصطلاح «جعل اصطلاح» استفاده کرده‌اند، به نظر می‌رسد در این موضوع واژه جعل می‌تواند گمراه‌کننده نیز باشد، بهتر است از واژه دیگری استفاده شود.

## ۲۲۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در صفحه ۱۹ مترجم ذکر کرده است که برای جمله‌های معترضه که نویسندگان خط تیره استفاده کرده است، ایشان از پرانتز استفاده کرده‌اند، با این وجود در صفحه ۲۳ از خط تیره برای جمله معترضه استفاده شده است.
- بهتر است در صفحه ۲۳ پاراگراف دوم به جای واژه «حاجت» از واژه «نیاز» استفاده شود.
- صفحه ۲۳ پاراگراف دوم خط پنجم «در باره» باید بشود «درباره»
- خط آخر صفحه ۱۲: «در علم اصول این تأملات بسط بیشتری یافته از آن رو که اکتشاف غرض شارع ناگزیر از میسر الفاظ می‌گذشته و این ایجاب می‌کرده که درباره لفظ و معنا و دلالت هم تأمل شود.» به لحاظ دستوری سه جمله اول باید تصحیح شود. به لحاظ ویرایشی به جای مسیر نوشته شده است «میسر»
- پاراگراف دوم صفحه ۱۳: «پیشفرض»، بهتر است این دو واژه را به صورت جدا یعنی «پیش فرض» نوشت.
- صفحه ۱۳: پاراگراف دوم «آن واسطه امینی نیست که معصومانه بکار انتقال مفاهیم ...»، «بکار» باید بشود «به کار».
- کتاب به بخش‌هایی تقسیم شده است که هر کدام یک یا چند بخش را شامل می‌شود و در هر بخش نیز در ابتدا مقدمه‌ای ارائه شده است. واژه نامه، نمایه واژگان کلیدی، اصطلاحات و اعلام و نیز کتاب‌شناسی از دیگر ویژگی‌های ظاهری مثبت کتاب است.
- نمونه‌هایی از واژه‌هایی که در پیشگفتار ذکر شده است: متوسط الحال، بالاصاله، اخیرالذکر، بالمره، علی العموم، یا در صفحه ۱۱۴: امثال ذالک، در سایر صفحات: اجمالاً، سنتاً، عطف توجه و ...
- به لحاظ ویرایشی در مورد جدا یا سر هم نوشتن واژه‌ها بهتر است مجدداً ویرایشی صورت بگیرد: پیشفرض، صفحه ۱۳ و ۱۵ و ...، بخوبی صفحه ۱۳، بکار صفحه ۱۳، بشمول صفحه ۱۷، بواقع صفحه ۱۷، بدست صفحه ۱۶.
- به طور کلی درباره جدا یا سر هم نوشتن «ها» جمع هم یکدستی دیده نمی‌شود.

## مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان شناختی ۲۲۷

- صفحه ۱۷ پاراگراف یکی مانده به آخر خط دوم «زبان و متافیزیک» باید فاصله واژه‌ها بیشتر باشد.
- صفحه ۱۹ به جای واژه «ترکیب مزجی» از واژه آشناتری در حیطه زبان‌شناسی استفاده شود.
- در صفحه ۱۸ نویسنده ذکر کرده است که در موارد ضروری اصل اصطلاح انگلیسی را در داخل پرانتز ذکر کرده است و از تکرار هم ابا نکرده است. با این وجود این تکرارها در متن در مواردی آنقدر زیاد است که نه تنها ضرورت ندارد بلکه نامناسب است: صفحه ۲۴ و ۲۵: competence , performance
- تکرار واژه semantics and pragmatics در صفحات مختلف و به کرات به عنوان مثال صفحه ۲۵، ۷۳ و صفحه ۹۰ و ۹۱ اصطلاح 'citation form' و ۱۱۶ و ۱۱۷ reference
- اشتمال: hyponymy, تکمیل شدنی: open-ended
- Entailment: صفحه ۱۷۰ باید بشود: entailment
- صفحه ۱۳۶ خط سوم «هر دو دسته نوع» صحیح نیست.
- پاراگراف اول صفحه ۲۴ خط اول کمی گنگ است ، بهتر است ویرایش شود.
- پاراگراف دوم صفحه ۲۴ دو خط مانده به آخر فاصله بین «با و دانش» کم است، باید یک فاصله بین این دو واژه باشد.
- صفحه ۲۵ خط اول معادل فارسی parole و langue ارائه نشده است. همچنین معادل انگلیسی «شکل و معنا» و «جمله و اظهار» را بهتر بود در اولین اشاره به این واژه‌ها ارائه می‌دادند و نه در میان پاراگراف یا اواسط کتاب.
- صفحه ۲۶ پاراگراف آخر به جای مجمل از واژه رایج‌تری استفاده شود.
- در بعضی موارد point of view در ترجمه اول شخص مفرد و در بعضی موارد اول شخص جمع است. به عنوان مثال صفحه ۲۴ پاراگراف دوم «گنجانده‌ام/ بحث کرده‌ام/ و صفحه ۲۹ پاراگراف دوم خط اول «غرض اصلی ما/ می‌آوریم و ...».

## ۲۲۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در صفحه ۳۲ بعضی از واژه‌ها bold شده است و نیز در صفحه ۳۱، در حالی که در سایر صفحات و موارد اینگونه نیست.
- صفحه ۳۵ بخش ۱/۳ پاراگراف اول به لحاظ مفهومی کمی گنگ است که ناشی از تفاوت‌های زبان فارسی و انگلیسی است. شاید تغییر شیوه ترجمه به شفاف شدن آن کمک کند. همان جا بهتر است بجای واژه شعبه در «معناشناسی زبان‌شناختی شعبه‌ای از دانش زبان‌شناسی است» از واژه دیگری استفاده شود.
- صفحه ۳۶ پاراگراف دوم خط اول و دوم «از میان همه علوم که به نحوی با معنا ارتباط دارند زبان‌شناسی را شاید بتوان علمی بشمار آورد که بیشترین اهمیت را دارد.» اهتمام در چه کاری؟
- به طور کلی بسیاری از جمله‌ها روان نیستند و انتخاب معادل واژه‌ها می‌تواند بهتر صورت گیرد: صفحه ۳۶ پاراگراف دوم «یکی از اوصاف زبان که از تعریف آن اخذ می‌شود». همان صفحه معادل واژه communication بهتر است تفاهم نباشد. هر چند که مترجم در پا نوشت نظر خود را اعلام کرده است ولی تفاهم مشخصاً معادل واژه understanding است.
- پاراگراف دوم صفحه ۳۶ نکات گنگ زیادی دارد. در نیمه پاراگراف وجود ضمیر آنها به پیچیدگی و ابهام افزوده است.
- صفحه ۳۷ معادل واژه arbitrary «وضعی» بهتر است تغییر کند. در صفحه ۳۸ وضعی معادل conventional قرار گرفته است.
- صفحه ۴۰ درباره واژه index تعداد دفعات تکرار آن در یک صفحه و معادل آن بهتر است تجدید نظر صورت بگیرد. اگر در ترجمه پاراگراف دوم و سوم کمی تغییر صورت بگیرد و از حالت ترجمه لفظ به لفظ خارج شود دنبال کردن مطالب ساده‌تر می‌شود.
- صفحه ۴۱ خط سوم اشکال تایپی دارد. آخرین واژه نقطه «ب» از قلم افتاده است.
- صفحه ۴۱ پاراگراف آخر: «نقاط قوت و ضعف را بیازماییم.» بهتر است معادل بهتری بجای آزمودن در نظر گرفته شود.

## مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان شناختی ۲۲۹

- صفحه ۴۲ مطالب ارائه شده کاملاً مختص زبان انگلیسی است و در زبان فارسی و برای خواننده فارسی زبان مفهوم چندانی ندارد. شاید بهتر باشد کمی در مطالب یا شیوه ترجمه و بیان آن‌ها تغییراتی اعمال شود تا دنبال کردن مطالب برای خواننده با خدشه مواجه نشود. همین موضوع در چند صفحه بعد نیز ادامه می‌یابد.
- به جای واژه «مترادف» از «مرادف» استفاده شده است یا اشکال تایپی است.
- صفحه ۴۹: معادل use، استعمال را در نظر گرفته‌اند که چندان مناسب نیست.
- صفحه ۱۰۸ پاراگراف اول بهتر بود که معادل فارسی عبارت categorial ambivalence را ارائه می‌دادند.
- صفحه ۹۱ معادل واژه polysemy «اشتراک معنوی» گذاشته شده است که مناسب نیست.
- صفحه ۱۶۶: معادل statements «خبارها» در نظر گرفته شده است. مناسب نیست.
- بسیاری از پاراگراف‌ها خیلی رنگ و بوی انگلیسی دارد. مانند صفحه ۲۵۷ پاراگراف آخر «صرفاً ابراز تردید نمود بدون اینکه از شنونده رفع تردید یا هر واکنش دیگری خواسته شود یا انتظار رود».
- ص ۲۰۳ پاراگراف سوم: «می‌توانیم گفت» بشود می‌توان گفت.
- ص ۲۰۳: «مجرد» و «غیر متأهل» که واژه‌های تخصصی نیستند و نیاز به بیان معادل ندارند. بهتر است که تنها اصطلاحات تخصصی معادل انگلیسی‌شان عنوان شود.
- ص ۲۰۲: «معناداری یک اظهار به وجوه گوناگون ممکن است/ یا ... اشتها یافت»، بهتر است از واژه‌های رایج‌تر استفاده شود.
- ص ۲۰۲ مبحث ۵/۷ پاراگراف اول خط سوم: «قبول تر ذیل نقطه اشتراک آن‌ها است»
- صفحه ۳۳۶ معادل context می‌تواند «بافت» باشد. معادل پیشنهادی مترجم محترم چندان دقیق نیست.

### ۲۳۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- به نظر می‌رسد برای معادل‌یابی چندان به منابع زبان‌شناسی توجه نشده باشد.
- از نیمه کتاب به بعد بسیاری از مثال‌ها ایرانیک شده‌اند و بسیاری هم نشده‌اند. علت این عدم هماهنگی توضیح داده نشده است و به نظر می‌رسد که اشکال ویرایشی باشد.
- مترجم محترم در پیشگفتار ذکر کرده‌اند که در مواردی نظر شخصی‌شان را در پا نوشت اظهار کرده‌اند. در صفحه ۳۸۲ این گونه در پانوشت آمده است: «این نظر صحیح نیست. ... و بس.» چنین اظهار نظر تند و منفی درباره مطالب کتاب توسط مترجم که تنها نقش انتقال مفاهیم از زبان هدف به زبان مقصد را دارد چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. چنین مطالبی می‌تواند در نقدی جداگانه بیان شوند.

## «درآمدی بر معناشناسی»

مؤلف: کوروش صفوی

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی (سوره)

سال نشر: ۱۳۷۹

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۴۵۲

کتاب درآمدی بر معناشناسی را می‌توان برای درس اصول معناشناسی در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی به کار برد.

### بررسی شکلی:

- این اثر به زبان فارسی بسیار روان و رسا نگارش شده است. از جملات طولانی با ساختار پیچیده پرهیز شده است. واژه‌های تخصصی به زبان ساده یا با مثال توضیح داده شده‌اند. اکثر مثال‌ها و توضیحات بومی شده‌اند که این خود نقش زیادی در روانی مطلب دارد. نگارش روندی منطقی دارد و عناوین بسیار گویا هستند.
- علائم سجاوندی با دقت استفاده شده‌اند. ابهام در جملات وجود ندارد. خواننده به خوبی می‌تواند در داخل متن موضوع مورد نظر را پیدا کند چرا که واژه‌های کلیدی درشت و سیاه شده‌اند. عناوین به شکل منطقی و کاربردی ارائه شده‌اند. مثال‌ها از متن اصلی جدا شده‌اند و شماره‌دار هستند. هر فصل دارای بدنه محکمی است که شامل مقدمه، طرح مسأله، بسط و استدلال موضوع، نتیجه‌گیری، چکیده مطالب، منابع پیشنهادی و تمرین می‌باشد.

## ۲۳۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در مجموع اثر از نظر شکلی دارای کیفیت خوبی است. فاصله سطرها از یکدیگر، حاشیه‌ها و اندازه کلمات مناسب است. در مورد طرح روی جلد به نظر بنده برداشتی از ایده سوسور زبان‌شناس معروف است که اعتقاد دارد زبان یک نوع بازی مانند شطرنج است. در این بازی ما با نظام ارزشی مواجه هستیم که متحول می‌گردند و جای خود را به نظام‌های ارزشی جدیدتر می‌دهند. البته کل اثر کمتر در این راستا (یعنی در نشان دادن این جدل و کشمکش) حرکت کرده است.
- اثر برای درس دو واحدی کمی زیاد به نظر می‌رسد. البته مطالب مفید هستند اگر مدرس بتواند تصویر درستی از آن‌ها ارائه کند. به نظر می‌رسد برخی از مباحث نظیر فصل معنی‌شناسی منطقی را نیز می‌توان حذف کرد (۳۲۰ تا ۳۶۰).

### بررسی محتوایی:

- اصطلاحات تخصصی در جایگاه خود مورد استفاده قرار گرفته‌اند و اغلب دارای تعاریف روشنی می‌باشند که گاهی نیز با مثال مشخص شده‌اند. این اصطلاحات بر حسب ضرورت مباحث علمی مطرح شده‌اند و دارای معادل‌های خوبی هستند که درک آن‌ها را آسان نموده است. البته در بعضی موارد دقت بیشتری در کاربرد این اصطلاحات لازم بوده است، مثل "intentional" که بیشتر هدف‌مندی جریان معنادار را می‌رساند تا «معناداری» (صفحه ۳۴۲). در اکثر موارد معادل‌های خوبی ارائه شده است که روشن و بدون ابهام است. البته در مواردی دقت بیشتری لازم بوده است. مثل "modality" که می‌توان آن را یک «تأثیرگذار یا تغییرساز» نیز خواند و نه فقط «وجه» (صفحه ۳۴۳) چون این‌ها بر افعال دیگر نیز تأثیر می‌گذارند.
- هر فصل کتاب دارای مقدمه‌ای است که طرح مسأله می‌کند و سپس به توضیح و بسط آن و ارائه راه حل می‌پردازد. همچنین در پایان هر فصل نتیجه‌گیری و چکیده‌ی مطلب وجود دارد که نکته بسیار مثبتی است. متأسفانه در پایان کتاب

### درآمدی بر معناشناسی ۲۳۳

یک نتیجه‌گیری کلی که به اهداف علمی اثر بپردازد و جمع‌بندی کلی از آن داشته باشد وجود ندارد. همچنین در مقدمه کمتر به ضرورت علمی نگارش اثر پرداخته شده است و بیشتر توجیه درسنامه‌ای شده است. از نظر تمرین، نمودار و آزمون اثر موفق بوده است.

- این اثر بیشتر از آن‌چه در اهداف درس مطرح است دارای مطلب است و جامع‌تر و فراتر از طرح درس است. با این وجود بهتر بود در جایی مؤلف محترم به تفاوت بین دو نگرش معناشناسی زبان‌شناسی و معناشناسی معناشناختی یا نشانه‌شناختی نیز می‌پرداخت تا راهی برای بن‌بست مطالعات معنایی در ایران باز شود.
- همان‌طور که از عنوان این اثر پیداست، معنا در شرایط شکل‌گیری ابتدایی آن مطرح شده است. این نوع مطالعه را مطالعه برش خورده و منقطع از معنا می‌نامند. نوع دیگر مطالعه، مطالعه مجموعه‌های معنادار است که در کلیت گفتمانی شکل می‌گیرد. بنده گمان دارم که با توجه به غلبه دیدگاه زبان‌شناختی بر معنا و مطالعه آن در این اثر، بهتر بود که عنوان «درآمدی بر معناشناسی زبان‌شناختی» برای آن در نظر گرفته می‌شد. در هر حال واژه «درآمدی» بسیار منطبق با مطالب مقدمه‌ای «معنا» می‌باشد.
- به نظر می‌رسد سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی نیاز به اندکی بازنگری و اندیشه دارد. مطالب جدیدتری در حوزه معنا و معناشناسی غیر زبان‌شناختی مطرح است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. معنا را باید در سطح وسیع‌تری که در برگیرنده کلیت‌های گفتمانی باشد مورد مطالعه قرار داد. این کتاب با سرفصل‌ها مغایرتی ندارد.
- این کتاب برای تدریس در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی مناسب است و مقدمات مطالعه «معنا» را فراهم می‌سازد. نظریه‌های متنوع و مفیدی را در برمی‌گیرد. دارای مثال‌های فراوان است. تمرینات کاربردی نیز دارد. به زبان ساده و قابل فهم نوشته شده است. اما باید در نظر داشت که این اثر محدود به

## ۲۳۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- مطالعه «معنی‌شناسی» است و نه «معناشناسی» (مطالعه معنا، شرایط تولید و دریافت آن در نظام‌های گفتمانی که به عنوان کلیت معنادار مطرح هستند).
- با توجه به شرایط مطالعات حوزه زبان و معنا در کشور ایران و دامنه مطالعات بسیار محدودی که در این زمینه صورت گرفته است، می‌توان گفت که این اثر مفید و به روز است البته با توجه به تأخیر بسیار زیادی که ما در این حوزه زبانی داریم. مطالعات بسیار اندک و پراکنده‌ای در این زمینه انجام گرفته است. این اثر برای جامعه زبان‌شناختی ایران بسیار کارآمد و به روز است. هر چند که امروز معناشناسی گام‌های بسیار بلندی را در زمینه مطالعه معنا انجام داده است که ما فاقد آن می‌باشیم.
  - مهم‌ترین نوآوری این اثر در بومی نمودن مثال‌ها و مطالب، در دسته‌بندی منظم آن، در مقایسه نظام‌های معنی‌شناختی با یکدیگر، و در معادل‌یابی صحیح برای واژگان است.
  - مطالب منظم و طبقه‌بندی شده ارائه شده‌اند. فصل‌ها دارای چکیده هستند. اما در انتهای کتاب نتیجه‌گیری کلی وجود ندارد. در مقدمه اهداف مطالعه معنی مشخص نشده است.
  - در پایان هر فصل منابع پیشنهادی وجود دارد که موضوعات اساسی قابل مطالعه را معرفی می‌نماید و به خواننده اجازه می‌دهد که بتواند به نکات کلیدی مطرح در هر منبع استفاده شده در اثر پی ببرد.
  - در پایان اثر نیز کتاب‌نامه کاملی وجود دارد که می‌توان به آن مراجعه کرد. این کتاب‌نامه ارجاعات اثر را در بر می‌گیرد و شیوه استفاده از آن آسان است. ارجاعات درون‌متنی و در داخل پرانتز دارای کد و صفحه مورد نظر نویسنده هستند.

### نتیجه‌گیری:

- کتاب به عنوان مقدمه‌ای بر معنی‌شناسی جهت آموزش مفید است.

## درآمدی بر معناشناسی ۲۳۵

- اثر همان‌طور که از عنوان آن پیداست نگرش صد در صد زبان‌شناختی به معنی است. به دیگر سخن، اثر مطالعه معنی‌شناسی زبان است و نه مطالعه معناشناسی معنا.
- اثر به واژه و روابط بین واژه‌ها می‌پردازد و معنا را در فرایند معنایی یا گفتمانی مطالعه نمی‌کند.
- بعضی از قسمت‌های اثر مثل معنی‌شناسی منطقی کاربرد امروزی خود را از دست داده است. چرا که در آثار ادبی یا گفتمان‌های هنری چیزی به عنوان صدق و کذب وجود ندارد. تولید زبانی تابع شرایطی است که در جهت «دگرگون کردن عادت‌ها» و «نوع دیگر گفتن» گام بر می‌دارد. صدق و کذب فقط در گفتمان علمی وجود دارد.
- منحصر نمودن معنی به روابط بین واژه‌ها این خطر را به دنبال دارد که ما را دچار نوعی بن‌بست معنایی می‌کند.
- معنا پویا، هدفمند و جهت‌دار است. در صورتی که معنی غیر متحرک خشک و غیر منعطف است. این اثر به مطالعه معنی می‌پردازد نه معنا.
- این اثر جهت مطالعه مقدماتی بسیار مفید است. اما باید کتاب دیگری که مطالعه معنا را در فرایند زبانی مورد نظر قرار می‌دهد را نیز به دانشجویان آموزش داد.



## «منطق در زبان‌شناسی»

مؤلف: کوروش صفوی

ناشر: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری

سال نشر: ۱۳۸۰

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۳۸

- زبان نگارش اثر روان و رسا است و قواعد ویرایش و نگارش در آن رعایت شده است.
- کیفیت اثر از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و طرح جلد بسیار خوب ارزیابی می‌شود اما از لحاظ صحافی کیفیت متوسطی دارد.
- حجم اثر با توجه به مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد مناسب است اما برای مقطع دکتری بسیار کم و ناقص ارزیابی می‌شود.
- کاربرد اصطلاحات تخصصی برگرفته از کتاب دکتر ضیاء موحد است و از این نظر بسیار خوب ارزیابی می‌شود. اما در جاهایی مؤلف محترم ابداعات نابجایی کرده است. به طور مثال واژه‌های "true" و "false" که در انگلیسی صفت هستند در فارسی معادل «صدق» و «کذب» نهاده است که اسم به شمار می‌روند. بهتر بود در این زمینه نیز به تأسی از دکتر ضیاء موحد معادل‌های «صادق» و «کاذب» را به کار می‌برد.

## ۲۳۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- میزان بهره‌گیری از ابزارهای علمی در حد مقبولی است و این مورد را نیز مؤلف مدیون کتاب "logic in Linguistics" اثر Allwood و همکاران است.
- محتوای اثر با عنوان آن (منطق در زبان‌شناسی) کاملاً منطبق است و مؤلف محترم با توجه به دانش زبان‌شناسی خود تلاش نموده است مطالب منطق را به معنانشناسی ربط دهد و موفقیت مولف در این خصوص نیز مرهون Allwood و همکاران است.
- مطالب اثر با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی کاملاً منطبق است.
- تدریس این کتاب برای مقطع کارشناسی ارشد مناسب است اما برای مقطع دکترا نیاز به مباحث بیشتری در خصوص قواعد استنتاج و ارتباط این قواعد با ترادف و تضاد معنایی و غیره وجود دارد و اثر فوق فاقد این گونه مباحث است.
- می‌توان گفت اثر فوق ترجمه پیشرفته‌ای است از کتاب Allwood و همکاران تحت عنوان Logic in Linguistics و برخی از مطالب کتاب دکتر ضیاء موحد.
- مولف نظم منطقی و انسجام مطالب خود را مدیون Allwood و همکاران است.
- مولف محترم عمدتاً از دو منبع بیشتر استفاده نکرده است. یک منبع اصلی Allwood و همکاران و یک منبع دیگر (درآمدی بر منطق جدید دکتر ضیاء موحد) که به ندرت استفاده شده است. این اثر بدون ذکر منبع یا صفحات کتاب اصلی است و هیچ ارجاعی در سرتاسر کتاب به چشم نمی‌خورد. متأسفانه مولف محترم حتی در پیشگفتار کتاب نیاورده است که از این دو منبع به طور خاص استفاده کرده است. به نظر می‌رسد مولف محترم باید در جایی به این نکته اشاره می‌کرد که بیشتر اثر مورد بحث ترجمه است.
- بهتر بود مولف محترم برای غنای مطالب از منابع دیگری به جز دو منبع مذکور نیز استفاده می‌کرد.

## منطق در زبان‌شناسی ۲۳۹

- بهتر بود مولف محترم مقدمه‌ای ذکر می‌کرد و در آن ارتباط مباحث منطقی با مباحث زبان‌شناسی را بیان می‌نمود. مباحث منطقی در دو بعد با زبان‌شناسی مرتبط هستند: ۱- کاربرد منطق در رده‌شناسی زبان‌ها، ۲- کاربرد منطق در معناشناسی که دومی منجر به ظهور «معناشناسی صوری» گردیده است که در محافل زبان‌شناختی جزء موضوعات مطرح است.



## «درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی»

مؤلف: محمد راسخ مهند

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۹۰

نوبت چاپ: دوم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۱۶۴

- زبان‌شناسی شناختی در جامعه دانشگاهی ایران و در گروه‌های زبان‌شناسی از جذابیت و مقبولیت خاصی برخوردار شده و علی‌رغم علاقه دانشجویان به حوزه مطالعاتی زبان‌شناسی شناختی آثار و منابع چندانی در اختیار آنان قرار ندارد. تعداد اساتید و مدرسانی نیز که به این مباحث علاقه‌مند هستند بسیار کم است. بنابراین نگارش اثر حاضر گامی مثبت و ارزشمند است و بی‌تردید سنگ بنای خوبی در میان آثار فارسی در این خصوص محسوب می‌شود. نگارنده اثر با زبانی روشن و روان و قابل فهم، موضوعات مورد بحث خود را به خواننده معرفی می‌کند. در هر حال به طور کلی می‌توان گفت این کتاب شروع خوبی است و مطالب آن بسیار مختصر و کاربردی به خواننده ارائه شده‌اند و بنابراین در یک اثر دیگر از این جنس می‌بایست به ابعاد فلسفی زبان‌شناسی شناختی و مفاهیم و فرازبان پیچیده آن بیشتر و عمیق‌تر توجه کرد.
- کتاب به روانی نوشته شده و خواننده به راحتی با متن به لحاظ درک مفهومی ارتباط برقرار می‌کند. با توجه به پیچیده بودن مباحث زبان‌شناسی شناختی نگارش ساده و روان اثر مزیت آن محسوب می‌شود.

## ۲۴۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- میزان رعایت قواعد ویرایش و نگارش قابل قبول است.
- کیفیت اثر از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی خوب است. طرح روی جلد آن چندان مطلوب نیست.
- این کتاب به طور مستقیم برای درس خاصی نوشته نشده و به عنوان یک کتاب کمک درسی برای دروس معناشناسی و مکاتب حجم آن مناسب است.
- با توجه به نو بودن زمینه بحث تا حد قابل قبولی از اصطلاحات تخصصی به خوبی استفاده شده است.
- همان‌طور که ذکر شد این کتاب برای درس خاصی با این عنوان نوشته نشده است اما یک تصویر بسیار کلی از زبان‌شناسی شناختی به خواننده معرفی می‌کند.
- مطالب ارائه شده مشخصاً به معرفی زبان‌شناسی شناختی می‌پردازد و فهرست مطالب نیز مؤید این موضوع است.
- این کتاب برای دانشجویان علاقه‌مند به مباحث شناختی در مقطع کارشناسی ارشد و کارشناسی می‌تواند مفید باشد.
- اثر حاضر روزآمد است. نوآوری کتاب در این است که در واقع معرفی زبان‌شناسی شناختی برای اولین بار در قالب یک کتاب به زبان فارسی است.
- نظم منطقی و انسجام مطالب در هر فصل و کل اثر قابل قبول است.
- از منابع موجود برای تبیین موضوعات مورد بحث به قدر کفایت استفاده شده است. میزان دقت در استنادات و ارجات اثر نیز قابل قبول است.

«در جستجوی نشانه‌ها (نشانه‌شناسی، ادبیات، و اسازی)»

مؤلف: جاناتان کالر<sup>۱</sup>

مترجم: لیلا صادقی و تینا امراللهی

ناشر: علم

سال نشر: ۱۳۸۸

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۴۷۱

- اندازه و نوع حروف‌نگاری مناسب است. البته این تناسب در پیوست کمتر دیده می‌شود.
- حاشیه در صفحه‌آرایی متناسب با اندازه کتاب نیست.
- صحافی ساده است.
- طرح جلد جذاب و جالب توجه ارائه نشده است. به ویژه ارتباط آن با محتوای اثر نیز کم است.
- اثر حاضر بر مبنای تحلیل‌های نظری استوار است و کاربرد تصویر و نمودار از آن مورد انتظار نیست.
- در مجموع به ویژه در معادل‌های انگلیسی کیفیت و میزان کاربرد اصطلاحات تخصصی مناسب است اما برخی از آن‌ها به خصوص معادل‌های غیر انگلیسی قابل تأمل است.

---

1. Culler, Jonathan D

## ۲۴۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- این اثر ادعای جامعیت ندارد، با این حال دارای گستره قابل توجهی برای بررسی وضعیت نشانه‌شناسی در دوره پساساختارگرایی است.
- میزان انطباق اثر با عنوان و فهرست مناسب است یعنی این که بهترین گزینه نیست اما بی‌ارتباط نیز نیست.
- می‌توان از مباحث این کتاب برای دروس و واحدهای نشانه‌شناسی، نظریه ادبی و نظریه هنری استفاده کرد.
- با توجه به این که کالر یکی از مهمترین نظریه‌پردازان اواخر قرن بیستم است، منابع و آرای به کار رفته مناسب و حائز اهمیت است، البته این کتاب در دهه هشتاد نوشته و دوباره در اوائل قرن بیست و یکم تجدید چاپ شده است.
- این کتاب در هنگام نوشتن از نوآوری‌های قابل توجهی برخوردار بوده است. حدود سی سال پیش نوشته شده است اما هنوز برای جامعه علمی مرتبط به ویژه در ایران مورد نیاز است.
- نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر مناسب است.
- چنان که گفته شد این منابع در زمان خود مناسب و کافی بوده‌اند. خود نویسنده به عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع در این زمینه به حساب می‌آیند.
- از نظر ترجمه مناسب است و جز در موارد اندک مشکل خاصی دیده نمی‌شود.
- همه ابعاد این رشته چنانچه باید دیده نشده است و امکان آن نیز وجود ندارد یعنی بیشتر نقطه نظر یکی از محققان آمریکایی در این حوزه نگارش شده است اما تا حد امکان تحلیل‌ها آکادمیک است.

## «کاربردشناسی زبان»

مؤلف: جورج یول

مترجم: محمد عموزاده و منوچهر توانگر

ویراستار: علی اصغر رستمی

ناشر: سمت

سال نشر: ۱۳۸۹

نوبت چاپ: چهارم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۱۶۸+ هفت

- اثر حاضر را می‌توان برای درس تجزیه و تحلیل کلام در مقطع کارشناسی رشته‌های زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان به عنوان منبع فرعی مورد استفاده قرار داد.
- قواعد ویرایش و نگارش رعایت شده است. اثر تا حد زیادی روان و رسا است و مفاهیم را با خواندن متن می‌توان به آسانی درک کرد. البته متن مبدا نیز متنی ساده و روان است و در زمره مجموعه‌ای از کتاب‌های پایه قرار دارد که انتشارات آکسفورد منتشر کرده است.
- در طول متن عمدتاً از رسم‌الخط واحدی پیروی شده است. اما از حیث ویرایش، بازخوانی و ویرایش متن به روان و رسا شدن بیشتر مطلب کمک خواهد کرد.
- با توجه به محدودیت‌ها و معیارهای سمت، اثر از حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و طرح جلد مناسب برخوردار است.

## ۲۴۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- اثر دارای ۹ فصل است و یکی از منابع برای درس تجزیه و تحلیل کلام خواهد بود. البته این اثر به تنهایی کافی نخواهد بود زیرا درس مورد نظر تجزیه و تحلیل کلام است و بسیاری از مفاهیم بنیادی تحلیل کلام در این کتاب بررسی نشده است.
- در تالیف اثر از اصطلاحات تخصصی در حد لازم و با توجه به خوانندگان عام اثر استفاده شده است.
- بسیاری از معادل‌ها از قبل در حوزه علوم اجتماعی به صورت مجزا یا ترکیبی وجود داشته است. اصطلاحات عمدتاً درست معادل‌یابی شده‌اند، اما ثبت برخی از آن‌ها در کتابنامه درست به نظر نمی‌رسد مثلاً *preferred* به تنهایی به معنای ساختار مرجح نیست بلکه به معنای مرجح یا ترجیحی است. یا *quality* راهکار کیفیت ترجمه شده است حال آن‌که بدون واژه *approach* این گونه نیست.
- کتاب دارای چند جدول و نمودار است. با توجه به موضوع کتاب استفاده از نقشه و تصویر ضروری نمی‌نماید. کتاب فاقد جمع‌بندی در پایان فصل و کل کتاب است و تمرینی ارائه نشده است اما شامل فصلی مقدماتی در ابتدای کتاب است.
- در درس تجزیه و تحلیل کلام بسیاری از استادان به طور گذرا به مفاهیم کاربردشناسی اشاره می‌کنند. لذا این اثر فاقد جامعیت برای کل درس است و ممکن است برای ۳-۴ جلسه از آن استفاده شود.
- یقیناً محتوای اثر با عنوان و فهرست مطابقت دارد اما به دلیل حجم کم آثار این مجموعه به مفاهیم به طور مفصل و کافی پرداخته نشده است.
- این اثر با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی برای درس تحلیل کلام مطابقت ندارد و هدف این اثر هم این نیست، اما با چند عنوان از سرفصل درس مطابقت دارد.
- همان طور که قبلاً اشاره شد این اثر برای ۳-۴ عنوان از سرفصل‌های درس تحلیل کلام مناسب است. با توجه به ترجمه‌ای بودن اثر برای کارشناسی ارشد رشته‌های زبان‌شناسی و آموزش فارسی به غیر فارسی زبانان مفید است.

## کاربردشناسی زبان ۲۴۷

- این اثر سال ۹۶ میلادی چاپ شده است. گرچه سرفصل‌های اصلی کاربردشناسی در آن وجود دارد اما به مفاهیم جدید مانند , interlanguage pragmatics impoliteness پرداخته نشده است.
- از نکات مثبت اثر می‌توان به ارائه مثال‌های فراوان برای تفهیم مطالب اشاره کرد. در کل این مجموعه نیز در پایان هر کتاب، متون برگزیده ارائه شده است.
- نظم منطقی و انسجام مطالب در هر فصل و کل اثر خوب است. روال منطقی لحاظ شده است. نخست به مفاهیم خاص‌تر و سپس مفاهیم عام‌تر پرداخته شده است.
- از آن‌جا که این اثر جنبه درسنامه در سطح پایه را دارد به منابع در چارچوب محدود اشاره شده است.
- در این اثر از منابعی بدون ذکر مأخذ آنها استفاده نشده است. این عادت در استادانی مانند جورج یول مشاهده نشده است. اما نکته مهم این است که با توجه به پایه‌ای بودن اثر بسیاری از مفاهیم مبتنی بر بررسی و قرائت آثار متعدد است که در کتاب ذکر نشده است.
- ارجاعات اثر بسیار کم است زیرا جنبه کتاب درسی دارد.
- ترجمه اثر ترجمه‌ای کامل است و عمدتاً از نظر سبک نیز ویژگی‌های متن مبدا رعایت شده است.
- گرچه متن نشانه‌های زیادی از ترجمه را به همراه دارد که اجتناب‌پذیر است، از روانی نوشتار برخوردار است و امانت در ترجمه عمدتاً رعایت شده است.
- در موارد معدود بنا بر ضرورت از پانویس استفاده شده است. بیشتر معادل‌ها قبلاً در حوزه علوم اجتماعی وجود داشته است.
- بازخوانی و ویرایش اثر و اصلاح کتاب‌نامه توصیه می‌شود.



## «معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی»

مؤلف: فرهاد ساسانی

ناشر: علم

سال نشر: ۱۳۸۹

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۵۷

- کتاب معناکاوی با زیر عنوان «به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی» یکی از آثار تالیفی نشانه‌شناسی در ایران محسوب می‌شود. چند سالی است که محققان ایرانی در کنار ترجمه کتاب‌های غربی به تالیف آثاری در حوزه نشانه‌شناسی نیز می‌پردازند و همین موضوع نشان از پیشرفت قابل توجه و امیدوار کننده در کشور دارد. در این رابطه برخی از محققان نظرات تازه‌ای را به دانش نشانه‌شناسی افزوده‌اند و حتی برخی نیز سخن از نظریه‌های نو در این قلمرو می‌زنند. کمتر دانشی به ویژه در علوم انسانی در این چند سال همانند نشانه‌شناسی رشد و توسعه یافته است و به جرأت می‌توان گفت که ایران در دانش نشانه‌شناسی به قطب بزرگی در منطقه و حتی آسیا تبدیل شده است. یکی از ویژگی‌های نشانه‌شناسی در ایران، تنوع موضوعی و گرایشی است و این ویژگی بیشتر به دلیل وجود خاستگاه‌ها و گرایش‌های محققان این دانش است. بخش مهمی از توسعه نشانه‌شناسی در کشور مدیون حلقه نشانه‌شناسی تهران است که مدت‌ها در فرهنگستان هنر فعالیت داشت و امروزه در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی مستقر است. امروزه گروه‌هایی همچون نشانه‌شناسی هنری در خانه

## ۲۵۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

هنرمندان ایران نیز که هسته مرکزی آن برخی از اعضای همین حلقه هستند، نقش به‌سزایی در گسترش و تعمیق این مطالعات دارند. مولف به طور منصفانه بر اهمیت این حلقه و تعاملاتش با اعضای آن بر آثارش سخن می‌گوید: «بی-شک نگاهی که اکنون به مسئله معنا دارم حاصل همین تعاملات و برهم‌کنش-هاست.»

- کتاب «معناکاوی» نوشته فرهاد ساسانی توسط نشر علمی به چاپ رسیده است. طرح روی جلد از ویژگی خاصی برخوردار نیست و از نظام کلامی به عنوان محور طراحی مورد استفاده قرار گرفته است. بازی برهم‌نشینی کلمات «معنا» و «کاوی» چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. این کتاب هفتمین اثر از مجموعه نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی نشر علمی محسوب می‌شود که زیر نظر فرزاد سجودی تا کنون آثار قابل توجهی را منتشر کرده است. گرچه صفحه‌آرایی نیز در مجموع مناسب است اما متأسفانه گاهی مشکلاتی به چشم می‌خورد. به طور مثال ص ۱۴۶ تنظیم صفحه به ویژه در پایین مشکل اساسی دارد.

- کتاب پس از یک پیش‌گفته و درآمد به دو بخش بزرگ تقسیم می‌شود: بخش یکم با عنوان معنا و معناپردازی و بخش دوم با عنوان سازه‌های معناپرداز. مولف در پیش‌گفته به مسائل تکوینی و ساختاری کتاب می‌پردازد و در آن از چگونگی شکل‌گیری و علل تاخیر آن سخن می‌گوید و به طور صمیمانه اما کلی در مورد دلیل و موانع همچنین عوامل تکوین اثر توضیح کوتاهی می‌دهد. توضیحات آنقدر کلی است که نبود آن‌ها لطمه‌ای به پیش‌گفته نمی‌زند. به طور مثال می‌نویسد که «سستی در این کار- که البته دلیلش کاهلی و تن‌پروری نبود - باعث شد این خواسته عملی نشود...» ص ۱ پس از آن هیچ توضیحی داده نمی‌شود که دلیل این سستی چه بوده است به همین روی چه نیازی برای گفتنش احساس می‌شود. همچنین در آغاز این مطلب می‌نویسد: «بود روزهایی که می‌خواستم نوشته‌هایی را که درباره‌ی معنا و معناشناسی،

## معناکاوی : به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی ۲۵۱

نشانه‌شناسی، ... داشتم بفشارم و شیرۀ آن را در یک مجموعه به صورت پیوسته و منسجم بیاورم...» پس از چند خط گفته می‌شود: «کنون که به پس می‌نگرم، گمان می‌کنم مهمترین مسئله در اغلب نوشته‌ها و دغدغه‌هایم «معنا» بوده باشد.» این طبیعی است کسی که بخواهد نوشته‌های معنا و معناشناسی را گردآوری کند نوشته‌هایش در خصوص «معنا» خواهد بود. این قبیل مطالب ارزش علمی و انسجام منطقی اثر را کمی خدشه‌دار می‌کند.

- مؤلف کتاب پانزده صفحه را به «درآمد» اختصاص داده است. درآمد با «پیش درآمد» شروع می‌شود. در پیش درآمد و در سازمان کتاب گاهی به تکرار پرداخته است که از نقاط ضعف این اثر به خصوص در بخش آغازین آن محسوب می‌شود. وی چندین بار به چگونگی شکل‌گیری اثر و چندین بار به ساختار اثر اشاره داشته و آن‌ها را تکرار می‌کند.
- بخش نخست با عنوان «معنا و معناپردازی» دارای سه فصل است: رویکردهای گوناگون به معنا، معنای معنا و نشانه‌شناسی: از رشته تا ترارشته. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این عناوین و موضوعات دارای هماهنگی نیستند. زیرا از یک سو به رویکردهای گوناگون پرداخته می‌شود، سپس به تعریف معنا با عنوان معنای معنا پرداخته می‌شود که همنشینی مناسبی و ترتیب بایسته‌ای نسبت به هم ندارند و دست آخر به یک دانش خاص و تحول آن یعنی «نشانه‌شناسی: از رشته تا ترارشته» پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد این فصول از مقالاتی گوناگون اقتباس شده و کنار هم چیده شده‌اند.
- در فصل «رویکردهای گوناگون به معنا» ساختاری منسجم به نظر نمی‌رسد. برای مثال در نخستین زیرفصل با عنوان «معنی در فلسفه و منطق» در حد یک صفحه به معنی در دو دانش مهم و اساسی درباره معنا پرداخته شده است. در این خصوص باید خاطر نشان کرد که یا این موضوع اهمیت یک زیرفصل دارد و در حوزه مطالعاتی این اثر قرار می‌گیرد، که در این صورت باید صفحه‌های متمادی را به تشریح و تبیین آن اختصاص داد یا این که موضوعی

اصلی یا اساسی نیست که در این صورت بهتر بود موضوع به صورت بسیار ناقص با عنوانی ویژه ارائه نمی‌شد. به نظر می‌رسد بهتر بود این اثر که قرار است به معنا در حوزه خاصی بپردازد وارد حوزه‌هایی که خود دارای ادبیاتی گسترده در مورد معنا هستند وارد نمی‌شد. مؤلف محترم نیز این موضوع را حس کرده است و به همین روی در پاورقی می‌نویسد: «موضوع «مروری بر دیدگاه‌های گوناگون معنا» عنوان تقریبی کتابی است که بعدها اقدام به تدوین آن خواهم کرد.» و در ص ۲۵ یادآوری می‌شود که درست پس از زیرفصل «معنی در فلسفه و منطق»، با زیرفصل دیگری با عنوان «معنی درون زبانی» مواجه می‌شویم و از خود می‌پرسیم آیا «معنی درون زبانی» یک رویکرد است؟ البته زیرفصل‌های دیگر تقریباً بر همین منوال هستند، مثلاً «کمینه‌های معنایی» عنوان زیرفصل سوم است. در نظر داشته باشیم که عنوان اصلی این بخش «رویکردهای گوناگون به معنی» است.

- بحث معنا و معنی نیز در این بخش خود مفصل است. زیرا اغلب محققان این رشته میان معنی و معنا تمایز قائل هستند. اما در این خصوص اثر یاد شده متأسفانه دارای اغتشاش زیادی است. به طور مثال عنوان فصل عبارت است از «رویکردهای گوناگون به معنا» اما چنانکه ملاحظه شد عناوین زیرفصل‌ها با استفاده از واژه «معنی» شکل گرفته‌اند. همچنین باید توجه داشت که در سرفصل‌ها عنوان فصل آمده است: «رویکردهای گوناگون به معنی».
- بخش دوم با عنوان «سازه‌های معناپرداز» دارای سه فصل است: متن، پیوندهای برون متنی و بینامتنی و در پایان بیناکنش. متن به عنوان یکی از مهمترین سازه‌های معنایی نخستین موضوعی است که مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- یکی از تقسیم‌بندی‌های کتاب تقسیم سازه‌ها و روابط درون متنی و برون متنی است. اما آن چیزی که برای محققى همچون مؤلف این کتاب موجب شگفتی است، قرار دادن روابط بینامتنی در حوزه روابط برون متنی است.

## معناکاوی : به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی ۲۵۳

همنشینی بینامتنیت با گفتمان یا بافت از این جهت تعجب دارد که مؤلف خود از نخستین کسانی است که به موضوع بینامتنیت پرداخته و تفاوت ماهوی میان روابط بینامتنی و روابط بافتاری را می‌شناسند. بهتر آن بود که این روابط به سه دسته اصلی تقسیم می‌شد: متنی (درون متنی)، بینامتنی و برون متنی (بافتاری). زیرا جهان نشانه‌ای یا سیمیوسیس دارای استقلال و اهمیت خاصی در حوزه مطالعات نشانه‌شناسی است. خود مؤلف نیز این مشکل را حس کرده است و بارها و به ویژه در آغاز فصل ششم زیرفصلی را با عنوان «مشکلات مقوله‌بندی متن و بیرون متن» به آن اشاره دارد. بنابر این مهم تعریف متن است که معیار تمایز از دیگر مفاهیم و حوزه تلقی می‌شود.

- همچنین تقلیل پیوندهای درون متنی به همنشینی و برون متنی به جانشینی نیز تقلیلی قابل تامل است. زیرا هم در خارج از حوزه متنی می‌توان شاهد روابط همنشینی بود -مثلاً در روابط بینامتنی- و هم در درون یک متن می‌توان روابط جانشینی را مشاهده کرد. همچنین روابط دیگر زیادی به غیر از این دو رابطه وجود دارد که به آنها پرداخته نشده است.
- سپس وی به حق بر معنای گسترده متن -حتی برای چندمین بار- تاکید می‌کند. وی می‌کوشد تا این پیش فرض را که متن را صرفاً نوشتاری در نظر می‌گیرند، رد کند و گستره متن را همانند ساختارگرایان پیش می‌برد. برای مؤلف همانند بسیاری از محققان حوزه نشانه‌شناسی متن فقط نوشتار نیست بلکه گفتار را نیز در برمی‌گیرد. همچنین حوزه متن از نظام کلامی -چه نوشتار و چه گفتار- فراتر می‌رود و دیگر نظام‌های نشانه‌ای همچون تصویری، نمایشی یا سینمایی را نیز شامل می‌شود.
- یکی از امتیازات این کتاب، نمونه‌هایی است که گاه‌گاهی در مورد فرهنگ و ادبیات ایرانی ارائه می‌دهد و امکان کاربردی کردن نظرات کتاب را برای خوانندگان علاقه‌مند فراهم می‌آورد. همین مسأله است که تألیفی بودن کتاب را پر رنگ می‌کند و امید یک نگرش و پردازش بومی را موجب می‌شود. یکی

## ۲۵۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

دیگر از امتیازات این کتاب تسلط خوب مؤلف به زبان انگلیسی است. وی خود از مترجمان این زبان به‌ویژه در حوزه نشانه‌شناسی محسوب می‌شود و در این خصوص چندین کتاب ترجمه کرده یا ویراستار آثار ترجمه شده است. همین موضوع به مؤلف امکان داده است تا در معادل‌یابی اشتباهات کمی داشته باشد.

- پیش از به پایان بردن مطلب، مناسب است به موضوعی اشاره شود، که شاید باید اول به آن پرداخته می‌شد؛ یعنی عنوان کتاب. عنوان کتاب مهمترین پیرامتن محسوب می‌شود و پیرامتن نقش آستانه را برای ورود به متن ایفا می‌کند. کارکرد پیرامتن ترغیب مخاطب به سوی متن است. عناوین با توجه به گونه اثر - هنری یا علمی یا روزنامه ای ...- دارای ویژگی‌های خاصی هستند. عنوان اصلی کتاب حاضر «معناکاوی» و عنوان دوم، «به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی» است. رابطه میان عنوان نخست و عنوان دوم روشن و به اندازه کافی شفاف نیست. «معناکاوی» حوزه بسیار گسترده‌ای را از معرفت، از نوع دینی تا انسانی دربرمی‌گیرد. اما نشانه‌شناسی یکی از دانش‌هایی است که به معنا با تعریف خاص خود و به شیوه خاص خود می‌پردازد. برای مثال مفسران کتاب‌های مقدس نیز در جست و جوی معنا هستند و معناشناسی و حتی معناکاوی می‌کنند؛ ولیکن آیا آن‌ها را می‌توان در زمره نشانه‌شناسان قلمداد کرد؟ به یقین نه و فکر می‌کنم مؤلف محترم نیز با این رأی هم عقیده باشد. اما آیا باید آنها را از زمره معناشناسان یا معناکاوان خارج کرد یا این که باید علمای هرمنوتیک را از این زمره متمایز نمود؟ به همین روی اگر اثر می‌خواست حوزه معناشناسی را در مفهوم عمومی آن مطالعه کند، مناسب است در عنوان فرعی نیز از «به سوی معناشناسی اجتماعی» استفاده کند. اما اگر می‌خواهد همچنان در قلمرو نشانه‌شناسی به مطالعه بپردازد و معنا را در این حوزه بررسی کند مناسب است از عنوان فرعی «به سوی نشانه‌کاوی

## معناکاوی : به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی ۲۵۵

اجتماعی» یا با توجه به اصطلاح دکتر شعیری «به سوی نشانه-معناکاوی اجتماعی» استفاده می‌کرد.

- از نقاط مثبت دیگر این اثر امانت داری در منابع و مراجع است که متأسفانه امروزه کمتر به چشم می‌خورد. البته مناسب بود به محققان ایرانی این حوزه افرادی که موجب انتقال بخش گسترده از میراث نشانه‌شناسی اروپای غربی، اروپای شرقی و آمریکا و به ویژه کاربردهای آنها در ادبیات و هنر کشورمان شده‌اند، اشارات بیشتری می‌شد. در پایان لازم به یادآوری است که کتاب حاضر از آثار ارزشمند تألیف شده حوزه نشانه‌شناسی اجتماعی در ایران قلمداد می‌شود و تاثیر مثبت خود را بر جامعه علمی گذارده و همچنان خواهد گذارد. مطالب حاضر ادعای کامل بودن ندارد، نه در اشارات به نقاط مثبت آن که بی‌شمارند و نه نقاط قابل تأمل و شاید بتوان گفت ضعف آن. امید است در آینده نیز شاهد آثار دیگری از این مؤلف فرهیخته باشیم.



## «مبانی زبان‌شناسی متن»

مؤلف: پرویز البرزی

ناشر: امیرکبیر

سال نشر: ۱۳۸۶

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۱۵

### بررسی شکلی

- نگارش اثر از نظر روان و رسا بودن خوب است.
- قواعد ویرایش و نگارش به خوبی رعایت شده است.
- صفحه‌آرایی کتاب خوب است. لیکن بهتر بود که حروف آن قدری درشت‌تر می‌بود تا خواندن آن راحت‌تر گردد.

### بررسی محتوایی

- از اصطلاحات تخصصی رایج زبان‌شناسی استفاده شده است و کیفیت معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی خوب است.
- کتاب بحث‌های خوبی را ارائه می‌دهد، اما به نظر می‌رسد که با سرعتی بالا از بحث‌های مقدماتی به بحث‌های تخصصی می‌رسد، لذا برخی مطالب را پیش‌فرض می‌انگارد. البته تمرین یا پرسش در کتاب نیست و لذا این کتاب برای دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مناسب است.
- میزان جامعیت محتوا و موضوع اثر با توجه به اهداف درس خوب است، ولی باید برخی بخش‌های آن آسان‌تر گردد تا برای دانشجویان دوره کارشناسی هم قابل استفاده باشد.

## ۲۵۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- میزان انطباق اثر با عنوان و فهرست آن خوب است و از الگوی سایر کتاب‌های استاندارد در این رشته پیروی کرده است. تقریباً همین سرفصل‌ها در دیگر کتاب‌ها هم رعایت شده‌اند.
- مطالب اثر با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی مطابقت دارد. به نظر می‌رسد شورای عالی برنامه‌ریزی نیز باید تا حدودی خود را با مطالب جدید سازگار کند و به روزتر شود.
- این اثر برای تدریس در دوره کارشناسی بسیار سنگین است. برای دوره کارشناسی ارشد خوب است. لیکن برخی بحث‌ها مانند نظریه آستین (Austin) و سرل (Searle) باید قدری بومی‌سازی بشوند. برای دانشجویان دوره دکتری می‌تواند به عنوان کتابی کمکی و جنبی مطرح باشد.
- با توجه به تخصص مولف و تسلط ایشان بر زبان آلمانی، مطالب خوب بیان شده است. ظاهراً مطالب انگلیسی را مولف محترم با واسطه منابع و ترجمه‌های آلمانی آورده‌اند.
- نوآوری اثر در ارائه مثال‌های فارسی است. زیرا به فهم سریع‌تر مطالب برای مخاطب ایرانی یا فارسی‌زبان بسیار کمک می‌کند.
- نظم منطقی و انسجام مطالب در اثر به صورت کلی خوب است.
- مولف محترم از آثاری که به زبان‌های فارسی، انگلیسی، آلمانی و فرانسوی بوده است به حد کفایت استفاده کرده است و مثال‌های فارسی خوبی را جمع‌آوری کرده است.
- میزان دقت در استنادات و ارجاعات خوب و استاندارد است.
- در این اثر از نظریه‌های مطرح و موجود زبان‌شناسی بهره‌برداری شده است.
- اثر فاقد ابعاد سازنده یا مخرب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.
- معادل‌های به‌کار رفته در این کتاب اکثراً درست و به‌جا است.

## «زبان روزنامه»

مؤلف: دانوتا ریچ

مترجم: گروه مترجمان

ویراستار: فریده حق‌بین

ناشر: علم

سال نشر: ۱۳۸۸

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۴۷

- عنوان اثر **زبان روزنامه** است. بعد از کلیاتی درباره تعریف خبر و روزنامه، فصل دوم کلاً به تیترو ویژگی‌های زبان‌شناختی آن می‌پردازد. فصل سوم نشان می‌دهد چگونه مخاطب خود را خود تعریف می‌کند و به او در قالب نوشته‌های روزنامه هویت می‌دهند. فصل چهارم نشان می‌دهد به لحاظ ساخت‌واژی چه امکاناتی در اختیار داریم تا بتوانیم استفاده‌ای ایدئولوژیک از زبان بکنیم. فصل بعد امکانات نحوی و فصل آخر امکانات گفتمانی‌ای را که در زبان موجود است برای خواننده به ارمغان می‌آورد. نظم کتاب از مباحث آسان به سخت است. فصل ۲ مربوط به تیترو است که از استدلال‌های ساده زبانی استفاده شده است. اما در فصل بعد به تدریج استدلال‌های زبانی پیچیده‌تر می‌شوند ابتدا جنبه‌های ساخت‌واژی و سپس جنبه‌های نحوی و سرانجام برخی جنبه‌های گفتمانی پیچیده در فصل آخر طرح می‌شود. کتاب حاضر توسط چند نفر ترجمه شده است و سپس توسط خانم دکتر

## ۲۶۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

حق‌بین ویراستاری شده است. با این حال تفاوت‌هایی به لحاظ روانی ترجمه در فصول مختلف مشاهده می‌شود. بعضی از فصول چندان روان نیستند.

- متن مورد نظر به لحاظ نثر فارسی چندان روان و رسا نیست و به دلیل تحت‌اللفظی بودن بسیاری بخش‌ها لغزش‌های املائی و ساخت‌های نامأنوس با خواننده ارتباط مناسبی برقرار نمی‌کند. متأسفانه این متن هنوز به ویرایش نیاز دارد. این مسأله به ویژه در مورد علائم نقطه‌گذاری و رسم الخط مصداق پیدا می‌کند. برای مثال، کسره اضافه مختوم به «ه» به چهار صورت «ه، ه، هی، ه» آمده است. از این قبیل نکته‌ها در متن فراوان است.

- از لحاظ حروف‌نگاری متن از کیفیت لازم برخوردار نیست. مثلاً نام نویسنده روی جلد «ریح» و در صفحه شناسنامه کتاب به صورت «ری» درج شده است. قلم مورد استفاده ریز و کمرنگ است. فضاهای خالی و غیر ضروری صفحات زیاد است.

- متن انگلیسی این اثر می‌تواند برای ۶ جلسه آموزشی درس «خواندن متون مطبوعاتی» جهت آشنا کردن دانشجویان با زبان مطبوعات در دوره کارشناسی زبان انگلیسی به کار رود. اما به تنهایی نمی‌تواند همه این درس را پوشش دهد. این اثر به این لحاظ که ترجمه است به تنهایی برای دانشجویان زبان انگلیسی مناسب نیست. احتمالاً این کتاب برای رشته‌هایی همچون روزنامه‌نگاری می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. اصل انگلیسی کتاب نیز برای تدریس متون مطبوعاتی تا حدی کارآمد است. در کنار این اثر مطالعه مطبوعات روز و اصطلاحات تخصصی رایج در آن‌ها الزامی است. این کتاب (در صورت اصلاحات) می‌تواند برای درس‌های «روزنامه‌نگاری عملی» و «شیوه نگارش فارسی در مطبوعات» در مقطع کارشناسی رشته روزنامه‌نگاری به عنوان منبع فرعی به کار رود. همچنین برای درس تحلیل گفتمان در رشته زبان‌شناسی همگانی (مقطع کارشناسی ارشد، به عنوان منبع فرعی) می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. سایر منابع مشابه برای استفاده در رشته روزنامه‌نگاری عبارتند از:

✓ شکرخواه، یونس. (۱۳۸۵). خبر. تهران: مرکز مطالعات رسانه‌ها

## زبان روزنامه ۲۶۱

- ✓ نصراللهی، اکبر. (۱۳۸۲). اصول خبر نویسی. تهران: سروش.
- ✓ توکلی، احمد. (۱۳۸۹). خبر نویسی پیشرفته. تهران: ثانیه.
- چون این کتاب مقدماتی است از منابع تحقیقی گوناگون استفاده نکرده است. برای همین هیچ فهرست منابعی در انتهای کتاب نیامده است. در این اثر به هیچ منبعی ارجاع داده نشده است و ارجاعات بسیار اندکی به متون تخصصی دارد.
- از لحاظ کاربرد اصطلاحات تخصصی کتاب مشکلی ندارد. به علاوه اطلاعات ارزشمندی در مورد چگونگی تحلیل متون روزنامه‌ها به خواننده داده می‌شود. در بعضی موارد مترجم در ساختارهای دستوری زبان انگلیسی گیر کرده است (مانند جمله اول صفحه ۱۴۱، جمله دوم پاراگراف سوم ص. ۱۰۱ و غیره). معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی به خوبی انجام شده است اما برابر انگلیسی آن‌ها در پانویس نیامده و واژه‌نامه پایانی هم که بر اساس الفبای انگلیسی تدوین شده، چندان قابل استفاده نیست.
- متن نسبتاً روزآمد است و به خوبی از نتایج بررسی‌های جدید انتقادی و جامعه‌شناسی در تحلیل زبان روزنامه بهره برده است. به لحاظ اصول و قواعد تحلیل زبانی متون روزنامه‌ای این اثر جدید و روزآمد است اما روزنامه‌ها عموماً مربوط به ده سال پیش یعنی ۲۰۰۱ است.
- هر فصل از کتاب مقدمه، تمرین، خلاصه، تصویر و ... است که برای آموزش و فهم موضوع به خواننده کمک می‌کند.
- محتوای اثر «زبان روزنامه» به خوبی با عنوان اصلی و عناوین مندرج در فهرست مطابقت دارد. سرفصل درس «تجزیه و تحلیل گفتمان» در رشته زبان‌شناسی رابطه بین زبان و مطبوعات را در بر نمی‌گیرد که به نظر می‌رسد باید مورد بازنگری قرار گیرد.
- نوآوری اثر در به‌کارگیری مفاهیم مطرح در مطالعات انتقادی و جامعه‌شناختی در تحلیل متون روزنامه‌هاست. خواندن اثر برای علاقه‌مندان به زبان مطبوعات می‌تواند بسیار جالب باشد. هر چند متن ترجمه هنوز به ویرایش جدی نیاز دارد.

## ۲۶۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- کتاب از نظم و انسجام منطقی برخوردار است.
- در این اثر منبع برخی مطالب مشخص نیست. مثلاً تعاریف مختلفی از مفاهیم ارائه می‌شود اما بدون ذکر منبع، مانند تعریف «نحو» در صفحه ۱۴۱، اما شاید به عنوان یک اثر مقدماتی و درسی انتظار ارجاعات تخصصی و زبان فنی از این متن چندان مناسب نباشد.
- در ترجمه اثر وفاداری به متن اصلی نسبتاً رعایت شده است. البته ترجمه چندان روان و خواننده پسند نیست. از لحاظ امانت‌داری مشکل زیادی به چشم نمی‌خورد اما متنی خیلی روان و رسا در برابر خواننده قرار ندارد. فراوانی عبارات نامأنوس خواندن بخش‌هایی از متن را مشکل می‌سازد.
- برخی پاورقی‌ها تلاش می‌کنند ارتباط قواعد مطرح شده در کتاب را با نمونه‌های ایرانی و فارسی روشن سازند. توضیحات و پانوشتهایی مناسبی به صورت پانوشته توسط مترجمین یا ویراستار محترم اضافه شده‌اند (مانند پاورقی‌های توضیحی در مورد برخی مسائل فرهنگی و تاریخی برای خوانندگان ایرانی در صفحات ۷۷، ۹۹، ۱۰۳، ۱۴۴ و ...).
- این اثر برای علاقه‌مندان به تحلیل گفتمان مطبوعات می‌تواند آموزنده باشد و مقدمه مفید آن یکی از محاسن اثر است که خواننده غیر متخصص را درگیر پیچیدگی‌های اصطلاح‌شناختی نمی‌کند. ویرایش جدی آن و رفع اشکالات شکلی و افزودن نمایه پایانی می‌تواند متن را برای خواندن مناسب‌تر سازد.
- طرح جلد کتاب ساده است. به نظر می‌رسد اطلاعات ارائه شده روی جلد کتاب می‌توانست بهتر تنظیم شود. به این ترتیب که:
  - ✓ نخستین عبارت روی جلد [مجموعه نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی-۳] مربوط به اصل کتاب نیست و صرفاً اطلاعاتی در مورد شماره موضوعی کتب انتشارات علم در این زمینه است.
  - ✓ حق معنوی گروه مترجمان که‌رنگ شده است. بهتر بود نام مترجمان روی جلد آورده می‌شد.

## زبان روزنامه ۲۶۳

✓ عبارت «به کوشش فریده حق‌بین» گویای این مسأله است که خانم دکتر حق‌بین به نوعی نظارت بر ترجمه را بر عهده داشته‌اند. بهتر بود چیدمان اطلاعات ارائه شده در خصوص افرادی که کار ترجمه را بر عهده داشتند به شیوه‌ای بود (با اندازه‌ای متفاوت) که نشان‌دهنده میزان فعالیت آن‌ها باشد. البته این نکته در شناسنامه کتاب رعایت شده است.

✓ در صفحه عنوان آمده است: «زیر نظر فرزانه سجودی». به نظر می‌رسد این عبارت بهتر بود در مقدمه مترجمان می‌آمد. هر چند که شاید غرض این است که به خواننده القا شود که مجموعه نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی انتشارات علم زیر نظر دکتر سجودی است.

- در صفحات ابتدایی کتاب دکتر حق‌بین به عنوان ویراستار علمی اثر معرفی شده‌اند که بهتر بود این نکته روی جلد نیز ذکر می‌شد.
- در مقدمه ویراستار نام دو مترجم دیگر نیز مطرح شده است. علت حذف نام این دو مترجم هم در صفحه عنوان و هم در صفحه شناسنامه اثر چیست؟
- فونت به کار رفته در متن کتاب ریز است. صفحه‌آرایی کتاب می‌توانست خیلی بهتر باشد. تو رفتگی اول پاراگراف‌ها رعایت نشده است. از علائم سجاوندی به درستی استفاده نشده است (برای مثال «---» مربوط به انگلیسی است و در فارسی باید از «---» استفاده شود). نیم‌فاصله رعایت نشده است. در پاراگراف‌بندی‌ها باید تجدید- نظر شود.
- مقدمه ویراستار شماره صفحه ندارد.
- در طبقه‌بندی ارائه شده از روزنامه‌ها بهتر بود نام برخی از روزنامه‌هایی که در ایران چاپ می‌شوند ذیل هر طبقه یا در پانویس می‌آمد. علاوه بر این مأخذ طبقه‌بندی تونستال ۱۹۹۶ بهتر بود در متن همان پاراگراف بیاید نه به صورت جمله داخل پرانتز. رعایت این حد از امانت‌داری به خوانایی و روانی متن فارسی آسیب می‌زند.
- پاراگراف‌بندی و صفحه‌آرایی ضعیف اثر سیالیت ذهن خواننده را برای دنبال کردن مطالب کند می‌کند.

## ۲۶۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در صفحه ۳ بهتر بود به جای تیتراژ فعالیت «تمرین» انتخاب می‌شد.
- اسامی روزنامه‌ها بهتر است به صورت ایرانیک باشد.
- در صفحه ۴ در واژه نیورک، «ک» از «ر» فاصله گرفته است.
- در دو خط مانده به آخر (همان صفحه) «در این» باید به صورت «در این» (با فاصله) باشد.
- اطلاعات ارائه شده در صفحه ۴ خیلی بد تنظیم شده است. به جای شماره صفحه باید عبارت «تعداد صفحات» استفاده می‌شد. در کل بهتر بود اطلاعات به صورت جدول و منظم‌تر ارائه می‌شد.
- متن نیاز به ویرایش اساسی دارد و هنوز متن رنگ و بوی ترجمه دارد.
- جملات داخل پرانتز بهتر بود در بسیاری جاها به صورت پانوشت ارائه می‌شد.
- در دو جمله آخر پاراگراف آخر، صفحه ۶ نقطه بین دو جمله نیامده است. البته نیاز به ویرایش نیز احساس می‌شود.
- کلمه News باید در پانوشت بیاید (صفحه ۶).
- در صفحه ۷ آمده است: «روزنامه‌ها نمی‌توانند همه چیز را بگیرند» به نظر می‌رسد منظور «در بر بگیرند» است.
- هنگام خواندن متن، خواننده خود را در مسیر توصیف و تحلیل روزنامه‌هایی می‌بیند که اصلاً ندیده است. خود این امر گسستگی ایجاد می‌کند و از پیوستگی و انسجام متن می‌کاهد.
- صفحه ۹ کلمه «متمردانه» کلمه‌ای خوش‌فهم نیست. در صفحه ۱۰ منظور از کلمه «چشایر» چیست؟
- در صفحه ۱۱ آمده است: «... نظریه برنشتاین را درباره ... زبان را اثبات کرده»، را دوم اضافی است.
- به هیچ وجه استفاده درستی از نقطه و ویرگول نشده است. در برخی کلمات «ی» برای نشان دادن کسره اضافه آمده است و در برخی دیگر صرفاً «ه غیر ملفوظ» و از «ه» کمتر استفاده شده است.

## زبان روزنامه ۲۶۵

- برخی از پاراگراف‌ها منسجم نیستند و روانی و رسایی ندارند مانند پاراگراف آخر صفحه ۱۰.
- در صفحه ۱۲ آمده است: «رمان و متون روزنامه‌ای بسیار کوتاه و موجز هستند ۴۲ و ۴۳ کلمه». آیا رمان ۴۲ کلمه‌ای است. به نظر می‌رسد مترجم معادل نادرستی را انتخاب کرده است.
- یکی از مشکلات حین خواندن متن این است که خواننده در پیدا کردن مصادیق اسامی و عناوین روزنامه‌های به کار رفته دچار سردرگمی است. به همین دلیل خواننده از خود می‌پرسد مطلب حاضر در مورد چه چیزی است؟
- منظور از «کلمات رسمی» در صفحه ۱۲ پاراگراف دوم چیست؟
- در پانوش صفحه ۱۴ سال‌های شمسی باید به صورت کامل ثبت شود (۱۳۷۸).
- آخرین جمله به این شکل اصلاح شود، «... روزنامه‌های ایرانی به مطالعه دقیق تری نیاز داشته باشد».
- در صفحه ۱۵: «نگارش هیأت تحریریه ...» بهتر است.
- نیز در همین صفحه «۱۱ شرکت وجود داشتند که صاحب روزنامه بودند» این جمله لفظ به لفظ ترجمه شده است.
- در صفحه ۱۷ به تحلیل صفحه ۵ اشاره شده است در صورتی که تحلیل مدنظر در صفحات ۴ و ۵ ارائه شده است.
- در صفحه ۱۸، علائق تجاری و سیاسی فراوان منظور چیست؟
- ۲۳: منظور از «متن بی‌نظیر» چیست؟
- ۲۳: محدود شدن نویسنده در تیتراژ (فضا، اندازه و نوع تایپ) نیاز به توضیح بیشتر دارد و شاید اصطلاح دیگری باید مورد استفاده قرار گیرد.
- ۲۴: منظور از «ایجاد تیتراژ روزنامه» چیست؟
- موارد متعددی در هر صفحه از اشکال در استفاده از نیم فاصله، نقطه ویرگول، پرانتز، کسره اضافه و ... دیده می‌شود که به روانی متن آسیب می‌زنند.
- ۲۵: روزنامه‌اتان اشتباه است.

## ۲۶۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- ۲۵: تیترها ترجمه شده‌اند به صورت غیر حرفه‌ای و همچنین ابتدا ترجمه فارسی آمده و بعد ترجمه انگلیسی که این هم اشکالی دیگر است.
- تیترها (ص. ۲۵ مورد ۱ و مورد ۸ و ۹ در صفحه ۲۶) به صورت جمله ترجمه شده-اند که نادرست است.
- مشکل ترجمه تیترها در تمرین‌های دیگر نیز در کتاب مشاهده می‌شود.
- ۲۷: «در کشان» به صورت جدا تایپ شده است.
- موارد زیادی از شروع جمله بدون فاصله (درست بعد از نقطه پایانی جمله بعد) در هر صفحه دیده می‌شود.
- ۲۷: حول چه محوری است، کمی غریب است.
- ۲۸: در پانوش «کتک کاری» به صورت «کتکاری» آمده است.
- شماره پانوش در هر فصل جداگانه به ترتیب آمده است. انتظار می‌رود یا در هر صفحه شماره‌گذاری مجزا باشد یا به صورت کلی در کل کتاب شماره‌ها به دنبال هم بیاید.
- ۲۸: منظور از «موج برانگیز» چیست؟
- ۳۰: منظور کردن تیترا به چه معنا است؟
- ۳۰: بهتر نیست به جای «واژه‌گذاری» معادل ملموس‌تر «انتخاب واژه» معادل ملموس‌تر انتخاب کرد.
- در صفحات ۳۱ تا ۳۹ پانوش ارائه شده به درک متن کمک می‌کند.
- ۳۴: تیترا در پایین صفحه قرار گرفته است.
- ۳۵: در پانوش بعد از «العبریه» فاصله تا کلمه بعد زیاد است.
- ۳۷: جزایر «فاکند» به صورت «فالکلند» اصلاح شود. همچنین در پاورقی اصلاح شود.
- فونت انگلیسی باید ریزتر شود.
- با فاصله و بی‌فاصله‌نویسی در سراسر متن رعایت و یکسان شود.
- ۴۳: تیترا در پایان صفحه؟

## زبان روزنامه ۲۶۷

- ۴۵: متن چاپی تیتراژ کمی نامفهوم است.
- ۴۵: بعداً به صورت «بعداً» اصلاح شود.
- ۴۷: تیتراژ آخر صفحه به صفحه بعد انتقال یابد.
- فصل دوم نسبت به فصل اول روان تر ترجمه شده است. به طور کلی صفحه‌آرایی و استفاده از اندازه و فونت‌های مختلف در متن بسیار ضعیف است.
- صفحه ۵۱: «جان به در بردن» بهتر است با «جان سالم به در بردن» جایگزین شود.
- ۵۲: وسط صفحه اصابت هواپیما بر روی بزرگراه نادرست است.
- عنصر «تجارت شانس» منظور چیست؟
- ۵۳: فرصت زنده کردن ستاره خانواده سلطنتی ترکیب نامفهومی است.
- ۵۴: استفاده از اعراب برای کلمه پانوش ۱۶ ضروری است.
- در فصل دوم ایرانی‌ها شدن کلمات به درک متن کمک می‌کند.
- در حالت کلی جدول‌ها ضعیف ارائه شده‌اند.
- ۶۶: «روز نامه» در دو سطر آمده است.
- اسامی انگلیسی به صورت پانوشت بیاید.
- ۶۶: ارجاع درون متنی به شیوه APA نیست.
- ۶۸ و ۶۹: «هولاهویس» یا «هولاهوپس»؟
- ۶۹: رأی ۵-۱ منظور چیست؟
- ۷۱: کیسه بادکرده؟
- ۷۵: پاراگراف‌بندی مشکل دارد. بهتر است دو پاراگراف آخر یکی شود.
- فصل سوم از دو فصل قبل روان تر است.
- ۹۱: بریتانی‌ها یا بریتانیایی‌ها ، اصلاح شود.
- ۹۲: کمی بادکنک یا چند تا بادکنک. ضمناً این مسأله فرهنگی است و معادل بهتری باید انتخاب شود.
- ۹۳: آینده‌اشان بسیار نامأنوس است.

## ۲۶۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- ۹۵: «سرمقاله جمع‌آوری کنید» خیلی مناسب نیست.
- ۹۸: چرا لزوماً «تجارب آزاردهنده»؟
- در فصل سوم مخاطب ضمنی ولی در فصل چهارم مخاطب تلویحی آمده است. عدم هماهنگی بین مترجمان دیده می‌شود.
- ۹۹: معادل توانای متفاوت در پانوشت بیاید.
- ۹۹: «جنس‌اشان» به «جنسیت‌شان» تغییر یابد. همچنین «جنسی‌اشان» به «جنسی‌شان».
- ۱۰۰: «مطبوعات در آمریکا، روزنامه‌های قطع کوچک منتشر می‌کنند...» آیا مطبوعات روزنامه‌های قطع کوچک منتشر می‌کنند؟
- ۱۰۱: در پاراگراف دوم بهتر است مبتدا «انتخاب واژگانی...» در ابتدای جمله بیاید.
- ۱۰۳: مثال‌های ارائه شده برای نام مستعار چندان جالب نیستند.
- ۱۰۳: عنوان «نوع رابطه با افراد نامیده شده» چندان رسا نیست.
- ۱۰۷: در پاراگراف سوم «به تعویق انداخت» باید با فعل دیگری جایگزین شود و بهتر است ساختار جمله نیز تغییر یابد.
- ۱۰۹: «مقدمات پخش مستقیم» با «مسئولان برنامه‌های پخش زنده» با معادلی دیگری جایگزین شود.
- فونت سر صفحه با فونت متن نباید یکی باشد.
- بسیاری از تیتورها در زبان فارسی چندان معنادار نیستند: ۱۱۶، ۱۱۵ و ...
- ۱۴۲: مثال ۳ اشکال تایپی دارد. ترجمه مثال‌ها باید بعد از ارائه اصل مثال بیاید.
- ۱۴۳: «پل»؟
- ۱۴۳: در معرفی «کنش‌گر»، «کنش»، و «کنش‌پذیر» بهتر بود منسجم‌تر عمل شود.
- ۱۴۴: در معرفی افعال تشدیدی نام شرکت‌کننده‌ها باید تجدید نظر شود.
- به طور کلی در معرفی مفاهیمی که در بخش نحو آمده‌اند در فصل پنجم بهتر بود اشاره‌ای هم به صورت پانوشت به دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلییدی (فرانقش

## زبان روزنامه ۲۶۹

تجربی) می‌شد. مطالب این بخش برای آشناسدن پژوهشگران با زبان روزنامه (ساختار نحوی) مناسب است.

- ۱۵۵: صفحه‌آرایی و پاراگراف‌بندی چندان مناسب نیست.
- در ترجمه جملات صفحات ۱۶۰ و ۱۶۱ ابتدا انگلیسی بیاید سپس فارسی.
- ۱۷۰ و ۱۶۶: «پاوند» به صورت «پوند» تصحیح شود.
- فصل پنجم به نسبت روان‌تر و خواناتر است و مباحث زبان‌شناسی بیشتری را معرفی می‌کند.
- ۱۸۹: modality، «الگوهای وجهی» ترجمه شده است، به نظر می‌رسد در فصل پنجم چنین معادلی برای آن انتخاب نشده است.
- فصل ششم بر تحلیل نقش‌گرایانه است. در حقیقت در فرانش منطقی دستور نقش‌گرای نظام‌مند بحث انسجام متن مطرح می‌شود. ارجاع، حروف ربط، انسجام واژگانی و انسجام دستوری همه از مباحث مطرح شده در هلیدی (۱۹۹۴) و هلیدی و متیسون (۲۰۰۴) است.
- ۲۱۳: آغاز مبحث کاربردشناسی زبان است که جالب است. البته می‌توان انتظار داشت که به صورت مبسوط‌تر به مسأله پرداخته شود.
- ۲۱۵: معادل انگلیسی اصول‌گرایی (اصول چهارگانه) در پانوشت بیاید در فصل ششم گیومه‌ها معمولاً نادرست هستند.
- ۲۲۱: جدول در فرمت بهتری تنظیم شود.
- صفحات ۲۲۲ و ۲۲۳: عنوان جدول‌ها در بالا اضافه شود.
- جدول ۲۲۱ و ۲۲۳: از راست به چپ تنظیم شود.
- صفحات ۲۲۷ و ۲۳۰: بسیار در صفحه‌آرایی و استفاده از فونت و سایر امکانات بد عمل شده است.
- واژه‌نامه توصیفی بر مبنای واژه‌های انگلیسی است باید بر مبنای واژه‌های فارسی مرتب می‌شد.
- ۲۳۴: واژه؟

## ۲۷۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- ۲۳۵: «وجه‌نمایی» معادل مناسب‌تری برای modality است.
- در مجموع کتابی مقدماتی است که فصل‌های پنجم و ششم در آن می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. مباحث کتاب به دلیل استفاده از شواهد از روزنامه‌های انگلیسی زبان کمی سنگین است. البته زبان متفاوت مترجمان - که در بعضی موارد طعم تازه کار بودن کاملاً شفاف است- و همچنین مشکلات زیادی که در ویرایش، استفاده از علائم سجاوندی و حتی استفاده درست از زبان فارسی دیده می‌شود منجر به ناخوانا شدن متن گردیده است. زبان ترجمه در بسیاری موارد ساختار زبان اصلی را انتقال داده است که این امر چندان خوب نیست.

## «مباحثی در دوزبانگی از دیدگاه علوم اجتماعی»

مؤلف: امیلیا نرسیسیان

ناشر: سازمان میراث فرهنگی

سال نشر: ۱۳۸۲

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۲۴۸

- کتاب حاضر نخستین کتابی است که به صورت مجموعه مقالات در باب دوزبانگی نگاشته شده است. مولف محترم در این مجموعه مقالات، آثار خود را آورده است و در مقدمه مبسوط خود دلیل آوردن هر مقاله را ذکر کرده است و بسیار مختصر در مورد هر یک توضیح داده است. در مجموع کتاب حاضر اندیشه‌های ناب خانم دکتر نرسیسیان را مطرح می‌کند که شایسته تقدیر است و قابل ارجح، به این دلیل که چنین مجموعه‌ای تا به حال توسط چنین فردی گردآوری نشده است چه ایشان خود نویسنده تمام مقالات نیز هستند. مواردی نیز باید اصلاح شود که به شرح زیر است:
- در صفحه شناسنامه کتاب آمده است: نرسیسیان= امیلیا - باید به جای مساوی، کاما قرار بگیرد.
- در همان صفحه شناسنامه کتاب «نرسیسیان» نادرست است.
- در صفحه ۹ خط ۴ «ضروی» به صورت «ضروری» تصحیح شود.

## ۲۷۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- علائم سجاوندی در برخی موارد تصحیح شود: صفحه ۹ در خط آخر (نقطه پایانی)؛ صفحه ۱۰ فاصله بعد از نقطه (در دو خط بالا) در شروع جمله.
- بهتر بود عناوین هر گفتار در قسمت بالای هر صفحه می‌آمد.
- ص ۲۷: نقطه بعد از پرانتز در پاراگراف اول
- ص ۲۹: «چنان» به صورت «چندان» اصلاح شود.
- صص. ۲۸ و ۲۹: از دو زبانی و چند زبانی صحبت به میان آمده است.
- برای diglossia معادل دوزبانگونی و multiliglossia معادل چندزبانگونی انتخاب شود.
- اسامی نویسندگان باید به صورت ایرانیک باشد (در سراسر متن رعایت شود).
- اسامی لاتین نویسندگان در پانوشت بیاید.
- منابع مقاله نخست به صورت APA مرتب نشده است.
- «گومپرز» به صورت «گامپرز» اصلاح شود.
- در صفحه ۱۳ به صورت «پیدجین» ولی در صفحه ۳۱ «پی‌جین» آمده است.
- واژه کرئول در صفحه ۱۳ باید به صورت کریول تصحیح شود.
- در همان صفحه ۱۳ از پیدجین و کرئول به عنوان نظریه زبانی نام برده شده است که این دو گونه‌های زبان میانجی هستند نه نظریه زبانی.
- صفحه ۳۱ معادل «فونولوژی» به صورت «آواشناسی» درج شود.
- صفحه ۳۴ مورفولوژیکی با صرفی فرقی ندارد (یکی زاید است).
- بعد از اسم نویسنده در داخل پرانتز در برخی موارد کاما (ویرگول) فراموش شده است.
- «ارانسکی» به صورت «آرانسکی» تصحیح شود (صفحه ۳۴).
- در این مقاله مطالب بسیاری از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود (نرسیسیانس، ۱۹۸۶) نقل قول کرده‌اند. به نظر می‌رسد مطالب نقل شده خود از منابع

## مباحثی در دوزبانگی از دیدگاه علوم اجتماعی ۲۷۳

دیگری اخذ شده باشند (مطالب مربوط به وسعت امپراطوری ساسانیان، تقسیم‌بندی جامعه ایران در صفحات ۳۴ و ۳۵).

- در مقاله نخست که دیرتر از مقاله دوم چاپ شده است معادل دیگلووسیا نیامده است ولی در این مقاله (مقاله دوم) معادل درست آن به کار رفته است.
- در منابع صفحه ۴۰ عنوان مقاله‌ای که در مجله زبان‌شناسی چاپ شده است دیگلووسیا در ایران و سال چاپ ۱۳۶۵ است. در حالی که در مقاله دوم که گویا همان منبع مورد اشاره در صفحه ۴۰ است عنوان مقاله «دوزبانگی در ایران» و سال نشر آن در پاورقی ۱۳۶۴ است.
- در صفحه ۴۸: پانویست ۳ در متن به صورت انگلیسی ثبت شده است.
- در صفحه ۵۰: ... «نون بیار» تلفظ کرد بهتر است به صورت ادا کرد بیاید.
- در مقاله مفهوم دوزبانگونی توضیح داده شده است و به تشریح گونه‌های زبانی فارسی از این منظر پرداخته شده است. به نسبت استفاده از منابع در این مقاله خوب بوده است. ارجاع درون متنی باید تصحیح شود. منبع برخی از مطالب نیز نامشخص است.
- منبع مقاله دوم به صورت APA مرتب شود.
- صفحات ۶۰ و ۶۱ مطالبی نظری آورده شده است که منبع آن‌ها نامشخص است.
- شاید بهتر بود در مقدمه و پیش‌گفتار کمی در زمینه دوزبانگی، دوزبانگونی و سایر اصطلاحات و تعریف‌های متعدد توضیح داده می‌شد. بدین ترتیب خواننده با چشمانی بازتر به خواندن مطالب مقالات همت می‌گمارد. چپ‌نشین مقالات نیز می‌توانست جهت انسجام بیشتر تغییر یابد.

## ۲۷۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- مقاله آخر که تنها به ارتباط زبان‌شناسی و انسان‌شناسی می‌پردازد می‌توانست در مقدمه یا به عنوان مقاله نخست بیاید، سپس مقاله «زبان و توصیف مدل-های دوزبانی از دیدگاه شناختی» و ... .
- اشکالات تایپی بسیار کم است. صفحه‌آرایی اثر بسیار مناسب است و صحافی نیز مشکلی ندارد. طرح جلد نیز مناسب است.
- در صفحه ۶۹ Giles به صورت جایلز آمده است، فکر می‌کنم گیلز مناسب‌تر باشد. همان صفحه منبع (ریتزر، ۱۹۸۸) به صورت درون متنی آمده است اما در منابع انتهایی نیامده است.
- منبع مطالب ۷۰ تا ۷۲ مشخص نیست.
- منابع صفحه ۷۵ و ۷۶ به صورت APA مرتب شود.
- صفحه ۸۱ «مقدمتاً» باید با اصطلاح مناسب‌تری جایگزین شود.
- «تنگ‌نظرانه» در دو خط آمده است (ص. ۸۱)
- برخی پانوشته‌ها تکرار شده‌اند مانند diglossia صفحات ۴۵ و ۸۳.
- توصیف وجهه بالا و پایین در دوزبان‌گویی در برخی مقالات تکرار شده است.
- مولف محترم می‌توانستند در هر مورد برای مطالعه بیشتر خواننده را به سایر مقالات و صفحات آن ارجاع دهند.
- صفحه ۸۷ منبع نامشخص در پایین صفحه.
- مولف محترم معمولاً در مقالات بسیار از خود ارجاع داده‌اند که شاید در نگاه نخست چندان برای خواننده جذاب نباشد.
- در مقاله دوزبان‌گویی و دوفرهنگ‌گویی کمتر به مسأله دوفرهنگی پرداخته شده است. رابطه این دو نیز در متن مقاله به صورت مفصل تشریح نشده است.
- منابع صفحه ۹۲ به صورت APA مرتب شود.

## مباحثی در دوزبانگی از دیدگاه علوم اجتماعی ۲۷۵

- ۶ صفحه نخست مقاله پنجم در مقاله چهارم نیز آمده است. معادل‌ها در این مقاله در درون متن آمده‌اند که منجر به ناهمخوانی فرمت مقاله شده است.
- صفحه ۱۰۰ فضای خالی وجود دارد (مشکل صفحه‌آرایی).
- در مقاله پنجم بعد از نتیجه‌گیری مبحث عوامل موثر در دوزبانگی مطرح شده است که به نظر می‌رسد مشکل در صفحه‌آرایی باشد (چینش نادرست مطالب). منبع جدول صفحه ۱۰۵ و ۱۰۶ نامشخص است در عنوان مقاله آمده است «دوزبان‌گونی و کدهای محدود و مفصل» ولی در متن مقاله تنها حدود یک صفحه به بحث کد محدود و تفصیلی اشاره شده است.
- منابع صفحه ۱۰۸ به صورت APA مرتب شود.
- در مقاله ششم نمایشگاه آثار پاراجانف به صورت پانویس توضیح داده شود.
- صفحه ۱۱۷: «غیر تضادمند» چندان ملموس نیست.
- صفحه ۱۱۸: معادل «corpus» «بدنه» آمده است، «پیکره» معادل مناسب‌تری است. پاراگراف اول باید به صورت پانویس در ابتدای مقاله می‌آمد. در مجموع این مقاله هر چند به چارچوب نظری خاصی وابسته نیست اما تحلیل کیفی نسبتاً خوبی ارائه کرده است.
- منابع صفحه ۱۳۶ و ۱۳۷ به صورت APA مرتب شود.
- آدرس مقاله ششم و هفتم که پیش از این چاپ شده‌اند، در پانویس کامل نیست.
- در مقاله «مردم‌نگاری ارتباطات زنان ارمنی» روش انجام پژوهش به خوبی تبیین شده است.
- صفحه ۱۴۵: وارداف به انگلیسی نوشته شده است.
- صفحه ۱۴۶: ویرگول بعد از هایمز اضافی است.

## ۲۷۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- در این مقاله مسأله دوزبانگی چندان پررنگ مطرح نشده است. البته مقاله مسأله بسیار جالب از منظر علوم اجتماعی ارتباطات زنان ارمنی را در مهمانی‌های قهوه‌خوری توصیف می‌کند.
- منابع صفحات ۱۵۹ و ۱۶۰ به صورت APA مرتب شود.
- در صفحه ۱۶۳ گامپرز و کامینز اصلاح شود. گامپرز نیازی به پانوشت ندارد.
- در مقاله زبان و توصیف مدل‌های دوزبانی از دیدگاه شناختی طرق دو زبانه شده بدون ذکر منبع آمده است. به نظر می‌رسد ذکر این مطلب در ابتدای مقاله مناسب نیست و بهتر بود پس از تعریف دوزبانگی و ارائه دیدگاه‌های مختلف چنین عنوانی مطرح می‌شد. متأسفانه در این مقاله منبع شکل‌ها نیز مشخص نیست. ترتیب شکل‌ها نیز نامشخص است.
- در ابتدای مقاله آمده است نظر سوسور، چامسکی، ساپیر و وورف در مورد دوزبانگی در مقاله ذکر خواهد شد در صورتی که تنها به آرای این دانشمندان در حوزه‌های دیگر پرداخته شده است. همچنین هنگامی که خواننده دیدگاه شناختی را در عنوان مقاله می‌خواند انتظار دارد مطلبی در مورد لیکاف و لانکاگر و یا سایر دانشمندان شناختی مطالعه کند که در این مقاله چنین انتظاری برآورده نمی‌شود.
- منابع صفحات ۱۷۹ و ۱۸۰ به صورت APA تنظیم شود. به طور کلی انسجام مطالب در هر مقاله می‌توانست بهتر باشد. تحلیل ارائه شده در این مقاله نیز خلاقانه است و بسیار ارزشمند.
- صفحه ۲۰۰: «ینسن» به جای «جنسن» به کار رود.
- سال نخستین چاپ مقاله دهم مشخص نیست. انسجام مورد انتظار در این مقاله دیده نمی‌شود. بحث هوش، ناتوانی یادگیری و ... از منابع دست اول نقل شده است مانند DSM و ... .

## مباحثی در دوزبانگی از دیدگاه علوم اجتماعی ۲۷۷

- مطلب مربوط به نقد رویکرد نقش‌گرا در جامعه‌شناسی زبان، مدل دویبعدی برای دوزبان‌گونگی و همچنین زبان و هویت از انسجام مقاله کاسته است. مقاله حاضر چندان در تبیین رشد شناختی و عاطفی افراد دوزبانه موفق نبوده است و باید از منظری روان‌شناختی به این پدیده اجتماعی (دوزبانگی) نگاه می‌شد.
- منابع صفحه ۲۱۵ تا ۲۱۸ به صورت APA مرتب شود.
- در صفحه ۲۲۲ عنوان پایین صفحه به صفحه بعد انتقال یابد.
- عبارت «به سال پیش از هر سال» در مقاله یازدهم چندان رایج نیست. در صفحه ۲۲۴ اسامی نویسندگان در متن به انگلیسی آمده است که باید به فارسی نوشته شوند.
- در این مقاله نیز قطعه‌هایی از مطالب مختلف آمده است: نظر چامسکی در مورد ژرف ساخت و روساخت، توانش ارتباطی و شناختی و فراگیری زبان دوم و فرضیه ساپیرو و وورف که تنها مورد اخیر به صورت مستقیم به رابطه و نقش زبان‌شناسی در انسان‌شناسی می‌پردازد. مقاله چندان انسجام ندارد.
- منابع صفحات ۲۳۲ و ۲۳۳ به صورت APA مرتب شود.
- نمایه موضوعی کتاب از مزایای کتاب است که دسترسی به مطالب را آسان‌تر می‌کند. فونت حروف مختلف بهتر است تغییر پیدا کند.
- در نمایه موضوعی صفحه ۲۳۹ دوزبان‌گونگی مدخل شده است و در صفحه ۲۴۰ دیگلوسیا که شاید بهتر باشد ابتدا متن تصحیح شود و بعد از یکسان‌سازی عبارات نمایه نیز اصلاح شود.



## «ریشه‌شناسی و اشتقاق در زبان فارسی»

مؤلف: جواد برومند سعید

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال نشر: ۱۳۸۳

نوبت چاپ: اول

محل نشر: کرمان

تعداد صفحات: ۴۵۶

این کتاب در واقع مجموعه‌ی مقاله‌های مختلف و پراکنده‌ای است که در نشریه‌های مختلف در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۷۹ چاپ شده است. از آن جایی که مقاله‌ها به همان صورت اولیه در این کتاب گردآمده‌اند، در مطالب کتاب نظم و انسجام معمول و مورد انتظار وجود ندارد و به دلیل نوع و نحوه‌ی ارائه‌ی مطالب، برای تدریس (به عنوان منبع درسی) چندان مناسب نیست. کتاب بررسی ریشه‌شناختی افعال در زبان فارسی تألیف دکتر یدالله منصوری و جمیله حسن‌زاده از انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی که در سال ۱۳۸۷ چاپ شده است می‌تواند به عنوان کتاب آموزشی مناسب و جایگزین استفاده شود.

- بسیاری از جمله‌ها روشن و روان هستند اما گاهی رسایی جمله‌ها دچار اختلال شده است (مانند سطر ۱۲ از صفحه ۹ «آب گوگرد در شکم او ایجاد نفخ و سبب هلاکت او می‌شد»)
- بعضی از جمله‌ها سبک و سیاق قدیمی دارد (مانند جمله‌های پاراگراف اول از صفحه ۱۹، و پاراگراف اول از صفحه ۲۰ و ...)

## ۲۸۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- اصولاً از نظر هماهنگی با سبک فارسی امروز، متن کتاب نیاز به بازبینی و ویرایش دارد.
- اغلب مقاله‌ها و بخش‌های کتاب بدون مقدمه آغاز شده‌اند و بدون نتیجه‌گیری به پایان رسیده‌اند.
- از نظر استفاده از علائم نقطه‌گذاری، بسیار اشکال دارد، و در بسیاری از موارد علامت مناسب استفاده نشده است (مانند پاراگراف ۳ از صفحه ۹، پاراگراف‌های ۱ و ۲ از صفحه ۱۰، ...).
- فاصله‌گذاری‌ها اشکال دارد (مثلاً سطر ۲ از صفحه ۱۰، سطرهای ۷ و ۹ از صفحه ۱۷۵، و ...).
- «آ» در بسیاری از موارد بدون علامت «مد» تایپ شده (مثلاً در پاراگراف ماقبل آخر از صفحه ۳۱).
- حرف اضافه «به» در موارد متعددی به واژه بعد از خود چسبیده است (مثلاً در سطر ۱ از صفحه ۱۰، سطر ۶ از آخر در صفحه ۱۹، ...).
- از اصطلاحات تخصصی زیادی در کتاب استفاده نشده است.
- در مقاله «زبان فارسی گفتاری» واژه‌های «واج» و «صوت» به تناوب و در یک معنای واحد به کار رفته‌اند.
- در صفحه ۳۵ گفته شده که «ع» واج است (که البته نادرست است).
- در کتاب از صامت و مصوت و واکه به تناوب استفاده شده است (یعنی هم اصطلاحات قدیمی‌تر به کار رفته‌اند و هم اصطلاحات جدیدتر) که بهتر بود یک-دستی در کتاب رعایت می‌شد.
- در صفحه ۳۴ از اصطلاح «غنه‌ای شدن» در مفهومی نادرست استفاده شده است.
- عنوان اثر با محتوای آن انطباق کامل ندارد و بعضاً به مطالبی که به ریشه‌شناسی و اشتقاق ارتباط چندانی ندارد پرداخته شده است مانند مقاله‌های «پیدایش زبان فارسی» و «زبان فارسی گفتاری».

## ریشه‌شناسی و اشتقاق در زبان فارسی ۲۸۱

- اصولاً این اثر برای تدریس مناسب نیست زیرا نوع مطالب و نحوهٔ ارائهٔ مطالب به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را به عنوان منبع درسی استفاده کرد. در واقع این کتاب متشکل از چندین مقالهٔ پراکنده و مختلف در مورد بعضی از ریشه‌های قدیمی و واژه‌های مشتق از آن‌ها است که نویسندهٔ محترم در مجله‌های مختلف منتشر کرده و اکنون به صورت یک‌جا در این کتاب ارائه کرده است.
- بسیاری از ریشه‌شناسی‌هایی که نویسندهٔ محترم مطرح کرده (به گفتهٔ خودشان) صرفاً پیشنهاد است و در نتیجه سند و منبع خاصی برای استدلال‌های مربوط به آن‌ها ارائه نشده است (به عنوان مثال رجوع شود به مقالهٔ «زینال» در صفحهٔ ۹۷)؛ در نتیجه به آسانی نمی‌توان در مورد میزان روزآمدی داده‌ها و صحت و سقم اطلاعات ارائه شده داوری کرد.
- نویسندهٔ محترم در تحلیل‌های ریشه‌شناختی خود گاهی پیشنهاد‌های نو و تازه‌ای را مطرح می‌کنن که صحت و سقم آن‌ها نیاز به بررسی دارد (مانند تحلیل‌هایی که از ترتیل (صفحهٔ ۱۲۶)، لالایی (صفحهٔ ۱۴۷)، نای (صفحهٔ ۱۵۲)، کرم (صفحهٔ ۱۹۲)، گلیم (صفحهٔ ۱۹۳) و ...).
- نویسندهٔ محترم در ارائهٔ مقاله‌ها ترتیب تاریخی را مد نظر قرار داده‌اند و مقاله‌ها را از قدیم به جدید ارائه کرده‌اند.
- تا حدودی از منابع موجود (گلدنر، کنت، هوبشمان و ...) برای تبیین موضوعات مورد بحث استفاده شده است. البته نویسنده محترم می‌توانستند از این آثار و آثار سایر ایران‌شناسان بیشتر استفاده کنند.
- نویسندهٔ محترم تنها هنگامی که از محققان ایرانی مطلبی را نقل می‌کند و نیز هنگامی که شاهد و مثال ذکر می‌کند منبع را نقل کرده است، اما هنگام اشاره به آرای پژوهشگران غیر ایرانی، منبع مورد استفاده را ذکر نکرده و تنها به ذکر نام پژوهشگر مورد نظر اکتفا کرده است. در فهرست منابع نیز به این آثار اشاره‌ای نشده و تنها کتاب‌ها و منابعی فهرست شده‌اند که نویسندهٔ مثال‌ها و شاهد‌های

## ۲۸۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

خود را از آن‌ها گرفته است. برخی از این آثار در زیرنویس صفحات مربوطه معرفی شده‌اند.

- به طور خلاصه نکات مثبت و منفی عبارتند از:
- الف- نکات مربوط به صورت و شکل اثر:
- از نظر زبانی و فنی متن به ویرایش نیاز دارد.
- از نظر رعایت فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها و استفاده درست از علائم سجاوندی متن به ویرایش و اصلاح نیاز دارد.
- برخی اشکالات تایپی وجود دارد (مثلاً صفحه ۱۹ سطر ۶ از آخر «نیاگان»، صفحه ۳۷ سطر ۳ «یادداشت»، صفحه ۱۵۵ سطر ۱ «واژه‌نامه‌ها»).
- ب- نکات مربوط به محتوا
- برای بسیاری از ریشه‌شناسی‌ها سند و منبع ذکر نشده است و در نتیجه مشخص نیست تا چه حد می‌توان به درستی آن‌ها اطمینان کرد (مانند «ترتیل» در صفحه ۱۲۶، «طاق و طرم» و «طاق و ترنب» در صفحه ۱۴۰، «لالایی» در صفحه ۱۴۷، و ...)
- گاهی معنای ریشه مورد بحث ذکر نشده است مانند “pat” در صفحه ۱۰۶.
- نحوه ارائه اطلاعات و همچنین اطلاعاتی که برای هر ریشه و واژه‌های مشتق از آن ارائه می‌شود هماهنگ و یک‌دست نیست.
- در مقاله «کرمان» (صفحه ۱۸۳)، بسیاری از اطلاعات ارائه شده مربوط به مسائل جغرافیایی و اقتصادی و ... است نه ریشه‌شناسی.

## «فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو»

مؤلف: محمد حسن دوست

ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

سال نشر: ۱۳۸۹

نوبت چاپ: اول

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۱۱۸۹ - (دو جلدی)

- به لحاظ روانی و رسایی اثر نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد عدم وجود راهنمای علائم آوانگاری از یک سو و سایر علائم استفاده شده در متن مانند ستاره (\*) و قواعد واجی و نیز یکسان نبودن علائم آوانگاری استفاده شده در نمونه‌های ارائه شده در متن است. با توجه به این که کتاب با موضوع بررسی گویش‌ها تدوین شده است. این ویژگی تأثیر منفی بر رسایی متن گذاشته است.
- در کل متن قواعد ویرایش رعایت شده است ولی در مواردی بعضی علائم از قلم افتاده‌اند. در مواردی نیز شیوه‌ارائه مطالب یکدست نیست، به عنوان مثال در یک پاراگراف برای اسامی معادل انگلیسی یا آوانویسی ارائه شده است و در یک پاراگراف نشده است. در مواردی نیز بعضی از علائم و نشانه‌ها مربوط به ارائه نمونه‌های واجی در ایرانی باستان و نو از قلم افتاده یا اشتباه است که برخی از آن‌ها با ذکر شماره صفحه به شرح زیر است:
  - ✓ در صفحه هفده، عنوان گویش‌ها در داخل پرانتز آوانویسی شده است (واج‌نویسی باید در میان دوخط مورب و آوانویسی داخل کروشه نوشته شود)، در حالی که این اسلوب نیز در سایر بخش‌های همان صفحه هفده یا شانزده به صورت

## ۲۸۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

یکسان رعایت نشده است. در عین حال در مواردی نظیر صفحه هفده خط دوم، تلفظ فارسی با آوانویسی همخوانی ندارد.

✓ وارتاشن (Vartašen)، شکی (Šeki)، دیویچی (Divici)، و لاگیچ (Logic): شایان ذکر است که در آوانویسی حرف ابتدای کلمات بزرگ نمی‌شود

✓ در مواردی مانند صفحه هفده شماره ۲ برخلاف سایر موارد ابتدا عنوان انگلیسی را آورده‌اند (بدون این که داخل پرانتز باشد) و بعد در داخل کروشه با استفاده از علامت مساوی و دونقطه معادل فارسی آمده است که این نکات تأییدی است بر عدم یکسانی و یک‌دستی علائم استفاده شده.

✓ در صفحه نوزده نیز به نظر می‌رسد در تلفظ مکان‌ها یا تلفظ فارسی آن‌ها صحیح است یا تلفظی که با حروف انگلیسی یا علائم آوانگاری ارائه شده است. چون در اغلب این موارد دو تلفظ با هم همخوانی ندارد (نگاه کنید به مثال‌های ارائه شده در بخش VI و VIII کتاب).

✓ در صفحه بیست II از ستاره و علائمی استفاده شده است که درک آن بدون راهنما دشوار است.

- طرح جلد بسیار ساده است. مسلم است که می‌توانست جذاب‌تر شود اگر به گونه‌ای بود که محتوا به نوعی منعکس می‌شد. البته در فرهنگ‌ها عموماً طرح جلد ساده است ولی با توجه به این که این فرهنگ گویشی است می‌تواند متفاوت باشد. بهتر بود پاراگراف‌ها حاشیه‌دار می‌شدند و در بخش کلیات در مواردی که شماره‌گذاری شده‌اند نیز فاصله بین پاراگراف‌ها بهتر است بیشتر از سایر خطوط باشد. همچنین در بخش پیش‌گفتار که مطالب بسیار زیاد هستند (صفحه ده و یازده) بهتر است این نکته رعایت شود.
- فونت صفحه‌های اول کتاب (پیش‌گفتار تا حدود صفحه پانزده) کم‌رنگ‌تر از فونت سایر صفحه‌های کتاب است.

## فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو ۲۸۵

- این کتاب به عنوان مرجع و برای مقایسه بعضی از خصوصیات آوایی گویش‌ها و زبان‌های ایرانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. کتاب برای درس خاصی تدوین نشده است و بیشتر جنبه پژوهشی دارد.
- اگر فهرست اعلام و جدول استفاده می‌شد در فهم‌پذیری آن به دانشجویان کمک می‌شد. اگر از نمودار و جدول برای نشان‌دادن رابطه بین گویش‌ها و در مواردی مقایسه آن‌ها در بخش کلیات استفاده می‌شد بر غنای اثر افزوده می‌شد.
- اصطلاحات تخصصی محدودی که در بخش کلیات ارائه شده‌اند (با توجه به موضوع کتاب که فرهنگ است) بدون توضیح کافی آمده‌اند. اگر کمی در مورد آن‌ها توضیح داده می‌شد کتاب برای افراد مختلف می‌توانست بیشتر مورد استفاده قرار گیرد.
- در اثر حاضر در مواردی به ریشه باستانی لغات اشاره نشده است. البته نویسنده محترم در صفحه یازده به این نکته اشاره کرده‌اند. با این وجود بحث ریشه کلمات کامل نیست و فقط در مواردی به ذکر ریشه کلمات مبادرت ورزیده‌اند.
- به طور کلی نظم منطقی و انسجام مطالب خوب است ولی در مواردی به نظر می‌رسد بهتر است تغییراتی اعمال شود (در طبقه‌بندی واژه‌ها و ارائه فهرست اختصارات).
- بسیاری از منابع نویسنده‌های داخلی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و از منابع خارجی بیشتر استفاده کرده‌اند (همراه با ذکر شماره صفحه).
- به طور کلی در اثر ارجاع به منابع به طور مستقیم نبوده است.
- در بخش پیش‌گفتار کمی نسبت به پژوهشگران داخلی کم‌لطفی شده است و جملاتی بیان شده است که در یک اثر علمی چندان شایسته نیست (صفحه ده).
- تعریف گویش و زبان بهتر بود در ابتدا ارائه می‌شد. به ویژه تعریف گویش با توجه به طبقه‌بندی که از گویش‌ها ارائه شده است اهمیت دارد. به عنوان مثال صفحه ۲۲ درباره استی از اصطلاح زبان استفاده کرده‌اند و همچنین برای اشکاشمی، اورموری، برتنگی، بلوچی، کردی و چند مورد دیگر، ولی برای لری، گیلکی و ... از گویش

## ۲۸۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- استفاده شده است. بهتر بود مبنای این طبقه بندی‌ها و تعاریف زبان و گویش ارائه می‌شد. چون در این زمینه معمولاً اتفاق نظر وجود ندارد.
- به طور کلی شیوه به کار رفته در معرفی زبان‌ها و گویش‌ها (بر مبنای الفبا) (صفحه بیست و دو تا سی و یک) کمی گیج‌کننده است، اگر نویسنده محترم با ارائه نمودار درختی نیز زبان‌ها و گویش‌ها را معرفی می‌کردند، رابطه بین آن‌ها ملموس‌تر می‌شد و دنبال کردن مطالب نیز ساده‌تر می‌شد.
  - صفحه سی و سه بخش III شماره ۲ خط چهارم نوشته است: «نیز قس «الفعدن» (جمع کردن و اندوختن) که مشتق است از ...»، مشخص نیست که منظور چیست و ارتباطش با مبحث مورد نظر چیست، بسیار گنگ است. بهتر بود مشخص می‌شد که چرا بدون ذکر شماره و نیز آوا نویسی مطرح شده است.
  - صفحه سی و چهار بخش VI خیلی گنگ است. در این مبحث نوشته شده است «در مجموعه لغات زبان‌ها و گویش‌های ایرانی دسته شرقی گاهی به لغاتی بر می‌خوریم که در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی دسته غربی تاکنون دیده نشده است» ولی در ادامه همه لغات ذکر شده را هم در دسته شرقی و هم در دسته غربی معادل‌یابی کرده‌اند.
  - صفحه سی و چهار پاراگراف اول نمونه‌های ارائه شده همه با مصدر مورد نظر «خواندن» به نوعی ارتباط دارند بجز خط دوم «یزغلامی» که مصدر «نشان دادن» را مطرح کرده است و بهتر بود در این مبحث مطرح نمی‌شد. همان پاراگراف خط سوم معادل فارسی را surudan آورده است، در حالی که sorudan به نظر صحیح است. باز هم عدم یکدستی در علائم آوانگاری در این جا به چشم می‌خورد.
  - در صفحه سی و شش پاراگراف اول نویسنده محترم ذکر کرده‌اند که تقسیم بندی یاد شده از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو، اساساً پراکندگی جغرافیای مد نظر بوده است و در ادامه بر مبنای ویژگی‌های زبان‌شناختی تقسیم‌بندی دیگری ارائه داده‌اند. مناسب‌تر است که ایشان ذکر کنند که تقسیم‌بندی‌های فوق بر مبنای کدام منبع است. آیا از سوی خود ایشان صورت گرفته است؟

## فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو ۲۸۷

- صفحه سی و شش در پاراگراف دوم برای جداکردن عنوان گویش‌ها از کاما استفاده شده است: زبان‌های فارسی (در ایران)، تاجیکی (در جمهوری تاجیکستان)، دری (در افغانستان)، لری، کومزاری، لارستانی، بشکردی، تاتی (در جمهوری آذربایجان) و ... با این شیوه نگارش دو شبهه ممکن است ایجاد شود: اول این که به نظر می‌رسد در شروع جمله فارسی چند زبان است و دوم اینکه لری، کومزاری و ... در جمهوری آذربایجان هستند. بهتر است که از علائم سجاوندی بیشتری استفاده شود یا این که تصریح شود تا شبهه‌ای ایجاد نشود. در عین حال به نظر می‌رسد در این تقسیم بندی «لری» یک زبان در نظر گرفته شده است که این بر خلاف طبقه بندی صفحه بیست و نه است.
- صفحه سی و شش پاراگراف سوم (این بار به جای «زبان» که لفظ مورد استفاده در پاراگراف دوم بود از اصطلاح گویش استفاده شده است حتی درباره کردی.
- در صفحه سی و شش که اشاره به طبقه بندی زبان‌ها بر اساس ویژگی‌های زبان‌شناختی شده است، بهتر بود که برخی از ویژگی‌های زبان‌شناختی که در طبقه بندی دخیل بوده‌اند نیز مطرح می‌شد. در حال حاضر نویسنده با اشاره به منطقه جغرافیایی گویش‌ها و با توجه به این که به عنوان مثال گویش سیوندی و بلوچی در جنوب و جنوب شرقی ایران رایجند ولی در شاخه شمالی دسته غربی طبقه بندی شده‌اند به طبقه بندی بر مبنای ویژگی‌های زبان‌شناختی اشاره کرده است.
- به طور کلی منظور از واج ایرانی باستان چیست؟ بهتر است که نویسنده محترم تعریفی برای اصطلاحات به کار رفته ارائه دهد.
- صفحه سی و هشت، بخش V گفته شده است که واج ایران باستان  $\theta$  به  $r$  تخول یافته است. در تمام نمونه‌های ذکر شده در این میحث  $\theta$  پیش از  $r$  قرار داشته است. پس شاید یک نتیجه گیری هم حذف این آوا در بعضی از نمونه‌ها باشد. بر چه مبنایی چنین نتیجه گیری شده است؟ آیا از منبع مشخصی نقل قول شده است؟ (puθra در آشتیانی شده است pur)

## ۲۸۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- به این شیوه که بعضی از تحولات واجی ارائه شده است، پرسش‌های بسیاری در ذهن خواننده آشنا با مفاهیم زبان‌شناسی ایجاد می‌شود و بی‌پاسخ می‌ماند. بهتر بود که نویسنده محترم کمی این مباحث را با ذکر ادله بیشتر بسط می‌دادند.
- صفحه سی و نه در VI که درباره واج‌های مرکب است بهتر بود به توالی دو همخوان آغازی اشاره می‌شد. نویسنده گفته است که در گویش‌های شمالی این واج مرکب باقی مانده است. در حالی که در مثال‌ها و شواهد ارائه شده واژه‌های در ابتدا یا بین دو همخوان قرار گرفته است و توالی دو همخوان آغازی بر هم خورده است. به عنوان مثال (spaka) به معنی سگ، در گویش‌های شمالی تبدیل شده است به *espa, sIba*.
- نمونه‌هایی از آوانویسی واژه‌ها در زبان فارسی به چشم می‌خورد که کمی با آوانویسی‌های رایج متفاوت است، بهتر بود منابع آن ارائه می‌شد. به عنوان مثال در صفحه سی و هفت: سوزن (sōzan)، یا در صفحه سی و نه: بلند (buland)
- به طور کلی درباره مطالب ارائه شده از سی و دو تا پنجاه و پنج که از علائم تخصصی واج‌نگاری و نمایش قواعد واجی استفاده شده است عدم وجود راهنما درک مطالب را کمی دشوار می‌کند. بهتر است که فهرستی ارائه شود و علائم توضیح داده شوند با توجه به این که کتاب فرهنگ است و لزوماً زبان‌شناسان را مخاطب قرار نمی‌دهد.
- در توضیحات خصوصیات آوایی و لغوی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی بیشتر به همخوان توجه شده است. در حالی که اگر به تغییرات واژه‌ای نیز اشاره‌ای می‌شد بعد وسیع‌تری از تفاوت‌ها و شباهت‌ها به تصویر در می‌آمد.
- صفحه سی و نه: VII (قاعده واجی ارائه شده در پرنانتز مرتبط نیست یا ناقص است.  $\langle rz \rangle^*$ )
- صفحه چهل: در بیان قاعده واجی (تغییر واج) واج ایرانی باستان در سمت راست و واج یکی از گویش‌های نو در سمت چپ است ولی ارائه مثال‌ها و نمونه‌ها برعکس.

## فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو ۲۸۹

به لحاظ دیداری امری بهتر است که الگوی ثابتی در ارائه قاعده و مثال‌ها به کار رود.

- صفحهٔ چهارم شماره I خط دوم الگوی ارائهٔ نمونه با سایر نمونه‌ها متفاوت است. به این ترتیب که ابتدا واژهٔ پشتو بعد معادل فارسی (معنی) واژه آمده است و سپس معادل ایرانی باستان آن.
- صفحهٔ چهارم شماره I و II با توجه به این‌که تغییرات و تحولات یک واج را در جایگاه ابتدایی نشان می‌دهند بهتر بود زیرمجموعهٔ هم می‌بودند و به تنهایی مطرح نمی‌شدند. در عین حال آیا دربارهٔ سایر واج‌ها هم با توجه به جایگاه ابتدایی یا میانی یا پایانی بررسی صورت گرفته است؟ نتایج بررسی چه بوده است؟ به عنوان مثال وقتی در شمارهٔ III واج -g\* تنها در جایگاه ابتدایی مطرح شده است این نشانهٔ چیست؟ این‌که در سایر جایگاه‌ها هم به همین صورت بوده است یا خیر؟ بهتر است کمی شفاف‌تر توضیحات ارائه شود.
- صفحهٔ چهارم و یک شمارهٔ V که -xt- میانی را بررسی می‌کند، واج‌های گویش‌های نو بدون علامت دو خط تیره که به جایگاه آن‌ها اشاره می‌کند هستند. در حاکی در سایر موارد جایگاه نشان داده شده است. همین مسأله در مورد شمارهٔ IX/VIII و شمارهٔ XI، XIII، XV، XVII، XVIII، XX، XXIII، XXIV، XXV، XXX، XXXI، XXXIV، XXXV، XXXVI که همگی واج را در جایگاه میانی بررسی می‌کند به چشم می‌خورد. همچنین در شمارهٔ VII اولین و آخرین نمونه، شمارهٔ XIX پنجمین نمونه، شمارهٔ XXI اولین نمونه، شمارهٔ XXII و XXXVII کل نمونه‌ها که به جایگاه آغازین اشاره می‌کنند، خط تیره فراموش شده است - در نمونه‌های XXXII و XXXIII به طور کلی علامتی که نشان‌دهندهٔ جایگاه باشد دیده نمی‌شود، نه در ایرانی باستان و نه در گویش‌های جدید.
- در صفحهٔ چهارم و یک به شمارهٔ ۷ نمونه یکی مانده به آخر نیز توجه شود.
- صفحهٔ چهارم و دو شمارهٔ VII نمونهٔ یکی مانده به آخر خط دوم (هم همین‌طور نمونهٔ دوم) معادل فارسی واژهٔ انتهای خط باید بعد از معادل ایرانی باستان بیاید.

## ۲۹۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

همین امر در مورد صفحه‌ی چهل و چهار شماره‌ی XII نمونه‌ی اول «اُستی» انتهای خط صادق است. و همین‌طور شماره‌ی XV نمونه‌ی آخر صفحه‌ی چهل و شش و صفحه‌ی چهل و هفت شماره‌ی XXI نمونه‌ی سوم در صفحه‌ی چهل و هشت، همچنین صفحه‌ی پنجاه و چهار شماره‌ی XXXVII نمونه‌ی اول.

- اگر نویسنده‌ی محترم به برخی از تحولات واج‌های واکه‌ای نیز اشاره می‌کرد یا نمونه‌ای طرح می‌کرد بهتر بود.
- آیا این تحلیل از سوی نویسنده و تنها با داده‌های ارائه شده در مثال‌ها مطرح شده است یا ایشان بر مبنای داده‌های بیشتری بررسی را انجام داده‌اند و تنها نمونه‌ای را در این جا ذکر کرده‌اند؟ اگر تحقیقات پیشین را نقل قول می‌کنند از پژوهشگران دیگر بهتر بود که به نام آن‌ها و پژوهش‌هایشان ارجاع داده می‌شد.
- در ارائه‌ی نمونه‌ها از صفحه‌ی چهل تا پنجاه و پنج بهتر بود طبقه‌بندی ریزتری هم ارائه می‌شد. نویسنده برای ارائه‌ی مطالب این بخش زبان‌هایی را که از آن‌ها مثال آورده است مبنا قرار داده است و بر اساس حروف الفبا زبان‌ها را که در نمونه‌های مختلف با هم فرق دارند را فهرست کرده است. در حالی که آنچه در این میان مهم است زبان‌ها نیست بلکه تغییرات واج است.
- نویسنده‌ی محترم می‌توانست تبدیل یک واج به واج دیگر را نشان دهد و بعد از زبان‌های مختلف مثال ارائه دهد. به این ترتیب از یکسو طبقه‌بندی دقیق‌تر و از سوی دیگر به لحاظ دیداری ساده‌تر می‌شد و شباهت میان زبان‌ها با توجه به تغییرات مشخص‌تر می‌شد.
- در ارائه‌ی فهرست منابع مواردی به چشم می‌خورد که عنوان نویسنده، کتاب و حتی عنوان مقاله اصلی در دو یا سه مورد یکسان است و تنها شماره صفحه و زیر عنوان‌ها فرق می‌کند. به عنوان مثال، در صفحه پنجاه و نه 'Isfahan', D. Stili که سه بار پشت سر هم در منابع آمده است در حالی که صفحات مورد استفاده نزدیک به هم است و در واقع می‌توان نام نویسنده و کتاب را تنها یک بار آورد، همین‌گونه است صفحه شصت و هفت Edelman, D.I.

## فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو ۲۹۱

- در مورد اختصارات نام زبان‌ها به نظر می‌رسد الگوی قابل پیش‌بینی مد نظر نبوده است و با توجه به تعداد زیاد زبان‌ها پیش‌بینی و درک عنوان زبان با توجه به علائم اختصاری بسیار دشوار است. نویسنده محترم در کنار ذکر عنوان اختصاری زبان در داخل پرانتز عنوان کامل آن را به زبان فارسی آورده است. این امر موجب می‌شود که خواننده فارسی زبان از عنوان کامل فارسی استفاده کند و به این ترتیب تنها کار برای فردی که به زبان فارسی تسلط ندارد دشوار می‌شود و باید حتماً از راهنمای آن علائم در صفحه دیگر استفاده نماید. نکته دیگری که کار برای استفاده از علائم اختصاری دشوار می‌کند این است که در واقع در واژه‌های مختلف نمونه‌های ارائه شده از زبان‌ها یکسان نیست. به عبارتی همه واژه‌ها در همه زبان‌ها معادل‌یابی نشده‌اند. با توجه به این نکته که جای کافی برای نوشتن نام کامل زبان به لاتین وجود دارد، شاید استفاده از عنوان کامل زبان به لاتین مناسب‌تر باشد.
- در ارائه معادل‌ها هم‌چنان‌که مطرح شد معادل‌ها در همه زبان‌ها و گویش‌ها بررسی نشده‌اند. به عبارتی در بعضی موارد یک واژه در بسیاری از زبان‌ها بررسی شده است و در مواردی هم تنها در چند زبان به ارائه نمونه پرداخته شده است. بهتر بود نویسنده محترم در این مورد بیشتر توضیح می‌دادند. به عنوان مثال در صفحه ۷ واژه آذرخش، صاعقه در زبان لری معادلی ندارد، علت چیست؟ این پرسش در حالی مطرح است که معادل بسیاری از این واژه‌ها در قالب پرسشنامه در طرح‌های مختلفی از جمله طرح جهاد کشاورزی در جمع‌آوری نمونه‌های گویشی و نیز طرح اطلس گویش‌شناسی ایران توسط سازمان میراث فرهنگی جمع‌آوری شده‌اند که نویسنده محترم می‌توانستند از آن منابع نیز استفاده نمایند. همچنین پایان‌نامه‌های گویشی فراوانی نیز تاکنون انجام شده‌اند که می‌توانند در این زمینه یاری‌بخش باشند.
- در نگارش فرهنگ از علائم آوانگاری یکدست استفاده نشده است. به عنوان مثال، در صفحه ۸ در فهرست واژه‌های معادل آسمان در فارسی  $\bar{a} / \bar{a}sm\bar{a}n$  نشانه

## ۲۹۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

صدای (آ) است ولی در صفحه ۹ در تالشی /â / , âsmun نمایاننده همین آوا است.

- در بخش پیش‌گفتار مطالبی بیان شده است که بهتر است یک کتاب علمی عنوان نشود. ذکر چنین مطالبی می‌تواند به عنوان توهین به تلاش‌های سایر پژوهشگران تلقی شود (صفحه ده پاراگراف دوم). چگونه است که نویسنده محترم از هیچ یک از آثار از پیشکسوتان و پژوهشگران نامی در زمینه گویش‌ها و زبان‌های ایران است استفاده نکرده‌اند؟

- در مواردی در فهرست معادل یک واژه در گویش و زبان‌های مختلف، در مورد یک گویش خاص به ریشه باستانی آن اشاره و مراحل تحول آن نیز نشان داده شده است. البته نویسنده محترم در پیش‌گفتار این مسأله را متذکر شده‌اند. با توجه به این که درصد کمی از واژه‌ها به این صورت ریشه‌یابی شده‌اند، این پرسش مطرح می‌شود که چرا در مورد این گویش به خصوص اطلاعات ریشه‌شناختی ارائه شده است و چرا فقط درباره یک واژه خاص، به عبارتی در چنین شرایطی ارائه ریشه‌ها بسیار تصادفی به نظر می‌رسد. اگر این‌گونه نیست و الگوی خاصی وجود دارد (منبعی درباره یک زبان یا گویش به خصوص)، بهتر بود در پیش‌گفتار توضیح میسوط‌تری درباره این موارد ارائه می‌شد. علاوه بر این به نظر می‌رسد که ایشان مواردی را که خود استنباط کرده‌اند و مواردی را که از منابع در دسترس نوشته‌اند را در داخل گروه قرار داده‌اند که به این ترتیب تفاوت میان آن‌ها مشخص نمی‌شود.

- نویسنده در بخش پیش‌گفتار اشاره کرده‌اند که فهرست اختصارات را غالباً بر اساس استانداردهای پذیرفته شده در آثار محققان اروپایی ثبت کرده‌اند، اگر کمی در مورد چگونگی و شیوه ساختن اختصارات توضیح داده می‌شد، شاید کمی از پیچیدگی درک اختصارات کاسته می‌شد.

- به نظر می‌رسد که در مورد برخی از گویش‌هایی که در فهرست اختصارات گویش‌ها و زبان‌ها به آن‌ها اشاره شده است هیچ‌گونه معادل‌یابی برای واژه‌ها صورت

## فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو ۲۹۳

نگرفته است. به عنوان مثال، «راکی» یا «عربی». بهتر بود در گویش‌ها و زبان‌هایی که هدف این پژوهش بوده‌اند به طور مشخص‌تری فهرست می‌شدند.

- به طور کلی در این فرهنگ در مواردی که گویش‌های مرتبط به یک زبان فهرست شده‌اند، ابتدا واژه موردنظر را نوشته‌اند و بعد علامت اختصاری آن گویش را. در صفحه ۱۰ در مدخل کردی خط آخر چند واژه مطرح شده است ولی بعد از آن علامت اختصاری که نشان دهد این واژه‌ها مربوط به کدام گونه زبانی است دیده نمی‌شود. همین اتفاق در مورد بهدینی نیز افتاده است و نیز در موارد دیگری رخ داده است. دو پرسش این‌جا مطرح است که آیا گویش‌های مختلف یک زبان این‌گونه فهرست شده‌اند یا لهجه‌های مختلف. مثلاً آیا کردی جنوبی یا شمالی خود گویش است یا تقسیم‌بندی‌های ریزتری را شامل می‌شود که البته می‌شود. شاید بهتر بود چند گویش اصلی مطرح می‌شد و طبقه‌بندی کردی به شمالی و جنوبی در فهرست موضوعی واژه‌ها عنوان نمی‌شد.

- با توجه به این که خواننده‌ها غالباً همه علامت‌های اختصاری را به یاد نمی‌آورند، بهتر بود در مطرح کردن معادل‌های یک واژه زبان‌ها با توجه به عنوان فارسی یا نوشتار کامل لاتین فهرست می‌شدند و علامت اختصاری در داخل پرانتز می‌آمد. در مورد اختصارات غالباً واژه بعد از همخوان آغازی حذف شده است و بنابراین به عنوان مثال ابتدا "siv" برای سیوندی آمده است و سپس "skt" که معادل سنسکریت است که به نظر کمی دور از انتظار است.

- با توجه به این که گویش‌های ایرانی نو مد نظر بوده است علاوه بر استفاده از پایان‌نامه‌ها، کتب و مقالات داخلی، استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده توسط سازمان‌های پژوهشی گوناگون همچون میراث فرهنگی و جهاد کشاورزی می‌توانستند با سفر به استان‌ها دست‌کم درباره بعضی از زبان‌ها و گویش‌های بسیار شناخته شده همچون لری به جمع‌آوری داده اقدام کنند تا دست‌کم بعضی از لغات رایج همچون بیابان، زمین، دریا و کوه و غیره در این زبان‌ها بدون معادل نمی‌ماند.

## ۲۹۴ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- بهتر می‌بود به جای طبقه‌بندی واژه‌ها ذیل عنوان گیاهان و میوه‌ها که هم سبزی‌ها هم میوه هم درخت و گل و شکوفه را در بر می‌گیرد، میوه‌ها و سبزی‌ها جدا و گیاهان در مقوله واژه‌های مربوط به طبیعت همچون خاک، آب، کوه و زمین قرار می‌گرفت.
- صفحه ده ایشان گفته‌اند که بعضی از واژه‌هایی که در سفر به استهبان جمع‌آوری کرده‌اند با علامت ستاره بر بالای آن‌ها مشخص شده‌اند، در حالی که از علامت ستاره در موارد دیگری نیز استفاده شده است (صفحه سی و دو تا پنجاه و پنج). بهتر بود که می‌گفتند که ستاره در سمت راست بالای لغت قرار می‌گیرد چون ستاره در سمت چپ با اهداف دیگری آمده‌اند. در عین حال به نظر می‌رسد که تعداد واژه‌هایی که از این گویش ارائه شده است بسیار اندک است، به عنوان مثال از میان ۳۸ واژه مرتبط با پدیده‌های طبیعی تنها برای چهار واژه معادل از گویش استهبانی ارائه شده است. به این ترتیب آیا افزودن این واژه‌ها لازم بوده است؟
- در صفحه هفتاد و یک در مورد اصفهانی دو مدخل آمده است (اصفهانی و اصفهانی یهودی) چرا همانند زبان‌گونه‌های مختلف کردی، پشتو، گورانی و غیره اصفهانی یهودی را ذیل اصفهانی نیآورده‌اند؟ (توضیح به صورت پانوشت).
- در طبقه بندی واژه‌ها در مبحث زمان صفحه ۵۹، چرا واژه‌های دیر/زود را نیآورده است. به طور کلی این دو واژه ذیل هیچ موضوعی در فرهنگ معادل یابی نشده‌اند.
- صفحه ۷۲ معادل فارسی واژه اکنون که خود فارسی رسمی است و معادل محاوره‌ای آن حالا و الآن می‌باشد به این شرح ارائه شده است: *aknūn/kunūn/nūn/ dar/īsā* آیا چنین واژه‌هایی در فارسی امروز رایج است؟
- در پیشگفتار صفحه اول دو پاراگراف آخر و صفحه دوم به طور کلی این برداشت از شیوه انشای نویسنده محترم ایجاد می‌شود که ایشان منابع داخلی را چندان معتبر و ارزشمند نمی‌دانند. چطور خواننده به این منبع که به غرور علمی مبتلا است می‌تواند اعتماد کند؟

## «زبان‌شناسی عملی (راهنمای بررسی گویش‌ها)»

مؤلف: ویلیام سامارین

مترجم: لطیف عطاری

ویراستار: علی صلح‌جو

ناشر: نشر مرکز دانشگاهی

سال نشر: ۱۳۸۷

نوبت ویراست: دوم

محل نشر: تهران

تعداد صفحات: ۳۵۵

- اثر حاضر پیشگفتار مترجم، پیشگفتار نویسنده، فهرست مطالب تفصیلی، پیوست، کتابنامه و واژه‌نامه دارد.
- کتاب ویراست دوم کتابی است که در سال ۱۳۶۳ چاپ شده بود.
- طرح روی جلد خوب است، جذاب و مرتبط با موضوع است.
- بهتر بود که فاصله پاراگراف‌ها در مقایسه با خط‌ها بیشتر باشد.
- نثر ترجمه روان و خوب است.
- صفحه ۸ پاراگراف آخر سه خط مانده به انتها بعد از نقطه جمله با «و» شروع است و دو جمله به هم مرتبط هستند. بهتر است نقطه حذف شود.
- در صفحه ۸ از کار پژوهش در محل، پژوهش در محل استفاده شده است و در صفحه ۹ از کار در محل.

## ۲۹۶ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- صفحه ۹ پاراگراف اول دو خط آخر به جای واژه کمک در «تاریخ ... را نمی‌توان بدون اعتراف به کمک زبان‌شناسانی که ..... بررسی کرد»، شاید بهتر است بگوییم بدون اعتراف به نقش ... .
- مطالب ارائه شده در پاراگراف اول مقدمه مترجم در جلب خواننده به این کتاب و ارائه تصویری از موضوع کتاب چندان موفق نیست. تعداد جملاتی که زبان را توصیف می‌کنند بسیار زیاد است و بیشتر جنبه شاعرانه دارد.
- در صفحه ۱۵ نیز از عبارات «در محل کار» و «مردمی که زبان‌شناس در میان آنها کار می‌کند» استفاده شده است. می‌توان معادل مناسب‌تری را برای این موارد ارائه داد.
- به طور کلی معادل‌های ارائه شده برای اصطلاحات تخصصی مناسب هستند و با معادل‌های رایج در حیطه زبان‌شناسی مطابقت دارند.
- فونت آوانویسی‌های انتهای صفحه ۲۴۵ مناسب و خوانا نیستند.
- بهتر بود اسم مکان‌هایی که در صفحه ۲۴۵ داخل پرانتز ارائه شده‌اند، ترجمه می‌شدند یا این‌که به خط فارسی نوشته می‌شدند نه انگلیسی.
- اندازه فونت استفاده شده در جدول نشانه‌های زیر و زبری صفحه ۱۲۷ خیلی ریز است.
- پاراگراف اول صفحه ۲۰۷ جمله‌ها کمی سلیس نیستند که بیشتر حاصل چند نکته دستوری و معادل‌یابی برای واژه‌های غیر تخصصی است.
- در صفحه ۲۰۶ عبارت «در تملک ناشی از مرور زمان خانواده‌های معینی است»، مبهم است.
- صفحه ۱۵۳ پاراگراف آخر، «آوانویسی یک متن باید جای کافی برای اصلاحات بعدی هم داشته باشد» بهتر است گفته شود که «متن آوانویسی شده ...».
- صفحه ۳۲ دو خط مانده به انتها، واژه‌های «همفکر» و «همسلیقه» بهتر است جدا نوشته شوند.

## زبان‌شناسی عملی (راهنمای بررسی گویش‌ها) ۲۹۷

- همان صفحه پاراگراف دوم «اولین روش برای دوری گزیدن از برخی مسائل و حریف شدن با مسائل دیگر ...»، عبارت «حریف شدن با مسائل دیگر» چندان گویا نیست.
- به طور کلی سیاست نگارشی کتاب متصل کردن «ها»ی جمع به واژه است، ولی در مواردی نظیر: صفحه ۴۴ «بررسیهایی» یا صفحه ۴۵ «گوناگونیها»، صفحه ۳۰۴ «دستورالعملهایی»، چسباندن «ها» به لحاظ شکلی واژه را پیچیده کرده است.
- در صفحه ۴۵ جمله «مطمئناً در کار کردن صرفاً با یک گویشور خطراتی وجود دارد و ...» روان نیست و کمی ساختار جمله ترجمه شده بیش از اندازه تحت تأثیر زبان مبدأ قرار گرفته است.
- در مواردی بیش از اندازه از ویرگول استفاده شده است. پاراگراف دوم صفحه ۴۶، صفحه ۲۱۸ پاراگراف آخر. صفحه ۵۳ پاراگراف اول و سوم (...گویشور در روابط خود با پژوهشگر، وقتی که پژوهشگر نمی‌تواند واژه‌ها را ... یا واژه‌هایی را که قبلاً به دست آورده، فراموش می‌کند و از این قبیل، ...).
- به طور کلی مواردی دیده می‌شود که در استفاده از علائم سجاوندی می‌توان تغییراتی اعمال کرد (صفحه ۲۷۷ بخش صرف و نحو چند خط اول پاراگراف اول).
- مواردی نیز وجود دارد که کاربرد دو نقطه ضروری به نظر نمی‌رسد (صفحه ۸۶ دو خط مانده به پایان پاراگراف اول).
- صفحه ۶۴ پاراگراف چهار: «گویشوری که صرفاً دقیق است، ممکن است خود را ... مقداری که شایستگی‌اش را دارد در مورد زبان صحبت کند»، می‌توان معادل مناسب‌تری را جایگزین «صرفاً دقیق است» و «شایستگی‌اش» کرد.
- صفحه ۲۱۸: مترجم محترم برای اشاره به گفته، از واحد «عده‌ای دیگر» استفاده کرده‌اند. همچنین در صفحه ۱۷۸ برای «عبارات» از واحد «مقداری» استفاده کرده‌اند. در هر دو مورد و موارد نظیر بهتر است از واژه «تعدادی» استفاده شود.
- صفحه ۱۵۶ مورد «ب» نقطه آن در متن اصلی از قلم افتاده است.
- صفحات ۲۴۸ و ۲۴۹ بسیار ریز و ناخوانا هستند.

## ۲۹۸ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

- برای تسهیل دنبال کردن مطالب و نیز ایجاد امکان جستجو دربارهٔ مطالبی خاص، بهتر است عناوین تقسیم‌بندی‌های ریزتری که با شماره مشخص شده‌اند، **bold** شود و یا برای تایپ آن‌ها از فونت بزرگتر و یا ایرانیک استفاده شود (به عنوان مثال صفحات ۲۲۰ و ۲۲۱).
- عباراتی نظیر «استخراج برنامه‌ریزی شده» یا «استخراج تحلیلی» که در صفحات ۱۵۸ و ۱۶۳ عنوان یک مبحث هستند، در فهرست اصطلاحات پایانی ذکر نشده‌اند. اگر معادل انگلیسی چنین مواردی از سوی مترجم محترم در پانوشت ذکر شود به غنای مطالب افزوده می‌شود.
- در فهرست واژه‌ها صفحه ۳۱۸ شماره ۶۵، واژهٔ “swim” به اشتباه “swin” چاپ شده است.
- به‌طور کلی کیفیت چاپ حروف در فهرست ۲۰۰ واژه‌ای و ۱۰۰ واژه‌ای چندان خوب نیست.

## فهرست داوران به ترتیب حروف الفبا:

ارجمندنیا، علی اکبر- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران  
امینی، رضا- عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه  
آهنگر، عباس علی- عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان  
ایمانی، محمود - نویسنده و پژوهشگر  
بیات، علی- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران  
تاج‌الدین، ضیاء الدین- عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی  
تفکری رضائی، شجاع- عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه  
درزی، علی- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران  
دستغیب، اقدس- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (بازنشسته)  
دین محمدی، غلامرضا- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران  
راسخ مهند، محمد- عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی همدان  
رستم‌بیک تفرشی، آتوسا- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رضایی باغ‌بیدی، حسن- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران  
رمضانی، احمد- عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش  
سلطانی، سید علی اصغر- عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم قم  
شعیری، حمید رضا- عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس  
صفا، پریش- عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس  
صفایی اصل، اسماعیل- نویسنده و پژوهشگر  
عربانی دانا، علی- نویسنده و پژوهشگر  
علوی، فریده- عضو هیئت علمی دانشگاه تهران  
غلام‌علی زاده، خسرو- عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه  
فخر روحانی، محمد رضا- عضو هیئت علمی دانشگاه قم

### ۳۰۰ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

فهیم، منصور - عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (بازنشسته)  
قطره، فریبا - عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء  
قیطوری، عامر - عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه  
کامبوزیا، عالیه - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس  
کریمی مطهر، جان الله - عضو هیئت علمی دانشگاه تهران  
گلفام، ارسلان - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس  
مدرسی، گلناز - عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی  
نامور مطلق، بهمن - عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی  
نبوی، لطف الله - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس  
واحدی لنگرودی، محمد مهدی - عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

## نمایه کتب و مؤلفین:

ردیف	عنوان	نویسنده	مترجم	ناشر	سال نشر
۱	زبان و مسائل دانش	چامسکی، نوآم	علی درزی	آگه	۱۳۷۷
۲	تحول زبان	آر-ال- تراسک	ارسلان گلفام	دانشگاه تهران	۱۳۸۲
۳	سیر زبان‌شناسی	مشکوه الدینی، مهدی		دانشگاه فردوسی مشهد	۱۳۷۶
۴	زبان‌شناسی (درآمدی بر زبان و ارتباط)	آکماجین، آندرین، ریچارد آ، آن و فارمر، ک.	غلامعلی زاده، خسرو	دانشگاه رازی کرمانشاه	۱۳۷۵
۵	تفکر و زبان (رشته روان‌شناسی)	علوی، کامران		دانشگاه پیام نور	۱۳۸۹
۶	زبان‌شناسی دکارتی: فصلی از تاریخ تفکر عقلگرا	چامسکی، نوآم	احمد طاهریان	هرمس	۱۳۸۹
۷	زبان‌شناسی: مقدمه‌ای بر زبان و ارتباط	اکماجیان و همکاران		ام. آی. تی	۱۹۹۰
۸	زبان و زبان‌شناسی	جولیا فالک		رهنما (افست)	۱۳۶۳
۹	دوره زبان‌شناسی عمومی	فردینان دوسوسور	کوروش صفوی	هرمس	۱۳۷۸
۱۰	درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر جلد ۱ و ۲	اگرادی، ویلیام و همکاران	درزی، علی	سمت	۱۳۸۰
۱۱	نگاهی به زبان	یول، جورج	حیدری، نسرين	سمت	۱۳۷۹
۱۲	مطالعه زبان	یول، جورج		کمبریج	۱۹۸۶
۱۳	کلیات زبان‌شناسی	فرخ پی، محمود		سمت	۱۳۸۳
۱۴	درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر	اگرادی و همکاران		لانگمن	۲۰۰۹
۱۵	عمومی دیلچیلیک (زبان‌شناسی عمومی)	حسین زاده، علی (داشقین)		تبریز: اختر	۱۳۸۸
۱۶	زبان‌شناسی نظری (انتشارات سخن)	دبیر مقدم، محمد		سخن	۱۳۷۸
۱۷	زبان‌شناسی نظری (انتشارات سمت)	دبیر مقدم، محمد		سمت	۱۳۸۳

## ۳۰۲ نقدنامه کتب و متون زبان‌شناسی

ردیف	عنوان	نویسنده	مترجم	ناشر	سال نشر
۱۸	تاریخ مختصر زبان شناسی ساختگرا	متیوس، پیتز	گندمکار، راحله	قطره	۱۳۸۹
۱۹	مکاتب زبان شناسی نوین در غرب	سورن، پیتراام	حق شناس، علی محمد	سمت	۱۳۸۸
۲۰	تاریخ زبان‌شناسی	سورن، پیتراام	حق شناس، علی محمد	سمت	۱۳۸۹
۲۱	ساخت زبان فارسی	غلامعلی‌زاده، خسرو		احیاء کتاب	۱۳۷۷
۲۲	نحو زبان فارسی بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی	میر عمادی، سید علی		سمت	۱۳۷۶
۲۳	نحو زبان فارسی و انگلیسی در قالب برنامه کمینگی	میر عمادی، سید علی		فرهیخته	۱۳۸۱
۲۴	دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری	مشکوه‌الدینی، مهدی		دانشگاه فردوسی مشهد	۱۳۷۹
۲۵	دستور جهانی چامسکی	کوک و نیوسن		واپلی - بلکول	۲۰۰۷
۲۶	آواشناسی زبان فارسی	ثمره، یدالله		مرکز نشر دانشگاهی	۱۳۸۱
۲۷	واج‌شناسی: نظام آوایی زبان	هایمن، ام. لاری	ثمره، یدالله	فرهنگ معاصر	۱۳۶۸
۲۸	واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی	باقری، مه‌ری		قطره	۱۳۸۰
۲۹	آواشناسی زبان عربی	ابراهیم انیس		دار النهضه العربیه (۱۳۴۰)	۱۹۶۱
۳۰	درآمدی بر روان‌شناسی زبان	دنی استاینبرگ	گلفام، ارسلان	سمت	۱۳۸۱
۳۱	روان‌شناسی و یادگیری زبان	لئونتی‌یف، آلکسی آلکسی‌یویچ	فرهمندپور، امیر	مرکز نشر دانشگاهی	۱۳۷۴
۳۲	زبان و ذهن	چامسکی، نوام	صفوی، کورش	هرمس	۱۳۸۷
۳۳	زبان‌شناسی و آسیب‌شناسی زبان	نیلی‌پور، رضا		شهر کتاب، هرمس	۱۳۸۹
۳۴	مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان شناختی	لاینز، جان	واله، حسین	گام نو	۱۳۸۳
۳۵	درآمدی بر معناشناسی	صفوی، کوروش		سازمان تبلیغات اسلامی (سوره)	۱۳۷۹

### نمایه کتب و مؤلفین ۳۰۳

ردیف	عنوان	نویسنده	مترجم	ناشر	سال نشر
۳۶	منطق در زبان‌شناسی	صفوی، کوروش		سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری	۱۳۸۰
۳۷	درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم	راسخ‌مهند، محمد		سمت	۱۳۹۰
۳۸	در جستجوی نشانه‌ها (نشانه‌شناسی، ادبیات، و اسازی)	کالر، جان‌اتان	لیلا صادقی، تینا امراللهی؛ ویرایش فرزانه سجودی	علم	۱۳۸۸
۳۹	کاربرد شناسی زبان	یول، جورج	محمد عموزاده مهدیرچی، منوچهر توانگر	سمت	۱۳۸۳
۴۰	معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی	ساسانی، فرهاد		علم	۱۳۸۹
۴۱	مبانی زبان‌شناسی متن	البرزی‌ورکی، پرویز		امیرکبیر	۱۳۸۶
۴۲	زبان روزنامه	ری، دانوتا	به کوشش فریده حق‌بین؛ ترجمه وجیهه عزیزآبادی‌فراهانی. .. [و دیگران]	علم	۱۳۸۸
۴۳	مباحثی در دوزبانگی از دیدگاه علوم اجتماعی	ترسیسیانس، امیلیا		سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)	۱۳۸۲
۴۴	ریشه‌شناسی و اشتقاق در زبان فارسی	برومند سعید، جواد		مرکز کرمان‌شناسی (دانشگاه شهید باهنر کرمان)	۱۳۸۲
۴۵	فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو	حسن‌دوست، محمد		فرهنگستان زبان و ادب فارسی	۱۳۸۹
۴۶	زبان‌شناسی عملی: راهنمای بررسی گویش‌ها	سامارین، ویلیام	عطاری، لطیف	مرکز نشر دانشگاهی	۱۳۸۷

**A Critique Letter on Humanities**  
**Langustics**

Janullah Karimi

Ahmad Ramazani



Institute for Humanities  
and  
Cultural Studies  
Tehran, 2014